



پوهنتون سلام
پوهنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
معینیت امور علمی

تربیت در روشنی قرآن کریم
(تفسیر موضوعی)
(رساله ماستری)

محصل: نصیر احمد "عمری"

استاد رهنما: دکتور فصیح الله "عبدالباقي"

۱۳۹۸ هـ ش / ۱۴۴۱ هـ ق / ۲۰۲۰ م.

سال:



پوهنتون سلام

پوهنځی شرعیات و قانون

پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



دولت جمهوری اسلامی افغانستان

وزارت تحصیلات عالی

معینیت امور علمی

تربیت در روشنی قرآن کریم

(تفسیر موضوعی)

(رسالة ماستری)

محصل: نصیر احمد "عمری"

استاد رهنما: دکتور فصیح الله "عبد الباقي"

۱۳۹۸ هـ.ش / ۱۴۴۱ هـ.ق / ۲۰۲۰ م.

سال:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دیارتمنت تفسیر و حدیث

بورد ماستری

تصدیق نامه

محترم نصیر احمد ولد فقیر محمد ID: SH-MST-96-312 محصل دور سوم تفسیر و حدیث
 که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: تربیت در روشنی قرآن کریم
 به روز شنبه تاریخ ۱۳۹۸/۱۰/۲۸ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس
 بررسی هیات تحکیم مستحق ۸۶ (نمره به عدد) هشتاد و شش (نمره به حروف) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

شماره	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	دکتور مصباح الله عبدالباقی	عضو هیات	
۲	دکتور فضل الهادی وزین	عضو هیات	
۳	دکتور فصیح الله عبدالباقی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... امر بورد ماستری

اهداء

- به روح و روان سردار دو عالم حضرت رسول اکرم ﷺ که شفاعتش را آرزومندم .
- به پدر و مادر مهربانم که جوان ترین ایام عمر گران بهای شان را در تربیه و تعلیم من صرف کردند و زحمات و سختی های زیادی را بر خود متحمل شدند.
- به همسرگرامی ام که به خاطر چنین آرزویی درینۀ تحصیلی ام مرا تشویق و ترغیب نمودند.
- به جوانان نیکو سیرت که به زیور اخلاق آراسته اند.
- به پدران، مادران و متریبان دلسوز که در تربیۀ اولاد و متریبان شان بابت حفظ اخلاق همت گماشته و در تکوین شخصیت اخلاقی فرزندان و متریبان خویش هیچ گونه غفلت نکرده اند.
- به استاد گران مایه و دانشمند فرهیخته استاد دکتور فصیح الله "عبدالباقی" که در هر قدم فراسوی تکمیل دورۀ کارشناسی ارشد یاورم بودند و در راستایی زیبایی آفرینی این بحث از هیچ عنایتی فروگذار نشدند.
- و به همه نو نهالان آبرومند و خواننده گان و جوانان هدفمند که سرمایه های اصیل ملت؛ وارثین و فرزندان رشید مکتب تربیت که حیات بخش اساسی اسلام اند. تهیه نموده ام، تا بتوانند در تمام ابعاد زندگی از تربیت اسلامی و قرآنی پیروی نمایند، تا به صفت یک مربی و معلم موفق و کامیاب به جامعه تقدیم شوند و سبب خیر، فلاح و سعادت جامعه اسلامی گردند.

این تلاش ناچیز را تقدیم می دارم

نصیر احمد "عمری"

شکر و تقدیر

بعد از حمد و ثنا الله متعال که لایق و سزاوار شأن عظمت اوست برای این که بر من انعام نموده و مرا از جمله ای طلاب این علم شریف گردانیده است؛ زیرا شرف علم از شرف معلوم دانسته می‌شود، و آن علم، کلام الله متعال است.

تشکر و سپاس فراوان از والدین گرامی، برادران، خواهران و همسر گرامی ام که در راستای پرورش دینی و ارزشهای اخلاقی من زحمات و تکالیف زیادی را متقبل شدند، و مرا در طلب علم تشویق و ترغیب نمودند، و نیز امکانات مادی و معنوی را در دسترس من قرار دادند، الله متعال آنها را در پناه خود حفظ داشته، و برای هر یک شان جزای خیر عنایت فرماید.

و نیز تشکری و سپاس گزاری ویژه می‌نمایم از استاد رهنمایم: دکتر فصیح الله "عبدالباقی" که در تهیه و ترتیب این رساله تحقیقی با وجود مصروفیت‌ها با کمال صبر و حوصله مندی مرا همکاری و رهنمایی صادقانه نمودند، الله متعال ایشان را از شر هر حاسد و از آفات زمینی و آسمانی در همه ابعاد زندگی محفوظ داشته، و فوز دارین را برای شان آرزو مندم.

و همچنان از اعضاء ای هیئت ژوری که مناقشه این رساله را پذیرفتند اظهار امتنان می‌نمایم. و جا دارد که اظهار سپاس و قدردانی نمایم از پوهنتون سلام و از پوهنخی شرعیات و اساتید گرامی و از همه کارمندان (به خصوص برنامه ماستری) این پوهنتون که در این مرکز اکادمیک شب و روز صادقانه تلاش می‌ورزند. و نیز از وزارت تحصیلات عالی که این زمینه را برای جوانان و علاقه مندان در همچو شرایط مساعد نموده تقدیر می‌نمایم و از الله متعال برای شان توفیق مزید را خواهانم. در اخیر از تمام همکاران و دوستان که در طول مرحله ماستری از لحاظ مادی و معنوی و همچنان در تکمیل و غنی سازی این رساله با من همکاری های همه جانبه نموده اند، امتنان و سپاسگزاری می‌نمایم.

خلاصه بحث

این رساله تحت عنوان: تربیت در روشنی قرآن کریم (بحث موضوعی) بوده، و این موضوع در جامعه از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد، و بسیاری از مردم در رابطه به دین مبین اسلام و خصوصاً برنامه‌های تربیتی چنان تصور دارند که گویا پیرامون آن هیچ توجهی صورت نگرفته. بدین لحاظ یک عده زیادی از ایشان این تصور را دارند که اسلام صرف به مسائل حلال و حرام و قضایای عقیده توجه داشته و بس، این فهم ناقص نسبت به اسلام عده زیادی از نسل جوان ما را به دامن بی‌دینی برده و آنها را در پی الگوهای غیر اسلامی کشانده، لذا همه جوانب مختلف زندگی که از آن جمله تربیت در روشنی آموزه‌های قرآنی باید سپری نموده، تا در نتیجه سعادت حقیقی دنیا و آخرت حاصل شود.

و این رساله مشتمل بر مقدمه، و فصول چهار گانه که در آن از: معنای لغوی و اصطلاحی تربیت، اهمیت تربیت، مکلفیت‌ها، اشتباهات و لغزشهای مربیان در قبال زیردستان، اصول راهکارها و وسایل تربیت، انواع تربیت باطنی (تربیت روحی، تربیت عقلی، تربیت اخلاقی، تربیت عاطفی)، انواع تربیت ظاهری (تربیت بدنی، تربیت اجتماعی، تربیت اقتصادی بحث شده است. و همچنان تجارب نشان داده تربیت، یکی از نکات بسیار مهم و ضروری بوده که پدران، مادران و مربیان باید از تمام مسائل و مشکلات رفتاری و روانی فرزندان و متربیان خود در سنین مختلف آگاه باشند، و نیز در پیشنهادات به خاطر تکمیلی این رساله بعضی از یاد آوری‌های مهم و ضروری که در جریان تحصیل به آن رو برو بوده ایم ذکر کرده ام.

در مقدمه که حاوی مسئله تحقیق، اهمیت تحقیق، اسباب اختیار موضوع، سوالهای اساسی تحقیق، پیشینه و ضرورت تحقیق، روش تحقیق، اهداف تحقیق، مشکلات تحقیق به شمول خطه و پلان تحقیق تذکر داده ایم.

شکل مختصر فصول چهارگانه قرار ذیل است.

فصل اول: تربیت، مفهوم، اهمیت و روش‌های آن.

فصل دوم: خواسته‌ها و وسایل تربیت از منظر قرآن کریم.

این فصل شامل دو مبحث و هر مبحث حاوی مطالب و جزئیات می‌باشد.

فصل سوم: انواع تربیت باطنی.

فصل چهارم: انواع تربیت ظاهری.

نتیجه‌گیری.

پیشنهادات.

فهرست آیات قرآن کریم.

فهرست احادیث نبوی ﷺ.

فهرست اعلام.

مراجع و مصادر.

Research Abstract.

فهرست موضوعات

عناوین	صفحات
مقدمه	۱

فصل اول

تربیت، مفهوم، اهمیت و روش‌های آن

مبحث اول: تعریف، اهمیت و کلمات مترادف تربیت از دیدگاه قرآن کریم	۹
مطلب اول: معنای لغوی و اصطلاحی تربیت	۹
مطلب دوم: اهمیت تربیت در قرآن کریم	۱۲
مطلب سوم: کلمات و واژه‌های مترادف تربیت در قرآن کریم	۱۳
مبحث دوم: مکلفیت‌ها، اشتباهات و لغزش‌های مربیان در قبال زیر دستان از دیدگاه قرآن کریم	۱۵
مطلب اول: مکلفیت‌های مربی در قبال زیر دستان از دیدگاه قرآن کریم	۱۵
مطلب دوم: اشتباهات و لغزش‌های مربیان از دیدگاه قرآن کریم	۲۱

فصل دوم

خواسته‌ها و وسایل تربیت از منظر قرآن کریم

مبحث اول: اصول، راهکارها و وسایل تربیت از دیدگاه قرآن کریم	۲۹
مطلب اول: اصول تربیت از دیدگاه قرآن کریم	۲۹
مطلب دوم: صحنه‌های از تربیت اخلاقی در داستان‌های قرآن کریم	۳۵
مطلب سوم: اهداف و خواسته‌های تربیت اسلامی در قرآن کریم	۴۲
مبحث دوم: راهکارها و وسایل تربیت در قرآن کریم	۴۸
مطلب اول: تربیت دادن با پیشکش صحنه‌های از زندگی الگوهای شایسته	۴۸
مطلب دوم: تربیت با پند و اندرزهای قرآن کریم	۵۰
مطلب سوم: تربیت به وسیله تشویق و ترغیب به شیوه قرآن کریم	۵۵

فصل سوم

انواع تربیت باطنی

- ۶۱ **مبحث اول: تربیت روحی از دیدگاه قرآن کریم**
- ۶۱ **مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت روحی**
- ۶۱ **مطلب دوم: راهکارها و وسایل تربیت روحی از دیدگاه قرآن کریم**
- ۶۲ **مطلب سوم: نقش تربیتی عبادات (بدنی و مالی)**
- ۷۷ **مبحث دوم: تربیت عقلی از دیدگاه قرآن کریم**
- ۷۷ **مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت عقلی**
- ۷۷ **مطلب دوم: نقش قرآن کریم در تربیت عقلی انسان**
- ۷۹ **مطلب سوم: راهکارها و وسایل تربیت عقلی از دیدگاه قرآن کریم**
- ۸۱ **مبحث سوم: تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم**
- ۸۱ **مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم**
- ۸۲ **مطلب دوم: اهمیت تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم**
- ۸۳ **مطلب سوم: روشهای تربیت اخلاقی در قرآن کریم**
- ۸۸ **مبحث چهارم: تربیت عاطفی در قرآن کریم**
- ۸۸ **مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت عاطفی از دیدگاه قرآن کریم**
- ۸۸ **مطلب دوم: اهمیت تربیت عاطفی در قرآن کریم**
- ۸۹ **مطلب سوم: روشها و راهکارهای تربیت عاطفی در قرآن کریم**

فصل چهارم انواع تربیت ظاهری

۹۲	مبحث اول: تربیت بدنی در قرآن کریم.....
۹۲	مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت بدنی در قرآن کریم
۹۲	مطلب دوم: نقش قرآن کریم در تربیت بدنی
۹۴	مطلب سوم: روشهای سالم و درست تربیت بدنی در قرآن کریم
۹۶	مبحث دوم: تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم
۹۶	مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اجتماعی در قرآن کریم
۹۷	مطلب دوم: ویژهگی‌های تربیت اجتماعی در قرآن کریم
۱۰۰	مطلب سوم: راهکارها و وسایل تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم
۱۱۴	مبحث سوم: تربیت اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم
۱۱۴	مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اقتصادی در قرآن کریم
۱۱۵	مطلب دوم: اهمیت تربیت اقتصادی در قرآن کریم
۱۱۶	مطلب سوم: روشهای تربیت اقتصادی در قرآن کریم
۱۱۷	مطلب چهارم: نقش تربیت اقتصادی در نجات جامعه در پرتو قرآن کریم
۱۲۰	نتیجه گیری
۱۲۲	پیشنهادهات
۱۲۳	فهرست آیات قرآن کریم.....
۱۳۲	فهرست احادیث نبوی ﷺ.....
۱۳۵	فهرست اعلام.....
۱۳۷	فهرست مراجع و مصادر.....
۱۴۲	Research Abstract.....

مقدمه

الحمد لله الذي أحسن خلق الإنسان و خصصه بإحسان نعمة اللسان والصلوة والسلام على نبيه محمد الذي أكرمه بوظيفة الإرشاد والبيان و على آله و أصحابه هم الذين كانوا ترجمان القرآن ﷺ أما بعد؛ تربیت، یکی از نکات بسیار مهمی است که مسؤولین جامعه باید از تمام مسائل و مشکلات رفتاری و روانی افراد جامعه خود در سنین مختلف آگاه باشند و بدانند چطور با ایشان رفتار کنند تا آنها از هر لحاظ در سلامت کامل به سر ببرند بالخصوص پدران و مادران در این امر مسؤولیت بیشتر بر عهده دارند، زیرا فرزندان غیر از محیط خانه با محیط خارج از خانه هم سروکار دارند. با مسائل و مشکلات متعددی رو به رو می‌شوند که نیازمند آگاهی روش بر خورد صحیح والدین شان اند.

در قرآن کریم در مورد تربیت نکات مهم و کلیدی هست که با کمی دقت و توجه می‌توان به آنها پی برد و در زندگی روز مره، با عمل کردن به آنها بتوانیم افراد جامعه خود را با تربیت پرورش داده و با تربیت فرزندان مان جامعه ای با فرهنگ را سروسامان دهیم.

مسئله تحقیق

الله متعال انسان را به صفت خلیفه خود در روی زمین خلق نموده و برای شان مقام والای را اعطاء نموده اند، پس بر انسان لازم است که در هر لحظه از زنده گی خویش در فکر مقام و مسؤولیت خود باشد.

رسیدن به این هدف بدون تربیت ناممکن است، پس بر انسان لازم است که مطابق رهنمودهای الهی زنده گی خود را استوار ساخته و مطابق آن عمل کند.

در تاریخ بشریت دیده شده که در پهلوی رهنمایی های قرآنی بعضی شیطان‌های انسی و جنی کوشش کرده که انسان را از مسیر الهی گمراه ساخته و ایشان را بر راه های منحرف روان کند، که این کار هنوز هم جریان دارد، در جامعه افغانی ما پس داخل شدن قوت‌های اجنبی و غربی تمام ابعاد زنده گی ما را متأثر ساخته و بر آن تأثیرات منفی گذاشته اند، که از جمله بعد تربیتی هم از آن مصوون نمانده اند.

در بعد تربیتی هم کوشش شده که افراد جامعه ما را از رهنمودهای قرآنی دورتر نگاه شود، تا از اخلاق والای الهی عاری و به اخلاق مذموم و شیطان صفت مبتلا گردد که در آینده شبکه های شیطانی بتوانند، تمام پروگرام های شوم خود را به وسیله آنان به آسانی عملی سازد.

اهمیت تحقیق

خیر خواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان، تکلیفی است که بر عهده مؤمنان گذاشته شده، الله متعال در مورد چنین می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^(۱).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و اهل بیت تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ هاست حفظ کنید بر آن فرشتگانی خشن و سختگیر گمارده شده اند از آنچه الله متعال به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند.

همچنان تزکیه و تربیت نفس، از چنان اهمیتی برخوردار است که الله متعال در قرآن کریم هشت بار بر آن سوگند خورده، و تزکیه را قبل از تعلیم ذکر کرده چنانچه می‌فرماید: ﴿وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۖ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا ۖ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا ۖ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا ۖ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ۖ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ۖ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۖ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۗ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۗ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^(۲).

ترجمه: سوگند به خورشید و تابندگی‌اش، سوگند به ماه چون پی [خورشید] رود، سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد، سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت، سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده، سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده‌اش ساخت قطعاً در باخت.

بلی رستگاری و کامیابی از آن کسی است که نفیس خویش را تربیت کند و رشد و نمو دهد و از آلودگی به خلق و خوی شیطانی و گناه و عصیان و کفر پاک سازد و در حقیقت مسأله اصلی زندگی انسان نیز همین تربیت (تزکیه) است، که اگر باشد سعادت‌مند است و الا بدبخت و بینوا خواهد بود.

تحقیقی را که در رابطه به تربیت در روشنی قرآن کریم روی دست گرفته‌ام، پیرامون راه حل‌های اساسی و به نسبت‌های بزرگی که راه را برای مربیان تنگ کرده و مسئله‌های تربیتی را در اذهان‌شان گنگ و مبهم جلوه داده، تخصیص یافته است.

با مطالعه و خواندن این تحقیق ابهامات که در ذهن بعضی از افراد خطور می‌کند و باعث تشویش و اضطراب آنان می‌گردد، حل و فصل می‌شود.

بنا بر این فکر میکنم راه اندازی چنین تحقیقی از اهمیت بسزایی برخوردار است، لذا من توقع می‌برم که این تحقیق پرده از روی ابهامات و ناگفته‌های بخش تربیت قرآنی بردارد. و چراغ برفراز راه مربیان و معلمان دروس اسلام و قرآن کریم باشد، تأثیرات شگرفی روی بهبودی نظام تربیت بگذارد.

۱ - سورة التحريم: آية: ۶.

۲ - سورة الشمس: آية‌های: ۱ - ۱۰.

اسباب اختیار موضوع

- این رساله ماستری را که پیرامون موضوع تربیتی اختصاص داده ام، دارای چند علت می‌باشد:
۱. برای تکمیل نمودن مرحله ماستری که مکلفیت هر محصل است موضوعی را انتخاب و پیرامون آن تحقیق نماید. من به همین منظور موضوع مذکور را برگزیدم تا شرف تکمیل این مرحله تحصیلی را کمایی نمایم.
 ۲. در کشور عزیز ما بسیاری از موضوعات و رساله های مختلفی پیرامون دین و شریعت به زبان ملی نوشته شده است، اما مطالعات که من داشته ام تا هنوز در مورد تربیت در روشنی قرآن کریم کدام رساله مستقل به زبان ملی در قید تحریر نیامده، و ایجاب می‌کند در این مورد رساله ای نوشته شود تا مورد استفاده ای همگان قرار گیرد.
 ۳. بحث و بررسی تربیت از خلال آیات قرآن کریم در این رساله ماستری، جا گزین گردیده تا همه بدانند که قرآن کریم در این مورد چی پیام های دارد.
 ۴. علت دیگری که باعث تحریر این رساله گردید این بوده، که تعدادی از مردم شایقین تعلیم بودند اما به طرف تربیت که لازمه اصلی تعلیم است توجه بی نداشته، لذا خواستم که آنان را متوجه سازم تا همراهی تعلیم به تربیت توجه خاص مبذول نمایند.

سوال های اساسی تحقیق

پرسش‌های کلیدی این بحث قرار زیر است:

- ۱- در قرآن کریم تربیت به کدام معانی آمده است؟
- ۲- تربیت در قرآن کریم چگونه از اهمیت برخوردار اند؟
- ۳- اهداف و خواسته های تربیت در قرآن کریم چگونه بیان شده است؟
- ۴- مکلفیت‌های مربی در قبال زیر دستان کدام ها اند؟
- ۵- تربیت در قرآن کریم به کدام شیوه‌ها ذکر شده است؟
- ۶- در باره تربیت دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان با هم اختلاف نظر دارند یا خیر؟
- ۷- انواع و اقسام تربیت در روشنی قرآن کریم کدام ها اند؟
- ۸- واژه های که با تربیت معنای نزدیک دارند کدام ها اند؟
- ۹- حوزه های تربیت اسلامی در قرآن کریم چگونه مورد بحث قرار گرفته است؟
- ۱۰- آیا پند و اندرز نوع از تربیت شده می‌تواند و یا خیر؟

پیشینه و ضرورت تحقیق

اگر چه پژوهش و نوشته‌اندرباب روشهای تربیت و راهی پرورش نسل ها و اندیشه ها، پدیده‌ی نو ظهور در عرصه‌ی نامه‌نگاری و نشر آثار دعوتی در اسلام نیست، بلکه از بدو طلوع خورشید جهان تاب آزادی اسلام، این رویکرد همگانی در پروسه‌های کاری و ابلاغی پیامبر معظم اسلام ﷺ و صحابه کرام رضی الله عنهم نیز بوده است. آنچه که من روی عصاره و زاینده‌ی تحقیق خود تمرکز دهی کرده ام نه تنها وابسته به یک ملت و جغرافیای خاص است، بلکه همان طوریکه اسلام و قرآن کریم یک برنامه بین المللی و جهان شمول است، باید هر نوشته و تحقیقی که از این بحر بی کرانه گرفته می‌شود بسان دارویی شفا بخش، برای بیماران هر ملت و منطقه‌ی است؛ لذا نوشته‌ی من ابلاغیه‌ی همگانی دارد. و باید گفت: نوشته‌های دیگری نیز که در باب ابلاغ اصول و دانستنی‌های تربیت اسلامی بوده نقش خوبی ایفا کرده، ولی اکثرشان از یک طرف به زبان‌های عربی و انگلیسی بوده که برای خوانندگان این جغرافیا بعد از نشر اول کارگر و مؤثر نمی‌افتد و از طرف دیگر بعضی از آنها بسیار دراز و بعضی آن بسیار کوتاه بوده که هر دو برای فهم و درک افراد جامعه ما مفید نبوده، لذا من کوشش کردم از یک طرف رساله خود را به زبان ملی دری نوشته کرده تا همه افراد کشور عزیز ما بتوانند از آن بهره‌ی وافر ببرند و از طرف دیگر در بحث خود مسایل بسیار زنده و مهم را گنجانیدم تا برای افراد جامعه مفید و مؤثر واقع شود.

نوشته‌های خوب و مؤثری که در این باب تحریر شده، به معرفی اجمالی تعدادی از مشاهیر آن می‌پردازیم:

۱. علوان، عبدالله ناصح علوان، ۱۴۱۲ هـ. ق. ۱۹۹۲ م. *تربیه الأولاد فی الإسلام: مصر - دارالسلام للنشر والتوزیع.*
۲. عدنان حسن صالح، ۲۰۱۱ م. *مسئولیه الأب المسلم فی تربیه الولد فی مرحلة الطفولة: سعودی - جده - دار المجتمع.*
۳. حازمی، دوکتور خالد بن حامد الحازمی، ۱۴۲۰ هـ. ق. ۲۰۰۰ م. *اصول التربية الاسلامیة: مصر - قاهره - دار عالم الکتب.*
۴. زینو، محمد بن جمیل زینو، ۱۴۲۴ هـ. ق. *کیف نربی اولادنا و ما هو واجب الآباء والأبناء: ریاض - دار الصمیمی.*
۵. مدکور، دوکتور علی احمد، ۱۴۲۱ هـ. ق. *مناهج التربية اسسها وتطبيقاتها: بیروت - دار الفكر العربي.*
۶. دوکتور عثمان قدری مکانیس، ۲۰۰۱ م. *من اسالیب التربیه فی القرآن الکریم: بیروت - لبنان - دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزیع.*

از اینکه کتاب‌های فوق از یک طرف به زبان ملی ما نبوده بلکه به زبان عربی تألیف گردیده که افراد جامعه ما از آن بهره گرفته نمی‌تواند و از طرف دیگر مطالب آن هم بسیار دراز و طویل بوده که در بعض اوقات عامل خستگی مطالعه کنندگان تمام می‌شود، پس لازم دانستم که در رساله خویش هر دو مشکل فوق حل و رساله را بدسترس علاقمندان و افراد جامعه خود بگذاریم که برای شان مفید و ارزشمند تمام شود.

روش تحقیق

۱. در نوشتن رساله خود از منهج تفاسیر موضوعی استفاده کرده و محتوای مطالب را از تفاسیر آنان غنی و توثیق نمودم.
۲. منهج تفاسیر موضوعی را که همان تفسیر قرآن با قرآن یا تفسیر قرآن با احادیث و یا تفسیر قرآن از روی قواعد لغت عربی است برای خود الگو قرار داده و مطابق آن رساله خویش را تکمیل نمودم.
۳. من در این رساله تلاش ورزیده ام تا منابع خوب و معتمدی که در غنامندی نوشته هذا اثر گذار باشد و درآمد خوبی برای تحقیق شود، بنا بر این سعی نموده ام تا نوشته یی خوب و درخور ستایش به خوانندگان گرامی عرضه بدارم.
۴. در فراهم آوری این رساله، به کتابخانه ها، و منابع زیادی مراجعه کردم و از هیچ تلاشی در راستای گرد آوری دست مایه های نوشتاری، فروگذار نشدم و نیز از هیچ همتی شانه خالی نکردم تا باشد که تحقیق همه جانبه و مؤثر باشد.
۵. تلاش کرده ام منهج سلف و صالح، علماء و محققین را تعقیب کنم و در راستای انتخاب مفیدها، به راه غلط نروم.
۶. ترجمه قرآن کریم را از ParsQuran.com گرفته ام و احادیث را خودم ترجمه کرده و نیز در آن هم کوشش به خرج دادم که ترجمه مفهومی نقل شود.
۷. برای این که اصل محتوای قرآن کریم با ترجمه آن خلط نشود، ترجمه قرآن کریم را به عنوان مستقل (ترجمه:) از سر خط شروع کرده ام.
۸. شماره آیات و سوره های قرآن کریم در پاورقی هر ورق نوشته شده است.
۹. در باره احادیث نبوی ﷺ کوشش شده که از صحیحین (صحیح البخاری و صحیح مسلم) گرفته شود، مگر در صورت عدم موجودیت آن از دیگر کتب معتبر احادیث تخریح شده است.
۱۰. برای توثیق هر مسئله در پاورقی کتاب مورد نظر برای بار اول بر علاوه جلد، صفحه تمام مشخصات کتاب ذکر شده و در صورت تکرار صرف به ذکر جلد و صفحه آن اکتفا نموده ام.
۱۱. برای آیات قرآن کریم از این قوس ﴿ ﴾ و برای احادیث نبوی ﷺ از این قوس « » و برای اقوال علما و جملات معترض از این قوس ها () استفاده صورت گرفته است.
۱۲. در باره اعلام در حاشیه صرف نام شخص، نسب، بعض تألیفات و سال وفات او به طور مختصر ذکر گردیده است.

اهداف تحقیق

فلسفه وانگیزه بی خلقت جن و انس در روی زمین، همانا عبادت و پرستش الله متعال است، این به همه گان هویدا تر از آفتابِ نیمی روز است که تربیت با شیوه‌های عبادت پیوند محکم و ناگسستی دارد. و بر مبنای هدف و حکمتِ بعثتِ انبیاء علیهم السلام در زمین، یگانه برنامه‌ی کاری آنها، همانا پیوند میان تربیت و عبادت بوده است. عبادتی که سرمایه‌های آن را تربیتِ سالم و راهکارهای ایمانی و الهی تشکیل ندهد، عبادت نیست و همچنان اگر تربیتی که انسان را بسوی عبادت و پرستش یگانه خالق هستی سوق ندهد، قابل اهمیت و درخور ستایش نیست، بدین اساس من نوشته‌ی خویش را طوری روی دست گرفته‌ام که نکات و اهداف ذیل را احتوا می‌کند.

۱. معرفی کامل برنامه‌های تربیت در پرتو قرآن کریم در ابعاد مختلف زندگی عبادات، معاملات، اخلاق و غیره.

۲. چون قرآن کریم منبع اصلی همه خوبی‌های است، مگر به سبب جهل بعضی از مردم از این امر مهم بی‌خبر اند، لذا خواستم به آنان آشکار سازم که قرآن کریم به عنوان یک منبع غنی و سرشار از رهنمودهای بلند تربیتی و برنامه‌های انسان‌سازی است.

۳. نمودار ساختن شاخصه‌ها و امتیازات بلندی که اسلام عزیز و قرآن کریم در راستای تربیت دارد و هیچگاه در باب معرفی راه‌های تربیت سالم، محتاج و نیازمند اندیشه‌های منحرف غربی‌ها و هوا پرستان لا دین نبوده و نیست.

مشکلات تحقیق

تربیت در روشنی قرآن کریم از مسائل بسیار عمده و اساسی به شمار می‌رود، در جامعه ما پس از حادثه ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۱ و بعد از ورود قوای مسلح امریکا توجه مردم ما به علم زیاد شد مگر در باره تربیت که لازمه اصلی علم پنداشته می‌شود، توجه آنان کم رنگ گردید.

و از طرف دیگر غربی‌ها که برای مردم ما سخن از تربیت می‌زدند، چون سطح علم و دانش مردم ما پایین است لذا فکر می‌کردند که تربیت از دست آورد غربی‌ها است در حالیکه اسلام در پهلوی علم به تربیت زیاد تمرکز کرده و پیروان خویش را به تربیت فرا خوانده است.

خطه و پلان تحقیق

این بحث مشتمل بر یک مقدمه، چهار فصل بوده که هر فصل شامل مباحث، مطالب و جزئیات می‌باشد. و در اخیر بحث (فصل چهارم) نتیجه گیری، پیشنهادات، فهرس عمومی (آیات قرآن کریم، احادیث نبوی ﷺ، اعلام) مراجع و مصادر نیز ترتیب گردیده است.

فصل اول

تربیت، مفهوم، اهمیت و روش‌های آن

این فصل شامل دو مبحث و هر مبحث حاوی مطالب و جزئیات می‌باشد.

مبحث اول: تعریف، اهمیت و کلمات مترادف تربیت از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب اول: معنای لغوی و اصطلاحی تربیت.

مطلب دوم: اهمیت تربیت در قرآن کریم.

مطلب سوم: کلمات و واژه‌های مترادف تربیت در قرآن کریم.

مبحث دوم: مکلفیت‌ها، اشتباهات و لغزش‌های مربیان در قبال زیر دستان از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب اول: مکلفیت‌های مربی در قبال زیر دستان از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب دوم: اشتباهات و لغزش‌های مربیان از دیدگاه قرآن کریم.

مبحث اول - تعریف، اهمیت و کلمات مترادف تربیت از دیدگاه قرآن کریم

در این مبحث تعریف تربیت لغتاً و اصطلاحاً، اهمیت تربیت در قرآن کریم به تفصیل بیان و همچنان کلماتی که در قرآن کریم به جای تربیت از آن استفاده صورت گرفته مختصراً بیان می‌گردد.

مطلب اول: معنای لغوی و اصطلاحی تربیت

در این مطلب تربیت لغتاً و اصطلاحاً تعریف می‌گردد، همچنان نظریات غیر مسلمان‌ها نیز پیرامون تربیت به طور مختصر ذکر گردیده است.

الف - مفهوم لغوی تربیت

تربیت در زبان و فارسی، به معنای «پروردن، پروراندن یا آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پروردن کودک تا بالغ شدن» و به معنای «آموزش و پرورش»^(۱) هم آمده است. اهل لغت، اغلب تربیت را با توجه به ریشه «رب، یرب» تعریف کرده اند. از نگاه برخی از اهل نظر، رب و تربیت از یک ریشه اند و معنای اساسی رب، تربیت است. همچنین کتاب‌های معتبر لغت زیادی در ذیل ریشه «رب» و کتابهای تفسیر در ذیل سوره «حمد» و آیه «رب العالمین» آورده اند که «رب» با تربیت مرتبط است. علاوه بر این، برخی از کتابهای لغوی معتبر مانند لسان العرب و تاج العروس، بعضی مشتقات و آیه «تربیت» مانند «رَبِّبْ»، «تَرَبَّبْ»، «رَبِّي» و «تَرَبِّي» را به رغم این که از دو ریشه متفاوت «ربب» و «ربو» هستند، در کنار هم بیان کرده اند^(۲). با توجه به این که شکل کنونی واژه «تربیت» از ریشه «ربو» و باب تفعیل است که در این ریشه، معنای زیادت و فزونی اخذ شده، در مشتقات مختلف آن، میتوان این معنا را واکاوی نموده^(۳). قرآن، بدون تردید، آخرین و کاملترین کتاب تربیتی الهی است، ولی با وجود این، مشتقات تربیت از ریشه «رب» و «ربب» بیشتر از ریشه «ربو» در قرآن به کار رفته اند^(۴).

راغب در مفردات آورده است: «الرب في الاصل التربية... ربيت الولد من هذا (ربو) قيل: اصله من المضاعف فقلب تخفيفاً»^(۵) از ظاهر بیان کلام راغب فهمیده میشود که «تربیت» از ربو مشتق شده است، نه از «ربب»؛ بنا بر این، از نظر ایشان «ربو» ریشه اصل و «ربو» ریشه تربیت است. همچنان افرادی دیگر مانند ابن منظور در لسان العرب آورده است: «تربه و ارتبه و ربه تربية علي تحويل

۱ - علی اکبر دهخدا، لغتنامه، ج: ۱۴، ص: ۵۵۰ / حسن عمید، فرهنگ عمید، ص: ۴۲۵؛ / محمد معین، فرهنگ فارسی، ج: ۱، ص: ۱۰۶.

۲ - حسین مهدی‌زاده، «کاوشی در ریشه قرآنی واژه تربیت و پیامد معنایی آن» معرفت، ص: ۵۹.

۳ - خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص: ۳۷.

۴ - حسین مهدی‌زاده، «کاوشی در ریشه قرآنی واژه تربیت» معرفت، ص: ۵۹.

۵ - راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ماده «ربب» و «ربو»، تحقیق ندیم مرعشی.

التضعيف و ترباه علي تحويل التضعيف ايضا»^(۱) علاوه بر آن، زبیدی در تاج العروس نقل کرده است: «رب الولد والصبي يربه ربه... كربه تربيا... و ربه تربية علي تحويل التضعيف»^(۲) همچنین التحقيق في كلمات القرآن الكريم نیز آورده است که وقتی ماده «ربو» در مورد تربیت انسان به کار رود، مراد رشد و نمو و تربیت بدنی، جسمانی و مادی است، بر خلاف «تربیت» از ریشه اصلی «ربب» که به معنای سوق به سمت کمال معنوی است. تربیت انسان، پیچیده و دارای ابعاد، آثار و لوازم فراوانی مییابد. به نظر میرسد معانی متعددی مانند اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی نمودن، تأدیب، چیزی را ایجاد نمودن و به تدریج تکامل بخشیدن و حفظ و مراعات، مالکیت، صاحب، ولایت، سرپرستی، تغذیه، رشد و نمو و تتمیم، که برای ریشه «ربب» و «ربو» نقل شده است، از آثار و لوازم تربیت و سوق به سوی کمال هستند^(۳).

تربیت از ریشه رب، یرب در معانی زیر آمده است: تربیت از ماده ربب: حضانت، اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی کردن، سرپرستی، تتمیم و تکمیل و چیزی را ایجاد کردن و به تدریج تکامل بخشیدن است، سوق دادن شیء به سوی کمال^(۴).

اگر از ماده ربو باشد، اینگونه معنا شده می‌تواند: زیاد شدن، تغذیه نمودن، رشد و نمو کردن، بالا رفتن. ریشه دوم بیشتر ناظر به پرورش جسمی و مادی است، ولی اولی ناظر به پرورش سایر ابعاد می‌باشد^(۵). همچنین پروردن، پرورش دهنده، سرپرستی و رهبری کردن، رساندن به فرجام (نه به فرجام رساندن)، نیکو کردن، به تعالی و کمال رساندن، ارزنده ساختن، از افراط و تفریط درآوردن و به اعتدال بردن، استوار و متین کردن و در نهایت، اگر در باره انسان به کار رود جامعترین معنایش فرهیختن اوست^(۶).

در زبان انگلیسی، واژه «education» برای بیان معنای مورد نظر، از تربیت استفاده میشود که دارای دو ریشه است؛ این واژه از ریشه یونانی «educare» به معنای «تغذیه و خوراک دادن» یا از ریشه «educere» به معنای «بیرون کشیدن و رهنمودن به...» و به اختصار، پروردن است و روی هم رفته، از این کلمه، غذا دادن و پروردن استفاده می‌شود^(۷).

۱ - ابن منظور، لسان العرب، ماده «ربب».

۲ - محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ماده «ربب».

۳ - حسن مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، واژه «رب» / و علي همت بناری، تعامل فقه و تربیت، ص: ۵۹.

۴ - علي همت بناری، تعامل فقه و تربیت، ص: ۵۹.

۵ - علیرضا اعرافی، کلیات فقه التریبه، ج: ۱، ص: ۱۹.

۶ - بهروز رفیعی، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج: ۳، ص: ۸۹.

۷ - گاستون میالاره، معنا و حدود علوم تربیتی، ترجمه علی محمد کاران، ص: ۴۱/ غلام حسین شکوهی، مبانی و اصول آموزش و پرورش، ص:

۲۱؛ / علی همت بناری، تعامل فقه و تربیت، ص: ۵۹.

ب - مفهوم اصطلاحی تربیت

دانشمندان تعلیم و تربیت در مورد مفهوم اصطلاحی تربیت تعاریفات مختلف را ذکر کرده که بعضی از آنها قرار ذیل ارائه می‌شود:

۱. **غزالی:** عبارت از نوعی تدبیر نفس و باطن از طریق اعتدال بخشی تدریجی به قوا و تمایلات به وسیله معرفت، ریاضت و استمرار، برای نیل به انس و قرب الهی^(۱).

۲. **بیضاوی^(۲):** "الرب في الاصل بمعنى التربية، و هي تبليغ الشيء الي كماله شيئاً فشيئاً"^(۳). یعنی رب در اصل بمعنای تربیت است و تربیت عبارت از: رسانیدن چیزی بطور تدریجی و گام به گام، به پایه ای کمال و پختگی است.

۳. **راغب اصفهانی^(۴):** "الرب في الاصل التربية، و هو انشاء الشيء، حالاً فحالاً الي حد التمام"^(۵). یعنی رب در اصل به معنای تربیت است و تربیت بمعنای پرورش دادن چیزی است درجه به درجه تا که به سرحد کمال برسد.

۴. **دوکتور خالد بن حامد الحازمی:** "تنشئة الإنسان شيئاً فشيئاً في جميع جوانبه، ابتغاء سعادة الدارين، وفق المنهج الإسلامي"^(۶). یعنی تربیت عبارت از: به نشو و نمو در آوردن انسان است بطور تدریجی در همه امورات زندگی، تا بدین وسیله در پر تو منهج تربیتی اسلامی، به خوشبختی و سعادت دنیا و آخرت نایل آید.

۵. **صبحی طه:** "التربية الإسلامية هي تنمية جميع جوانب الشخصية الإسلامية الفكرية والعاطفية والجسدية والاجتماعية، وتنظيم سلوكها على أساس من مبادئ الإسلام وتعاليمه بغرض أهداف الإسلام في شتى مجالات الحياة"^(۷).

یعنی تربیت عبارت از نشو و نمو در آوردن تمام جوانب شخصیت اسلامی است؛ خواه فکری باشد یا عاطفی، جسمی باشد و یا اجتماعی و همچنان تنظیم سلوک انسان است بر اساس مبادی و تعالیم اسلام برای رسانیدن در تمام جوانب زنده گی به اهداف والای دین مبین اسلام.

-
۱. فلسفه تعلیم و تربیت، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ج ۱. ص ۱۶۹-۳۰۵.
 ۲. ناصرالدین عبدالله بیضاوی از قضات و افاضل قرن ۷ بوده که در بیضا تولد و در شیراز تحصیل نمود. تألیفات وی تفسیر وی است، والمنهاج الوجیز فی اصول الفقه بوده. وی در سال ۶۸۶ ق در گذشت. / زرکلی، **الإعلام للزركلي**: ۴/۱۱۰.
 ۳. بیضاوی، ناصرالدین ابی الخیر عبدالله بن عمر بن محمد بیضاوی، (ب - ت) **انوار التنزیل و اسرار التأویل**: بیروت - لبنان - دار احیاء التراث الاسلامی. ۲۵/۱.
 ۴. ابوالقاسم الحسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی، ادیب و حکیم قرن ۶، از اصفهان بوده وی در بغداد سکونت می‌کرد، وی در ادب، لغت، تاریخ، حکمت و تفسیر معرفت داشت. تألیفات وی، مفردات غریب القرآن، محاضرات الادباء، اخلاق الراغب، احتجاج القراء، الرسالة المنبهه، جامع التفسیر و کتب دیگری نیز دارد. وی در سال ۵۶۵ ق درگذشت. / زرکلی، **الإعلام للزركلي**: ۲/۲۵۵.
 ۵. اصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد المعروف بالراغب الأصفهانی، ۱۴۱۲هـ. **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق: محمد سید کیلانی: دمشق بیروت - دار القلم، الدار الشامیة. ص ۱۴۸.
 ۶. الحازمی، دوکتور خالد بن حامد الحازمی، ۱۴۲۰ هـ. ق. ۲۰۰۰م. **اصول التربية الإسلامية**: مصر - قاهره - دار عالم الکتب. ص ۱۹.
 ۷. رشید ابراهیم، صبحی طه، **التربية الإسلامية وأساليب تدريسها**، عمان: دار الارقم للکتب، ص ۹.

۶. **محمد خیر فاطمة:** "التربية الإسلامية ذات طابع شمولي تكاملي لجميع جوانب الشخصية الروحية والعقلية والوجدانية والأخلاقية والجسمية والاجتماعية والإنسانية، وفق معيار الاعتدال والاعتزان"^(۱). یعنی تربیت اسلامی دارای صفت شمولیت و تکامل برای تمام جوانب شخصیت است که عبارت از بعد روحی، عقلی، وجدانی، اخلاقی، جسمی، اجتماعی و انسانی است؛ بر اساس معیار اعتدال و مساوات.

۷. **دکتور امیر محمد منصور:** در متون کلاسیک اسلامی اصطلاح تربیه به معنی پرورش دادن و پروراندن است، و در تعلیم اسلامی معاصر با مفهوم وسیعتر یعنی تعلیم مادام العمر استفاده شده و نتیجه آن تعلیم و سلوک مؤدب قبول شده اجتماعی است^(۲).

تعریف مختار: اگر در تعریفات فوق دقت شود، به نظر می‌رسد که تعریف دکتور خالد الحازمی نسبت به تعریفات فوق جامع‌تر و قوی‌تر است، زیرا در این تعریف ذکر انسان بسیار زیبا و بجا معلوم می‌شود، زیرا مطلوب اصلاً تربیه انسان است که در دیگر تعریفات این قید ذکر نشده، همچنان در این تعریف قید دیگری (به خوشبختی و سعادت هر دو عالم نایل آید) هم ذکر شده که مطلوب تربیت همین مقصد است و اگر این نباشد فایده بر آن مرتب نبوده؛ لذا این تعریف نسبت به دیگر تعریفات به نظر من مختار و خوبتر است.

مطلب دوم: اهمیت تربیت در قرآن کریم

تربیت در دین مبین اسلام از جایگاه والای برخوردار است، الله متعال بندگان خود را در قرآن کریم به اسالیب مختلف تربیت متوجه ساخته و برای شان در مورد امور مختلف زنده گی راهنمایی های لازم بیان نموده که بعضی از آن قرار زیر تشریح و توضیح می‌گردد:

الله متعال در مورد تربیت به نماز چنین می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾^(۳).

ترجمه: اهل خود (زن و فرزندان) را به نماز امر نما! و خود بر آن پایداری کن.

در آیت فوق الله متعال اولیای خانواده را متوجه ساخته تا از فامیل و اولاد خویش مراقبت نمایند و آن را برای ادا کردن نماز تشویق و ترغیب نمایند.

در جای دیگری برای نجات دادن از آتش دوزخ می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾^(۴).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و اهل خود را از آتش (دوزخ) حفظ کنید.

۱ - فاطمة، محمد خیر، منهج الإسلام في تربية عقيدة الناشئ، لبنان - دار الخير للطباعة والنشر والتوزيع - ص ۵۲.

۲- Amir Mansory and Karlsson P. (۲۰۰۷) An Afghan Dilemma: Education, Gender and Globalization in an Islamic Context. PhD Desertion, at Stockholm University, Stockholm. p: ۵۹

۳ - سورة طه: آية: ۱۳۲.

۴ - سورة التحريم: آية: ۶.

در این آیت هم الله متعال برای نجات از آتش امر نموده؛ یعنی اولیای خانواده مکلف هستند که اهل و اولاد خویش را به انجام دادن کارهای خیر و فلاح تربیت نمایند تا از عمق قلب اعمال صالحه را انجام دهند.

در آیت دیگری در این مورد می‌فرماید: ﴿وَلَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾^(۱).

ترجمه: و به تحقیق از شما در مورد آنچه که انجام داده اید، سؤال خواهد شد. در این آیت الله متعال بندگان خود را متوجه ساخته که از موضوع تربیت غافل نباشند، زیرا الله متعال در روز قیامت از تمام اعمال آنها که در دنیا انجام نموده اند، پرسان می‌کند، پس باید در طول زنده گی خویش مراقب تربیت باشند.

همچنان برای مادران در مورد نوزادان اش توصیه می‌کند و آنها را برای تربیت نوزادش متوجه می‌سازد و می‌فرماید: ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾^(۲).

ترجمه: و مادران (باید) دو سال تمام به فرزند های خود شیر بدهند.

همچنان در مورد تربیت اولاد در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ﴾^(۳).

ترجمه: و فرزندان خویش را نکشند.

پس این آیات و آیات دیگری از قرآن کریم به اهمیت موضوع تربیت دلالت می‌کند^(۴).

مطلب سوم: کلمات و واژه‌های مترادف تربیت در قرآن کریم^(۵)

در قرآن کریم و احادیث گوهر پیامبر معظم اسلام ﷺ بعضی کلمات که مترادف تربیت است، وارد شده که بعضی از آن قرار زیر به تفصیل بیان می‌شود:

۱-الإصلاح: اصلاح ضد فساد است، و در قرآن کریم هم گاهی اوقات در مقابل فساد و گاهی در مقابل سیئات ذکر شده است، چنانچه می‌فرماید: ﴿وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا﴾^(۶).

ترجمه: و دیگرانی هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با کاری دیگر که زشت و بد است در آمیخته اند امید است الله متعال توبه آنان را بپذیرد که الله متعال آمرزنده مهربان است.

در جای دیگری می‌فرماید: ﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾^(۷).

ترجمه: و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید.

۱ - سورة النحل: آية: ۹۳.

۲ - سورة البقرة: آية: ۲۳۳.

۳ - سورة الممتحنة: آية: ۱۲.

۴ - علوان، عبدالله ناصح علوان، (۱۳۹ هـ. ش، ۱۴۳۶ هـ. ق.)، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟ مترجم: عبدالله احمدی: نشر دیجیتالی، ص، ۱۸۲ - ۱۸۳.

۵ - الحازمی، أصول التربية الاسلاميه: ص، ۲۳ و ۲۴.

۶ - سورة التوبة: آية: ۱۰۲.

۷ - سورة الاعراف: آية: ۵۶.

۲- **التطهير:** تطهیر بمعنای پاکی و بند شدن از گناه است. (۱) چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ

لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (۲).

ترجمه: خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزدايد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

۳- **التزكية:** تزکیه هم بمعنای تطهیر آمده، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو

عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ﴾ (۳).

ترجمه: همان طور که در میان شما فرستاده ای از خود تان روانه کردیم که آیات ما را بر شما می‌خواند

و شما را پاک می‌گرداند و به شما کتاب و حکمت می‌آموزد و آنچه را نمی‌دانستید به شما یاد می‌دهد.

۴- **التنشئة:** تنشئه بمعنای تربیه آمده، الله متعال می‌فرماید: ﴿أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْحَلِيَّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾ (۴).

ترجمه: آیا کسی را شریک الله متعال می‌کنند که در زر و زیور پرورش یافته و در هنگام مجادله

بیانش غیر روشن است.

همچنان عربها می‌گویند: "نشأ الاب ولده على الخير" یعنی پدر، پسر خود را به خوبی ها و نیکویی ها تربیه

داده است (۵).

۱ - ابن منظور، لسان العرب: ۵۰۶/۱.

۲ - سورة الاحزاب: آیه: ۳۳.

۳ - سورة البقره: آیه: ۱۵۱.

۴ - سورة الزخرف: آیه: ۱۸ / الزحیلی: التفسیر المنیر - (۲۵ / ۱۲۹)

۵ - ابراهیم، محمد اسماعیل، ۱۹۶۸م. معجم الالفاظ و الاعلام القرآنیة: مصر - قاهره - دار الفكر العربی. ص ۵۲۶.

مبحث دوم: مکلفیت‌ها، اشتباهات و لغزش‌های مربیان در قبال زیر دستان از دیدگاه قرآن کریم:

این مبحث دو مطلب دارد، در مطلب اول مکلفیت‌های مربی در قبال زیر دستان را از دیدگاه قرآن کریم و در مطلب دوم هم همچنان اشتباهات و لغزش‌های مربیان را از دیدگاه قرآن کریم مفصل بیان می‌گردد.

مطلب اول: مکلفیت‌های مربی در قبال زیر دستان از دیدگاه قرآن کریم

در این مطلب چیزهای که برای متربین علم و فرهنگ تعلیم آن ضروری است تحت هفت عنوان مستقل توضیح و تشریح می‌شود.

الف - معرفی خالق به روش خوب و کار آفرین

الله متعال را به شیوه‌ای که مناسب درک و شعور و سطح فکر متربین است به او شنا سانداده شود. کافی است بدانند که الله متعال یکتا و بدون شریک است. خالق و آفریننده هر چیزی است. الله متعال خالق آسمان‌ها، زمین، مردم، حیوانات، درختان، جوی بارها، رودخانه‌ها و خالق همه چیز است. مربی باید از فرصت استفاده کند و از مربی سئوالاتی بپرسد. مثلاً وقتی به تفریح رفته اند در میان یک باغ و بستان یا در یک صحرا هستند از او بپرسد که آفریننده آب و رودخانه‌ها و درختان و زمین و امثال اینها چه کسی می‌باشد؟ تا مربی متوجه عظمت پروردگارش شود و به حقانیت قدرت او تعالی پی ببرد.

محبت و علاقه به الله متعال را به او یاد دهد و او را متوجه نعمت‌هایی کند که الله متعال به او وامثال او و حیوانات عطا کرده است. مثلاً به او بگوید چه کسی گوش، چشم و عقل را به تو عطا کرده است؟ چه کسی نیرو و قدرت حرکت کردن را به تو عطا کرده است؟ چه کسی به تو خانواده تو رزق و روزی عطا کرده است؟ همچنان بر نعمت‌هایش تشویق نماید چنین روشی در قرآن کریم وارد شده است. مثلاً الله متعال در بسیاری از آیات قرآن کریم بندگان اش را متوجه نعمت‌های خود می‌کند و می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾^(۱)

ترجمه: آیا نمی‌بینید که الله متعال آنچه را که در آسمانها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما تمام و افزون کرده است.

و در جای دیگری می‌فرمایند: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِنِّي تُؤْفِكُونَ﴾^(۲)

۱ - سوره لقمان: آیه: ۲۰.

۲ - سوره فاطر: آیه: ۳.

ترجمه: ای مردم نعمت الله را بر خود یاد کنید آیا غیر از الله متعال آفریده گاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟! الهی جز او نیست پس چگونه (از حق) انحراف می‌یابید.

و جای دیگری می‌فرماید: ﴿وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^(۱).

ترجمه: و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این (يك) بیا رامید و (در آن يك) از فزون بخشی او (روزی خود) بجویند باشد که سپاس بدارید.

ب - تعلیم حلال و حرام دینی

متریبان باید پوشانیدن عورت، وضو، احکام طهارت و چگونگی به جا آوردن نماز را یاد بگیرد و او را از محرّمات، دروغ، سخن چینی و نگاه کردن به حرام شده‌ها باز دارد. خلاصه آنچه که به بزرگان دستور داده می‌شود که ملتزم به شریعت الله متعال باشند به متریبان وزیر دستان هم دستور داده شود و از آنچه که بزرگان را نهی می‌کنند او را هم منع کنند تا بر این روش و اخلاق پرورش یابد و عادت کند.

چون کسی که بر چیزی پرورش داده شود بر سر همان چیز پرورش می‌یابد. و بکوشند به او علم بیا موزند. همان طور که سفیان الثوری رحمه الله^(۲) می‌فرماید: (واجب است که مرد فرزند اش را به یاد گیری علم مجبور کند؛ زیرا در این باره مسؤول است و روز قیامت از او سؤال می‌شود)^(۳).

ج - آموزش قرآن کریم

قرآن کریم تنها بر نامه پا برجا و محکمی است که هیچ گونه باطلی از هیچ جهتی متوجه آن نمی گردد. یعنی هیچ گونه تناقض و یا کم و زیادی در آن نیست و الله متعال از هر جهت او را حفظ کرده و می‌کند. و تمام خیر و برکت در این است که متریبی به قرائت قرآن کریم به صورت صحیح و درست عادت کند و آن را یاد بگیرد و تمام جدوجهد و کوشش خود را در حفظ کردن آن به کار گیرد و یا مقدار زیادی از آن را حفظ کند. والدین باید کوشش کند که فرزند خود را چه پسر باشد یا دختر به یکی از مدرسه‌های حفظ قرآن کریم بفرستند. اگر برای شان ممکن نبود ایشان را به یکی از حلقه‌های حفظ قرآن کریم بفرستند. (یعنی دوره‌هایی که چند ماهه صورت می‌گیرد) که الحمدلله چنین حلقه‌ها و دوره‌ها بسیار زیاد می‌باشند.

۱ - سورة القصص، آیه: ۷۳.

۲ - ابو عبدالله سفیان ابن سعید ابن مسروق الثوری، امیر المؤمنین فی الحدیث در کوفه در سال ۹۷ هـ. تولد شد، خلیفه منصور عباسی از وی تقاضای اجرا کردن منصب دولتی شد ولی موصوف نپذیرفت و بالأخره در سال ۱۴۴ هـ. بیرون شد و در مکه مکرمه و مدینه منوره مسکن گزین گردید. سفیان الثوری در حدیث دو کتاب بسیار مشهور به نامهای الجامع الکبیر و الجامع الصغیر تألیف نموده اند و در سال ۱۶۱ هـ. ق. در کوفه از دنیا رحلت نمود. / زرکلی، الأعلام للزرکلی: ۱۰۴ / ۳.

۳ - ذهبی، الامام شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، ۱۴۱۳ هـ. ۱۹۹۳ م. نزهة الفضلاء، تهذیب سیر اعلام النبلاء: محقق: محمد بن حسن بن عقیل موسی الشریف: بیروت - مؤسسة الرسالة. ج ۱. / یوسف محمد الحسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۲۶.

علمای سلف و صالح بر تعلیم و حفظ قرآن کریم به فرزندان و زیر دستان شان بسیار کوشا و علاقمند بوده اند. یکی از آن بزرگواران شیخ یاسین بن یوسف مراکشی که در باره امام نووی رحمه الله^(۱) می‌فرماید: او را در نوبی دیدیم در حالی که ۱۰ سال داشت فرزندها از او انتقاد می‌کردند که با ایشان بازی نمی‌کند و از آنها فرار می‌کند و گریه می‌کند؛ زیرا فرزندها او را مجبور می‌کردند که با آنها بازی کند در چنین حالتی فرار می‌کرد و قرآن کریم می‌خواند، می‌فرماید: محبت ایشان در دلم جای گرفت در حالی که پدرش ایشان را بر سر یک مغازه نشانده بود که خرید و فروش کند اما این کارها او را از قرآن کریم خواندن باز نمی‌داشت، ایشان را نزد معلمش بردم و به او سفارش کردم و گفتم: امید است که دانا ترین و زاهد ترین اهل عصر و زمانش باشد و مردم از او استفادہ کنند. معلمش به من گفت: مگر شما مُنجم هستید؟ گفتم نه ولیکن الله متعال به من چنین الهامی کرده و مرا به چنین کلامی وا داشته است و آن را برای پدر امام نووی بازگو کرد، پدرش او را تشویق کرد تا قرآن کریم را ختم کرد در حالی که نزدیک سن بلوغ رسیده بود^(۲).

د - آموزش حقوق والدین و سایر بزرگان جامعه

طفل باید به احترام پدر و مادرش و پیروی کردن و از آنها عادت کند و با آن انس و الفت بگیرد. بسیاری از حقوق و نافرمانی کردن فرزندان در مقابل والدین، نتیجه کوتاهی کردن پدران است؛ زیرا در دوران کودکی از تربیت و عادت دادن شان در نیکی کردن کوتاهی می‌ورزند و الله متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا﴾^(۳)

ترجمه: و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا! آن دو (والدین) را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.

حضرت ابوهریره رضی الله عنه^(۴) از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: «رَغِمَ أَنْفُهُ، رَغِمَ أَنْفُهُ، رَغِمَ أَنْفُهُ» قیل: مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قال: مَنْ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ: أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ»^(۵).

ترجمه: به خاک مالیده شود سپس به خاک مالیده شود و باز به خاک مالیده شود بینی کسی که یکی از والدینش و یا هر دو را هنگام پیری دریابد ولی حق آنها را ادا نکند. پس او به بهشت داخل نمی‌شود.

۱- نووی بن عمر الجاوی، الشافعی (ابوعبدالله) فقیه، مفسر، صوفی، متکلم، مشارک فی بعضی العلوم، درسال ۶۳۱ هـ در سوریه تولد شده و در سال ۶۷۶ هـ وفات شده است. / زرکلی، الاعلام للزرکلی: ۱۴۹/۸

۲- یوسف محمد الحسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۲۶.

۳- سورة الإسراء: آیه ۲۳ - ۲۴.

۴- حضرت ابوهریره رضی الله عنه از این که در مورد اسم آن قبل از اسلام اختلاف وجود دارد و در این مورد چند قول ذکر شده است. گفته اند: اسم او عبد الشمس بن صخر بوده و گفته اند: عیدین عمرو بن غنم، بعد از اسلام اسم او عبدالرحمن بن صخر بوده است. کنیه اش ابوهریره که بر اسمش غالب بوده است. و بالا ترین تعداد احادیث را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است. وی در سال ۵۷ هجری، ۵۸ هجری، ۵۹ هجری و الله اعلم، در سن ۷۸ سالگی در گذشت. (ذهبی، سیرالاعلام النبلاء: ۲۵۳/۱).

۵- مسلم، صحیح مسلم: ۴ / ۱۹۷۸.

مراد این است که بمیرد کسی که حقوق والدینش را رعایت نکند مخصوصاً هنگامی که آنها بزرگ سالند و به عنایت و پرورش بیشتر نیاز دارند.

نویسنده کتاب عیون الاخبار در کتاب خود داستان جوانی را که به پدرش نیکی کرده نقل نموده و گفته است: مأمون گفت: هیچ کسی را ندیده ام که به اندازه فضل بن یحیی نسبت به پدرش مهربان و نیکو کار باشد مشهور است که یحیی پدر فضل نمی توانست وضو بگیرد مگر با آب گرم. خود و پسرش هم در زندان بودند و آنها را از این که همراه خود شان به داخل زندان هیزم ببرند، منع کردند فضل در شب بلند می شد و یک قمقمه (ظرف مسی) را برمی داشت و آن را پر از آب می کرد سپس آن را در نزد یکی چراغ می گرفت و تا صبح می ایستاد و آب را گرم می کرد و همیشه این کارش بود تا پدرش با آن آب وضوء بگیرد و بارها این کار را به خاطر احترام به پدرش انجام می داد (۱).

هـ - معرفی الگو های واقعی اسلام

اولین الگوی ما رسول الله ﷺ است پس از ایشان شخصیت های بزرگ اصحاب و تابعین یعنی کسانی که در شجاعت و بزرگواری شان در زنده گی ضرب المثل و زبان زد دوست و دشمن بوده اند. فرزندان و متریبیان باید به آنها اقتدا کنند و اخبار و داستان زنده گی آنان را بدانند تا به کردار نیک آنها تأسی و اقتدا کرده مانند شجاعت، فداکاری، صداقت، صبر، پایداری، عزت، استقامت، سربلندی و صفات دیگری را از آنها کسب و بدان عمل کنید.

قصه و داستانی هم که برای متریبیان و زیردستان باز گو می کند باید مناسب درک و شعور آنها باشد زیاد طولانی و خسته کننده نباشد و در آن بر جوانب و نکته های تربیتی و جالب اشاره کند تا بهتر بتوانند آنرا فرا گیرند. مثلاً برای اخلاق نیکو و خوب اگر قصه آن یهودی که برای طلب و بده کاریش نزد پیامبر ﷺ آمد بازگو شود بسیار خوب است.

روایت شده که یک نفر یهودی از پیامبر ﷺ قرض طلب داشت و هنوز وقت پرداخت آن فرا نرسیده بود در سر راه مدینه بر پیامبر ﷺ اعتراض کرد و گفت: شما طائفه بنو عبد المطلب قومی هستید که بدهی را نمی دهید و امروز و فردا می کنید.

حضرت عمر رضی الله عنه در آنجا بود و منظره را نگاه می کرد. بسیار ناراحت و خشمگین شد و گفت: ای پیامبر ﷺ اجازه بده تا گردنش را بزنم. پیامبر ﷺ فرمود: ای عمر! من و رفیقم به چیزی غیر از این نیاز مندیم. شما باید به ایشان دستور دهید که تقاضای خود را خوب مطرح کند و به من دستور دهید که خوب ادا کنم. سپس پیامبر ﷺ به یهودی نگاه کرد و گفت: ای یهودی! فردا وقت پرداخت قرض تو است (۲).

۱- علوان، عبدالله ناصح علوان، ۱۴۱۲ هـ. ق. ۱۹۹۲ م. *تربیة الأولاد في الإسلام*: مصر - دارالسلام للنشر والتوزيع. ج ۱.
۲- الجوهر النقی: علاء الدین علی بن عثمان الماردینی الشهیر بابن الترمذی، ۱۳۴۴ هـ. *السنن الكبرى للبيهقي وفي ذيله الجوهر النقی*: هند - مجلس دائرة المعارف النظامية الكائنة - حیدرآباد - ۵۲ / ۶.

در شجاعت و مردانگی نیز باید داستانی مثل داستان معاذ بن عمرو^(۱) و ابوجهل را برای فرزند بازگو کرد که مشهور است معاذ بن عمرو گفت: «در جنگ بدر تمام کوشش و تلاشم این بود که ابوجهل را پیدا کنم و او را بکشم، وقتی که او را دیدم به او حمله کردم و یک ضربه به او زده و پایش را از ساق جدا کردم، پسر ابوجهل یعنی عکرمه یک ضربه به من زد و دستم را قطع کرد و فقط پوست دستم مانده بود که دستم بیفتد و آن را به دنبال خود می‌کشیدم و مرا از جنگ کردن باز می‌داشت، ایستادم و جنگیدن را ادامه دادم و دستم را به دنبال خود می‌کشیدم. وقتی که دیدم که مرا آزار می‌دهد و دستم را زیر پایم نهادم و آن را قطع کردم و دور انداختم»^(۲).

این نمونه بآرزوی در شجاعت و مردانگی است که تاریخ اسلام از شخصیت‌های عظیم و داستان‌های زیبا و عبرت‌انگیز پر است که صادق‌ترین تعبیری است از فضایل و معانی زیبا و پر از عبرت^(۳).

ز - آموزش آداب و روشهای اجتماعی

مانند آداب سلام کردن و اجازه گرفتن و لباس پوشیدن و خوردن و نوشیدن و آداب حرف زدن و چگونه با دیگران برخورد کردن. فرزند باید بداند که چگونه با والدین و نزدیکان و دوستان پدر و معلم و دوستان خودش و کسانی که با آنها بازی می‌کند، رفتار کند و باید بداند که چگونه اتاق خود را مرتب و نظافت خانه‌ها را رعایت کند و چگونه اسباب بازی خود را جمع و چگونه با دیگران بازی کند بدون این که برای آنها مزاحمت ایجاد کند. همچنان باید بداند که راه و روش در مسجد و مدرسه چگونه باشد.

در تمامی این کارها باید در درجه اول از سنت پیامبر ﷺ پیروی کند و آنها را از سنت پیامبر ﷺ و سیرت سلف صالح و کسانی که در این فن (فن تربیت) کتاب نوشته اند و متخصص بوده اند، یاد بگیرد^(۴).

ح - آموزش اعتماد به نفس و خود باوری

از آن جایی که فرزندان امروز پدران و مادران فردا می‌باشند پس به ناچار باید آنها را آماده کرد و بر تحمل سختی‌ها و مسئولیت‌ها و کارهایی که باید انجام دهند تمرین و پرورش داده شوند تا در آینده بتوانند مسئولیت‌های خود را به نحو احسن ادا کنند. و این امر وقتی ممکن است و تحقق می‌یابد که اعتماد به نفس را در وجود شاگردان و نونهالان ایجاد کنیم و بتوانند به خود احترام نهند و به زبردستان فرصت دهیم تا بتوانند آرای خود و آنچه را که در اطرافش می‌گذرد ظاهر کند و آنها را

۱- معاذ بن عمرو بن الجموح بن زید از قبیله بنی کعب بن سلمة الانصاري الخزرجي السلمي بود، او یک صحابی بسیار دلیر و شجاع بود و اولین کسی است که در قتل و کشتن ابو جهل کمک کرد و در بسیاری غزوات استراک کرد و در سال ۲۵ هـ.ق. وفات شد. / زرکلی، الأعلام للزرکلی: ۷ / ۲۵۸.

۲- ذهبی، نزهة الفضلاء، تهذیب سیر أعلام النبلاء: ج ۱. / مسلم: صحیح مسلم: ۳ / ۱۳۷۲.

۳- یوسف محمد حسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۲۸.

۴- یوسف محمد حسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۳۰.

تأویل و تعبیر نمایند و بر انجام مسؤولیت خود شجاع شوند، بلکه باید بعضی اوقات او را بر انجام دادن کارهای خانه که از عهده اش می‌برآید مکلف سازیم، مانند خرید بعضی از لوازم خانه از بقالی همسایه و سبزی جات، و اگر دختر است، او را ملزم کنیم که بعضی از ظرف‌های خانه را بشوید و یا کارهای برادر کوچکش را مرتب کند و به تدریج به فرزندان وزیر دستان تکلیف داده شود تا کم کم بعضی از کارها را انجام دهند و رفته رفته به تحمل مسؤولیت و مشکلات و کارهای مناسب عادت کنند.

از جمله امور و کارهای که باید زیر دستان را به انجام آنها موظف کرد، تحمیل تکرار کارهایی است که انجام داده اند و بدانند در برابر آنچه که انجام می‌دهند و مرتکب خطاها و اشتباهاتی می‌شوند مسؤول استند و بدانند آنچه را که خراب کرده اصلاح کنند و از خطاها و اشتباهات خود عذر خواهی کنند. در این داستان که بیان گراعتماذ به نفس نو جوانی است تأمل کنیم و ببیندیشیم. حافظ بن عساکر^(۱) روایت می‌کند، که عبدالله بن زبیر^(۲) با دوستانش بازی می‌کرد، خلیفه مسلمانان عمر بن الخطاب^(۳) از آن جا گذر کرد، اکثر نوجوانان به خاطر ترس از حضرت عمر فاروق^(۴) فرار کردند، فقط ابن زبیر ماند و فرار نکرد. عمر^(۵) نزد او رفت و گفت: ای پسر! چرا تو هم همراه دوستانت فرار نکردی؟

عبدالله خیلی ساده و با جرأت جواب داد: ای امیر المؤمنین! من مجرم و گناه کار نیستم تا فرار کنم و راه هم تنگ نیست که آن را برای شما وسیع کنم^(۶).

در نتیجه اگر اطفال بر اعتماد به نفس تربیت شوند می‌توانند مسؤولیت‌های بزرگ را تحمل کنند، مانند فرزندان اصحاب که سعی و تلاش می‌کردند تا همراه مجاهدان در میدان جنگ در راه الله متعال جهاد کنند، تا جایی که یکی از آنها به خاطر این که پیامبر^(۷) به او اجازه نمی‌داد که همراه لشکر در میدان جنگ شرکت کند گریه می‌کرد. پیامبر^(۸) دلش نرم شد و اجازه داد که شرکت کند تا سرانجام جزء شهدای معرکه شد و به درجه رفیع شهادت رسید. همچنان پیامبر^(۹) اسامه بن زید^(۱۰) را فرماتده و امیر لشکری تعیین می‌کند که ابوبکر و عمر از سربازان اش می‌باشند. با وجود این که

۱- علی بن الحسن بن هبة الله، أبو القاسم الحافظ بن عساکر در سال ۴۹۹ هـ. ق. تولد شد، موصوف از علمای برجسته عصر خویش بود، از وی تصانیفات بسیار زیاد بجا مانده و بالآخره در سال ۵۷۱ هـ. ق. وفات شد. / زرکلی، **الأعلام للزركلي**: ۴ / ۲۷۳.

۲- عبدالله فرزند زبیر بن عوام، از قبیله قریش و تیره بنی هاشم بود. مادرش اسماء نام داشت و دختر خلیفه اول، ابوبکر بود، عبدالله بن زبیر اولین کودک از مهاجران بود که در شوال سال دوم هجری در مدینه دیده به جهان گشود و به همین خاطر مهاجران را خوشحال نمود. عبدالله سرانجام در جنگ با حجاج، در ماه جمادی الآخر سال ۷۳ به قتل رسید. او در هنگام مرگ ۷۲ سال داشت. / wikifeqh.ir.

۳- عمر فرزند خطاب؛ اسم کنیه شان ابو حفص و اسم لقب شان فاروق بود، سه سال بعد از عام الفیل در مکه مکرمه متولد شده و به عمر ۶۳ سالگی بعد از ده و نیم سال خلافت به شهادت رسید است. / صلابی، دکتور علی صلابی، ۱۳۸۸ هـ. ش. ۱۴۳۱ هـ. ق. **عمر فاروق** (بررسی و تحلیل زندگانی خلیفه دوم): بیروت - لبنان - دار المعرفه.

۴- محمد عبدالرحیم (ب - ت) **أطفال نجباء في ظل الإسلام**: سوریه - دار الیمامه للطباعة و النشر سلسله.

۵- اسامه بن زید بن حارثه ۷ سال پیش از هجرت در مکه مکرمه تولد شد، وی از قبیله بنی کنانه بود، نبی کریم^(ص) با او محبت فراوان داشت و به مدینه منوره هجرت کرد، وی پس از رحلت رسول اکرم^(ص) به وادی القری رفت و در زمان معاویه^(ع) به دمشق سفر کرد و در آنجا پس از چند وقت به مدینه منوره باز گشت و در سال ۵۴ هـ. ق. وفات نمود. / زرکلی، **الأعلام للزركلي**: ۱ / ۲۹۱.

سن و سالش کم بود اما دارای شایسته‌گی چنین امارتی بود؛ پس چرا فرزندان ما امروز از این قله های بلند انسانیت جا مانده اند؟^(۱)

نوت: (جا دارد بگویم که بالای آنان کار نشده است و ما در قبال شان مسؤولیت پذیر نبوده ایم).

مطلب دوم: اشتباهات و لغزش‌های مربیان از دیدگاه قرآن کریم

این هم مجموعه از خطا و اشتباهاتی است که بسیاری از مربیان مرتکب آن می‌شوند و از الله متعال خواهانیم که ما را یاری دهد تا بتوانیم از آنها اجتناب کنیم و ما را به راه درست راهنمایی کند.

الف - مخالف بودن گفتار مربی با کردارش

این امر از مهم ترین خطاها و اشتباهات مربی است؛ زیرا متریبان از پدر و مادر و مربی چیزهای زیادی را یاد می‌گیرد و می‌بیند که عمل شان مخالف گفتار شان بوده و آنچه به او یاد داده اند با عمل خود شان متناقض است. این گونه راه و روش اثر بد و منفی را روی ذهن می‌گذارد. و پیام الله متعال اینکه ما از آن راه و روش باز داشته و فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۱﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿۲﴾﴾^(۲)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی را می‌گویید که خود انجام نمی‌دهید خشم بزرگی است در نزد الله متعال که چیزی بگویید اما خود انجام ندهید.

و نیز در جای دیگری فی فرماید: ﴿اتَّامُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَأَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۳﴾﴾^(۳)

ترجمه: آیا مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید (و از ایشان می‌خواهید که بیشتر به طاعت و نیکی‌ها بپردازند و از گناهان دست بردارند) و خود را فراموش می‌کنید (و به آنچه به دیگران می‌گوئید، خودتان عمل نمی‌کنید؟).

پس چه توقع دارید؟ چگونه را ستگویی را یاد بگیرد وقتی که فرزند می‌بیند پدرش درس‌خوانش دروغ می‌گوید؟ چگونه امانت داری را یاد بگیرد زمانی که می‌بیند پدرش خیانت می‌کند و معامله اش با مردم پر از غش و خیانت است؟

چگونه اخلاق خوب و نیک را یاد بگیرد کسی که می‌بیند اطرافیان‌ش فحش می‌دهند و گفتار بد می‌گویند و بد اخلاقند؟ چطور چطور!!!^(۴)

۱- یوسف محمد حسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۳۱.

۲ - سورة الصَّف: آية ۲ - ۳.

۳ - سورة البقره: آية: ۴۴.

۴ - یوسف محمد حسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۳۴.

ب - موافق نبودن روش‌های تربیتی والدین در قبال فرزندان

از اینکه فرزندان بیشترین اوقات شان در خانه نزد والدین سپری می‌شود در مقابل والدین کارهایی را انجام می‌دهد و نتیجه اش این است که مادر او را مدح می‌کند و می‌ستاید اما پدر او را برحذر می‌دارد و می‌ترساند فرزند سرگردان و متحیر می‌شود که چی کار کند و کار کدام یکی از آنها درست و کدام یکی خطاست؛ زیرا نمی‌تواند درست و نادرست را تشخیص دهد و در نتیجه سرگردان می‌شود. و کارها برای او روشن نمی‌شوند درحالی که اگر والدین بر سر برنامه‌ها و روش‌های تربیتی یکسان توافق داشته باشند و این اختلافات را برای فرزند ظاهر نکنند این خلل و شکاف ایجاد نشده و هیچ وقت به وجود نمی‌آید^(۱).

ج - تن دادن به برنامه‌های خراب کن

وسایل اطلاع رسانی تأثیر زیادی بر سر راه و روش و دست آوردهای فرزندان، و نوجوانان می‌گذارد یکی از خطرناک ترین این وسیله‌ها تلویزیون می‌باشد که در تمام خانه‌های عصر حاضر موجود است و تأثیر زیادی فرهنگی و دارد.

جمع بسیار زیادی از مربیان با مشاهده کردن متربی‌های شان به اسباب و وسایل جدیدی همچون تلویزیون و دیگر وسایل الکترونیکی زیاد توجه کردن و به آن بی توجه اند و کوتاهی می‌کنند با وجود این که این کار بر اخلاق و رفتار متربیبان تأثیر منفی زیادی می‌گذارد و حتی برنامه‌هایی که مختص به کودکان نام گذاری شده پر از افکار غلطی است که اطفال آن را در لابلای مشاهده کردن فیلم‌ها می‌بینند و از آن متأثر می‌شود.

اما نمی‌دانند که الله متعال در حقیقت خالق همه اشیاء است و آنرا عبث و بی هوده خلق نکرده باید از آن استفاده درست صورت گیرد چنانچه در مورد فرموده: ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۲).

ترجمه: و آنچه را که در آسمانها و زمین است به نفع شما قرار داد، همه از آن اوست قطعاً در این [امر] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌هایی است. اشایی که انسانها از آن استفاده می‌کنند عبث و بی هوده آفریده نشده بلکه کار برد اشیا و آلات جدید در پیشرفت و ترقی دین اسلام ثوابی هم در آن مرتب می‌گردد.

تأکید کردن بر اظهار کردن خود کشی‌ها به خاطر یک دختر، یا مست شدن، سیگار کشیدن، دزدی کردن، دروغ گفتن و امثال اینها از صفات غیر اسلامی و غیر اخلاقی بوده و ظاهر کردن چنین

۱ - مرجع فوق : ص، ۳۵.

۲ - سورة الجاثية: آية: ۱۳.

فیلم‌هایی بر روی پرده سینما و یا تلویزیون کار بسیار اشتباهی است که دنیای کودکان را تحقیر می‌کند و به آنها اهانت می‌شود و چنین اعمالی فطرت پاک کودک را آلوده می‌نماید و تنها حجت و برهان شان این است که برنامه مخصوص کودکان است. بنا بر این لازم است که از اطفال و متریبیان خود در مقابل این دستگاه هلاک کننده محافظت کنیم و اجازه ندهیم که به آن آلوده شوند. الله متعال به ما دستور داده فی مایده: ﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ﴾^(۱).

ترجمه: و از گامهای شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شماست. بدون شک این کار آسانی نیست ولی اگر ما بخواهیم از اخلاق فرزندان محافظت کنیم و آنها را برای عمل رسالت دینی و اسلامی آماده کنیم، کار محالی هم نیست؛ الله متعال ما را پناه دهد^(۲).

د - اظهار عجز و ناتوانی والدین در قبال فرزند

اکثراً عاجزی در خانواده از طرف والدین رخ می‌دهد. این امر خصوصاً در مادران است و آنها بیشتر اظهار ناتوانی می‌کنند و بعضی اوقات هم پدران چنین اظهاراتی دارند مثلاً مادر می‌گوید: این فرزند مرا خسته کرده و دیگر توانایی تربیتش را ندارم و نمی‌دانم با او چکار کنم. فرزند این کلام مادر را می‌شنود و افتخار می‌کند؛ زیرا که مادرش را ناتوان کرده در نتیجه بیشتر این کار را ادامه می‌دهد چون می‌داند که این روش وجودش را تثبیت می‌کند و احساس وجود می‌کند^(۳). در حالی که الله متعال تربیت فرزندان و زیر دستان را مسؤولیت والدین قرار داده می‌فرماید: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾^(۴).

ترجمه: خانواده خود را به گزاردن نماز دستور بده (چرا که نماز مایه یاد الله، پاکی، صفای دل و تقویت روح است) و خود نیز بر اقامه آن ثابت و ماندگار باش. توضیح: «أَهْلَكَ» اهل پیغمبر، عبارت است از امت محمدی و خانواده خودش. اهل مردم، افراد خانواده ایشان است. (و شما نیز هرکدام مسؤولیت خانواده‌های خود را دارید، هیچ گاهی اظهار عجز و ناتوانی نکنید چرا که شما در قبال آنان مسؤول هستید).

ه - زیاده روی در تنبیه و بیدار سازی

تنبیه و بیداری متریبیان یک امر ضروری برای والدین، معلم و مربی می‌باشد، بناءً پدران، مادران، معلمان مربیان و سایر آموز گاران باید در تربیه ایشان از این شیوه کار بگیرند، مگر اینکه در این شیوه از افراط کار نگیرند، زیرا که نتایج منفی ببار آورده، که بعضی از آن قرار زیر شرح می‌شود.

۱ - سورة البقره: آیه: ۱۶۸.

۲ - یوسف محمد حسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۳۶.

۳ - مرجع فوق: ص، ۳۷.

۴ - سورة طه: آیه: ۱۳۲.

الف - تنبیه کردن: تنبیه کردن متریبان یک امر مشروع است و از وسایل تربیت می‌باشد و بعضی اوقات مربی بدان نیاز دارد. اما کسانی هستند که در این مسأله بسیار زیاده روی می‌کنند در نتیجه باعث ضرر و زیان رسانیدن به فرزند می‌شود و نتیجه معکوس می‌دهد. مثلاً می‌شنویم که پدری ساعت‌ها فرزندانش را به خاطر خطایی که انجام داده است در یک اتاقی زندانی و یا بعضی از پدران و مربیان وقتی که می‌بیند که فرزندانش و متریبان‌شان مخالف دستورات‌شان حرکت می‌کنند آنها را زنجیر می‌کنند و به یک ستونی می‌بندند.

عقوبت و تنبیه باید به تدریج و کم کم باشد از یک نگاه کردن پر معنی گرفته تا زدن. بعضی اوقات مربی نیازی به بیشتر از یک نگاه کردن و یا یک کلمه سرزنش کننده ندارد. و بعضی اوقات نیاز به زدن هم دارد و مجبور است که مربی را بزند اما این آخرین علاج و درمان است و این تنها، زمانی است که وسیله‌های دیگر را بکار گرفته باشد، ولی نتیجه بخش نبوده باشند؛ ضوابط و قواعدی برای زدن وجود دارد که مربی باید آنها را به کار ببرد:

✓ متریبان را نزند و به زدن متوسل نشود مگر این که وسیله‌های دیگر را بکار گرفته باشد.
✓ در حالت خشم و عصبانیت مربی را نزند. به خاطر ترس از این که مبادا به مربی آسیبی برسد و یا جایی از بدنش شکسته شود.

✓ به جاهای حساس بدن مانند سر و صورت و سینه نزند.
✓ در اولین بار زدنش سخت و درد آور نباشد و بیشتر از سه ضربه به او نزند مگر ضرورت ایجاد کند و در وقت ضرورت هم نباید از ده ضربه تجاوز کند.
✓ فرزند و متریبان تا به سن ده سالگی نرسیده باشد او را نزند.
✓ اگر برای بار اول خطا کرد به او فرصت بدهد تا توبه کند و از آنچه که انجام داده عذرخواهی نماید و به او مجال بدهد تا دیگران برایش شفاعت کنند و مانع زدن شوند و از او پیمان بگیرد که بار دیگر مرتکب چنین اشتباهی نشود.

✓ مربی باید خودش مربی را بزند و زدن را به برادر و یا دوستش واگذار نکند؛ زیرا این سبب نفرت و بی‌زاری فرزند نسبت به کسانی می‌شود که او را تنبیه کرده اند و نسبت به آنان حقد و حسد به دل می‌گیرد.

وقتی مربی به نزدیکی سن بلوغ رسید و مربی دید که ده تا ضربه کافی نیست می‌تواند به تعداد آنها بیافزاید تا او را از کارش باز دارد^(۱).

۱- عنوان، تربية الأولاد في الإسلام، ج، ۲. / یوسف محمد حسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۳۸.

ب - پاداش و یا جایزه دادن مربی به متربی اش: پاداش و جایزه دادن یکی از وسایل تربیت است.

الله متعال بندگانش را هم تشویق کرده چنانچه فرموده اند: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا﴾^(۱).

ترجمه: هر کس کار نیکی بیاورد ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.

و این جایزه‌های مادی برای فرزندان و متریبان علم و فرهنگ به اندازه مناسب باشد و در بکار بردن آن اسراف و زیاده روی نکند؛ زیرا چنین کاری متربی را صرف مادی بار می‌آورد و دیگر کارهای نیک و خوب را انجام نمی‌دهد مگر به شرط این که جایزه به او داده شود. پس شایسته است که او را به انجام دادن کارهای خیر و خوب به خاطر خود آن کارها عادت دهد و گاه گاهی هم او را با چنین کاری تشویق کند^(۲).

ز - بیش از حد اعتدال کنترل متربی: مثلاً اگر به متریبان فرصت بازی کردن، تفریح و حرکت دادن داده نشود. این کار با طبیعت و عادت متربی سازگار نیست و با آن در تضاد است و اصلاً به صحت و تندرستی متربی ضرر می‌رساند؛ زیرا این گونه بازی‌ها برای رشد و نمو متریبان مهم و بسیار خوب و مفید است و این گونه بازی‌ها در مکان وسیع و آزاد، از مهم ترین کارهایی است که به متربی کمک می‌کند تا جسمش رشد کرده سالم و تندرست باشد^(۳).

هر چند که یعقوب علیه السلام فرزندش یوسف علیه السلام را بیش از حد کنترل می‌کرد و نمی‌گذاشت که با فرزندان بیرون برود و حتی خواب خود را برای آنان قصه کند، در این مورد الله متعال فرموده اند: ﴿قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾^(۴).

ترجمه: [یعقوب علیه السلام] گفت: ای پسرک من خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است. باز هم نیاز فطری یوسف بود که به تشویق برادران از پدرش اجازه خواست و برای تفریح و بازی همراه آنان به دشت و صحرا رفت. ولی آگاه نبود که برادران با وی چه کار می‌کنند، اما هدف از برآمدن و اجازه خواستن برای بازی و تفریح همراه با برادران اش بود.

پس مربی باید متربی را در بعضی اوقات برای بازی کردن منع نکند خصوصاً وقتی که به تفریح رفته اند و در کنار ساحل و یا صحرایی بازی می‌کنند؛ زیرا این گونه مواقع، وقت تفریح و بازی کردن و خوش گذرانی است و وقت انضباط منظم بودن نیست و هیچ فرصت دیگری نیست که متربی

^۱ - سورة الأنعام: آية: ۱۶۰.

^۲ - تربية الأولاد في الإسلام، ص ۴۱.

^۳ - الجلال، عائشة عبدالرحمن سعید الجلال، ۱۹۸م. المؤثرات السلبية في تربية الطفل المسلم وطرق علاجها: سعودی - جده - دارالمجتمع. / یوسف محمد حسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص ۳۹.

^۴ - سورة يوسف: آية: ۵.

بتواند بدون قید و بند بازی و تفریح کند مگر در چنین اوقات و تفریح هایی؛ پس لازم است که از آنها چشم پوشی کرد و خود را تا حدودی به غفلت زد(۱).

ح - متربی را به عدم اعتماد به نفس و داشتن و او را خوار و حقیر شمردن:

متأسفانه بعضی از پدران و مربیان مرتکب این کار می‌شوند. درحالی که اثر بسیار بدی بر آینده فرزندان و متربیان می‌گذارد زیرا متربی‌ای که بر عدم اعتماد به نفس خوار و حقیر دانستن تربیت شود ترسو، ضعیف، سست و تنبل بار می‌آید و قدرت مقابله با مشکلات زندگی و مبارزات را ندارد هر چند که به سنین بزرگ سالی برسد. الله متعال در این مورد فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرَكُم مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّغَابِ بِسَ الْأِسْمِ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾(۲).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید نباید یک قوم قومی دیگری را ریشخند کند شاید آنها از این‌ها بهتر باشند و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند] شاید آنها از این‌ها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.

پس لازم است که متربیان را برای امور دین و دنیا آماده سازیم و آنها را بر اعتماد به نفس تربیت کنیم تا در خود احساس عزت و سربلندی کنند نه غرور، تکبر و خود بینی؛ بکوشیم آنان را به امور و کارهای عالی عادت دهیم و آنان را از چیزهایی پست و ناچیز دور گردانیم. به عنوان مثال به این داستان توجه نمائیم:

در دوران هشام بن عبدالملک(۳). سر زمین شام دچار خشکسالی شده و قبایل مختلف به جانب مقر حکومت هشام به راه افتادند، جمعیت وارد مقر حکومت شد و در میان جمعیت «درواس بن حبیب» که ۱۴ ساله بود حضور داشت اجتماع مردم، هشام را به وحشت انداخت، در میان جمعیت درواس را نیز دید و با حالت تمسخر به نگهبان هایش گفت: هر کس اراده کرده مرا ببیند بدون هیچ مانعی به این‌جا آمده می‌تواند حتی کودکان! «درواس» فهمید که منظور هشام من هستم گفت: ای امیر مؤمنان! وارد شدن من به سرای حکومت ضرری به شما نمی‌رساند در عوض موجب افتخار من خواهد بود، این قوم برای کاری جمع شده اند که از بیان آن ناتوان هستند. سخن نهان و خواست آدمی را آشکار

۱- عدنان حسن صالح، ۲۰۱۱م. مسؤلیة الأب المسلم في تربية الولد في مرحلة الطفولة: سعودی - جدہ - دار المجتمع. / یوسف محمد حسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۳۸.

۲- سورة الحجرات: آية: ۱۱.

۳- هشام بن عبد الملك بن مروان بن الحكم بن أبي العاص بن أمية الأكبر بن عبد شمس بن عبد مناف بن قصي بن كلاب در سال ۷۱ هـ. ق. تولد شد، در سال ۱۰۵ به مسند خلافت رسید که در این وقت ۳۴ ساله بود و در سال ۱۲۵ هـ. ق. وفات شد. / ذهبي، سير أعلام النبلاء: ۵ / ۳۵۱.

می‌کند و سکوت آن را پنهان می‌سازد و برای دریافت و شناخت محتوای کلام راهی جز بیان آن نیست.

هشام گفت: پس سخن بگو! (عبارتی ناشی از تعجب و تحسین برای کودکی که این چنین توانایی دارد) «درواس» ادامه داد و سخنانش «هشام» را شگفت زده کرد او گفت: ای امیر مؤمنان! سه سال است که ما دچار سختی و مصیبت شده‌ایم: قحطی سال اول پیه‌ها و چربی‌ها ذوب شد و از بین رفت، سال دوم گوشت خورده شد، سال سوم مغز استخوان نیز درآورده شد. و می‌دانیم که اموال اضافی هم در دست شماست.

اگر این اموال متعلق به خداست آن را بر بندگان خدا و مستحقان تقسیم کن که ما هستیم!

و اگر مال بندگان خداست پس چرا آن را انبار و احتکار کردی و به آنها نمی‌دهی؟

و اگر مال و ثروت خود شماست پس بر آنها صدقه و بخشش کن. خداوند به صدقه دهندگان اجر و ثواب می‌دهد و اجر نیکوکاران را تباه نمی‌کند. به اعتماد به نفس این جوان و جرأتش بنگریم و درس عبرت بگیریم. به آنچه گف: بدان ای امیر مؤمنان! که والی در رابطه با رعیت مانند روح برای جسد است و حیات جسد هم به واسطه روح است. «هشام» گفت: این پسر بچه هیچ عذری از سه حالتی که گفت: باقی نگذاشت، پس دستور داد که صد هزار درهم به قبیله و قوم آنان بدهند و صد هزار درهم نیز به «درواس» ببخشند. «درواس» گفت: «ای امیر مؤمنان! صد هزار درهمی را که به من بخشیدی من بهره و نصیب خودم را به قوم و قبایلم می‌بخشم چون می‌ترسم صد هزار درهم برای آنان کافی نباشد».

«هشام» گفت: «آیا چیزی دیگری برای خودت می‌خواهی؟»

«درواس» گفت: «من نیازی غیر از نیاز سایر مسلمانان ندارم» (۱).

^۱ - علوان، تربية الأولاد في الإسلام: ج ۱. ص: ۲۳۱.

فصل دوم

خواسته‌ها و وسایل تربیت از منظر قرآن کریم

این فصل شامل دو مبحث و هر مبحث حاوی مطالب و جزئیات می‌باشد.

مبحث اول: اصول، راهکارها و وسایل تربیت از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب اول: اصول تربیت از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب دوم: صحنه‌های از تربیت اخلاقی در داستان‌های قرآن کریم.

مطلب سوم: اهداف و خواسته‌های تربیت اسلامی در قرآن کریم.

مبحث دوم: راهکارها و وسایل تربیت در قرآن کریم.

مطلب اول: تربیت دادن با پیشکش صحنه‌های از زنده‌گی الگوهای شایسته.

مطلب دوم: تربیت با پند و اندرز های قرآن کریم.

مطلب سوم: تربیت به وسیله تشویق و ترغیب به شیوه قرآن کریم.

مبحث اول: اصول، راهکارها و وسایل تربیت از دیدگاه قرآن کریم

در این مبحث اصول تربیت از دیدگاه قرآن کریم، همچنان راه‌های رسیدن به اخلاق والای اسلامی که قرآن کریم آنرا برای ما هدف زنده‌گی قرار داده و وسایل که برای رسیدن به هدف خود از آن استفاده می‌کنیم شرح و به تفصیل ذکر گردیده اند.

مطلب اول: اصول تربیت از دیدگاه قرآن کریم

از آنجایی که هرکار و طریقه بر مبنای اصول و زیربناهای آن قائم شده است، تربیت و پرورش اسلامی در پرتو قرآن کریم نیز دارای تهداب‌ها و اصولی می‌باشد. دانشمندان و دانایان امور تربیت اسلامی در این مورد نوشته‌ها و آثار ارزشمند و ماندگار برجا گذاشته‌اند که می‌توان از آنها استفاده‌ای خوبی کرد که از آن جمله دکتور و هبة الزحیلی رحمه الله می‌باشد. ایشان اصول تربیت در پرتو قرآن کریم و رهنمایی‌های اسلامی را این گونه به نوشته گرفته است:

الف - تربیت ایمانی

تربیت ایمانی از برنامه‌های بلند و کلیدی قرآن کریم است. قرآن کریم که بعنوان آخرین دستورالعمل الهی برای سمت دادن اندیشه‌ها به یک تمدن جاودان، از طرف الله متعال به رسول معظم اسلام ﷺ فرود آمده که همواره برای شگوفایی و رونق هر چه بیشتر برنامه‌های تربیتی و اصلاحی انسانها کار کرده و این حقیقت را به آواز بلند ابلاغ می‌کند که هیچ تربیتی بدون تربیت ایمان و ساختارهای عقیدتی روی پا ایستادنی نیست و همواره اعلام می‌دارد که سلامتی عقیده و ایمان آدم‌ها، روح و سر مایه رسالت دین مبین اسلام است. که با کاشتن نهال ارکان ایمان و باورهای اسلامی ایمان به الله متعال، فرشته‌ها، کتاب‌های آسمانی، انبیاء علیهم السلام، دنیای واپسین و قضا و قدر در جان و دل آنها رسوخ می‌یابد.

هر آنکه معلم و مربی کسی می‌شود، باید قبل از هرچیز، روی سادگی بیان و پیشکش کردن دلایل قابل فهم و درک، روی موضوع به اثبات رساندن وجود الله متعال و حقانیت توحید و یکتا پرستی تلاش بورزد. و بکوشد که نهال محبت الله متعال و شکر نعمت‌ها و بخشش‌های او را در دل زبردستان خود بنشانند و او را متوجه این حقایق بنمایاند که حاکم و فرمانروای کل در دنیا با پیدا کردن مخلوقات جاندار و بی جان، در آخرت با زنده نموده و حساب و کتاب تنها از آن الله متعال است.

سپس بر مربی لازم است که زیر دستیان خود را با منزلت و جایگاه قرآن کریم آشنا ساخته و به او بگوید که قرآن کریم به خاطر آنکه کلام الله متعال است با دیگر کتابها که از آن انسانها است، بسیار فرق دارد. نقش قرآن کریم را در راستای تربیت‌های معنوی و ایمانی بسیار زیاد اثر گذار است.

چنانچه الله متعال در این مورد فرموده: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾^(۱).

ترجمه: این قرآن کریم (مردمان را) به راهی رهنمود می‌کند که مستقیم‌ترین راه‌ها (برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت) است، و به مؤمنانی که (برابر دستورات آن) کارهای شایسته و پسندیده می‌کنند مژده می‌دهد که برای آنان (در سرای دیگر) پاداش بزرگی (بنام بهشت) است.

بعداً مربی باید به منظور ایجاد و تقویت محبت با پیامبر ﷺ در دل زیر دستانش تلاش کند و به او بفهماند که رهبر معظم اسلام ﷺ آخرین و گرامی‌ترین پیامبران است و پیروی از راه و روش او و حفظ گفته‌ها و اقوالش خیلی ضروری و لازمی است. و بعد از آن باید نهال محبت را در دل مردان و انسان‌های صالح و خوب اسلامی را که در دین مبین اسلام خدمات ارزنده و خوبی را انجام داده اند در دل زیردستان شان غرس کنند. یقیناً این کار، برای خوب تربیه شدن زیر دستان نقش اساسی را بازی کرده و نسل‌ها را خیلی با احساس، شعورمند و هوشیار ببار می‌آورد. قرآن کریم که نقش بزرگی در تربیه انسانیت دارد و همواره روی تبارز استعدادها و سازش شخصیت‌ها تلاش ورزیده است، چه بسا داستان‌های ارزنده و مفیدی از مردان صالح و انبیاء الهی را برای ما نقل کرده تا از روند کاری، شیوه‌های الله پرستی و راه‌های توحید محوری آنها درس بگیریم.

همچنان مربی باید محبت به ایمان و جهاد را در راه الله متعال و رویارویی با دشمنان اسلام در دل مسلمانان تقویت کند. بخصوص دشمنانی که کینه مسلمانان را در دل دارند و بر علیه آنها توطئه چینی می‌کنند و به سر زمین و اموال و آبروی آنان تعرض می‌نمایند. باید به آنها بیاموزند که همیشه برای مقابله با آنها لازم است امکانات و تدارکات مادی و معنوی ضروری را فراهم کنند تا در موقع مناسب بتوانند زمین‌های اشغال شده مسلمانان را آزاد و حقوق از دست رفته آنها را دوباره به دست بیاورند.^(۲)

ب - تربیت بدنی (جسمانی)

تربیت جسمی یا تربیت بدنی، عبارت از: عملیه حفظ و مراقبت از صحت‌مندی و نمو جوانب جسمی انسان است که بدین وسیله بتواند به درجه قوام و کمال زیبایی برسد و بسان یک موجودی که الله متعال آن را اشرف المخلوقات خلق کرده، ببار آید.

اسلام به عنوان یک آیین همیشه مؤفق و کامیاب، روی تربیت جسمی و بدنی، توجه و تمرکز به سزایی دارد و پیروانش را در این موضوع مورد حمایت‌های همه جانبه قرار می‌دهد و قرآن کریم نیز که دستور العمل جاویدان و قانون همیشه بهار الهی در روی زمین است، همواره انسان را برای داشتن جسم قوی فرا می‌خواند و بیان می‌دارد سلامت شخصیت انسانی و توانایی جسمانی دو پایه

۱ - سورة الإسراء: آیه: ۹.

۲ - زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر: مترجم: عبدالعزیز سلیمی: ص، ۴۱ - ۴۳.

اساسی پرورش درست انسان است، الله متعال بر بندگان خود به خاطر برخوردار نمودن آنها از بهترین خلقت و آفرینش منت نهاده و فرموده اند: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^(۱).

ترجمه: ما به راستی انسان را (از نظر جسم و روح) در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده ایم. حاصل آن این که الله متعال انسان را از همه مخلوقات خویش زیباتر آفریده است، این عربی فرموده اند: که در مخلوقات الله متعال کسی از انسان زیباتر نیست؛ زیرا الله متعال او را همراه با زندگی عالم، قادر گویا، سمیع، بصیر، مدبر و حکیم قرار داده است و همه این صفات در اصل از آن الله متعال است.

همچنان الله متعال در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾^(۲).

ترجمه: و هر چه در توان دارید از نیرو و قوت آماده کنید.

همچنان الله متعال در جای دیگری می‌فرماید: ﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ﴾^(۳).

ترجمه: پیامبرشان گفت: در حقیقت الله متعال او (طالوت) را بر شما برتری داده و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است.

در آیت دیگری می‌فرماید: ﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾^(۴).

ترجمه: یکی از آن دو [دختر] گفت ای پدر او را استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است.

و نیز پیامبر ﷺ در مورد می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ»^(۵).

ترجمه: مؤمن قوی و توانا نزد الله متعال بسیار محبوب تر و بهتر است از مؤمن ضعیف و ناتوان و در هر یک (به درجاتی) خیر و منفعت وجود دارد.

زیرا همواره عقل سلیم در بدن سالم است و لازمه عمل به مسؤولیت‌های زندگی برخوردار از توانایی جسمی می‌باشد و ضعف و سستی جسمی مانع از قیام بسیاری از مسؤولیت‌ها می‌شود^(۶).

همچنان رسول الله ﷺ در حدیث دیگری می‌فرماید: «إِذَا جَاءَ الرَّجُلَ يَعُودُ مَرِيضًا قَالَ: اللَّهُمَّ اشْفِ عَبْدَكَ، يَنْكَأْ لَكَ عَدُوًّا وَيَمْشِي لَكَ إِلَى الصَّلَاةِ»^(۷).

۱- سورة التين: آية: ۴.

۲- سورة الأنفال: آية: ۶۰.

۳- سورة البقرة: آية: ۲۴۷.

۴- سورة القصص: آية: ۲۶.

۵- مسلم، ابن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، صحيح مسلم. تحقيق: محمد فواد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي. ۴ / ۲۰۵۲.

۶- الحازمي، اصول التربية الإسلامية: ص ۱۹۵.

۷- حنبل، احمد بن محمد، المسند للامام احمد، (۱۷۲/۲)، لبنان، بيروت، المكتبة الإسلامية، (۱۴۰۵ هـ. ق.).

ترجمه: هرگاه رسول خدا ﷺ به عبادتِ مریضی می‌آمد، چنین می‌فرمود: ای بار خدایا، بنده ات را شفا بده تا بسوی تو دویده بیاید و به نماز و عبادتت بپا بایستد.

مفهوم تربیتِ بدنی در پرتو تربیتِ اسلامی و قرآنی، همانا عملیه است که در راستای حفظ و مراقبت بدن تمرکز صورت می‌گیرد تا انسان بدین وسیله به همان کاری که حکمتِ آفرینشش می‌باشد، دست بیابد که عبارت از عبادت و بندگی الله متعال است^(۱).

ج - تربیت عبادی

قرآن کریم، نقش ارزشمندی در تربیت عبادی و ساختار های معنوی انسان دارد که همواره کوشش برای برقرار سازی ارتباط های روحی که بنده با الله متعال دارد بحث نماید. نقش قرآن کریم در تربیت های گوناگون انسان، از دریچه های مختلفی آیات کلام الله مجید دانسته می‌شود و این کتاب ارزشمند، همواره روی طرح های مؤفق تربیتی انسان کار می‌کند و برای این که انسان به مقصد های عالی عبادی و معنوی نایل آید، برنامه های ارزشمندی را ارائه می‌دارد. عبادت در دین مقدس اسلام ثمره و بازتاب طبیعی ایمان و عقیده و دلیل وجود و درستی آن است، مسلمانان تا زمانی که وارد مرحله عبادت نشوند، به ارزش این ثمره نمی‌دانند. این قرآن کریم است که او را برای درک چنین مطالبی آماده می‌کند و محبت عبادتی یگانه پروردگار هستی را در دلش زنده می‌دارد. قرآن کریم صحنه های عجیبی از تربیت های عبادی را در لابلای آیات خود دارد و برای بشریت پیام جان بخشی را از این قبیل می‌رساند. چنانچه به یکی از این دورنماهای سبز کلام الهی توجه کنیم: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾^(۲).

ترجمه: تو اهل بیت خود را به نماز امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش. الله متعال در این آیت، موسی کلیم الله را دستور داد که اعضای خانواده اش را به ادای نماز که بزرگ ترین مایه آرامش، و عصاره عبادت، سبزترین منظره به تماشا گرفتن رحمت الهی است، امر کند. الله متعال با این رویکرد اصلاحی و بیان بلیغ خود اعلان می‌دارد که تربیت عبادی، کلیدی ترین و اساسی ترین منبع زلال معنویت و قله های رفیع رشادت بندگان الهی است می‌توان با پیمودن آن به الله متعال رسید و به اوج تربیت و اصلاح بندگی نایل آمد. در حقیقت ایمان و بنده ای واقعی بودنِ الله متعال همانا اقرار به زبان، تصدیق به قلب و عمل به جوارح و اعضای بدن می‌باشد^(۳).

۱ - زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر، مترجم، عبدالعزیز سلیمی، ص ۴۵.

۲ - سورة طه: آیه: ۱۳۲.

۳ - الاهدل، هاشم علی، ۱۴۰۶ هـ. ق، التربية الذاتية من الكتاب و السنة: بیروت - لبنان - مكتبة العلم. ص ۱۳.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله^(۱) در این مورد چه زیبا می‌فرماید: (عبادت و ایمان، نام جامع برای هر آن کاریست که الله متعال آن را دوست دارد و از این که بندگان آن را انجام دهند، خوشنود می‌شود که شامل اعمال ظاهری و باطنی می‌گردد که عبارت اند از: نماز، روزه، زکات، حج، جهاد، نیکی به والدین، خوبی به مردم، احسان و نیکویی به همسایه‌گان، مسکینان، یتیمان، حیوانات و غیره، و همچنان صبر در برابر مصایب، طاعت از اوامر الله متعال، اخلاص داشتن به دین، توکل به الله متعال، خوف از قهر و امید به رحمت او داشتن، همه و همه داخل در مفهوم ایمان و عبادت است، قرآن کریم در این مورد رسالت ارزشمندی را در قبال انسانیت اداء کرده و در هر عرصه دست انسان را گرفته به سوی فوز و فلاح رهنمون کرده است)^(۲).

استاد محمد قطب رحمه الله^(۳) راجع به تربیت عبادی در پرتو قرآن کریم می‌نویسد: عبادت در قرآن کریم از بارزترین خصوصیات روش اسلامی و قرآنی است، اما عبادت در اینجا تنها منحصر به آداب و رسوم تعبیدی معروف، مانند نماز، زکات و غیره نمی‌شود، بلکه دارای معنای بسیار عمیق‌تر و فراگیرتر است که عبارت از: پیوند همیشه‌گی با الله متعال می‌باشد. روش‌های تربیتی عبادی قرآن کریم، درحقیقت همان پیوندیست که همه شعبه‌های تربیت از آن سرچشمه گرفته است، زیرا که بازگشت همه آنها نیز در پایان کار بسوی آن بوده است^(۴).

نماز، روزه، زکات، حج و دیگر مظاهر و شعائر تعبیدی، چیزی جز کلید نیست؛ تنها کلیدهایی که با آنها می‌توان درهای عبادت را به روی خود باز کرد؛ ایستگاه و منازل است که راه پیمایان عبادت و سالکان منزلگه معبود، در آن، منزل گزیده اند و توشه مقصود را برداشته نفسی تازه می‌کنند، سپس با زاد و راحله کافی راه را پیموده تا به سرمنزل مقصود برسند، این راه همان عبادت است.

بنا بر این، هرچه در این راه واقع باشد، از پرستش تا کارهای روز مره زندگی فکر کردن و ادراک نمودن، مادام که مورد نظر و هدف الله متعال باشد، همه عبادت است، و این اساس و پایه هنگامی مستحکم‌تر می‌شود که درحقیقت و در عمل (نه تنها به زبان) گواهی دهد که هیچ مقام و شخصیت و مظهر و قدرتی پرستیدنی نیست جز الله واحد و آفریننده قادری که حکیم و دانا است و گواهی می‌دهد که محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست. تاباشد که راه حقیقی و سنت ابدی و قوانین تغیر ناپذیر او را به بندگان خود نشان داده و سراسر زندگی او را بر این پایه استوار و ادامه دهد^(۵).

۱ - تقی الدین ابو العباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیه الحنبلی دمشقی در سال ۶۶۱ ق. متولد شد وی شیخ الإسلام، فقهی، اصولی، مفتی و صاحب آثار زیادی بوده از آن جمله: اقتضاء الصراط المستقیم فی الرد علی اهل الجحیم والسیاسة الشریعة فی اصلاح الراعی والراعیة و الکلام علی حقیقة الإسلام و الإیمان و غیره. وی در سال ۷۲۸ ق وفات شد. / زرکلی، الإعلام للزرکلی: ۱/ ۱۴۴.

۲ - ابن تیمیه، احمد بن عبد الحلیم، ۱۴۰۱ هـ. ق، العبودیة: بیرت - لبنان - دارالکتب العلمیة. ص ۴.
۳ - محمد قطب در سال ۱۹۱۹ م. در اسبوط متولد شده، مؤلفات وی دراسات فی النفس الانسانیة، منهج الفن الإسلامی، دراسات قرآنیة، شبهات حول الإسلام و هل نحن مسلمون و غیره می‌باشد. وی در سال ۲۰۱۴ م در مکه مکرمه وفات نمود. / <https://ar.wikipedia.org/wiki> ویکیپدیا- الموسوعة الحرة.

۴ - محمد قطب، ۱۳۸۶ هـ. ش، روش تربیتی اسلام: مترجم: دکتر سید محمد مهدی جعفری: ایران - کتابخانه قلم. ص ۶۰.

۵ - محمد قطب، ص ۶۱.

الله متعال، در این آیه ای مبارکه، بزرگ ترین واقعیت تربیت عبادی را به انسانها به نمایش می‌گذارد:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۱)

ترجمه: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.

آنچه که از لابلای این بحر بی کرانه این آیه ای مبارکه بر می‌آید، این است که الله متعال، قرآن کریم را بزرگترین مربی روح و روان انسانیت خوانده و پروسه بزرگ و مهم کاری، و مأموریت کلان او را از این آیت متبلور می‌سازد که عبادت و الله پرستی، نقش ارزشمندی را روی تربیه انسان بازی می‌کند و او را پیراسته کرده برای رسیدن به الله متعال آراسته و آماده می‌سازد^(۲).

د - تربیت اخلاقی

اولاً خوب است که روی معنای لغوی و اصطلاحی اخلاق اندکی مکث کنیم:

اخلاق در لغت: جمع خُلُق است و خُلُق در لغت بمعنای سجایایی حسنه و زیبایی های است که بمعنای دین و طبع و روش اخلاقی می‌آید و درحقیقت عبارت از: همان صورت باطنی انسان است که از نفس، اوصاف و ویژگی های خاصی که در اندرون آدمی نهفته است، بحث می‌کند^(۳).

اخلاق در اصطلاح امام غزالی رحمه الله^(۴) چنین تعریف شده است: اخلاق عبارت از هیئتی راسخه در نفس است بدون جبر و اکراه که به درستی در آن رسوخ یافته و همه افعال و اعمال از آن به درستی صادر می‌شود و انسان در انجام آن دچار تکلف نمی‌شود^(۵).

آداب خوب و پسندیده، و خصلت‌های داخل در چار چوب اسلام، در واقع بستر و عرضه دین داری است. دانشمندان و علمای اسلامی، اخلاق خوب و خوش را بزرگترین تربیه انسان در چار چوب اخلاق قرآنی خوانده اند، قرآن کریم که کتاب ارزشمند الهی و خورشید جهان تاب هدایت و رهنمایی بشر است، روی تربیت‌های اخلاقی انسان نقش به سزایی دارد و در این راستا، از هیچ راهکار و برنامه دقیق و سازنده فروگذار نشده است، این یکی از سنت‌های الهی است که در هنگام بعثت هر پیامبری و در وقت نزول هر کتابی از فراز آسمانها برای قوم خاصی، در قدم اول روی تربیت‌های انسانی و ابعاد گوناگون، کار می‌کرد و در این مسیر، بر انبیاء علیهم‌السلام مسؤولیت‌های بزرگ و سنگینی که در واقع جزء وسیع از پروسه تبلیغ رسالت شان را تشکیل می‌داد، و می‌گذاشت چنین رویکرد تربیتی در هر وقت و زمانی ادامه داشته و الله متعال، در هر مکتبی که از فراز آسمانها برای

۱ - سورة الذاریات: آیه: ۵۶.

۲ - زحیلی، فقه خانواده در جهان معاصر، مترجم، عبدالعزیز سلیمی، ص ۴۶.

۳ - ابن منظور، لسان العرب: ۵ / ۱۴۰.

۴ - محمد بن محمد بن محمد، غزالی طوسی، أبو حامد، فیلسوف، متصوف، و مؤلفات اش تقریباً به دو صد می‌رسد، تولد و وفات اش در طائران خراسان بوده، نسبت او به غزالی نزد بعض از اهل غزالیه یکی از قریه‌های طوس بوده، یا بخاطر غزل ساختن اش غزالی می‌گفتند: اگر به تشدید راء باشد، (ت: ۵۰۵ هـ) ذهبی: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، ۱۴۱۳ هـ.ق. سیر أعلام النبلاء: بیروت - مؤسسة الرسالة. ۱۹ / ۳۲۸.

۵ - الغزالی، إحياء علوم الدین: ۳ / ۵۳.

هدایت بشر می‌فرستاد و طرح اجرای آن را به یکی از پیامبران می‌گذاشت، تمرکز زیاد روی چگونگی تربیت نسل‌ها و تقدیم کردن آنها به جامعه صورت می‌گرفت. چنین مکتبی با راه و روش مناسب با هر مخاطبی، سیر و حرکت خوبی داشت، تا این که نوبت به بعثت رهبر معظم بشریت محمد بن عبدالله ﷺ فرا رسید ایشان نیز روی این برنامه عمیقاً کارکرد و به مدت تقریباً سیزده سال اول پخش و نشر رسالت الهی، یکسره روی فکر، اندیشه و اخلاق عربهای تازه مسلمان شده زحمت بجان می‌خرید و شخصیت آنها را با کیمیایی تربیت اخلاقی قرآنی اسیر جاودانگی می‌داد و الله متعال در قدم اول شخص رهبر بزرگ اسلام را تربیت اخلاقی داد و در قرآن کریم روی این موضوع به صراحت سخن راند: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾^(۱).

ترجمه: از پرتو رحمت الهی ست که تو با آنان نرمخو (ومهر) نمودی و اگر درشتخوی و سنگدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند.

و در جای دیگری از آن اخلاق بزرگی که شخص ذات باری تعالی آن حضرت ﷺ را پیراسته بود توصیف به عمل می‌آورد و با این تصریح واضح می‌سازد که قرآن کریم در تربیت نیکوی این شخصیت بزرگ تاریخ نیز نقش بسزای داشته است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^(۲).

ترجمه: و راستی که تورا خویی والاست.

و همچنان داستان‌های که در قرآن کریم آورده شده اند، نقش اساسی را در تبیین اخلاقی انسان دارد، چه بسا آیتی که در لابلای داستان‌های قرآن کریم دیده می‌شود، انسانها را تشویق و ترغیب به داشتن اخلاق درست می‌کند و پیام‌های بزرگی روی تربیت اخلاق بشریت دارد.

مطلب دوم: صحنه‌های از تربیت اخلاقی در داستان‌های قرآن کریم

قرآن کریم کتاب آسمانی است، که در آن به تمام ابعاد زندگی انسان توجه شده در باره تربیت آن از شیوه‌های مختلف کار گرفته شده، که یکی از آن ذکر کردن داستان انسانهای گذشته است، که قرآن کریم برای پند و عبرت ما از آن یاد آوری کرده تا از نیکو کاری آن پیروی و از ناپسند آن اجتناب نماییم، که بعضی از آن قرار زیر بیان می‌گردد.

۱ - داستان حضرت لقمان حکیم رحمه الله: این حکایت اشاره به آن دارد که انسان باید زیر دستانش را از آوان کودکی و خورد سالی به تربیت اخلاقی عادت دهد و روی ساختار شخصیت اسلامی و ایمانی وی جداً تلاش نماید، چنانچه از توصیه حضرت لقمان به پسرش چنین وانمود می‌شود:

۱- سورة آل عمران: آیه: ۱۵۹.

۲- سورة القلم: آیه: ۴.

﴿وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ^(۱)

ترجمه: با تکبر و بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو، چرا که الله متعال هیچ متکبر مغروری را دوست نمی‌دارد. و در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن، و در سخن گفتنت از صدای خود کم کن (و فریاد مزین) چرا که زشت ترین صداها، صدای خران است.

ابن کثیر رحمه الله^(۲) فرموده اند: (این توصیه‌ها، خیلی ارزشمند و پر منفعت است که الله متعال آن را از حضرت لقمان حکیم نقل داشته است تا مردم آن را درسی بزرگی بدانند و (در زندگی اخلاق شان) به آن اقتداء نمایند)^(۳).

واقعاً اگر کسی در داستان حضرت لقمان و پسرش تأمل و اندیشه ای عمیق کند، در خواهد یافت که این آیت، در راستای ساختار یک شخصیت واقعاً درست و داخل در چارچوب تربیت ایمانی، عبادی و بخصوص اخلاقی، نقش بسزایی را بازی کرده است. این بدان خاطر است که چنین توصیه از جانب حضرت لقمان حکیم، از ابتدای کودکی پسرش بوده و تأثیر شگرفی در این باره داشته است که یک زیر دست و فرزند، واقعاً در چنین سن و سالی بدان نیاز مبرم دارد. زیرا پسرش در این آوان، از همه انواع شخصیت خالی بود و چیزی در وجودش پیدا نمی‌شد، حضرت لقمان حکیم رحمه الله تصمیم بر آن گرفت که از همین حالا باید روی پرسازی ظرف شخصیت فرزندش با دُرَدانه‌های ناب و آبهای زلال شخصیت سازی و خدا شناسی تلاش بخرچ دهد و در این مسیر از هیچ راهکار و چاره ای سازنده فرو گذار نشود. لذا از دیدگاه لقمان حکیم رحمه الله، سه تربیت (ایمانی، تعبدی و اخلاقی) در ساختار شخصیت یک انسان نقش اساسی را ایفا می‌کند و بعد از این که دویی اول را در وجود پسرش نهادینه و ریشه دار ساخت در قدم بعدی روی ریشه دار ساختن درخت تربیت‌های اخلاقی آستین بالا زد و خطابش کرد که هرگز با مردم به روی برتافته و چهره یکسو صحبت نکند، کسی را تحقیر و تو هین نکند و بر کسی تکبر نورزد و خویشان را بر هیچ کسی برتر نداند، زیرا این طرح صحبت رفتارها، کشنده ترین مرضی است که پیکر شخصیت و اخلاقی که انسان را در لرزه در آورده، قوت و توانایی شخصیت اش را از وی می‌گیرد.

ابن عاشور رحمه الله^(۴) در تحت این آیت سخن ارزشمندی دارد: (حضرت لقمان رحمه الله، از همه قبل در مورد سرنوشت فرزندش روی طرز برخورد و شیوه ای چگونگی رفتار با مردم صحبت

۱ - سورة لقمان: آية ۱۸ - ۱۹.

۲ - ابوالفداء اسماعیل ابن کثیر در سال ۷۰۵ ق متولد شد وی فقیه، محدث و مفسر بود. تألیفات آن: تفسیر وی و کتاب البدایة والنهاية والکواکب دراری فی التاریخ والإجتهد فی طلب الجهاد والجامع المسانید و غیره بوده، وی در سال ۷۷۴ ق وفات یافت. زرکلی، الإعلام للزرکلی: ۳۲۰/۱.

۳ - ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم: ۳ / ۶۰۱.

۴ - ابن عاشور در سال ۱۸۷۹م متولد شد وی دانشمند و محقق تونس بود. در زیتونه تحصیل کرد وی اولین نویسنده به زبان عربی از تونس بوده و آثار وی به عدد می‌رسد. بعضی از آثار وی عبارت است: از مقاصد الشریعة الإسلامیه، الوقف آثاره فی الإسلام، معجز البلاغة، تفسیر

کرده و وی را از حقیر شمردن مردم و فخر فروشی بر آنها بازداشته است، این نصیحت حضرت لقمان حکیم چنین حقیقتی را نشان می‌دهد که او همه مردم را در شخصیتی، جایگاه مردمی و آبروی انسانی یکسان می‌دانست که نباید در حق شان تجاوز صورت گیرد و شخصیت هیچ یکی از آنها به تمسخر گرفته نشود^(۱).

۲ - داستان حضرت ابراهیم علیه السلام: در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام بزرگترین دورنمای تربیت اخلاقی یک پیامبر اولوالعزم الهی به تماشا گرفته می‌شود که چطور با تربیت‌های که از جانب الله متعال آراسته شده بود، در برابر پدر بی ایمانش از اخلاق و برده باری بزرگی کار می‌گیرد و چه سان او را بسوی الله متعال فرا می‌خواند، که این همه برگرفته از یک تربیت بزرگ اخلاقی است و برای بشریت درس بزرگی در تربیه اخلاقی دارد. حضرت ابراهیم علیه السلام در این داستان با کمال ادب و وقاری که باید از یک فرزند خوب سرزند، پدر خود آذر را خطاب می‌کند و در مورد بدی‌های عبادت غیر الله او را چنین آگاه می‌سازد: ﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِنْ لَمْ يَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا﴾^(۲).

ترجمه: هنگامی را بیاد دار که (محترمانه) به پدرش گفت: ای پدر، چرا چیزی را پرستش می‌کنی که نمی‌شنود و نمی‌بیند و اصلاً شر و بدی را از تو دور نمی‌کند؟ ای پدر، دانشی (از طریق وحی الهی) نصیب من شده است که بهره تو نگشته است، بنا بر این از من پیروی کن تا تو را به راه راست رهنمود کنم. ای پدر، اطاعت از او در کار و بار زندگی، و از جمله در امر بت پرستی است. ای پدر، من از این می‌ترسم که عذاب سختی از سوی الله متعال گریبان گیر تو شود که (آتش دوزخ است) و آن گاه همدم شیطان (در نفرین یزدان و عذاب سوزان) شوی. (پدر ابراهیم بر آشفت و) گفت: آیا تو ای ابراهیم از خدایان من روی گردانی؟! اگر (از عبادت یکتا پرستی و ناسزا گویی در باره بتان) دست نکشی، حتماً تو را سنگسار می‌کنم. برو برای مدت مدیدی از من دور شو (تا آتش کینه و خشم فرو نشیند، و دست به خون تو نیالایم). (حضرت ابراهیم علیه السلام به آرامی و مهربانی) گفت: (پدر) الله حافظ! من از پروردگارم برای تو آمرزش خواهم خواست. چرا که او نسبت به من بسیار عنایت و محبت دارد.

وی التجدید و التتویر والأصول الإنشاء والخطابة و غیره، وی در سال ۱۹۷۳ م وفات کرد. / زرکلی، خیر الدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس، ۱۹۸۴ م. الأعلام للزرکلی: بیروت - دار العلم للملايين. ۱۷۳ / ۶.

۱ - ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور التونسی (ب - ت) التحریر و التتویر: بیروت - لبنان تونس - الدار التونسیة للنشر و التوزیع ۱۰۹ / ۲۱.

۲ - سورة مريم: آية: ۴۲ - ۴۷.

قرآن کریم در این جا تربیت‌های اخلاقی ابراهیم علیه السلام را به تصویر می‌کشد که چگونه در برابر پدرش با ادب نیکو، نرمی زیاد، و یا کلمه (یا ابت) که بیانگر مهربانی و عطف است، و احساسات پدران و رگهای مهربانی او را به وجد می‌آورد، رفتار می‌کند. نه تنها یکبار بلکه چهار بار این کلمات را با ندای مؤثری که داشت، تکرار می‌کند تا شاید اگر یکی تأثیر نکند، دیگری اش روی او تأثیری بگذارد^(۱).

دانشمندان معاصر تفسیر قرآن کریم در این مورد گفته اند: (این گفت و گوی که میان حضرت ابراهیم علیه السلام و پدرش رخ داده است، بزرگترین درسی برای دعوتگران است که در راستای تربیت های اخلاقی بیاموزند و بدانند که یک دعوتگر چگونه در برابر انسانهای لجوج و سرکش و بخصوص در برابر خویشاوندان بی باور خویش، از رفتارهای اخلاقی و درست کار بگیرند)^(۲).

درسها و پیامهای تربیت اخلاقی که از این داستان گرفته می‌شود، قرار ذیل بیان می‌گردد:

۱- اخلاق بزرگ (صداقت و امانتداری): یکی از بزرگترین ممیزاتی که ابراهیم علیه السلام را از دیگران متمایز می‌سازد صدق است، چنانچه از این آیت برداشت می‌شود: ﴿وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا﴾^(۳).

ترجمه: و در این کتاب به یاد ابراهیم علیه السلام پرداز زیرا او پیامبری بسیار راستگوی بود.

امام سید محمد طنطاوی رحمه الله^(۴) در مورد تفسیر موضوعی این آیت می‌فرماید: (ابراهیم علیه السلام را بیاد بیاور و آنرا برای مردمت بیان کن که چگونه با پدرش بر خورد اخلاقی کرد، تا آنها نیز در قوت ایمان، صدق و صفاء، و اخلاق نیکو و پسندیده به ابراهیم علیه السلام اقتداء کنند، ابراهیمی که در اخلاق و بر خورد انسانی، واقعاً یک الگوی بی مثل و شخصیت پر تأثیر است و همچنان به آنها بیان دار که ابراهیم علیه السلام قبل از این که به پیامبری مبعوث شود، یک جوان صادق و صدیق بود و این داشته ارزشمند در نهاد او، دلالت بر این دارد که چنین شایستگی های بلند، قبل از قبل در فطرت پاک او وجود داشته و الله متعال او را با تربیت‌های بلند اخلاقی آراسته و پیراسته ساخته است) حضرت ابراهیم علیه السلام مثل سایر پیامبران الله متعال قبل از مشرف شدن به مقام بلند نبوت، به اخلاق ایمان تربیه شده بود. چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در قبل از این که به نبوت مشرف شود، میان مردم به صادق و امین مشهور بودند، لذا دانسته می‌شود که استقامت یک دعوتگر و مورد اطمینان بودن و حسن سیرت و برخورد های اخلاقی اش بیشتر به وی کمک می‌کند، که دعوتش پذیرفته شود و مردم هر چه بیشتر به ندای او لبیک بگویند^(۵).

۱- الشائع، محمد بن عبدالرحمن، (ب.ت). الحوار فی قصص ابراهیم فی القرآن الکریم دروس و دلالات: نشر جامعة الشارقة. ص ۵.

۲- نخبة من علماء التفسیر و علوم القرآن، ۱۴۳۱ هـ.ق. التفسیر الموضوعی لسور القرآن الکریم: الإمارات العربیة المتحدة - جامعه الشارقة. ۴/ ۴۴۸.

۳- سورة مریم: آیه: ۴۱.

۴- محمد سید طنطاوی در سال ۱۹۲۸ م در سوهاج مصر متولد شده، وی امام مسجد الازهر و شیخ پوهنتون الازهر مصر بود، آثار وی التفسیر الوسیط، معجم اعراب لالفاظ القرآن الکریم بوده، وی در سال ۲۰۱۰ م در گذشت. زرکلی، الإعلام للزرکلی: ۳/ ۲۳۰.

۵- الطنطاوی، محمد سید الطنطاوی، ۱۱۹۷ م، التفسیر الوسیط: مصر - القاهرة - دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع. ۹/ ۴۱.

۱- برده باری، رحمت و نرم دلی: این سه خصوصیت که از محصولات و بر داشته‌های کشت تربیت های اخلاقی قرآن کریم، در نهاد حضرت ابراهیم علیه السلام به خوبی دیده می‌شود که این آیت آن را به خوبی متبلور می‌سازد و منظره سبز اخلاق بلند ابراهیم علیه السلام را در قبال پدرش که در برابر دعوتش لجابت می‌کرد، نشان می‌دهد: ﴿لَئِنْ لَمْ تَنْتَه لَأَرْجُمَنَّكَ وَأَهْجُرَنِي مَلِيًّا﴾^(۱).

ترجمه: اگر باز نه ایستی تو را سنگسار خواهم کرد و برو برای مدتی طولانی از من دور شو. ولی ابراهیم علیه السلام در برابر چنین سخن سخت و عتاب آمیز پدرش چنین جواب سرشار از مهربانی و عطف می‌گوید: ﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي﴾^(۲).

ترجمه: ابراهیم علیه السلام گفت: درود بر تو باد به زودی از پروردگام برای تو آمرزش می‌خواهم. حضرت ابراهیم علیه السلام در برابر سنگدلی و نامهربانی پدرش، این گونه برخورد کرد از این طرز بر خورد، شخصیت عالی و انسانیت بلند این بزرگمرد به نمایش آمده و نشان می‌دهد، که او چقدر حوصله مند و بردبار بوده است. همین است که الله متعال او را در جای دیگری مورد توصیف و تحسین قرار می‌دهد و از وی با الفاظ و واژه‌های بلند و پر مفهوم تقدیر و بزرگداشت به عمل آورده می‌فرماید: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ﴾^(۳).

ترجمه: واقعاً ابراهیم علیه السلام بسی بردبار و آه کشنده و توبه کار بود.

۱. اخلاق (محبت و شفقت): چنانچه از این آیت دانسته می‌شود: ﴿يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾^(۴).

ترجمه: ای پدر، من از این می‌ترسیم که عذاب سختی از سوی الله متعال گریبانگیر تو شود و آن گاه همدم شیطان شوی.

امام جارا الله زمخشری رحمه الله^(۵) فرموده اند: (نگاه کن، ابراهیم علیه السلام چگونه همراه پدرش با کمال تربیت و ادب سخن می‌زند و حرف دلش را چنان با رشاقت و برابری وضع و طبیعت می‌راند چطور با او با حسن جملات و کمال نرمی، اوج مهربانی، خوبی ادب و زیبایی اخلاق سخن می‌زند)^(۶).

۲. اخلاق (جواب بدی با خوبی) پدرش بر او خشم می‌گیرد: ﴿قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ﴾^(۷).

ولی ابراهیم علیه السلام با زبان نرم، سخن عاطفه انگیز، جواب سرشار از مهربانی، واژه (یا ایت) را بکار می‌برد.

۱ - سورة مريم: آية: ۴۶.

۲ - سورة مريم: آية: ۴۷.

۳ - سورة هود: آية: ۷۵.

۴ - سورة مريم: آية: ۴۵.

۵ - ابوالقاسم محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی در سال ۴۶۷ هـ. ق. در قریه زمخشر به دنیا آمد. وی عالم لغت، معانی و بیان می‌باشد. تألیفات وی کشف والفايق در تفسیر حدیث و المنهاج در اصول و المفصل در نحو و غیره بوده، وی در سال ۵۳۸ وفات نمود. زرکلی، الإعلام للزرکلی: ۱۷۸/۷.

۶ - الزمخشری، ابوالقاسم، محمود بن عمر، ۱۴۲۳ هـ. ق.، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل: لبنان - بیروت - دار احیاء التراث العربی. ۱۹/۳.

۷ - سورة مريم: آية: ۴۶.

امام قاضی ناصرالدین بیضاوی رحمه الله فرموده اند: (ابراهیم علیه السلام باعاطفه بزرگ، لطف سترگ با الفاظ ارشاد آمیز در برابر این همه عناد پدرش ایستاد و هیچگاه با او از در وازه خشم پیش نیامد، ولی او هیچگاه ابراهیم را با کلمه پسر صدا نزد و در وازه عطوفت و مهرش بروی این فرزند رشیدش باز نکرد)^(۱).

امام فخرالدین رازی رحمه الله^(۲) می‌فرماید: (آوردن کلمه یا ایت در هر جای از قرآن کریم، دلالت به شدت محبت و عاطفه فرزند به پدر می‌کند در این جا ابراهیم علیه السلام با کاربرد این لفظ، پدرش را سخت به محبت فراخوانده و خواسته است او را از عذاب رهایی و به صواب و درستی رهنمایی کند و این یکی از بزرگترین رویکردهای اخلاقی این پیامبر بزرگ است)^(۳).

استاد دوکتور وهبة الزحیلی رحمه الله فرموده اند: (پدر، در برابر فرزند با سختی و خشونت برخورد کرد و گفت: یا بُنی؛ ولی ابراهیم علیه السلام با کمال ادب فرمود: یا ایت؛ که این طرز برخورد با کمال تربیت اخلاقی ابراهیم علیه السلام اشاره دارد و این موقف گیری ایجابی از جانب ابراهیم علیه السلام و سلبی از جانب آذر فایده و درس بزرگی در اوراق تاریخ یادگار مانده است، بخصوص در عصر وزمانه ما که اکثر بشریت از عقاید باطل، دو خدایی، شرک و بت پرستی رهایی یافته، حق پا برجا و ناحق باطل شده است)^(۴).

ه - تربیت معنوی

تربیت معنوی نیز یکی از پایه‌های شخصیت یک مسلمان در راستای زندگی کردن در چارچوب دین مبین اسلام و شریعت محمدی است، این تربیت نقش ارزنده را در بنای ایمان و اهلیت یک مسلمان در پذیرش احکام و دستورات الهی بازی می‌کند، همین است که قرآن کریم همواره آیاتی را روی همین تربیت تمرکز می‌دهد و دایم از کسانی که بر مبنای تربیت روحی و معنوی بزرگ شده و یا تعلیم یافته اند تحسین و بزرگداشت به عمل می‌آورد.

قرآن کریم از مسلمانان عصر رسالت چنین تصویر می‌کشد: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾^(۵).

۱ - البیضاوی، عبدالله بن عمر بن محمد الشیرازی، ناصرالدین، ۱۴۱۸ هـ. ق، انوار التنزیل و اسرار التأویل: تحقیق: محمد عبدالرحمن المرعشلی: لبنان - بیروت - دار احیاء التراث العربی. ۱۲/۴.

۲ - ابو عبدالله محمد بن عمر بن حسین بن حسن تیمی طبرستان رازی؛ وی فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و حکیم که در سال ۵۴۴ هـ. ق. در ری زاده شد، و به ماوراء النهر سفر کرده، آثار وی تفسیر کبیر، الاربعین فی اصول الدین، اساس التقدیس، اسرار النجم البیان والبرهان، المحصول در اصول فقه، المطالب و العالیه فی الکلام، و شرح قانون و غیره بوده. وی در سال ۶۰۶ هـ. ق. در هرات درگذشت. زرکلی، الإعلام للزرکلی: ۳۱۳/۶.

۳ - الرازی، محمد بن عمر بن حسین الرقرشی الطبرستانی الشافعی الرازی، ۱۴۲۰ هـ. ق، تفسیر مفاتیح الغیب: لبنان - بیروت - دار احیاء التراث العربی. ۵۴۵/۲۱.

۴ - زحیلی، وهبة بن مصطفی، ۲۰۱۴ م، التفسیر المنیر فی العقیده و المنهج و الشریعة: سوریه - دمشق - دار الفکر للنشر و التوزیع. ۱۴۸۱/۲.

۵ - سورة الأنفال: آیه: ۲.

ترجمه: مؤمنان واقعی (و کسانی که بر مبنای تربیت‌های معنوی و روحی تعلیم دیده اند) تنها کسانی هستند که هر وقت نام الله متعال برده شود، دل‌های شان هراسان می‌گردد(و در انجام نیکی‌ها و خوبی بیشتر می‌کوشند) و هنگامی که آیات او برای شان خوانده شود، بر ایمان شان افزوده می‌شود و به پروردگار خود توکل می‌نمایند.

اسلام، نسبت به روح و معنویت انسان توجه ویژه ای دارد، روح و معنویت در اسلام، مرکز آفرینش ذات بشری و نقطه مرکزی اوست و پایه ای است که تمام موجودیت انسان بر آن استوار است و بدان وسیله به یکدیگر مرتبط است. معنویت برای زندگی انسان نگهبان بزرگی است؛ تربیت‌های معنوی و روحی انسان را به سوی نور و روشنایی سوق داده پیوند و ارتباط حقیقی انسان با الله متعال است. روش قرآن کریم برای تربیت روح و معنویت، پیوند همیشه‌گی در هر لحظه و هر عمل، اندیشه و احساس میان روح و الله متعال است.

قرآن کریم همواره روی تربیت انسان در معنویت، و داشتن روح و روانِ منور و سرشار از نورِ ایمان تلاش کرده و در این مورد برنامه‌های خوبی دارد. چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾^(۱).

ترجمه: مؤمنان همان کسانی‌اند که چون الله متعال یاد شود دل‌هایشان بترسد و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.

و در جای دیگری فرموده‌اند: ﴿وَإِذَا مَا أَنْزَلْنَا مَا أَنْزَلْنَا سُرَّةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ زَادَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ إِيمَانًا فَآمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ﴾^(۲).

ترجمه: و چون سوره نازل شود، کسی از آنان هست که می‌گوید: چه کسی از شماست که این [سوره در حق] او ایمان را افزون ساخته است؟ اما مؤمنان، ایمانشان را افزوده، و آنان شادمان می‌گردند.

علامه ابن عاشور رحمه الله در تفسیرش فرموده‌اند: گروهی از مردم قبل از این که اسلام بیآورند، در وقت شنیدن آیات کلام الله مجید، در نخستین مرحله ایمان آوردند: در حدیث صحیح از حضرت جبیر بن مطعم رضی الله عنه روایت شده است که: «از رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیده‌ام که در نماز خفتن، سوره طور را قرائت فرمودند زمانی که به آیه ﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ﴾^(۳).

ترجمه: آیا از هیچ خلق شده‌اند یا آنکه خودشان خالق (خود) هستند. رسید، نزدیک بود دل من از دل خانه پر واز کند و چنین حالتی، نخستین لحظه بود که اسلام در دلم جا باز کرد^(۴).

۱ - سورة الأنفال: آیه: ۲.

۲ - سورة التوبه: آیه: ۱۲۴.

۳ - سورة الطور: آیه: ۳۵.

۴ - ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور التونسي، (ب. ت) التحرير و التنوير: بيروت - لبنان - تونس - الدار التونسية للنشر و التوزيع. ۲۰/۷۰ - ۷۱.

استاد شهید سید قطب رحمه الله^(۱) در مورد این که قرآن کریم در تربیت روحی و معنوی انسان نقش ارزنده دارد، چنین می‌فرماید: (قرآن کریم کتابی پر از دانش نظری و تطبیقی نیست که هر کسی آن را بخواند، نفعی برگیرد و توشه از لابلای آیات آن بردارد؛ بلکه قرآن کریم، کتابی است که قلب انسان را مورد خطاب قرار می‌دهد و در اولین خطابه خویش، فروغ و روشنی خود را در دل انسان پخش کرده و عطر دلارایش را در قلبهای که برای پذیرفتن موضوعات آن در انتظار است، پخش می‌نماید؛ همان قلب‌های که با این کتاب مقدس، با کمال ایمان داری و باورمندی برخوردار می‌کند. به هر اندازه که دل آدمی مفتون و شیفته ایمان باشد، به همان مقدار حلاوت و شیرینی ایمان را می‌چشد و معانی و لطایف آن را درک کرده به توجیهاات و گفته‌های آن پی می‌برد، چنانکه از گفته‌های آن دل‌های خشک و خالی از نور ایمان هرگز یاری درک و فهم آن را ندارد، و همچنان دل‌های آکنده از فروغ ایمان و یقین، به چنان انوار و پرتوهای قرآنی دست می‌یابد که دل‌های سخت و محروم از زیبایی‌های ایمان را اصلاً در آن راهی نیست، و همچنان دل‌های نرم و با ایمان چنان ثمره، گل و میوه‌های آن مشرف می‌شود که دل‌های ملوث هرگز به آن نایل نمی‌آید؛ لذا اگر انسانی آیات و سوره‌های آن را باربار بخواند در حالیکه از درک مفاهیم و فهم معانی آن غافل و بی‌خیال باشد، هیچ چیزی نمی‌تواند از آن برداشت کند و هیچ نوری در آن راه نمی‌یابد^(۲)).

مطلب سوم: اهداف و خواسته‌های تربیت اسلامی در قرآن کریم

کلیدی‌ترین خواسته‌های که قرآن کریم از برنامه‌های تربیتی خویش از انسانها می‌خواهد، همانا ایجاد ارتباط و پیوند ناگسستنی میان خالق و مخلوق است که باید برای رسیدن به این مأمول، از پل‌های ارتباطی زیادی گذر شود؛ بدین ملحوظ، می‌سزد اهداف و خواسته‌های تربیت اسلامی قرآن کریم را در چارچوب‌های آتی مورد بحث و بررسی قرار دهیم.

الف - پیوند انسان با خالق

انسان مخلوق برگزیده خالق است، که الله متعال او را به صفت خلیفه خود در روی زمین پیدا و وسایل نیازمندی‌های ایشان را نیز فراهم کرده است. انسان در مقابل این نعمت‌های الهی مکلف است، که باید کارهای نیکو را انجام دهد و از کارهای ناپسند اجتناب نماید، زیرا در مقابل کارهای نیکو اجر و پاداش و در مقابل کارهای ناپسند جزای بد

۱- استاد ادیب سید قطب ابراهیم در سال ۱۳۲۴ هجری برابر با ۱۹۰۶ م در روستای (موشه) از توابع استان آسیوط در صعيد مصر به دنیا آمد. و در سال ۱۳۳۸ هجری برای ادامه تحصیل به قاهره رفت و در سال ۱۳۵۲ هجری با دریافت لیسانس ادبیات از دانشگاه قاهره فارغ التحصیل شد، و پس از فراغت زمان تحصیلی به عنوان معلم در روستاها و شهرهای زیادی خدمت کرد، وی در وزارت معارف به سرعت ترقی کرده؛ به مقام عالی رسید و نیز به مقام کفیل و زارت مذکور ارتقاء یافت، وی چندین بار به ویژه در سال ۱۹۵۴ م دستگیر و زندانی شد که بالاخره در صبحگاه روز دوشنبه ۴ ربیع الآخر سال ۱۳۸۵ هجری برابر اگست ۱۹۶۶ م اعدام شد. / احمد سیر راشد، سید قطب: ۱ / ۳ - ۶.

۲- سید قطب، ۱۴۲۵ هـ. ق.، تفسیر فی ظلال القرآن: لبنان - بیروت. ۲۶ / ۵.

نصیب او خواهد شد، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾^(۱).

ترجمه: و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوی و هوس باز داشت پس جایگاه او همان بهشت است.

امام قرطبی رحمه الله^(۲) در تفسیر این آیه مبارکه فرموده اند: (خوف از خدای تعالی یعنی ترس از الله متعال به هنگام ارتکاب معصیت و ترک فوری آن، و نهی نفس از هوی و هوس: به معنی زجر و توبیخ آن بر ارتکاب محارم است و بهترین پل ارتباطی میان خالق و مخلوق می‌باشد)^(۳).

ابن مسعود^(۴) از دوره ای که پس از وی می‌آید، به الله متعال پناه می‌برد؛ چرا که در آن دوره دولت و قدرت در دست هوی و هوس است، وی می‌گوید: «شما در زمانی قرار دارید که حق بر هوی و خواهشات نفسانی حکومت می‌کند، ولی روزگاری خواهد رسید که هوی و هوس بر حق حکومت خواهد کرد و از دیدن چنین روزگاری به الله متعال پناه می‌برم».

تابعین خوف را چنین تعریف کرده اند: (خوف عبارت از دلهره و ترس قلبی از الله متعال، آگاهی تمام از احکام پروردگار، و فرار کردن قلب از ارتکاب معصیت در هنگام تمایل به سوی گناه می‌باشد)^(۵).

بنا بر این، ترس و هراسی که همواره میان بنده و الله متعال ارتباط قایم می‌کند، سه قسم است:

۱- ترس از الله متعال.

۲- ترس از رخ دادن حوادث و عقوبت‌های الله متعال در دنیا و آخرت.

۳- ترس از ارتکاب معصیت.

البته ترس دارای اقسام دیگری نیز است که اغلب از این سه نوع سر چشمه می‌گیرد؛ مانند ترس از حوادث دردناک قیامت، ترس از حساب و کتاب، ترس از عدم پذیرش اعمال، ترس از سرنوشت بد و غیره.

ترس از الله متعال اساسی ترین عامل در جلوگیری از ارتکاب اموری است که آدمی را به سوی معاصی می‌کشاند، و بدون ترس از الله متعال ممکن نیست انسان بتواند نفس خود را در مقابل هوی و هوس کنترل کند و این احساس، بزرگترین پل ارتباطی میان بنده و الله متعال است که همواره به یاد او می‌باشد و از کارهای نادرست پرهیز می‌کند.

^۱ - سورة النازعات: آية ۴۰ - ۴۱ .

^۲ - ابو عبدالله ابن احمد بن ابی بکر بن فرح الأنصاری الخزرجی شمس الدین قرطبی وی مفسر آغاز قرن ۷ بوده ، تألیفات وی: التذکرة فی حوال الموتی وامور الآخرة، والتذکار فی افضل الاذکار والاعلام بمافی دین الانصاری من المفسد والاولی و اظهار محاسن دین الإسلام، الجامع لاحکام القرآن الکریم، و غیره بوده ، وی در سال ۶۷۱ هـ. ق. وفات نموده ، و در صعیب مصر مد فون گردیده است. زرکلی، الإعلام للزرکلی: ۲۲۳/۵.

^۳ - قرطبی، محمد بن احمد بن ابی بکر بن فرح القرطبی أبو عبد الله، (ب - ت) تفسیر قرطبی: بیروت - دار الفکر. ۲۰۸ / ۱۹.

^۴ - العزی، عبدالمنعم صالح العزی، ۱۴۳۱ هـ. ۲۰۱۰م. تهذیب المدارج السالکین: مصر - دار النشر للجماعات. ص، ۲۶۹.

سید قطب رحمه الله می‌گوید: (کسی که از ایستادن در پیشگاه الله متعال هراس داشته باشد، اقدام به معصیت نمی‌کند، و اگر بر معصیت اقدام کند به خاطر ترسی که از الله متعال دارد، فوراً پشیمان شده توبه و استغفار می‌کند و به دایره بندگی بر می‌گردد).

جلوگیری از غلبه یافتن شهوات نفس که مرکز دایره اطاعت و فرمان برداری بوده، تنها انگیزه نیرومند در هر طغیان و تجاوز و معصیت، تابعیت از هوی و هوس است. اساس همه گرفتاری‌ها و سرچشمه تمامی شرور و مفساد هوی و هوس است، بیشتر انسانها در دام هوی و خواهشات نفسانی گرفتار می‌شوند. علاج جهل سهل است، ولی هوی و هوسی که بعد از آگاهی و علم حاصل می‌شود، چنان آفت‌کننده‌ای است که جز با جهاد و مبارزه سخت و دشوار نمی‌توان آن را علاج کرد.

خوف از الله متعال و استوار بودن در مقابل هجوم شدید خواهشات نفسانی است و جز با ابزار ترس از الله متعال بسیار کم می‌توان در مقابل خواهش‌های نفسانی مقاومت کرد^(۱).

هوی و هوس نفس آن چنان شدید است که عقل را کور و آن را اسیر می‌کند. به همین سبب انسان برای رهایی از هواهای نفسانی نیازمند قدرت و نیروی زیادی است که این قدرت و نیرو تنها به وسیله ترس از الله متعال و ترس از رسوایی روز قیامت، و ناکامی در دنیا و آخرت حاصل می‌شود. تابعین رحمهم الله این گونه نفس خود و پیروان را بر اساس ترس از الله متعال تربیت می‌کردند، آنها همزمان رهروان را به عفو و رحمت الله متعال امیدوار می‌ساختند. طبیعت نفس، خواهان آن است که از هر قید و بندی آزاد باشد اگر چه این قیود قوام و دوام نفس را در پی داشته باشد، به همین خاطر نفس به طور دائم نیازمند تمرین صبر است تا راست و وارسته شده و برای جهاد و مبارزه با هواهای نفسانی و انهدام آن مطیع و فرمان بردار شود.

علاوه از ترس، سایر راه‌های دیگری هم است که رابطه میان بنده و خالق را به درستی و محکمی برقرار می‌سازد، ولی آنچه که در این جا بهتر می‌درخشد و مفهوم را متجلی می‌سازد، ترس و امید از الله متعال است.

لذا به صراحت می‌توان گفت که قرآن کریم در راستای تربیت هر چه ارزشمند در زندگی انسان، طرح‌های کاری بارز و مفیدی دارد و برای از سر راه برداشتن معطله‌های تربیتی از دایره حیات بشری راه حل‌های طلایی را پیشکش بندگان الله متعال کرده است^(۲).

ب- پیوند انسان با خودش

قرآن کریم انسان را یک موجود مکرم و ارزشمندی خوانده و در راستای تربیت این مخلوق مشرف تأکیدات زیادی دارد که از آنجمله، شیوه‌های برقراری ارتباط انسان با خویشتن است؛ بهتر است بگویم

۱- سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن: ۶ / ۳۸۱۸.
۲- البلالی، عبدالحمید، ۱۴۳۲ هـ. ق، منهج التابعین فی تریبۃ النفوس: بیروت - دار القلم للنشر والتوزیع. ص ۳۵.

خودی و یا همان خود سازی که متصوفین کرام از آن به تزکیه و ساختنِ نفس تعبیر می‌کنند؛ این بخش تربیتی در قرآن کریم، نقش عمده را در راستای بازتاب دادنِ شخصیتِ یک مسلمان نقش بسزای را ایفا کرده است. الله متعال این موضوع را روشن کرده و می‌فرماید: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۚ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۗ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۗ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾^(۱).

ترجمه: سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد، سپس پلید کاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده اش ساخت قطعاً در باخت. در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^(۲).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و اهل بیت تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ هاست حفظ کنید بر آن فرشتگانی خشن و سختگیر گمارده شده اند از آنچه الله متعال به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند.

در این آیت الله متعال بنده گان خود را اول به آزادی نفس های خود از آتش دوزخ مأمور گردانیده است. از این هم اصلاح پیوند انسان به نفس خود آشکار و واضح می‌شود. در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَالْعَصْرُ ۚ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۗ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ﴾^(۳).

ترجمه: سوگند به عصر که واقعاً انسان دستخوش زیان است، مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده اند. از تمام این آیات اهمیت اصلاح پیوند انسان با نفس خود آشکار می‌شود، لذا بر ما مسلمانان لازم است که نفس خود را تزکیه و تمام اعمال صالح را انجام دهیم، تا باشد که مورد عفو و مغفرت پروردگار قرار گیریم^(۴).

ج - پیوند انسان با اجتماع

انسان یک موجود مدنی و اجتماعی است، از این رو برای تأمین نیازهای اولیه خود نیازمند تعامل با دیگر افراد جامعه است. او نمی‌تواند به سوی غایت هستی جز در میان جمع و براساس روابط سالم اجتماعی سیر کند؛ چه آن که آدم عزلت گزین در برنامه‌های تکاملی خود دچار نقص می‌گردد.

۱- سورة الشمس: آیه: ۷ - ۱۰.
 ۲- سورة التحريم، آیه: ۶.
 ۳- سورة العصر، آیه: ۱ - ۳.
 ۴- العزى، تهذيب المدارج السالكين: ص، ۲۷۱.

در جامعه که اسلام می‌خواهد که هر فرد آن تمام ار تباطاتش را با سایر افراد بر اساس دو اصل قسط و احسان مبتنی می‌سازد.

مقتضای اصل قسط این است که هر فرد در عمل به حقوق و اختیارات اش پایبند باشد. در غیر این صورت نابود می‌شود؛ الله متعال نیز علت زوال و نابودی بسیاری از ملت‌ها را ستم پیشگی آنان عنوان کرده است، چنانچه می‌فرماید: ﴿هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ﴾^(۱).

ترجمه: آیا جز گروه ستمگران هلاک خواهد شد.

در جامعه اسلامی فرد تنها در اندیشه منافع و مصالح شخصی خود نیست، نه تنها افراد دیگر را ابزار تأمین خواسته‌های خود نمی‌داند بلکه آنان را نیز بندگان الله متعال می‌دانند و تلاش می‌کند تا هدف آفرینش که و استکمال حقیقی که آرزوی همه انسانها است، به بهترین وجه تحقق یابد. از این رو سایر افراد احساس مسؤلیت می‌کند؛ به آموزش و پرورش آنان می‌پردازد و بخش عظیمی از ارتباطات و مناسباتش روی تزکیه، تعلیم و تعلم، نهی از منکر، توأسی به حق و توأسی به صبر است. آیات متعددی بر این مطلب دلالت دارند از آن جمله: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^(۲).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید و ایستادگی ورزید و با یک دیگر رابطه داشته باشید و از الله متعال پروا نمایید امید است که رستگار شوید.

در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۳).

ترجمه: و باید از میان شما گروهی باشد تا مردم را به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگاراند.

از تمام این آیات اهمیت اصلاح پیوند انسان با جامعه آشکار می‌شود، لذا بر ما مسلمانان لازم است که با اجتماع خویش مخلص و برای رفاه و آسودگی افراد جامعه خود کوشا باشیم، تا از یک طرف جامعه ما بسوی کامیابی، رفاه و ترقی سوق شود و از طرف دیگر الله متعال از ما راضی و خوشنود شود^(۴).

د - پیوند انسان با عالم طبیعت

شناخت طبیعت به عنوان مظهر حق و آیه الهی و تسخیر و بهره‌مندی از آن در جهت سیر به سوی کمال نهایی یکی دیگر از اهداف بسیار مهم تربیتی اسلام است.

۱ - سورة الأنعام، آیه: ۴۷.

۲ - سورة آل عمران، آیه: ۲۰۰.

۳ - سورة آل عمران، آیه: ۱۰۴.

۴ - العزی، تهذیب المدارج السالکین: ص، ۲۷۵.

از نگاه اسلام هر فرد مسلمان برای خود در قبال طبیعت یعنی جمادات، نباتات و حیوانات دو موضع بسیار مهم قایل است؛ یکی امانت دار بودن الله متعال و دیگری خلیفه و جانشین او در زمین بودن. به دیگر سخن، او می‌کوشد که نعمت‌های الهی ضایع و تلف نشود و حرث و نسل به نابودی نیفتد و پدیده‌های طبیعی به رشد و کمال خود برسند و از سوی دیگر جلو اتلاف‌ها، اسراف‌ها و تبذیرها گرفته شود و به عمران و آباد کردن زمین پردازند، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾^(۱).

ترجمه: او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد. انسان برای این که از عهده بار این مسؤلیت خطیر خود نسبت به طبیعت برآید باید احکام و تعالیم الهی و علوم و فنون ناظر به این موضوع را بیشتر و بهتر بیاموزد. قرآن کریم هم پیروان خویش را به تفکر و تدبر در زمین، آسمان، نفس‌های خود انسان و سایر مخلوقات الهی را تشویق و ترغیب نموده و در زمینه می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^(۲).

ترجمه: راستی که در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و آبی که الله متعال از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و نیز در گرداندن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرامیده است. برای گرو‌هی که می‌اندیشند واقعاً نشانه‌هایی وجود دارد.

در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^(۳). ترجمه: و از رحمتش برای تان شب و روز را قرار داد تا در این (يك) بیارامید و (در آن يك) از فزون بخشی او (روزی خود) بجوید باشد که سپاس بدارید. در این باره آیات زیاد دیگر هم آمده که ما به همین چند آیت فوق اکتفا می‌کنیم و از تمام این آیات معلوم می‌شود، که الله متعال انسان را تشویق کرده که با استفاده از تفکر در عالم طبیعت عقیده خود را بر توحید الله متعال استوار و مستحکم کند^(۴).

۱ - سورة هود، آیه: ۶۱.

۲ - سورة البقره: آیه: ۱۶۴.

۳ - سورة القصص، آیه: ۷۳.

۴ - مجله شمیم یاس اسفند ۱۳۸۵، شماره ۴۸ تربیت از دیدگاه اسلام. نویسنده: رمضان علی رحیمی.

مبحث دوم - راهکارها و وسایل تربیت در قرآن کریم

دین مبین اسلام همیشه وسیله‌های پرورش را برای پیروان خویش بکار می‌برد، از جمله الگو و نمونه عملی؛ نشان دادن پند و اندرز، کیفر و پاداش، داستان و امثال و عادت دادن به چیزهای خوب و مفید.

مطلب اول: تربیت دادن با پیشکشِ صحنه‌های از زنده‌گی الگوهای شایسته

برای شرح و تفصیل این مطلب صحنه‌های از زندگی شخصیت‌های الگو و شایسته را زیر دو عنوان بغلی قرار ذیل ذکر و بیان نمودیم.

الف - نقش الگوهای شایسته در بهتر شدن تربیت اخلاقی

پیروزمندانه‌ترین وسیله‌ای تربیت، پروردن با يك نمونه عملی و الگوی زنده است. نوشتن کتابی در موضوع پرورش آسان است! و ترسیم نقشه‌ای خیالی نیز اگرچه کامل و همه‌جانبه و گسترده باشد، آسانتر؛ اما این روش و نقشه تا هنگامی که به يك حقیقت واقعی بر روی زمین تبدیل نشده و تا هنگامی که گویای رفتار و دریافت‌ها و افکار بشر نشده است و عملاً اصول و اهداف آن روش را روشن نکرده است، مرکبی بر کاغذ و نقشه‌ای معلق در فضا است. تنها روشی به اجرا در می‌آید، و به جنبش درمی‌آورد و تحولی در تاریخ ایجاد می‌کند که عملاً بر روی زمین و درزندگی اجتماعی بکار برده شود.

الله متعال که این روش و الامرته‌ای معجزه آسا را وضع کرد، می‌دانست که باید بشری آن را بکار بندد. انسان است که باید بار این روش را بر دوش گرفته به حقیقت واقعی تبدیل کند تا مردم آن را نیک شناخته به حقانیت آن اعتراف و سپس از آن پیروی کنند^(۱).

ب - الگوهای شایسته در قرون گذشته عمر دعوت اسلامی

مردم ناچار باید سرمشق و نمونه عملی ببینند، به این دلیل حضرت محمد ﷺ را برانگیخت تا سرمشقی برای جهانیان باشد چنانچه می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^(۲).

ترجمه: یقیناً برای شما در روش و رفتار پیامبر ﷺ الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به الله متعال و روز قیامت امید دارد و الله متعال را بسیار یاد می‌کند.

و صورت کاملی از روش تربیت اسلامی را در وجود آن حضرت گذاشت که در تمام جریان تاریخ نمونه‌ای جاویدان و زنده است.

۱ - محمد قطب، روش تربیتی اسلام: ص، ۳۲۱-۳۲۲.

۲ - سورة الأحزاب: آیه: ۲۱.

از حضرت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها؛ در مورد خُلق و خوی رسول اکرم ﷺ پرسیده شد گفت:
«كان خلقه القرآن»^(۱). یعنی خُلق او قرآن کریم بود.

قرآن کریم همسر فرعون و حضرت مریم را به عنوان الگوهایی برای مؤمنان ذکر می‌کند. آنان با وجود محیط ناسالم، طریق صلاح و رستگاری را برگزیدند، چنانچه الله متعال در باره همسر فرعون و حضرت مریم فرموده اند: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْحَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۱﴾ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانٌ ﴿۱۰۲﴾»

ترجمه: و برای کسانی که ایمان آورده اند الله متعال همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگا را! پیش خود در بهشت خانه ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان و مریم دختر عمران را همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از فرمان برداران بود. قرآن کریم به تأثیر پذیری انسان از محیط و شرایط گوناگون اذعان دارد و به او نسبت به تأثیرات آنها هشدار می‌دهد، در مورد فرزند حضرت نوح علیه السلام الله متعال به صراحت می‌فرماید: ﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ ﴿۳۱﴾»

ترجمه: فرمود ای نوح او در حقیقت از کسان تو نیست او دارای کرداری ناشایسته است. زیرا به دلیل متأثر شدن از عوامل محیطی ناصالح، از مسیر صلاح و درستی خارج شده است. خداوند متعال به ستایش از جوانان (اصحاب کهف) می‌پردازد که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند. چنانچه الله متعال از آنان حکایت می‌کند: ﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ﴿۱۷﴾ إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ﴿۱۸﴾»

ترجمه: مگر پنداشتی اصحاب کهف و رقیم خفتگان غار لوحه دار از آیات ما شگفت بوده است، آنگاه که جوانان به سوی غار پناه جستند و گفتند پروردگار! از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما آراسته گردان.

۱ - طبرانی، أبو القاسم سلیمان بن أحمد الطبرانی، ۱۴۱۵ هـ.ق. المعجم الأوسط: مصر - القاهرة - دار الحرمین. ۱ / ۳۰.

۲ - سورة التحريم: آية: ۱۱ - ۱۲.

۳ - سورة هود: آية: ۴۶.

۴ - سورة الكهف: آية: ۹ - ۱۰.

از تمام این داستان‌ها به صراحت معلوم می‌شود، که انسان‌ها باید در راه الله متعال از هیچ مانع خوف نداشته باشد و به این راه مستقیم همیشه قایم و استوار باشد^(۱).

مطلب دوم: تربیت با پند و اندرزهای قرآن کریم

در قرآن کریم برای تربیت مسلمانان از شیوه‌های گوناگون استفاده بعمل آمده، که یکی هم شیوه پند و اندرز بوده که در آیات متعددی از قرآن کریم به گونه زیر بیان گردیده است.

الف - تأثیر پند و اندرزها در قرآن کریم

یقیناً قرآن کریم بالای نفس انسان تأثیر بسزای دارد و انسان را به چیزهای تربیت می‌کند که در آن خیر و فلاح دنیوی و اخروی وی نهفته باشد، و این تأثیر دلالت می‌کند که قرآن کریم معجزه جاودانی الله متعال است؛ لذا به نظم و حلوت قرآن کریم کلامی دیگر رسیدگی کرده نمی‌تواند، زیرا وقتی که قرآن کریم به گوش شنیده شود، اثر خود را بجا می‌ماند، و به قلب انسان راه پیدا می‌کند^(۲).

قرآن کریم پر از ارشاد و پند و اندرز است، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا﴾^(۳).

ترجمه: الله متعال به شما دستور می‌دهد که امانت‌های مردم را به صاحبان آن پس دهید؛ و اگر میان مردم به قضاوت و حکمی می‌پردازید به عدالت داور می‌کنید. الله متعال به بهترین شیوه در این باره به شما پند می‌دهد.

همچنان در جای دیگری می‌فرماید: ﴿وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنْبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا﴾^(۴).

ترجمه: و الله متعال را بپرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید و به پدر و مادر، نیکی کنید همچنین به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان، و همسایه نزدیک، و همسایه دور، و دوست و همنشین، و واماندگان در سفر و بردگانی که مالک آنها هستید زیرا الله متعال، کسی را که متکبر و فخر فروش است (و از ادای حقوق دیگران سرباز می‌زند) دوست نمی‌دارد.

الله متعال حکایت حضرت لقمان را چنین ذکر می‌کند: ﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۖ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهَنَا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفَصَّالَةٌ فِي عَامِيْنِ أَنْ أَشْكُرَ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ

۱ - محمد قطب، روش تربیتی اسلام: ص، ۳۲۳-۳۳۴ با اختصار و اضافات.

۲ - سیوطی، أبو الفضل جلال الدین عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطی (ب - ت) الاتقان فی علوم القرآن: سعودی، مجمع الملك فهد. ۱۲/۲.

۳ - سورة النساء: آیه: ۵۸.

۴ - سورة النساء: آیه: ۳۶.

الْمَصِيرُ ﴿۱﴾ وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۲﴾ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُنْ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿۳﴾ يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿۴﴾ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿۵﴾ وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿۶﴾

ترجمه: به خاطر بیاور هنگامی را که لقمان به فرزندش در حالی که او را موعظه می‌کرد گفت: پسر من! چیزی را همتای الله متعال قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است ﴿۱﴾ و ما به انسان در باره پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را باناتوانی روی ناتوانی حمل کرد (به هنگام بارداری هر روز رنج و نا راحتی تازه ای را متحمل می‌شد) و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می‌یابد (آری به او توصیه کردم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که باز گشت (همه شما) به سوی من است ﴿۲﴾ و هرگاه آن دو تلاش کنند که تو چیزی را همتای من قرار دهی، که از آن آگاهی نداری (بلکه می‌دانی باطل است) از ایشان اطاعت مکن، ولی با آن دو، در دنیا به طرز شایسته ای رفتار کن و از راه کسانی پیروی کن که توبه کنان به سوی من آمده اند، سپس بازگشت همه شما به سوی من است و من شما را از آنچه عمل می‌کردید آگاه می‌کنم ﴿۳﴾ پسر من! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کارنیک یا بد) باشد، و در دل سنگی یا در (گوشه ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد، الله متعال آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد الله متعال دقیق و آگاه است ﴿۴﴾ پسر من! نماز را بر پا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصائبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است ﴿۵﴾ پسر من! با بی اعتنایی از مردم روی مگردان، و مغرورانه بر زمین راه مرو که الله متعال هیچ منکبر مغرور را دوست ندارد. ﴿۶﴾ پسر من! در راه رفتن اعتدال را رعایت کن از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت ترین صداها صدای خران است ﴿۶﴾.

ب - تأثیر پند و اندرز در اطاعت از رسول الله ﷺ در قرآن کریم

سنت نبوی هم در پند و اندرز نقش بسزای دارد، قرآن کریم هم به اطاعت از رسول الله ﷺ و پیروی از او امر و اجتناب از نواهی آن امر کرده، و فرموده اند: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ ﴿۳﴾.

ترجمه: و الله متعال را فرمان برید و پیامبر او را اطاعت نمایید و اگر روی بگردانید بر پیامبر ما فقط پیام رسانی آشکار است.

۱ - سورة لقمان: آیه ۱۳ - ۱۹.

۲ - محمد قطب، روش تربیتی اسلام: ص، ۳۳۴ وما بعد آن باختصار.

۳ - سورة التغابن: آیه: ۱۲.

در جای دیگری می‌فرماید: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^(۱).

ترجمه: و آنچه را فرستاده او به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید. و همچنان اطاعت رسول اکرم ﷺ واجب است، زیرا الله متعال در این مورد فرموده اند: ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا﴾^(۲). ترجمه: و هیچ مرد و زن مؤمنی را نسزد که چون الله متعال و فرستاده اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هرکس الله متعال و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.

همچنان قرآن کریم بیان نموده که اطاعت از رسول الله ﷺ موجب ثواب است و می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا﴾^(۳). ترجمه: و کسانی که از الله متعال و پیامبر اش اطاعت کنند در زمره کسانی خواهند بود که الله متعال ایشان را گرامی داشته یعنی با پیامبران علیهم السلام، صدیقان، شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همد مانند.

رسول الله برای هدایت بشریت از راه‌های مؤثر استفاده نموده که در توصیف او الله متعال چنین فرموده اند: ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾^(۴). ترجمه: قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که براو دشوار است شما در رنج بیفتید به هدایت شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.

لذا مسلمانها به سنت و سیرت آن حضرت ﷺ توجه خاص مبذول نموده، که شامل اقوال، افعال و صفات رسول اکرم ﷺ می‌شود، زیرا رسول الله ﷺ کاملترین انسان، در عرصه تربیت و معروف به صدق نیکی مکارم الاخلاق و عدل بود، از طرف دیگر از تمام فواحش و ناروایی های که سبب فرود انسان در پیش الله متعال می‌گردد بری و پاک بود، و این صفات بود، که در بین تمام مردم رسول اکرم ﷺ به آن شهرت داشت^(۵).

و همچنان الله متعال او را با صفات بلند و بسیار خوب چنین توصیف نموده: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾^(۶).

ترجمه: و راستی که تو را خوبی والاست.

۱ - سورة الحشر: آية: ۷.
۲ - سورة الأحزاب: آية: ۳۶.
۳ - سورة النساء: آية: ۶۹.
۴ - سورة التوبة: آية: ۱۲۸.
۵ - ابن کثیر، أبی الفداء اسماعیل بن کثیر، ۱۴۲۳ هـ.ق. شمایل الرسول ﷺ: تحقیق: عبدالقادر الارناؤوط: ریاض - مکتبه العبیکان. ص، ۱۳۷ - ۱۳۸. حازمی، اصول التریبیه الاسلامیه: ص، ۲۳۱ - ۲۳۲.
۶ - سورة القلم: آية: ۴.

به همین اساس کسی که چنین مواصفات را داشته باشد، به امت او مناسب است که پیروی او را کند و به هر قدم او قدم مانند و در تمام ابعاد زنده گی خود در اقوال، افعال و کردار او را الگو قرار دهد^(۱).

ج - تأثیر پند و اندرزها در گفته‌های صحابه کرام^{رضی الله عنهم}

سیرت صحابه کرام^{رضی الله عنهم} در تزکیه و تربیت نفس انسان نقش بسزای دارد زیرا صحابه کرام^{رضی الله عنهم} در مدرسه رسول^{صلی الله علیه و آله} تربیه شده بودند، که در هر بعد زنده گی خویش از پیامبر بزرگوار اسلام^{صلی الله علیه و آله} تقلید می‌کردند، و از همین جهت الله متعال صفت آنان را در قرآن کریم واضح بیان فرموده اند: ﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ مِنْ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾^(۲).

ترجمه: و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که با نیکو کاری از آنان پیروی کردند الله متعال از ایشان خشنود و آنان نیز از او خشنودند و برای آنان باغ‌هایی آماده کرده که از زیر درختان آن نهرها روان است همیشه در آن جاودانه اند این است همان کامیابی بزرگ.

و همچنان رسول الله^{صلی الله علیه و آله} فرموده اند: «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي، وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ»^(۳).

ترجمه: به سنت من و سنت خلفاء راشدین مهدیین اقتدا نمایید.

همچنان سیرت صحابه کرام و بزرگان دین از مصادر مهم تربیتی بشمار می‌رود، زیرا آنها برای ما توجیهات رسول الله^{صلی الله علیه و آله} را عملاً تمثیل نموده، در زنده گی خویش احکام و اوامر قرآنی را تطبیق کرده و در مواقف آنان برای ما دروس و عبرت‌های بسیار زیاد وجود دارد.

تمام صحابه کرام رضی الله عنهم اخلاق حسنه داشتند، با هم برادر وار زنده گی کردند، مظلوم را حمایت و از حرص و دنیا طلبی پرهیزگار بودند، چنانچه روایت شده، در کدام ناحیه شهر مدینه بیوه زن پیر زنده گی می‌کرد، حضرت عمر^{رضی الله عنه} قصد داشت که با این بیوه زن کمک و معاونت کند، پس هنگام شب رفت تا برای آن نان و آب بدهد، مگر وقتی که رسید، دید که کدام شخص پیش از وی آمده و کاری که عمر^{رضی الله عنه} می‌خواست انجام دهد، انجام شده، پس اراده کرد که شب دیگری همین کار را انجام دهد، اما شب دیگری که رفت دید مانند شب گذشته همان کار انجام شده بود پس چند دفعه همین کار تکرار شد. پس از چند شب بار دیگر قصد کرد، تا ببیند که آن شخص کیست که این کار را

۱ - حازمی، اصول التریبه اسلامیة: ص، ۲۳۱ - ۲۳۲.

۲ - سورة التوبه: آیه: ۱۰۰.

۳ - طحاوی، أحمد بن محمد بن سلامة بن عبد الملك بن سلمة أبو جعفر الطحاوی، ۱۳۹۹ هـ. ق. شرح معانی الآثار: تحقیق: محمد زهری النجار: ۱ / ۸۰. شماره حدیث ۴۹۹. امام أحمد بن حمدان النمري الحراني رحمه الله این حدیث را صحیح دانسته است. / حرانی، أحمد بن حمدان النمري الحراني أبو عبد الله، ۱۳۹۷ هـ. ق. صفة الفتوى والمفتي والمستفتي: تحقیق: البانی: بیروت - المکتب الإسلامی. ۱ / ۵۴.

انجام می‌دهد؛ لذا وقتی آمد و دید چشمش به حضرت ابوبکر رضی الله عنه خورد و فهمید که خدمت آن بیوه زن فقیر کار خلیفه مسلمانها ابوبکر رضی الله عنه بود(۱).

همچنان در گفته‌ها و اعمال امامان دین تأثیر بسزای در تربیت نهفته است، زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله توصیف علمای امت خویش کرده و فضل و ثواب آنها را بیان نموده، چون برای مردم علم نافع نقل می‌کند، که انسانها را از ظلمات و تاریکی جهل به طرف نور علم بیرون می‌سازد، رسول الله صلی الله علیه و آله در این مورد فرموده اند: «فضل العالم على العابد كفضلي على أدناكم ثم قال رسول الله صلی الله علیه و آله إن الله وملائكته وأهل السموات والأرضين حتى النملة في جحرها وحتى الحوت ليصلون على معلم الناس الخير»(۲).

ترجمه: فضیلت عالم در برابر عابد مانند: فضیلت من است در برابر ادنا ترین شما، باز رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: یقناً الله متعال، ملائکه او و اهل آسمان و زمین حتی مرچه در غار اش و ماهی هم برای کسی که به مردم خیر و فلاح یاد می‌دهد دعای خیر می‌فرستند.

در جای دیگری فرموده اند: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أَعْنَاقَهَا رِضًا لِطَالِبِ الْعِلْمِ، وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَعْفِرُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، حَتَّى الْجِثَّانُ فِي الْمَاءِ، وَإِنَّ فَضْلَ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ الْكَوَاكِبِ، إِنَّ الْعُلَمَاءَ هُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ»(۳).

ترجمه: کسی که راهی را انتخاب نماید که در آن علم می‌آموزد، الله متعال راه جنت رفتن را برای او آسان می‌سازد، و ملائکه هم بال‌های خود را به زمین هموار می‌کند برای بدست آوردن رضا و خوشی طالب العلم، و کسی که در آسمان است و یا در زمین برای طالب العلم طلب مغفرت می‌کند، حتی ماهی در آب، و فضیلت عالم در برابر عابد مانند فضیلت و بهتری مهتاب است در برابر دیگر ستاره‌ها، علماء ورثه پیامبران هستند، انبیاء کرام دینار و درهم به میراث نگذاشته، بلکه تنها علم را به میراث گذاشته، پس کسی که علم آموخت او یک حصه کلان و زیاد را بدست آورد.

علمای امت اسلامی برای نشر دین مبین اسلام خدمت بسیار زیاد انجام داده، کتاب‌های مختلف مانند کتب عقیده، تفسیر، حدیث، فقه، اخلاق، تربیه اسلام و دیگر تألیفات و خدمات را نیز انجام داده اند(۴).

۱ - سیوطی: الامام جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر السیوطی، (ب - ت) تاریخ الخلفاء الراشدين: بیروت- دار الصادر. ص، ۸۰. / حازمی، أصول التریبیه الاسلامیه: ص، ۲۳۵.
۲ - ترمذی، سنن الترمذی: ۵ / ۵۰. شماره حدیث: ۲۶۸۵. امام ترمذی این حدیث را غریب دانسته و امام البانی صحیح گفته است. / البانی، الجامع الصغیر و زیاده: ۱ / ۷۶۷.
۳ - قزوینی، محمد بن یزید أبو عبدالله القزوینی، (ب.ت) سنن ابن ماجه: بیروت - دار الفکر. ۱ / ۱۵۰. شماره حدیث: ۲۲۳. امام البانی رحمه الله این حدیث را صحیح دانسته است. / البانی، الجامع الصغیر و زیاده: ۱ / ۱۱۲۵.
۴ - حازمی، أصول التریبیه الاسلامیه: ص، ۲۳۷.

مطلب سوم: تربیت به وسیله تشویق و ترغیب به شیوه قرآن کریم

تربیت انسان به اخلاق والای انسانی هدف اساسی قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ بشمار می‌رود، قرآن کریم در آیات متعدد و رسول اکرم ﷺ در احادیث بی شماری پیروان خود را به شیوه‌های مختلف راهنمایی کرده که یکی هم شیوه تشویق و ترغیب مربی است که قرار زیر شرح می‌شود.

الف - صحنه‌های از ترغیب مربی در قرآن کریم

ترغیب و تشویق یکی از طرق مهم و ارزنده است در تربیت اسلامی، و قرآن کریم این اسلوب را بسیار زیاد بکار گرفته و مردم را مناسب به سویه‌های شان مخاطب گردانیده اند و به اخلاق پسندیده آن را دعوت نموده اند، چنانچه الله متعال بنده گان خود را برای انفاق فی سبیل الله تشویق کرده و فرموده اند: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱).

ترجمه: مَثَل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه الله متعال انفاق می‌کنند همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد؛ و الله متعال برای هر کس که بخواهد آن را چند برابر می‌کند، و الله متعال گنایشگر داناست.

سبب نزول این آیه ای کریمه را حضرت کلبی ﷺ چنین ذکر می‌کند: این آیت در باره حضرت عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنهما نازل گردیده و می‌فرماید: در غزوه تبوک عبدالرحمن بن عوف چهار هزار درهم برای تجهیز جیش مسلمانان آورد و به رسول اکرم ﷺ فرمود: من هشت هزار درهم داشتم، چهار هزار آن برای نفقه خودم اولاد خود ماندم و چهار هزار برای تجهیز جیش مسلمانان آوردم. رسول اکرم ﷺ برایش فرمود: الله متعال در تمام درهم که با خود گرفتی و یا در راه الله متعال سپردی برکت باندازد.

و حضرت عثمان ﷺ گفت: بر ما است جهاز و سامان کسی که جهاز و سامان ندارد در غزوه تبوک، پس برای مسلمانان یک هزار شتر با تمام جهاز و سامان اش تسلیم نمود، الله متعال در این آیت و آیت های دیگری بندگان خود را به انفاق فی سبیل الله تشویق و ترغیب نموده^(۲).

در جای دیگری فرموده اند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ وَلِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾^(۳).

۱ - سورة البقره: آیه: ۲۶۱.

۲ - الزحیلی، وهبة بن مصطفى، ۲۰۱۴ م، التفسیر المنیر فی العقیده و المنهج و الشریعة: ۳ / ۴۲.

۳ - سورة فاطر: آیه ۲۹ - ۳۰.

ترجمه: در حقیقت کسانی که کتاب الله متعال را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم نماند و آشکارا انفاق می‌کنند امید به تجارتی بسته اند که هر گز زوال نمی‌پذیرد. تا پاداش شان را تمام به ایشان عطا کند و از فزون بخشی خود در حق آنان بیفزاید که او آمرزنده حق شناس است .

و نیز در جای دیگری فرموده اند: ﴿وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿۱﴾ إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ﴿۱﴾.

ترجمه: و به پاس دوستی الله متعال بینوا، یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند؛ ما برای خشنودی الله متعال است که به شمامی خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم؛ ما از پروردگارانمان از روز عبوسی سخت هراس ناکیم.

در آیه دیگری فرموده اند: ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (۲).

ترجمه: کسانی که اموال خود را شب و روز، و نماند و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارانمان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

و همچنان در مورد تشویق به دادن قرض الحسنه و نهادینه شدن این طریقه حسنه در بین بنده گان خود فرموده اند: ﴿إِنَّ الْمُسَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يضاعف لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾ (۳).

ترجمه: در حقیقت مردان و زنان صدقه دهنده و آنان که به الله متعال وامی نیکو داده اند ایشان را پاداش دو چندان گردد و اجری نیکو خواهند داشت. در باره تشویق به ایمان آوردن به الله و رسولش ﷺ

و همچنان برای تشویق به جهاد فی سبیل الله فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ

عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۴﴾ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۴﴾ يَعْرِضُ

لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۴﴾ وَأُخْرَى تُحِبُّونَهَا

نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴﴾.

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی درد ناک می‌رهاند، به الله متعال و فرستاده او بگروید و در راه الله متعال با مال و جانانتان جهاد کنید این گذشت

و فدا کاری اگر بدانید برای شما بهتر است، تا گناهانتان را بر شما ببخشاید و شما را در باغهایی که

۱ - سورة الانسان: آية ۸ - ۱۰ .

۲ - سورة البقره: آية: ۲۷۴ .

۳ - سورة الحديد: آية: ۱۸ .

۴ - سورة الصف: آية: ۱۰ - ۱۳ .

از زیر درختان آن جویبارها روان است و در سراهایی خوش در بهشت‌های همیشگی درآورد این خود کامیابی بزرگ است، و رحمتی دیگر که آن را دوست دارید یاری و پیروزی نزدیکی از جانب الله متعال است و مؤمنان را بدان بشارت ده (۱).

در آیه دیگری فرموده اند: ﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^(۲)

ترجمه: برای کسانی که کار نیکو کرده اند نیکویی بهشت و زیاده بر آن است چهره های شان را غباری و ذلتی نمی پوشاند اینان اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند بود.

همچنان رسول الله ﷺ پیروان خویش را به اسالیب و طرق مختلف تربیت نمود؛ که از جمله یکی طریقه ترغیب و تشویق بود.

این طریقه یکی از طرق مهم و اساسی تربیت به شمار می‌رود، رسول الله ﷺ پیروان خود را به انجام دادن کارهای خوب تشویق و ترغیب کرده و فرموده اند: «إِنَّ الصَّدَقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيُصَدِّقُ حَتَّىٰ يَكُونَ صِدِّيقًا وَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِي إِلَى النَّارِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ حَتَّىٰ يَكْتَبَ (حَتَّىٰ يَكُونَ) عِنْدَ اللَّهِ كَذَابًا»^(۳)

ترجمه: صدق و راستگویی به نیکوکاری راهنمایی می‌کند، و نیکو کاری به جنت راهنمایی می‌کند و یک انسان راست می‌گوید تا که صادق و راستگو شود، و دروغ گویی به ناروا راهنمایی می‌کند و ناروا به دوزخ راهنمایی می‌کند، و یک انسان دروغ می‌گوید تا که نزد الله متعال به دروغ گو شناخته شود.

تربیت به عاقبت اندیشی: چنانچه از رسول الله ﷺ روایت شده که فرمود اند: «أَتَدْرُونَ مَا الْمُفْلِسُ؟» قَالُوا: الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ . قَالَ: " إِنَّ الْمُفْلِسَ مِنْ أُمَّتِي يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَزَكَاةٍ، وَيَأْتِي وَقَدْ شَتَمَ هَذَا وَقَذَفَ هَذَا، وَأَكَلَ مَالَ هَذَا، وَسَفَكَ دَمَ هَذَا، وَضَرَبَ هَذَا فَيُعْطَىٰ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ، وَ هَذَا مِنْ حَسَنَاتِهِ فَإِنْ فَنِيَتْ حَسَنَاتُهُ قَبْلَ أَنْ يُقْضَىٰ مَا عَلَيْهِ أُخِذَ مِنْ خَطَايَاهُمْ فَطُرِحَتْ عَلَيْهِ، ثُمَّ طُرِحَ فِي النَّارِ»^(۴)

ترجمه: آیا می‌دانید که مفلس کیست؟ صحابه کرام گفتند: مفلس در بین ما به کسی گفته می‌شود که نه درهم داشته باشد و نه مال؛ رسول الله ﷺ فرمود: از جمله امت من مفلس کسی است که در روز قیامت با نمازها، روزه‌ها و زکات بیاید، و دیگر مردم ببینند که این شخص به یکی از آنها فحش گفته باشد و به کسی دیگری قذف و تهمت بسته کرده باشد، و مال کسی را خورده باشد و خون کسی دیگر را

۱ - الحموی، الدكتور عدنان الحموی العلیی (ب- ت) الأسالیب التربویة فی القرآن الکریم: قطر- جامعہ قطر- کلیه الدراسات الاسلامیة: ص، ۴۹ / دکتر عثمان قدری مکانیس، ۲۰۰۱م. من اسالیب التربیة فی القرآن الکریم: بیروت - لبنان- دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزیع. ص، ۶۰ / ۲ - سورة یونس: آیه: ۲۶.

۳ - بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۴۹. شماره حدیث: ۶۰۹۴. / مسلم، صحیح مسلم: ۴ / ۲۰۱۲. شماره حدیث: ۲۶۰۷.

۴ - مسلم، صحیح مسلم - عبد الباقي: ۴ / ۱۹۹۷. شماره حدیث: ۲۵۸۱.

ریختانده باشد و کسی دیگری را زده باشد، پس به هر کس از حسنات وی داده می‌شود، وقتی که حسنات وی پیش از این که حق مدعیان ادا شود پایان یابد و ختم شود، از گناهان آنها گرفته و به گردن وی انداخته می‌شود و در اخیر این شخص را در آتش دوزخ انداخته شود؛ همچنان از راه‌های زیاد دیگری هم استفاده نموده که ما در این جا به همین چند مثال اکتفا می‌کنیم^(۱).

همچنان الله متعال جای دیگری بندگان را چنین تشویق و ترغیب فرموده اند: ﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾^(۲).
ترجمه: [برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده اند بر یکدیگر سبقت جوید این فضل خداست، که به هر کس بخواهد آن را می‌دهد و خداوند را فزون بخشی بزرگ است.

توضیح: خداوند متعال از حقیقت دنیا خبر می‌دهد و هدف نهایی دنیا و اهل دنیا را بیان می‌دارد که دنیا بازیچه و سرگرمی است؛ جسم‌ها در آن بازی می‌کنند و دل‌ها با آن سرگرم می‌شوند. مصداق این واقعیت در میان دنیا پرستان دیده می‌شود. آنها را می‌بینی که عمر خود را با سرگرمی و غفلت از یاد خدا سپری می‌کنند و از وعده و وعیدهایی که پیش روی دارند غافل هستند.

آنها را می‌بینی که دین خود را به بازیچه و سرگرمی گرفته اند. بر خلاف کسانی که بیدار هستند و برای آخرت فعالیت می‌نمایند. دل‌های چنین کسانی با ذکر خدا و معرفت و محبت الهی آباد است و آنها اوقات خود را با کارهایی سپری می‌کنند که برای آنان و دیگران نفع و سود دارد^(۳).

ب - صحنه‌های از ترغیب مربی در زنده‌گی تربیتی

اگر به تاریخ اسلام نظر اندازیم بخوبی در می‌یابیم که براساس رهنمودهای قرآن کریم و سفارشات پیامبر ﷺ اولیاء و همه مربیان اعم از معلمین و یا سایر کسانی که به نوعی در ارتباط با تعلیم و تربیت فرزندان و نوجوانان بودند، نسلهای متمادی و به دنبال هم پس از رسول اکرم ﷺ و یاران بزرگوار او به وظایف خویش عمل کردند.

برای رسیدن به این هدف پدران و مسؤولین تربیت، بهترین آموزگاران را برای تربیت و تعلیم فرزندان خود بر می‌گزیدند و بهترین اساتید اخلاق و پرورش را برای تکامل رفتار و شخصیت آنان انتخاب می‌کردند.

تمامی این کوشش‌ها به آن جهت بود تا ادای امانت و انجام مسؤولیت به بهترین شکل ممکن صورت پذیرد و فرزندی آراسته به اخلاق اسلامی و مجهز به عقیده دینی به نظام جامعه تحویل گردد.

۱ - حازمی، اصول التریبه اسلامیة: ص، ۲۳۳.

۲ - سورة الحديد: آية: ۲۱.

۳ - السعدی، تفسیر تیسیر الکریم الرحمن: ترجمه محمد گل گمشاد زهی، ص، ۲۷۰۵.

برای این که از جنبه تاریخی دید روشن تری داشته باشیم و اهمیت موضوع را بهتر درک کنیم، گوشه‌هایی از اهتمام پیشینیان را به این موضوع در این جا بیان می‌کنیم.

امید آنکه برای کسانی که صاحب بصیرتند و در حقیقت امور دقت می‌کنند، میزان سعی و تلاش گذشتگان جهت تربیت صحیح فرزندان روشن شود که نه تنها بهترین شیوه‌های رفتار و برخورد را با فرزندان و خانواده خود داشتند و توجه خاصی به اصلاح ناهنجاری‌های روحی و اخلاقی آنان می‌نمودند بلکه بهترین مربیان را از جهت علمی و عملی برای آنان انتخاب می‌کردند تا تربیت و تعلیم آنان به شایسته‌ترین وجه صورت بگیرد.

ابن خلدون^(۱) در مقدمه کتابش (مقدمه ابن خلدون) می‌گوید: زمانی که هارون الرشید فرزندش (امین) را نزد معلمش فرستاد سپس گفت: ای (احمد)! بدان، امیر مؤمنان عصاره وجود و پاره جگرش را به تو سپرده است و تو را صاحب اختیار کامل او نموده و اطاعت از تو را به او واجب کرده است، پس تو مربی و معلم و اقی او باش و این همان انتظاری است که امیر مؤمنان از تو دارد، قرآن کریم و احادیث نبوی ﷺ و سیرت گذشتگان و اشعار را به او تعلیم ده، به او شیوه آغاز و ختم، زمان و مکان حرف زدن را تعلیم ده، از خندیدن او، مگر در موقع مخصوص ممانعت نما و در هر لحظه که با او می‌گذرانی سعی کن نکته مفید به او یاد دهی، البته آموزش تو آنقدر طولانی و خسته کننده نباشد که توانایی ذهنی او را زایل کند و خیلی هم آسان گیر و مسامحه کار نباش زیرا به استراحت و تنبلی عادت می‌کند تا آنجا که می‌توانی با محبت و ملایمت، تعلیم ده و تربیت کن، چنانچه با شیوه نرمی و ملایمت براه نیامد باخشونت و شدت رفتار کن.

راغب اصفهانی می‌گوید: (منصور) نماینده ای فرستاد تا با بنی امیه که در زندان بودند، گفتگو کند و از آنان بپرسد چه موضوعی بیشتر از هر چیز در این مدت زندان شما را آزار داده است؟ گفتند: عدم وجود شرایط مناسب برای تربیت فرزندان ما.

آنچه گفتیم قطراتی از چشمه جوشان تعلیمات و توجهات گذشتگان ما راجع به تربیت و پرورش فرزندان و نوجوانان بود.

چنانکه دیدیم غیر از آنکه به انتخاب مربی شایسته اهتمام می‌ورزیدند، هرآنچه را که خود ضروری می‌دانستند به مربی تذکر می‌دادند، زیرا خود را در هر حال نسبت به رشد و تکامل صحیح فرزندان شان مسؤول می‌دانستند، خود را امانت داری فرض می‌نمودند که اگر در ادای امانت و انجام وظایف اهمال، غفلت و یا کوتاهی نمایند، در برابر الله متعال مورد بازخواست واقع خواهند شد^(۲).

۱ - عبدالرحمن بن محمد بن خلدون ابو زید ولی الدین الحضرمی الأشبیلی از اولاده وائل بن حجر است، وی فیلسوف مؤرخ و دانشمند علوم اجتماعی بوده و از تصانیف وی تاریخ ابن خلدون و رحله ابن خلدون المتوفی ۸۰۸ ه. ق. / زرکلی، الاعلام للزرکلی: ۳/ ۳۳۰ .
۲ - علوان، چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم؟: ص، ۱۸۶ - ۱۸۷.

فصل سوم

انواع تربیت باطنی

این فصل شامل چهارمبحث و هر مبحث حاوی مطالب و جزئیات می‌باشد.

مبحث اول: تربیت روحی از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت روحی.

مطلب دوم: راهکارها و وسایل تربیت روحی از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب سوم: نقش تربیتی عبادات (بدنی و مالی).

مبحث دوم: تربیت عقلی از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت عقلی.

مطلب دوم: نقش قرآن کریم در تربیت عقلی انسان.

مطلب سوم: راهکارها و وسایل تربیت عقلی از دیدگاه قرآن کریم.

مبحث سوم: تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب دوم: اهمیت تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب سوم: روشهای تربیت اخلاقی در قرآن کریم.

مبحث چهارم: تربیت عاطفی در قرآن کریم.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت عاطفی از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب دوم: اهمیت تربیت عاطفی در قرآن کریم.

مطلب سوم: روشها و راهکارهای تربیت عاطفی در قرآن کریم.

مبحث اول - تربیت روحی از دیدگاه قرآن کریم

در این مبحث معنا و مفهوم تربیت روحی، راهکارها و وسایل تربیت روحی از دیدگاه قرآن کریم و نقش فرایض و سنت‌ها در تربیت اسلامی بیان می‌گردد.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت روحی

اسلام روح انسان را چنان تربیت می‌کند که او را از شرک، گمراهی و عبادت غیرِ الله متعال نجات دهد تا بدین وسیله او را از گمراهی و کفر به سوی ایمان و هدایت سوق دهد. و بدین وسیله سعادت دنیا و آخرت او را تضمین کند.

و معنای این که اسلام روح را تربیت می‌کند یعنی اسلام روح را از شرک و تردید، تاریکی‌ها و شرک پاک می‌کند و او را تنها متوجه الله متعال می‌نماید، تا فقط برای الله متعال خشوع و عبادت انجام دهد، فقط از او فرمان بردارد، به او ایمان داشته باشد و به او توکل نماید، و به وسیله عبادت به او نزدیک شود، و او را تقدیس و تسبیح نماید و بسیار او را یاد کند و مشتاق لقاء و دیدار الله متعال باشد و رضایت او را بطلبد.

اسلام به تربیت روح تأکید دارد و به روح اهمیت فراوان نسبت داده چنانچه می‌فرماید: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^(۱).

ترجمه: و در باره روح از تو می‌پرسند بگو روح از نوع فرمان پروردگار من است و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.

از این بحث واضح می‌شود، که معنا و مفهوم تربیت روحی این است که از یک طرف روح را از شرک، گناه و تمام کارها و مواصفات که سبب نارضایتی الله متعال می‌گردد، پاک شود و از طرف دیگر تمام صفات کمال و خوبی‌ها که سبب بدست آوردن رضایت الله متعال می‌شود و به آن ملبس گردد(۲).

مطلب دوم: راهکارها و وسایل تربیت روحی از دیدگاه قرآن کریم

قرآن کریم اثر مهمی در نفوس مؤمنان دارد، هر چند که سطح فرهنگی و سن و سال آنان متفاوت و ذوق آنان متنوع و فضای زنده‌گی و زمانی که در طول چهارده قرن در آن زیسته اند باهم فرق داشته است. نسل‌های مسلمانان پی در پی از روش‌ها و معانی کتاب الله متعال متأثر شده اند و قرآن کریم در رنگ دادن به شخصیت جامعه اسلامی و تشکیل بنیاد روانی و ارزش‌های زیبا و تعیین معیارهای اخلاقی و قوانین رفتاری و جایگاه آن در هستی و زنده‌گی دنیایی بسیار اثرگذار بوده است.

۱ - سورة الإسراء: آیه: ۸۵.

۲ - العمری، اکرم ضیاء، ۱۳۹۴ هـ.ش، تربیت روحی و اجتماعی: مترجم: محد آزاد شافعی: دیجیتال، سایت کتابخانه عقیده. ص، ۱۱ - ۱۴.

این تأثیر عمیق و همیشه‌گی قرآن کریم است که نیاز به دلیل ندارد زیرا جزء مسلمات است و مسلمانان عصر حاضر کتاب الله متعال را می‌خوانند، از سرچشمه‌های آن بهره مند می‌شوند و از قدرت معنوی و روحی آن کمک می‌گیرند تا با گره‌های سخت، مشکلات متنوع و فشارهای وارده بر اعصاب و روان که از طرف زندگی جدید وارد می‌شود مقابله کند، هنوز هم بسیاری از مردم برای ارزیابی خود به قرآن کریم مراجعه و به دستورات آن عمل می‌کنند و به بر گزیدگان گذشته و الگوهای خود اقتدا می‌نمایند؛ هر چند که عمق فهم و سلامت رفتاری آنان متفاوت است.

انسان هر اندازه قرائت قرآن کریم و تدبّر در معانی آن را تکرار کند، مسائلی از قرآن کریم برایش آشکار می‌شود که از لحاظ روحی، فکری و رفتاری او را بالاتر می‌برد، مخصوصاً اگر این کار را با گشادگی خاطر و قلب و عقل باز انجام دهد. فهم صحیح در صورتی است که بر اساس اسلوب زبان عربی انجام گیرد و از زیاده روی و تحمیل معانی نالایق یا انحراف در معنی و آلوده شدن به تأویل‌های دور از حق باشد(۱).

مطلب سوم: نقش تربیتی عبادات (بدنی و مالی)

در این مطلب آثار فرایض و سنت‌های نبوی ﷺ در مورد تربیت اسلامی، تحت عناوین جدا گانه به تفصیل بیان گردیده است.

الف - مشروعیت عبادت

بعد از مبعوث شدن حضرت محمد ﷺ به پیامبری، هرکسی که در قیامت، با دینی غیر از اسلام در محضر الله متعال حاضر شود هرگز از او پذیرفته نخواهد شد. الله متعال در این مورد فرموده اند: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾ (۲).

ترجمه: بی گمان دین حق (و قابل قبول) در نزد الله متعال اسلام است.

و در آیه دیگری چنین ارشاد فرموده اند: ﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ﴾ (۳).

ترجمه: هرکس غیر از اسلام دینی دیگری اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیان کاران است.

اسلام چیست؟ حضرت عمر بن خطاب ﷺ فرموده اند: «بینما نحن عند رسول الله ﷺ ذات يوم إذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب شديد سواد الشعر لا يرى عليه أثر السفر ولا يعرفه منا أحد حتى جلس إلى النبي ﷺ فأسند ركبتيه إلى ركبتيه ووضع كفيه على فخذيه وقال: يا محمد أخبرني عن الإسلام فقال: رسول الله ﷺ الإسلام أن تشهد أن لا إله إلا الله

۱- العمری، اکرم ضیاء، ۱۳۹۴ هـ.ش، التربية الروحية والاجتماعية: مترجم: محمد آزاد شافعی: دیجیتال، سایت کتابخانه عقیده. ص، ۱۱- ۱۴، باختصار.

۲- سورة آل عمران: آیه: ۱۹.

۳- سورة آل عمران: آیه: ۸۵.

و أن محمدا رسول الله ﷺ و تقيم الصلاة و تؤتي الزكاة و تصوم رمضان و تحج البيت إن استطعت إليه سبيلا قال: صدقت قال: فعجبنا له يسأله و يصدقه»^(۱).

ترجمه: روزی در خدمت پیامبر ﷺ بودیم که مردی به میان ما آمد با لباس‌های بسیار سفید و در خشان و موهای بسیار سیاه که هیچ آثار سفر بر او نبود و کسی از ما هم او را نمی‌شناخت. او پیش پیامبر ﷺ نشست و دو زانوی خود را به دو زانوی ایشان چسپاند و کف دستان خود را بر ران‌های پیامبر ﷺ گذاشت و گفت: ای محمد! در مورد اسلام برایم بگو؟ پیامبر ﷺ فرمود: اسلام این است که به توحید الله متعال (لا إله إلا الله) و رسالت محمد ﷺ گواهی دهی، نماز را بر پا داری، زکات را ادا کنی، ماه رمضان روزه باشی و در صورت فراهم شدن شرایط، حج خانه الله متعال را به جا آوری. آن مرد گفت: راست گفتی، حضرت عمر رضی الله عنه می‌گوید: ماتعجب کردیم که این مرد خود سؤال پرسید، اما در نهایت، پیامبر ﷺ را تصدیق نمود.

بدین شیوه پیامبر اکرم ﷺ ارکان پنج‌گانه اسلام را که این دین فقط بر آنها استوار می‌گردد، تبیین نمود. این ارکان عبارت از: توحید که (شامل ایمان به الله متعال و پیامبر ﷺ) نماز، روزه ماه رمضان، زکات و حج است.

این که پیامبر ﷺ تعریف اسلام را بر اساس ارکان آن بیان نمود به خاطر تأکید بر جانب عملی آن است. ایشان از اسلام تعریفی فلسفی یا منطقی ارائه نکرد، بلکه جنبه‌هایی از دین را بیان نمود که با کنار هم قرار گرفتن آنها اسلام تکمیل می‌گردد و کمی در آنها هم به همان اندازه، اسلام را دچار نقص می‌گرداند.

به عبارت دیگر گواهی دادن به کلمه توحید، در حقیقت اقرار انسان به وجود الله متعال و وحدانیت او است. همچنان اقرار به وجود پیامبر و رسالت او ﷺ برای بیان نمودن حق الله متعال بر بندگان او و بیان اوامر و نواهی او تعالی است. اما اعلام توحید ربوبیت و الوهیت برای الهی که متصف به کمال و منزله از نقص است جز با پیروی نمودن سنت پیامبر اکرم ﷺ و تسلیم شدن در برابر شریعت او نتیجه بخش نخواهد بود^(۲).

ب - آثار تربیتی نماز

نماز یک عبادت است؛ اما خالی از فواید بدنی هم نیست؛ قیام، رکوع و سجود، ورزش‌های هستند که باعث تقویت بدن می‌شوند^(۳).

نماز ستون دین و مایه عروج مؤمن است. نماز انسان مؤمن را به دستورات و نواهی اوامر الله متعال وا داشته و آن را وسیله نجات از فحشاء و منکرات در دنیا و سبب دخول بهشت می‌دانند.

۱- مسلم، صحیح مسلم: ۳۷/۱. شماره حدیث ۸.

۲- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص ۱۲.

۳- زینو، محمد بن جمیل زینو، ۱۳۸۸ ه.ش. راهنمای مربیان برای تربیت دختران و پسران: مترجم: عبدالله عبدالمهدی. تهران- نشر احسان- ۷۴.

در این مورد الله متعال چنین فرموده اند: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾^(۱).

ترجمه: همانا نماز (انسان را) از هر کار زشت و منکر، باز می‌دارد. برای بیان نمودن جایگاه نماز در اسلام، کافی است بدانیم که پس از توحید اولین معیار شناخت اسلام نماز است. امام بخاری رحمه الله^(۲) از عبدالله بن عباس^(۳) روایت می‌کند که گفت: «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ؟ بَعَثَ مُعَاذًا ﷺ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ ادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ اللَّهِ فَإِنْ هُمْ أَطَاعُوا لِذَلِكَ فَأَعْلِمُهُمْ أَنَّ اللَّهَ قَدِ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ خَمْسَ صَلَوَاتٍ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ...»^(۴).

ترجمه: هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ معاذ بن جبل^(۵) را به یمن فرستاد به او گفت: تو نزد گروهی از اهل کتاب می‌روی، پس اولین چیزی که آنان را به آن فرا می‌خوانی اقرار به توحید الله متعال است. اگر این را دانستند آن گاه به آنان بگو که الله متعال در شبانه روز پنج وقت نماز را بر آنان فرض قرار داده است...

الله متعال نیز برای پذیرش توبه کفار اقامل نماز و ادای زکات را شرط قرار داده است. و در این مورد فرموده اند: ﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ﴾^(۶).

ترجمه: پس اگر توبه کنند و نماز را برپا دارند و زکات دهند، در این صورت برادر دینی شما هستند. الله متعال مردم را امر کرده است که نماز را با شروط خاص خود و در اوقات پنج گانه مشخص، برپا دارند.

واضح است که چنین حکمی چه تأثیری در تنظیم وقت مسلمانان از طلوع فجر تا شبانگاه دارد، با پذیرش این حکم لازم است، که فرد مسلمان صبح زود بیدار شود و تا شب در پنج نوبت خود را چنین سرگرم کند؛ کارش را رها کرده، وضو بگیرد، نماز بخواند، آنگاه کار و بار خود را دو باره ادامه دهد، این استراحت و تجدید قوای متناوب منجر به بهره بیشتر می‌شود. سیستم‌های اقتصادی جدید برای بالا بردن سطح کارایی و بازدهی کارگران و افزایش بهره‌وری به اجرای این روش پناه آورده‌اند و در طول روز در اوقات مشخصی کار را تعطیل می‌کنند تا افراد به تمرکز فکر و آرامش دست یابند. مسلمانان در دوران مکی، نماز را به صورت پنهانی می‌خواندند که این هم به خاطر ترس از هجوم مشرکان بود و به صورت نادر گاهی آشکار می‌خواندند، مانند زمان مسلمان شدن حضرت عمر^(۷) که برخی از مسلمین همراه حضرت عمر^(۸) در کعبه نماز می‌خواندند^(۹).

۱ - سورة العنكبوت: آية: ۴۵.

۲ - محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری: حبر الامت و دانشمند اسلام، حافظ و امیرالمؤمنین در حدیث رسول الله ﷺ مؤلف صحیح البخاری، در شهر بخارا در سال ۱۹۴ هـ، ق متولد شده است. وی یتیم بزرگ شده است، و برای طلب علم و حفظ احادیث به شهرهای همچون مکه مکرمه، مدینه منوره، مصر، شام، حجاز، عراق، خراسان و بخاری سفر نموده است. و در سال ۲۵۶ هـ ق در بخارا وفات یافته است. زرکلی، الاعلام للزرکلی: ۳۴/۶.

۳ - بخاری، صحیح البخاری: ۲۱۵/۱. شماره حدیث: ۱۳۹۵.

۴ - سورة التوبه: آية: ۱۱.

۵ - ابن هشام، عبدالملك بن هشام بن أيوب الحميرى المعافرى أبو محمد، ۱۴۱ هـ. ق. السيرة النبوية: بيروت- دار الجليل. ۲۶۳/۱. ونيز: ۳۴۲/۱.

نماز جمعه قبل از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه منوره شروع شد یعنی زمانی که مسلمانان توانایی ادای آن را داشتند، ابو داود با(سند حسن)گفته عبدالرحمن بن کعب بن مالک - که راهنمای پدر کورش بود- از پدرش نقل کرده است که: «أَنَّهُ كَانَ إِذَا سَمِعَ النَّدَاءَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ تَرَحَّمَ لِأَسْعَدَ بْنِ زُرَّارَةَ. فَقُلْتُ لَهُ إِذَا سَمِعْتَ النَّدَاءَ تَرَحَّمْتَ لِأَسْعَدَ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ لِأَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ جَمَعَ بِنَا فِي هَزْمِ النَّبِيِّ مِنْ حَرَّةِ بَنِي بِيَّاضَةَ فِي نَقِيعِ الْخَضِمَاتِ. قُلْتُ كَمْ أَنْتُمْ يَوْمَئِذٍ قَالَ أَرْبَعُونَ»^(۱).

ترجمه: هر گاه پدرم ندای روز جمعه را می شنید برای سعد بن زراره رحمت می فرستاد به او گفتم: چرا هنگام شنیدن ندای جمعه برای او رحمت می فرستی؟ پدرم گفت: زیرا سعد اول کسی بود که در (هزم النبیت)-یکی از سنگلاخ های بنی بیاضه که در آنجا آب جمع می شد(نقیع الخضومات) نام داشت- برای ما نماز جمعه خواند، عبدالرحمن می گوید: از پدرم پرسیدم؛ شما در آن روز چند نفر بودید؟ فرمود: چهل نفر^(۲).

از بحث فوق اثر بخشی نماز در تربیت روحی واضح است که اگر کسی تمام عمر طبق احکام شرعی خود را به خواندن پنج وقت نماز عادت دهد، و با تدبیر براینکه نماز گزار در وقت نماز با الله متعال هم کلام است و هیچ وقت از الله متعال غافل نمی شود، در نتیجه از هر نوع فحشا و منکرات پرهیز می کند، خود را به انجام دادن دیگر خوبی ها و کارهای روا مسؤول می پندارد، که تمام این عملکردها سبب تربیت روحی و معنوی انسان می گردد.

ج - اسرار تربیتی نماز تهجد

در دین مبین اسلام نماز تهجد جایگاه بلندی دارد، چنانچه الله متعال فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ الْقَمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۖ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ۖ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ۗ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ۗ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا ۗ﴾^(۳).

ترجمه: ای جامه به خود پیچیده، به جز اندکی از شب بیدار بمان؛ نیمی از شب یا کمی از نیمه بگاه یا بر نیمه آن بی افزا و قرآن کریم بخوان، خواندنی همراه با دقت، تأمل، شمرده و روشن، ما سخن پر مسئولیت و لبریز از تکالیف و وظائف سنگینی را بر تو نازل خواهیم کرد (قرآن کریم) عبادت شبانه، مؤثر و مانده گارتر و اقوال آن درست و پا بر جاتر است. این آیات در مکه مکرمه نازل شد و این دستور را با خود داشت که پیامبر ﷺ باید قسمتی از شب را

۱- أبو داود، سلیمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني، ۱۴۳۰هـ.ق سنن ابی داود. تحقیق: محمد محیی الدین عبد الحمید. دمشق - دار الفکر. ۱ / ۴۱۳. شماره حدیث ۱۰۷۱. امام بیهقی این حدیث را حسن الأسناد صحیح خوانده است. / الجوهر النقی، السنن الكبرى للبيهقي وفي ذيله الجوهر النقي: ۳ / ۱۷۷.

۲- زینو، راهنمای مریبان برای تربیت دختران و پسران: مترجم: عبدالله عبدالمهی: ص، ۷۴.

۳- سورة المزمل: آية: ۱-۶.

به نماز خواندن اختصاص دهد. طبق این آیات، الله متعال او را مختار کرده که نیمی از شب یا بیشتر و یا کمتر از آن را برای نماز بیدار باشد. پیامبر ﷺ و یاران او حدود یک سال به این عبادت مشغول بودند تا حدی که پاهایشان ورم می‌کرد. اما الله متعال پس از این که دید برای کسب رضای او در تلاش اند و برای اجرای دستور او آستین همت بالا زده، حکم تهجد را برایشان تخفیف داد.

بدون شک امر الله متعال به آنان برای ترک بستر و مقاومت در برابر خواب و عادت‌های همیشه‌گی آزمایشی بود تا آنها را مجاهد و مبارز بار آورده و از تسلیم شدن در برابر خواسته‌های نفسانی آزاد شان سازد. این آزمایش آنها را برای پذیرش امر رهبری و هدایت بشر مهیا کرده و می‌طلبید که از لحاظ روحی ذهنناً آماده باشند. این بود که الله متعال آنان را برای حمل مسؤلیت سنگین رسالت برگزید و برای دعوت دین امین شان قرار داد و افرادی را از میان آنها شاهد و گواه بر مردم نمود. ده‌ها تن از مؤمنان در این مرحله تاریخی بامسائل مهم و عظیمی مواجه بودند زیرا باید مسیر بشریت را اصلاح کرده و او را از انحرافات خطرناکی که در سر راهش بود نجات می‌دادند. آنان باید بشریت را به سوی یکتا پرستی و اطاعت از الله متعال سوق می‌دادند و این هم مسؤلیت بسیار بزرگی است، که فقط کسانی می‌توانند آن را بر عهده گیرند که در باره شأن الله متعال فرموده اند: ﴿تَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ﴾^(۱).

ترجمه: پهلوی هایشان از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد و پروردگارش را از روی بیم و طمع می‌خوانند و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می‌کنند. این عبادت که همراه سکون و سکوت شبانه و آرامش قلب‌ها صورت می‌گیرد در نفس انسان بسیار مؤثر و پایدارتر خواهد بود، زیرا فرد عابد در این هنگام از مشاغل روز مره و علایق دنیوی فارغ بوده و خود را برای یاد الله متعال و مناجات با او خالص گردانیده است. و با چنین اعمالی که فرد برای دریافت وحی الهی استعداد و آمادگی لازم را کسب می‌کند، در این مورد الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّا سَأَلْنَا عَلَيْكَ فَأَوْلًا ثَقِيلًا﴾^(۲).

ترجمه: در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القاء می‌کنیم او قرار است، که (قول ثقیل) را در یافت کند یعنی قرآن کریم و عمل به حدود و فرایض آن را که پابندی به اوامر و نواهی آن نیازمند صبر و تلاش بسیار بوده.

و در جای دیگری نیز فرموده‌اند: ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾^(۳).

ترجمه: تو اهل بیت خود را به نماز امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش.

۱- سوره السجده: آیه: ۱۶.

۲- سوره المزمل: آیه: ۵.

۳- سوره طه: آیه: ۱۳۲.

احادیث زیادی بیانگر این مطلب هستند که نماز و دعا در بخش سوم و پایانی شب از فضیلت خاصی برخوردار است.

حضرت ابو هریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرموده اند: «يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَى كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَنْتَقِي ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ يَقُولُ مَنْ يَدْعُونِي فَأَسْتَجِيبَ لَهُ مَنْ يَسْأَلُنِي فَأُعْطِيهِ مَنْ يَسْتَغْفِرُنِي فَأَغْفِرَ لَهُ»^(۱)

ترجمه: پروردگار ما در ثلث آخر هر شب به آسمان دنیا فرود می‌آید و می‌فرماید: آیا کسی هست که مرا صدا زند تا جوابش دهم؟ آیا کسی هست که از من چیزی بخواهد تا به او عطا کنم؟ آیا کسی هست که از من درخواست آمرزش کند تا او را ببخشایم؟

آیات و احادیث را که پیرامون فضیلت نماز تهجد ذکر کردیم، اهمیت بعد تربیت روحی این امر الهی را آشکار می‌سازد، زیرا با بلند شدن در نصف شب برای ادا کردن نماز تهجد انسان را وادار می‌کند که بین او و خالق اش باید یک رابطه حسنه وجود داشته و هیچ وقت از او غافل نشود، کسی که با این امر خود را عادت دهد در دیگر ابعاد زندگی هم متوجه خالق خود بوده و هیچ وقت از او گناه سر نزده سرکشی نمی‌کند، زیرا در همه کار الله متعال را حاضر دانسته و از او ترسیده تقوا اختیار می‌کنند^(۲).

د - آثار تربیتی و اجتماعی زکات

زکات به معنای عمومی آن عبارت از: تشویق مردم به پرداختن صدقات، بخشش مال به محرومین و غذا دادن به مساکین، بدون تعیین حد نصاب و مقدار آن در مکه تشریح شد. سوره‌های مکی، مؤمنان را این گونه وصف کرده الله متعال فرموده اند: ﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾^(۳)

ترجمه: و کسانی هستند که زکات مال خود را می‌دهند.

در جای دیگری فرموده اند: ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾^(۴).

ترجمه: در اموال شان بر فقیر، سائل و محروم حقی منظور می‌داشتند.

و نیز در جای دیگری فرموده اند: ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ﴾^(۵).

ترجمه: آنانی که در مال و دارائی خود حقی را معین و معلوم گردانند.

تعیین حد نصاب و مقدار زکات در سال دوم هجری مشروع شد^(۶). الله متعال چنین فرموده اند: ﴿قَدْ أَفْلَحَ

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾^(۷).

۱- بخاری، صحیح البخاری: ۱/۱۰۸. شماره حدیث: ۱۱۴۵ / مسلم، صحیح مسلم: ۱/۵۲۱، شماره حدیث: ۷۵۸.

۲- العمري، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۷-۴۲.

۳- سورة المؤمنون: آیه: ۴.

۴- سورة الذاریات: آیه: ۱۹.

۵- سورة المعارج: آیه: ۲۴.

۶- ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی دمشقی، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸ م. البداية و النهایة: بیروت - دار إحياء التراث العربی. ۳/۳۴۷.

۷- سورة المؤمنون: آیه ۱-۴.

ترجمه: یقیناً مؤمنان رستگار شدند، همان کسانی که در نمازشان خاشع و فروتن هستند و آنانی که از لغو و کارهای باطل روی گردانند و آنان که زکات مال خود را به فقرا می‌دهند.

و نیز فرموده اند: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾^(۱).

ترجمه: از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه شان سازی.

پیشوای مسلمین، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در عهد خود با کسانی که از پرداخت زکات خود داری می‌کردند به جنگ پرداخت تا وادارشان کند همانند عهد پیامبر صلی الله علیه و آله زکات خود را بپردازند. بخاری از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت کرده که گفت: «لَمَّا تُوفِّيَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَاسْتُخْلِفَ أَبُو بَكْرٍ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ قَالَ عُمَرُ يَا أَبَا بَكْرٍ كَيْفَ تُقَاتِلُ النَّاسَ وَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أُمِرْتُ أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَقَدْ عَصَمَ مِنِّي مَالَهُ وَنَفْسَهُ إِلَّا بِحَقِّهِ وَحِسَابِهِ عَلَى اللَّهِ. قَالَ أَبُو بَكْرٍ: وَاللَّهِ لَأُقَاتِلَنَّ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ فَإِنَّ الزَّكَاةَ حَقُّ الْمَالِ وَاللَّهُ لَوْ مَنَعُونِي عَنَّا كَانُوا يُؤَدُّونَهَا إِلَيَّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَقَاتَلْتُهُمْ عَلَى مَنَعِهَا قَالَ عُمَرُ فَوَاللَّهِ مَا هُوَ إِلَّا أَنْ رَأَيْتُ أَنْ قَدْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَ أَبِي بَكْرٍ لِلْقِتَالِ فَعَرَفْتُ أَنَّهُ الْحَقُّ»^(۲).

ترجمه: پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله و جانشین شدن ابوبکر صدیق رضی الله عنه و مرتد شدن برخی از قبایل عرب، ابوبکر صدیق رضی الله عنه تصمیم گرفت که با مانعان زکات جهاد کند. حضرت عمر رضی الله عنه به ابوبکر گفت: چگونه می‌خواهی با مردم بجنگی درحالی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (من فقط تا زمانی با مردم می‌جنگم که از اقرار به توحید خود داری می‌کنند، اما اگر به آن اعتراف کردند حفظ مال و جان آنان بر عهده من خواهد بود و از من در امان می‌باشند، مگر در مواردی که خواست حق باشد، در غیر این صورت حساب مردم بر الله متعال است). ابوبکر رضی الله عنه گفت: به الله متعال سوگند با کسانی که بین نماز و زکات فرق قائل شوند جهاد خواهم کرد، زیرا زکات حق مال است، به الله متعال سوگند؛ اگر این مردم حتی از پرداخت یک بزغاله که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت می‌کردند، دریغ نمایند، با آنان به جنگ خواهم پرداخت. عمر رضی الله عنه گفت: به الله متعال سوگند این مسئله جزء مواردی بود که الله متعال سینه ابوبکر رضی الله عنه را برای آن گسترده و من بعداً فهمیدم که حق همان بود.

چون هر قومی که صدقه‌های خود را به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله می‌آوردند در مقابل می‌فرمود: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ فُلَانٍ...»^(۳)

یعنی الله متعال بر آل فلانی درود و رحمت بفرست.

۱ - سورة التوبه: آية: ۱۰۳.

۲ - بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۳۰. شماره حدیث: ۶۹۲۴ - ۶۹۲۵.

۳ - بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۲۶۶. شماره حدیث: ۱۴۹۷.

درود پیامبر ﷺ به منزله رحمت برای آنان بود. این تفسیر همچنان از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده است. او آیه زیر را چنین تفسیر کرده است: ﴿إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾^(۱).

ترجمه: یعنی درود تو برای آنان مایه رحمت است^(۲).

قرآن کریم جمع آوری مال و ثروت بدون پرداخت زکات را (کنز) نامیده و به آنان چنین وعده عذاب داده است. الله متعال فرموده اند: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ﴾^(۳).

ترجمه: و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می‌کنند و در راه الله متعال انفاق نمی‌کنند آنها را به عذابی دردناک بشارت ده. روزی که آن طلا و نقره و ذخائرشان در آتش دوزخ گداخته می‌شود و پیشانی و پشت و پهلوهای آنها را به آن داغ کنند و فرشتگان عذاب به آنها گویند این است نتیجه آنچه بر خود ذخیره کردید اکنون بچشید آتش حسرت و عذاب همان سیم و زری که اندوخته می‌کردید.

یک بادیه‌نشین از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما^(۴) پرسید که مراد این قول الله متعال که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ چیست؟ عبدالله بن عمر رضی الله عنهما گفت: «مَنْ كَنَزَهَا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهَا، فَوَيْلٌ لَهُ إِتْمَا كَانَ هَذَا قَبْلَ أَنْ تُنَزَلَ الرِّكَاتُ فَلَمَّا أُنْزِلَتْ جَعَلَهَا اللَّهُ طُهْرًا لِلْأَمْوَالِ»^(۵).

ترجمه: هر چیزی که زکات آن را پرداخت کنی (کنز) به حساب نمی‌آید هر چند که در زیر خاک مدفون باشد، اما هر چه که زکات آن را پرداخت نکنی جزء آن کنزی به حساب می‌آید که الله متعال در قرآن کریم ذکر کرده است و صاحب آن مال با آن داغ می‌شود». ابن عمر رضی الله عنهما گفته که این آیه قبل از فرض شدن زکات نازل شد و الله متعال آن را سبب پاکی اموال قرار داده است^(۶).

رسول اکرم ﷺ برای مانعان زکات وعده عذاب داده است. در روایتی که امام بخاری رحمه الله در کتابش ذکر کرده چنین آمده است: «مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهُ مِثْلَ لَهُ (مِثْلَ لَهُ مَالُهُ) يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُجَاعًا أَفْرَعًا لَهُ زَيْبَتَانِ يُطَوِّفُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْخُذُ بِلَهْزِمِيهِ (بِلَهْزِمَتَيْهِ) يَعْنِي شِدْقِيهِ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا مَالِكٌ أَنَا كَنْزُكَ ثُمَّ تَلَا ﴿وَلَا يَحْسِنَنَّ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾»^(۷).

۱ - سورة التوبة: آية: ۱۰۳.

۲ - صابونی، محمد علی الصابونی، ۱۴۰۲ هـ - ۱۹۸۱ م مختصر تفسیر ابن کثیر: بیروت - لبنان - دار القرآن الکریم. ۳۸۵/۲ - ۳۸۶.

۳ - سورة التوبة: آية ۳۴ - ۳۵.

۴ - عبدالله بن عمر بن الخطاب: ابوعبدالرحمن، عدوی، مدنی، فقیه و یکی از ائمه در علم و عمل در غزوه خندق حضور داشت، و از جمله اهل بیعت رضوان می‌باشد و رسول الله ﷺ ایشان را توظیف نموده به صلاح، ابن حنیفه می‌فرماید: ابن عمر رضی الله عنهما حبر امت اسلامی بود، در سال ۷۴ هجری، وفات نمودند. / دمشق، ابوعبدالله محمد بن احمد بن الهادی دمشقی، ۱۴۱۷، طبقات علماء الحدیث: بیروت - مؤسسة الرساله. ۹۳ / ۱.

۵ - بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۲۲۰. شماره حدیث: ۱۴۰۴.

۶ - طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملی، أبو جعفر الطبری، ۱۴۲۰ هـ - ۲۰۰۰ م. تفسیر الطبری: بیروت - مؤسسة الرساله / ۱۰ / ۱۸۸.

۷ - بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۲۱۹. شماره حدیث: ۱۴۰۳.

ترجمه: هر کس که الله متعال به او مال و ثروتی عطا کند اگر زکات آن را نپردازد مال او در روز قیامت به شکل ازدهایی سمی ظاهر می‌شود که دارای دو نیش زهرآگین است و به گردن او می‌پیچد و دو طرف چهره اش (گونه‌هایش) را گرفته و می‌گوید: (من مال و خزانه تو هستم) در این حال پیامبر ﷺ این آیه را تلاوت فرمودند: ﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^(۱).

ترجمه: آنانی که بخل نموده اند و از مالی که الله متعال از فضل خویش به آنها داده، حقوق فقیران را ادا نمی‌کنند، گمان نکنند این بخل به نفع آنها خواهد بود، بلکه به ضرر آنهاست چه آنکه مالی که در آن بخل می‌ورزند در قیامت زنجیر گردن آنها می‌شود.

جایز است که زکات در ملاء عام و آشکارا پرداخت گردد، اما پنهانی انجام دادن این کار بهتر است، زیرا از ریا دورتر و برای حفظ کرامت فقرا مناسب‌تر است، البته زمانی که مصلحتی برتر از اینها در کار باشد باید آشکارا انجام گیرد، مانند حالتی که ایجاد الگو برای مردم مد نظر است.

در حدیث صحیح آمده که پیامبر ﷺ فرموده اند: «سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ رَبِّهِ وَرَجُلٌ مَعْلَقٌ فِي الْمَسَاجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ اجْتَمَعَا عَلَيْهِ وَتَفَرَّقَا عَلَيْهِ وَرَجُلٌ طَلَبَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالٍ فَقَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ أَخْفَى حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا تُنْفِقُ يَمِينَهُ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ خَالِيًا فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ»^(۲).

ترجمه: الله متعال در روز قیامت، روزی که هیچ سایه ای جز سایه او نیست هفت گروه را زیر آن سایه قرار می‌دهد: ۱- پیشوای عادل. ۲- جوانی که در سایه اطاعت و بندگی الله متعال رشد یافته است. ۳- کسی که همواره دلبسته مساجد باشد. ۴- دو دوست و رفیق که فقط به خاطر الله متعال همدیگر را دوست می‌دارند و براین اساس با هم ارتباط دارند و به خاطر الله متعال از هم جدا می‌شوند.

۵- مردی که زنی زیبا و ثروتمند او را به زنا بخواند در پاسخ بگوید: من از الله متعال می‌ترسم

۶- شخصی که با دست راست صدقه خود را چنان پنهانی ببخشد که دست چپش از آن بی‌خبر باشد

۷- کسی که در خلوت و تنهایی الله متعال را یاد کند و از ترس او اشک بریزد^(۳).

نتیجه آنچه که پیرامون موضوع زکات یاد آور شدیم، تربیت روحی نقش مستقیم دارد، زیرا زکات در حقیقت مصرف کردن مال است، که در دنیا فایده آشکار بدست نمی‌رسد، پس اگر کسی زکات مال خود را ادا می‌کند، در حقیقت به اوامر الله متعال تن داده و معتقد است که در دنیا و آخرت فایده غیر مرئی و زیاد در مال او افزود شده و برایش می‌رسد که این یقین در حقیقت همان تربیت روحی است و قلب و دل او آرام می‌شود.

۱- سوره آل عمران: آیه: ۱۸۰.

۲- بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۲۷۴. شماره حدیث: ۶۶۰.

۳- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۱-۲۷.

هـ - آثار تربیتی و اخلاقی روزه

روزه، عبادتی است که داکتران فایده‌های زیادی را بر آن نسبت داده اند. از جمله: تقویت معده، سیستم هاضمه، فعال کردن کبد و فواید دیگری را نیز بر آن بر شمرده که مورد بحث مانیت(۱).

در روز دوشنبه، دوم شعبان سال دوم هجری، الله متعال روزه رمضان را بر مسلمانان فرض نموده و فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۲).

ترجمه: ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید چنان که بر امت‌های گذشته فرض شده بود، و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزگار شوید.

پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ وَالْحَجِّ وَصَوْمِ رَمَضَانَ» (۳).

ترجمه: اسلام بر پنج پایه بنا نهاده شده، گفتن (لا اله الا الله) و (محمدرسول الله)، اقامه نماز، ادای زکات روزه ماه رمضان و به جا آوردن حج خانه الله متعال.

پیامبر ﷺ فضل و برکت این ماه را چنین بیان نموده اند: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» (۴).
ترجمه: هر کس که ماه رمضان را به قصد حصول ثواب در عبادت بگذراند تمام گناهان گذشته او مورد عفو قرار خواهد گرفت.

این آیات و احادیث کریمه، جایگاه والای این ماه مبارک را نزد الله متعال بیان می‌کنند، زیرا قرآن کریم را که بزرگ‌ترین نعمت از جانب الله متعال برای بشریت است، در ماه رمضان و شب قدر بر پیامبر ﷺ نازل فرمود و مردم را به واسطه آن هدایت و رهنمون ساخت. آگاهی به احکام دین از این طریق شناخته شده و بندگان الله متعال، آنچه را که سبب کسب رضای او تعالی می‌گردد عمل می‌کنند و از آنچه که الله متعال را خشمگین کند پرهیز می‌کنند.

پیامبر ﷺ در دهه آخر ماه رمضان، اوقات شب را احیاء و اهل خانه را نیز بیدار می‌کردند و به حدی جدی و قوی به عبادت می‌پرداختند که در سایر اوقات چنین نبودند(۵).

ظاهراً ایشان برای کسب اجر و پاداش (لیلة القدر) یعنی شب نزول قرآن کریم این همه تلاش و جدیت می‌کرد. شبی که در مورد مقام و منزلت آن الله متعال در باره آن فرموده اند: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ﴾ (۶).

۱- زینو، راهنمای مربیان برای تربیت دختران و پسران: مترجم: عبدالله عبدالمهدی: ص، ۷۴.

۲- سورة البقره: آیه: ۱۸۳.

۳- بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۱۲. شماره حدیث: ۸ - ۱۹۰۲.

۴- مسلم، ابن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری، صحیح مسلم. تحقیق: محمد فواد عبد الباقي، بیروت: دار إحياء التراث العربی. / ۱ / ۵۲۳. شماره حدیث: ۷۶۰.

۵- مسلم، صحیح مسلم: ۲ / ۸۳۲. شماره حدیث ۱۱۷۴ - ۱۱۷۵.

۶- سورة القدر: آیه: ۱ - ۳.

ترجمه: ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم، و تو چه دانی شب قدر چیست؟! شب قدر از هزار ماه بهتر و بالاتر است.

در واقع اجر و پاداش عبادت در این شب چند برابر می‌شود و این نشانه فضل عظیم و ارزش والای این شب است، که به امت پیامبر ﷺ خاص شده است.

روزه مدرسه تربیتی است که انسان در آن به گوانه بار می‌آید که بتواند برای غلبه بر هوی و هوس تلاش کند، از شهوات بپرهیزد، به اطاعت از الله متعال پایبند باشد، بتواند نفس خود را از خوردن و آشامیدن محروم کرده و به کار نیک و صدقه دادن مال و اداشته تا از خود پرستی‌ها رها و به هم نوع دوستی و عادت کند که چنین عادت‌ها و رفتارهایی باعث ارتباط تنگاتنگ افراد جامعه و استحکام ریشه برادری و دوستی میان آنان خواهد شد.

رمضان مدرسه ای تربیتی است که انسان مسلمان از آن چنین می‌آموزد:

- صبر در برابر محرومیت‌ها را می‌آموزد؛ هیچ وقت خود را ذلیل نمی‌کند.
- قناعت در برابر کمبودی‌ها و اندک‌ها را می‌آموزد؛ هیچ گاه برای بیشتر آبروی خود را نمی‌برد.
- مقاومت در برابر تغییر عادت‌های روزمره و همیشه‌گی را می‌آموزد؛ و هیچ وقت اسیر عادت نمی‌ماند.
- و از اخلاق جاهلی و خوی نکو هیده رهایی می‌یابد^(۱).

از نوشته‌ها چنین برداشت می‌شود که روزه بهترین مدرسه ای تربیتی بوده برای پاک ساختن قلوب انسانها و آنان را صالح با اراده قوی، صبور، مجاهد، پایبند به اخلاق اسلامی و آداب قرآنی، توانا برای گسیختن از صفات جاهلی و آثار آن، راهرو و پویا بر صراط المستقیم که الله متعال برای بنده گان خود ترسیم نموده است می‌رساند.

و - تأثیرات تربیتی حج

حج عبادتی است که انواع ورزشهای سود مند در آن وجود دارد، مانند: غسل کردن قبل از احرام بستن برای حج که باعث فعالیت گردش خون، پاکیزگی بدن از جمله پوست و مو می‌شود، طواف نیز عبادتی است که در آن پیاده روی، با گام های کوتاه و سریع انجام می‌گیرد، سعی میان صفا و مروه عبادتی است و زائر خانه الله متعال فاصله طولانی میان دو تپه صفا و مروه را پیاده و بین دو میل را با گام های تند می‌پیماید، رفتن به مشاعر (منی و عرفات) بازگشت به (مزدلفه) و شب تیر کردن برای رمی جمرات به مدت چند روز، رمی جمرات نیز عبادتی است که فواید جسمی و نظامی در زمینه آموزش تیر اندازی را در بر دارد^(۲).

۱- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۸-۳۲.

۲- زینو، راهنمای مربیان برای تربیت دختران و پسران: مترجم: عبدالله عبدالهی: ص، ۷۴.

الله متعال جایگاه کعبه (آن مهبط شرافت) را به پیامبراش ابراهیم علیه السلام نشان داد و به او امر کرد که آن را بنا نهد بنایی که از لوٹ شرک پاک و برای یکتا پرستی خالص باشد، آنگاه از او خواست که مردم را برای حج و طواف به دور آن فرا خواند و از حیواناتی که مردم در آنجا برای الله متعال قربانی می‌کنند، خوراک اهل آن را تأمین کند. الله متعال در مورد چنین فرموده اند: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۖ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ۖ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَاكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ۚ ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَنَّهُمْ وَلِيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۗ﴾^(۱)

ترجمه: و به یاد آور زمانی را که جای خانه کعبه را برای ابراهیم تعیین کردیم؛ و گفتیم: چیزی را شریک من قرار مده، و خانه مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع و سجده کنندگان پاک گردان و در میان مردم به حج ندا بده، تا پیاده و سوار بر هر مرکب و شتر لاغری از هر راه دوری به سوی تو بیایند. تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند، و در روزهای معین به هنگام قربانی نام الله را بر چهار پایانی که به آنها روزی داده ایم؛ یاد کنند، پس از گوشت آن بخورید، و بی نوای فقیر را نیز طعام دهید. سپس، باید آلودگی های شان را بر طرف سازند، و به نذرهای خود وفا کنند و برگرد خانه‌های کهن سال کعبه طواف کنند.

در صحیح البخاری و "مسلم"^(۲) از حضرت ابو هریره رضی الله عنه نقل شده: یک بار پیامبر صلی الله علیه و آله برای ما خطبه خواند و فرمود: «أيتها الناس قد فرض الله عليكم الحج فحجوا فقال رجل أكل عام يا رسول الله فسكت حتى قالها ثلاثا فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم لو قلت نعم لوجبت ولما استطعتم ثم قال ذروني ما تركتكم فإنما هلك من كان قبلكم بكرة سؤلهم واختلافهم على أنبيائهم فإذا أمرتكم بشيء فأتوا منه ما استطعتم وإذا نهيتكم عن شيء فدعوه»^(۳).

ترجمه: ای مردم! الله متعال حج را بر شما فرض گردانیده است پس آن را انجام دهید» مردی گفت: ای رسول اکرم صلی الله علیه و آله! آیا هر سال فریضه حج را انجام دهیم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله سکوت فرمود. آن مرد سه بار سؤال خود را تکرار کرد. آن گاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر بگویم آری، بر شما واجب می‌گردد و شما توانایی حج کردن در هر سال را ندارید، پس آنچه من به آن نمی‌پردازم شما هم آن را رها کنید، زیرا تنها علت هلاکت گذشته‌گان این بود که از پیامبران خود بسیار می‌پرسیدند و در مورد مسائل با آنان اختلاف داشتند. پس اگر شما را به انجام چیزی امر کردم، آن را در حد توان انجام دهید و اگر شما را از

۱- سورة الحج: آية: ۲۶ - ۲۹.

۲- مسلم بن الحجاج ابوالحسين، النيشاپوري، الإمام، الحافظ، صحة الإسلام، صاحب صحیح المسلم، تولد شان در سال ۲۰۴ هجری امام مسلم یکی از حفاظ چهار گانه در روی زمین است. دمشق، ابو عبدالله محمد بن احمد بن عبدالهادی ۱۴۱۷، طبقات علماء الحديث: بیروت- مؤسسة الرسالة. ۲۸۷/۲.

۳- مسلم، صحیح مسلم: ۹۷۵/۲. شماره حدیث: ۱۳۳۷.

چیزی نهی کردم آن را رها کنید. پیامبر ﷺ اهمیت، ارزش حج، پاداش و اثری بزرگ آن را که در پاک کردن گناهان دارد چنین بیان فرموده اند: حضرت عائشه رضی الله عنها^(۱) فرمود: ای رسول اکرم ﷺ ما جهاد را والاترین عمل می‌دانیم، آیا جهاد نکنیم؟ پیامبر ﷺ فرموده اند: «لَكِنَّ أَفْضَلَ (لَكِنَّ أَفْضَلَ) الْجِهَادِ حَجٌّ مَبْرُورٌ»^(۲).

یعنی برترین جهاد به نسبت شما انجام یک حج مقبول است.

حج مقبول حج است که با گناه آلوده نشود. حسن بصری رحمه الله^(۳) فرموده: حج مقبول حج است که فرد پس از آن طوری به زندگی روزمره برگردد که زاهد و پارسا و طالب آخرت باشد. پیامبر ﷺ فرموده اند: «من أتى هذا البيت فلم يرفث و لم يفسق رجع كما ولدته أمه»^(۴).

ترجمه: هر کس که برای خدا حج کند و از مقاربت جنسی و مقدمات آن (در ایام حج) پرهیز نماید چنان از گناه پاک می‌شود که گویی تازه از مادر، متولد شده است^(۵). بدون شک اگر انسان مسلمان اراده خود را قوی و خشم و غضب خود را کنترل سازد و حواس و اعضاء خود را از فسق و گناه و الفاظ زشت و آزار مردم باز دارد و در مدت زمان حج مطابق احکام شریعت رفتار کند، قطعاً درون او به این خصلت‌ها و رفتارها خو می‌گیرد و بدی‌های او به عادات نیکو و صفات زیبایی تبدیل می‌شود که در طول زندگی همراه او خواهند بود، زیرا او شیرینی و محبت این رفتارها را در طول مراسم و سفر حج چشیده و بر داشت کرده است.

ز - اثر بخشی تلاوت قرآن کریم در تربیت انسان

تلاوت قرآن کریم عبادتی است که برای انسان فواید جسمی، روانی و معنوی زیادی دارند و همچنان تلاوت قرآن کریم باعث اطمینان قلب و درجات عالی برای فرد مسلمان می‌گردد، همچنان کسی که تلاوت قرآن کریم را می‌شنود باید ساکت بماند و به تلاوت قرآن کریم گوش دهد، زیرا الله متعال فرموده اند: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^(۱).

ترجمه: و چون قرآن کریم خوانده شود، پس به آن گوش فرا دهید، و خاموش باشید، تامشمول رحمت (حق) قرار گیرید.

۱- عائشه بنت ابی بکر الصدیق التیمیة، ام المؤمنین، مادرش ام رُمان بنت عامر بن عویمربن عبد شمس بن عتاب، یگانه همسر باکره پیامبر اکرم ﷺ قبل از هجرت باوی عقد نموده و در شوال دوم هجری در سن نه سالگی باوی همبستر شد، وی فقهی ترین زنان، و یکی از کسانی که بیشتر احادیث را از جمله زنان روایت نموده است. وی در سال ۵۷ هجری و یاهم در سال ۵۸ هجری وفات یافت / ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن عاصم النمری القرطبی، ۱۹۹۲م. الإستیعاب فی معرفة الأصحاب: بیروت- دار الجبل، ۱۸۸۱/۴.

۲- بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۲۸. شماره حدیث: ۲۷۸۴ - ۱۵۲۰.

۳- حسن یسار البصری ملقب به ابوسعید در سال ۲۱ هجری در مدینه منوره متولد گردیده و از جمله تابعی و امام اهل بصره بود. وی در سال ۱۱۰ هجری در بصره وفات یافت. زرکلی، الإعلام للزرکلی: ۲ / ۲۲۶.

۴- مسلم، صحیح مسلم: ۲ / ۹۸۳، شماره حدیث: ۱۳۵۰.

۵- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۳۳-۳۷.

۶- سورة الأعراف: آیه: ۲۰۴.

موضوع این آیه گوش فرا دادن به قرآن کریم و سکوت همراه با خشوع در برابر آن است و این آیه رحمت را برای چنین کسی واجب نموده است، زیرا کاربرد لفظ (لعل) از جانب الله متعال وجوب و قطعیت را می‌رساند. حضرت لیث بن سعد^(۱) می‌گوید: «هیچ چیز به اندازه گوش فرا دادن به قرآن کریم باعث جلب رحمت نمی‌شود»^(۲).

پیامبر^(ص) بیان فرموده اند: که رحمت الله متعال حلقه‌های تلاوت قرآن کریم را فرا می‌گیرد و ملائکه به خاطر احترام و ارزش آنان، دور شان حلقه می‌زنند. در حدیثی آمده است که پیامبر^(ص) فرموده اند: «و ما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله يتلون كتاب الله و يتدارسونه بينهم إلا نزلت عليهم السكينة و غشيتهم الرحمة و حفتهم الملائكة و ذكروهم الله فيمن عنده»^(۳).

ترجمه: هر گاه گروهی در یکی از خانه‌های الله متعال گردهم آیند و به تلاوت و قرائت قرآن کریم بپردازند به طور یقین بر آنان آرامش نازل می‌شود، رحمت الله متعال آنها را در بر می‌گیرد، ملائکه گرداگرد آنان می‌ایستند و الله متعال نزد حاضران بارگاه خود یادشان می‌کند.

پیامبر^(ص) خانه‌هایی را که قرآن کریم در آنها تلاوت نمی‌شود به قبر تشبیه نموده است، زیرا افراد آن خانه مانند مردگانی هستند که از عبادت و تلاوت قرآن کریم دست کشیده اند. ایشان این امرغیبی را هم بیان کرده اند: که در هر خانه ای سوره (بقره) خوانده شود، راه شیاطین به آن خانه بسته شده و از آنجا فرار می‌کنند.

همچنان در حدیثی آمده که: «لا تجعلوا بيوتكم مقابر إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة»^(۴).

ترجمه: خانه‌های خود را به قبرستان تبدیل نکنید و بدانید که شیاطین از خانه ای که سوره (بقره) در آن خوانده شود فرار می‌کند.

بسیاری از مردم به خاطر ضعف آموزش، تلاوت قرآن کریم برآنان دشوار می‌گردد. این افراد نزد الله متعال دو اجر دارند: یکی برای تلاوت و یکی به خاطر تحمل سختی آن. در حدیثی آمده که: «الماهر

بالقرآن مع السفارة الكرام البررة والذي يقرأ القرآن ويتتعتع فيه و هو عليه شاق له أجران»^(۵).

ترجمه: جایگاه کسی که در تلاوت قرآن کریم مهارت دارد همراه ملائکه خواهد بود که نویسنده اعمال و کردار نیکو هستند و کسی که در خواندن آن لکنت دارد و با مشکل مواجه می‌شود دو پاداش خواهد داشت.

۱- ابن عبدالرحمن، الامام الحافظ شيخ الاسلام، از علمای مصر بود، در سال ۹۴ تولد شد و در سال ۱۲۴ حج کعبه را بجا آورد، وی از علمای عصر خود علم آموخت و در سال ۱۷۵ هـ. ق. وفات نمود. / ذهبی، سیر أعلام النبلاء: ۸ / ۱۶۱.

۲- قرطبی، محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی أبو عبد الله، ۱۴۲۷ هـ. ق. ۲۰۰۶ م. الجامع لاحکام القرآن: بیروت - مؤسسة الرسالة. ۹/۱.

۳- مسلم، صحیح مسلم: ۲۰۷۴/۴. شماره حدیث: ۲۶۹۹.

۴- مسلم، صحیح مسلم: ۵۳۹/۱. شماره حدیث: ۷۸۰.

۵- مسلم، صحیح مسلم: ۵۵۰/۱. شماره حدیث: ۷۹۸.

البته فردی که قرآن کریم را به خوبی می‌خواند و الفاظ آن و مخارج حروف را مراعات می‌کند و در آن توقف نمی‌کند و دچار اشکال و اشتباه نمی‌شود از فردی که چنین توانایی ندارد منزلت و الاتری دارد و جایگاه او در قیامت در ردیف ملائکه خواهد بود که نزد پیامبران فرستاده می‌شدند و مطیع الله متعال بوده اند. شکی نیست که تلاوت روزانه و منظم به صورت همیشه‌گی باعث دوام حفظ و مهارت در خواندن می‌شود و بر فرد مؤمن لازم است که در قرآن کریم تدبر کند و با خشوع به آن گوش فرا دهد و تصور کند، کلام الله متعال را می‌شنود تا با این تصور قلبش از خشوع لبریز گردد، گویا هم اکنون قرآن کریم به او نازل می‌شود. فرد مؤمن باید در معانی، حقایق، نیکی‌ها و نور قرآن کریم تدبر کند و هنگام تلاوت به این مسئله توجه کند که فقط قرآن کریم است که وحی خالص و بدون تحریف الله متعال را دربر دارد. قرآن کریم بزرگ‌ترین نعمت الله متعال برای امت مسلمان است که امروزه گوش فرا دادن به آن را با فراهم کردن وسایل ارتباطی جدید برای همه آسان کرده و هرکس که بخواهد می‌تواند به آن گوش دهد، حتی اگر آن را یاد نگرفته باشد... حضرت عمر رضی الله عنه با اجتهاد خود نامه خطاب به امیران خود نوشت که هر سربازی را که حافظ قرآن کریم است نزد من بفرستید تا به خاطر کرامت آنان مالی به ایشان ببخشم و آنها را برای آموزش مردم به نقاط مختلف بفرستم. حضرت ابوموسی اشعری رضی الله عنه^(۱) که در آن زمان والی بصره بود.

در جواب عمر رضی الله عنه نوشت: (ای امیر المؤمنین) از جانب من سه صد و چند نفر حافظ قرآن کریم نزد تو فرستاده شد^(۲).

پس تلاوت قرآن کریم در تربیت انسانها اثر مثبت دارد، زیرا با تلاوت قرآن کریم نفس انسان مطمئن و رابطه او با خالقش مستحکم‌تر می‌شود و از هر جزء و آیات قرآن کریم پند و اندرز گرفته و در زنده‌گی روزمره خویش امر الله متعال را تطبیق می‌کند که این خود نوع تربیت روحی است.

۱- عبدالله ابن قیس مشهور به ابوموسی اشعری از اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله بود. وی در دانش قضا تبحر داشت و از فقهای دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و از اصحاب فتوی در روزگار عمر و عثمان رضی الله عنهما به شمار می‌رفت، وی در سال ۵۲ هـ ق از جهان رحلت نمودند. زرکلی، *الأعلام للزركلي*: ۴ / ۱۱۴.
۲- متقی، علی بن حسام‌الدین هندی، ۱۴۱۳ ق. *کنز العمال*: بیروت - موسسه الرساله. ۲۱۷/۱.

مبحث دوم - تربیت عقلی از دیدگاه قرآن کریم

در این مبحث معنا و مفهوم تربیت عقلی، نقش قرآن کریم در تربیت عقلی و راهکارها و وسایل تربیت عقلی از دیدگاه قرآن کریم بیان می‌گردد.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت عقلی

تفکر و تعقل از نعمت‌های الهی و از نعمت‌های بسیار بزرگی است که انسان را از جمله حیوانات جدا می‌سازد.

الله متعال در مورد می‌فرماید: ﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾^(۱).

ترجمه: بگو اوست آن کس که شما را پدید آورده و برای شما گوش، چشم و دلها آفریده است اما کم سپاسگزاری می‌کنید.

(فواد) در اصطلاح قرآن کریم به معنی عقل و یا از نیروهای بیدار و آگاه انسانی، و یا به سخن دیگر نیروی مدرکه، به معنی اعم آن است.

عقل به حیث وسیله معرفت و شناخت همراه مکلفیت لازم است، عقل همراهی تحلیل، تجربه، تمیز بین خوب و بد؛ بین سعادت و شقاوت و قوه تفکر، تدبر و تعقل با علم و عمل سرمایه است که در جامعه حیثیت و جایگاه انسان را تثبیت می‌کند و در عزت، اهمیت و جایگاه او افزودگی بوجود می‌آورد.

دین مقدس اسلام در باره تعلیم و تربیه قوه‌های فکری و عقلانی انسان کوشش و توجه خاص مبذول نموده حتی تفکر و تدبر را واجب و فریضه اساسی قرار داده است^(۲). مقصود ما از تربیت فکری آن است که فکر و اندیشه کودک را با آموزش علوم دینی و فرهنگ علمی معاصر و نکات مفید از تکنولوژی و تمدن امروز بشری رشد و تکامل بخشیم^(۳). این بخش از تربیت از لحاظ اهمیت و شایستگی از سایر بخش‌های تربیت کم تر نیست.

مطلب دوم: نقش قرآن کریم در تربیت عقلی انسان

تربیت عقلانی مهم ترین بخش تربیت اسلامی است که تأثیر بسزایی در حیات فردی و اجتماعی انسان دارد و قرآن کریم ابعاد مختلف آن را تأیید کرده است.

قرآن کریم در تربیت فکری و عقلی انسان نقش بسزای دارد، قرآن کریم در آیات متعددی پیروان خویش را به تفکر و تدبر تشویق نموده تا از این نعمت بزرگ الهی استفاده نموده و جامعه خود را از مشکلات ناگوار و ناخوشایند پاک سازند، الله متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾^(۴).

۱- سورة الملك: آية: ۲۳.

۲- یک تعداد از علمای جید وزارت ارشاد، حج و اوقاف. ۱۳۹۱ ه.ش. اسلام و خانواده: افغانستان - کابل - مرکز مطبوعاتی و فرهنگی آئینه. ص، ۹۶.

۳- محمد قطب، روش تربیتی اسلام: ص، ۱۳۱.

۴- سورة آل عمران: آية: ۱۹۰ - ۱۹۱.

ترجمه: مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی قانع کننده است، همانان که الله متعال را در همه احوال ایستاده و نشسته و به پهلو آریده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند که پروردگار این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.

در جای دیگری می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾^(۱).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید اگر فاسقی برای تان خبری آورد نیک واری کنی مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و بعد از آنچه کرده اید پشیمان شوید.

در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾^(۲).

ترجمه: راستی که در آفرینش آسمانها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و همچنان آبی که الله متعال از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و نیز در گرداندن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرآمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعاً نشانه‌هایی گویا وجود دارد.

از توصیه‌های فوق قرآنی بر مربیان اطفال و اولیاء ایشان لازم است که با در نظر داشت توصیه‌های فوق برای اطفال خویش تعلیم دهند، تا از یک طرف قوه‌های علمی و روحی ایشان از تعصب، تکبر حسد و کینه منزّه و پاک تربیه و تقویه شود و از طرف دیگر حقایق را در چوکات‌اش به طور حقیقی و اصلی آن ببینند.

به طور خلاصه گفته می‌توانیم که انسان در صورتی به سعادت ابدی می‌رسد که اهل تعقل، تفکر و آراسته به عقل سلیم و پرورش یافته باشد^(۳).

مطلب سوم: راهکارها و وسایل تربیت عقلی از دیدگاه قرآن کریم

طوریکه در مطلب اول و دوم این مبحث بیان گردید در قرآن کریم به جنبه عقلانی انسان تاکید فراوان صورت گرفته و از منابع اصلی شناخت به شمار می‌رود.

۱- سورة الحجرات: آیه: ۶.

۲- سورة البقره: آیه: ۱۶۴.

۳- وزارت ارشاد، حج و اوقاف، اسلام و خانواده: ص، ۹۷.

همچنین در نصوص اسلامی بر لزوم تربیت عقلانی نیز تاکید شده است؛ تا جایی که تقویت جنبه عقلانی سبب هدایت به سمت حقیقت هستی می‌شود و عقل جز در بستر علم نمی‌روید و عالم شدن نیز مستلزم این است که فرد مورد تعلیم قرار گیرد.

برای پرورش عقل، روش‌هایی متعددی در قرآن کریم ذکر شده است، که برخی از آنها قرار زیر بیان می‌شود:

الف - توأم کردن با اندیشه و علم

یکی از ویژگی‌های انسان اندیشمند از نظر قرآن کریم علم و آگاهی است، الله متعال در مورد چنین فرموده اند: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾^(۱).

ترجمه: و این مثلها را برای مردم می‌زنیم مگر جز دانشوران آنها را درنیابند.

این آیه کریمه با اشاره به مثال‌های قرآنی می‌فرماید: هر چند آنها را همه مردم می‌شنوند؛ ولی حقیقت معانی آن و مغز مقاصدش را تنها اهل دانش درک می‌کنند؛ آن کسانی که حقایق امور را می‌فهمند و بر ظواهر هر چیزی جمود نمی‌کنند و این که فرمود: ﴿وَمَا يَعْقِلُهَا﴾ دلیل بر آن است، که منظور درک حقیقت و مغز آن مثل‌هاست و گر نه بسیاری از غیر دانایان هستند که به ظواهر آن مثل‌ها ایمان دارند.

ب - داشتن روحیه علمی

مطلب دیگر که در باره تربیت عقلی مورد توجه قرار گرفته، روحیه علمی است، الله متعال در این زمینه می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲).

ترجمه: و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت الله متعال با نیکوکاران است.

عالم باید کبر و غرور نداشته باشد، نگوید چیزی که من می‌گویم همان درست است، بلکه هر وقت در تلاش بدست آوردن علم و معلومات جدید باشد، زیرا الله متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾^(۳).

ترجمه: در آن صورت حتما تو را دو برابر در زندگی و دو برابر پس از مرگ عذاب می‌چشانیم آنگاه در برابر ما برای خود یآوری نمی‌یافتی.

ج - توانایی ارزیابی و قضاوت

قرآن کریم قوه ارزیابی و قضاوت را یک راه دیگری برای رشد قوه عقلانی انسان تشخیص کرده و می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾^(۱).

۱- سورة العنكبوت: آیه: ۴۳.

۲- سورة العنكبوت: آیه: ۶۹.

۳- سورة الإسراء: آیه: ۸۵.

ترجمه: آن کسانی که به سخن گوش می‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند، ایشانند کسانی که الله متعال هدایت شان کرده و ایشان اند خرد مندان.

د - آزاد کردن فکر از قید عادت‌های اجتماعی (پرهیز از تقلید)

رها کردن اندیشه از نفوذ سنت‌ها و عادت‌های اجتماعی، یکی دیگری از وسایل تربیت عقلی بشمار می‌رود، الله متعال می‌فرماید: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾^(۲).

ترجمه: و چون به آنان گفته شود از آنچه الله متعال نازل کرده است پیروی کنید می‌گویند نه بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می‌کنیم آیا هر چند پدران شان چیزی را درك نمی کرده و به راه صواب نمی رفته اند باز هم درخور پیروی هستند.

۱- سورة الزمر: آية: ۱۸.

۲- سورة البقره: آية: ۱۷۰.

مبحث سوم - تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم

در این مبحث معنا و مفهوم تربیت اخلاقی، اهمیت تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم، ویژگی‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم، روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن کریم بیان می‌گردد.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اخلاقی در قرآن کریم

آداب پسندیده و اخلاق اسلامی در واقع بستر و عرصه دینداری هستند. هم چنان اخلاق خوب پایه سرشت‌ها طبیعت‌های پسندیده و زمینه ساز رشد و تکامل شخصیت انسان و نشانه هدایت و پرهیزگاری بوده است. برخی از با ارزشترین و مهمترین مسؤولیت‌های اخلاقی عبارت اند از: صداقت و صراحت در گفتار امانتداری، آرامش و بردباری، عفت زبان، پاکی درون از حقد و کینه و پرهیز از رفتارها و اخلاق که مخالف آنهاست، رسول ﷺ فرموده اند: «أكرموا أولادكم و أحسنوا أدبهم»^(۱).

ترجمه: به کودکان خود احترام بگذارید و به خوبی آنها را تربیت کنید.

همچنان می‌فرماید: «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ»^(۲).

یعنی بهترین هدیه پدر به فرزند، آموزش اخلاق خوب است.

خیر و برکت خوش اخلاقی در طی زندگی، انسان را تنها نخواهد گذاشت و او را برای دستیابی به همه فضایل ترغیب خواهد کرد و برای رسیدن به قله‌های دینداری و مروت و شخصیت او را یاری خواهد نمود.

معیار تفاوت میان حسن اخلاق و سوء اخلاق به روشی که رسول اکرم ﷺ در پیش می‌گرفت این بود که نخصت به مخاطبان و زیردستان آموزش داده شود، چنانچه می‌فرماید: «فقال البرحسَن الخلق والإثم ماحاك في صدرك وكرهت أن يطلع عليه الناس»^(۳).

ترجمه: خیر و نیکی در حسن اخلاق است و گناه آن است که دل ناپسندش شمارد و نخواهد مردم از آن مطلع شوند.

برّ و خیر واقعی در عبادت الله متعال و خدمت به مردم قرار دارد. آنهایی که اهل اخلاق پسندیده اند، به این بشارت رسول الله ﷺ باید خوشحال باشند که فرموده اند: «إن أحبكم إلي أحسنكم أخلاقاً الموطون أكنافاً الذين يألفون ويؤلفون وأبغضكم إلى الله المشاءون بالنميمة المفرقون بين الأحبة الملتمسون للبرآء العنت»^(۴).

۱- قرظینی، سنن ابن ماجه: ۱۲۱۱ / ۲. شماره حدیث: ۳۶۷۱. البانی رحمه الله این حدیث را بسیار ضعیف دانسته است/ الالبانی، السلسلة الضعيفة: ۴ / ۱۵۰.
۲- ابن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن حنبل الشیبانی، ۱۴۰۵ هـ. ق، مسند الإمام أحمد بن حنبل: لبنان، بیروت، المكتب الإسلامي. ۴ / ۷۸. شماره حدیث: ۱۶۷۱۷. امام البانی رحمه الله این حدیث را بسیار ضعیف دانسته است. / الالبانی، السلسلة الضعيفة: ۳ / ۲۴۹.
۳- مسلم، صحیح مسلم: ۴ / ۱۹۸۰. شماره حدیث: ۲۵۵۳.
۴- طبرانی، المعجم الأوسط: ۷ / ۳۵۰. شماره حدیث: ۷۶۹۷. طبرانی، سلیمان بن أحمد بن یوب أبو القاسم الطبرانی، ۱۴۰۵ هـ. ق. ۱۹۸۵ م. المعجم الصغير- الطبرانی: بیروت - عمان - دار عمار - المكتب الإسلامي. ۲ / ۸۹. شماره حدیث: ۸۳۵. امام البانی رحمه الله این حدیث را حسن لغیره دانسته است. / الالبانی، محمد ناصر الدین الالبانی، (ب - ت) صحیح الترغیب والترهیب: ریاض - مكتبة المعارف. ۳ / ۸.

ترجمه: محبوب ترین شما آنهایی هستند که از اخلاق بهتری برخوردارند، و صبر و تواضع بیشتری را دارند، با دیگران الفت ورزند، و دیگران نیز دوست‌شان میدانند و مبعوض ترین شما نزد من، آدمهای سخن چین اند که میان دوستان دشمنی ایجاد می‌کنند و به دنبال عیب تراشی برای اشخاص بی گناهند.

همچنین اصول حسن اخلاق عبارتند از: رفتار و گفتار درست با پدر و مادر، رعایت ادب و احترام خانواده و برادر و دوستان و همسایه‌گان و با همه مردم در محل کار، کوچه، قریه و اماکن عمومی و غیره است^(۱).

مطلب دوم: اهمیت تربیت اخلاقی از دیدگاه قرآن کریم

به دلیل نقش محوری اخلاق در سعادت فردی و اجتماعی انسان، الله متعال یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران علیهم‌السلام را به ویژه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تزکیه نفس انسانها قرار داده است، چنانچه می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾ (۲).

ترجمه: اوست آن کس که در میان بی سوادان فرستاده‌ای از خودشان بر انگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به ایشان بیاموزد و قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

همچنان الله متعال در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۖ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۗ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۗ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا﴾ (۳).

ترجمه: سوگند به نفس و آنکس که آن را درست کرد، سپس پلید کاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد، که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده اش ساخت قطعاً در باخت. همچنان قرآن کریم در باره توصیف اخلاق نیکوی رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین می‌فرماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ (۴).

ترجمه: راستی که تو را خویی والاست.

همچنان در نصوص متعدد بر اهمیت و تربیت اخلاق تأکید صورت گرفته است که از لابلای آن اهمیت و ضرورت تربیت اخلاق برملا و آشکار می‌شود.

۱- زحیلی، فقه خانواده: ص، ۴۶ - ۴۸.

۲- سورة الجمعة: آیه: ۲.

۳- سورة الشمس: آیه: ۷ - ۱۰.

۴- سورة القلم: آیه: ۴.

مطلب سوم: روشهای تربیت اخلاقی در قرآن کریم

اخلاق از صفات مهم در وجود انسان و فرد مسلمان بشمار می‌رود، رسول اکرم ﷺ در یک حدیث فلسفه تمام رسالت خویش را در مکارم اخلاق گنجانیده است، لذا قرآن کریم برای تربیت اخلاقی پیروان خود، از روش‌های مختلف استفاده کرده تا در نتیجه عملی آن یک فرد مسلمان کامل، صاحب اخلاق حمیده و حسنه به جامعه تقدیم نماید، که بعض از آن قرار زیر شرح می‌شود.

الف - مطالعه سیرت رسول اکرم ﷺ

مطالعه سیرت رسول اکرم ﷺ به طور کلی انسان را با بخش‌های عظیمی از اسلام آشنا می‌گرداند. کسی که با سیرت پیامبر ﷺ انس و آشنایی داشته باشد می‌تواند گام‌های استواری به سوی سعادت و خوشبختی بر دارد و در تربیت اخلاقی وی مثمر واقع گردد.

سعد بن ابی وقاص ﷺ می‌گوید: همچنان که سوره‌های قرآن کریم را به فرزندان خود تعلیم می‌دادیم سیرت و روش زندگی رسول الله ﷺ را نیز به ایشان می‌آموختیم.

بلی همین شور و اشتیاق به شناخت افعال و اقوال پیامبر ﷺ و جدیت در اقتداء به آن حضرت ﷺ بود که نسل نخست امت اسلامی توانست آیین رحمانی اسلام را به اطراف و اکناف جهان رسانیده و پیام قرآن کریم و دعوت همه‌گیری اسلام را جهانگیر سازد و در صفحات تاریخ کارنامه ای درخشان به یادگار گذارد(۱).

۱. فهم قرآن کریم: نخستین فایده سیرت النبی ﷺ آن است که هر کسی سیرت را مطالعه نماید فهم قرآن کریم برایش آسان می‌شود، زیرا بخش بزرگی از آیه‌ها و سوره‌های قرآن کریم در باره زندگی، حالات و او صاف حضرت رسول اکرم ﷺ است؛ پس کسی که از سیرت آن حضرت ﷺ آگاهی داشته باشد تفسیر و توضیح آیاتی را که در باره رسول اکرم ﷺ آمده است به خوبی و درستی در می‌یابد.

کسی که سیرت را مطالعه نماید می‌داند تفسیر این آیه کریمه را چنانچه الله متعال فرموده اند: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ (۲).

ترجمه: یقیناً برای شما در روش و رفتار پیامبر الله متعال الگوی نیکویی است برای کسی که همواره به الله متعال و روز قیامت امید دارد و الله متعال را بسیار یاد می‌کند؟

خلاصه این که سیرت روشنگر آیت‌های قرآن کریم است و مطالعه سیرت حضرت رسول اکرم ﷺ برای فهم درست قرآن کریم ضرورتی انکار ناپذیر و نیز سعادت‌ی بس عظیم است.

۱- مبارکپوری، مولانا صفی الرحمن مبارکپوری، ۱۳۸۷ ه.ش. الریحیق المختوم: مترجم: عبدالله خاموش هروی: شیخ الاسلام احمد جام - ایران - دقت. ص، ۱۶.

۲ - سورة الأحزاب: آیه: ۲۱.

۲. **فهم حدیث نبوی** ﷺ: کسی که با سیرت رسول اکرم ﷺ آشنایی داشته باشد و آنرا مطالعه نماید بسیاری از احادیث برایش تفسیر می‌شوند و فهم احادیث برایش آسان می‌گردد، زیرا بخش بزرگی از ذخیره احادیث در باره احوال و او صاف و گفتارهای ارزشمند خود رسول الله ﷺ است و کسی که سیرت والای ایشان را مطالعه نماید بسیاری از ماجراهای وارد شده در احادیث را می‌یابد.

۳. **فهم عقیده اسلامی**: مطالعه سیرت رسول الله ﷺ فهم عقیده اسلامی را آسان کرده به تقویت بنیان عقیدتی می‌انجامد زیرا از خلال سیرت پاکیزه آن حضرت ﷺ عقیده ایشان مستحکم می‌گردد.

۴. **افزایش محبت با پیامبر اکرم** ﷺ: مطالعه سیرت پیامبر ﷺ سبب می‌گردد، که محبت انسان با رسول اکرم ﷺ افزون شود و آدمی محو دریای جمال و کمال وی گردد.

انسان در هنگام مطالعه سیرت درمی‌یابد که رسول اکرم ﷺ چگونه برای هدایت انسان‌ها و نجات شان از آتش جهنم بی‌قرار و در اندیشه بوده است و در این راه سختی‌ها و نا مهربانی‌های زیادی را متحمل شده است، بنا بر این با توجه به این خیر خواهی فراوان ایشان در قبال رهیابی انسانها به سوی هدایت محبتش در قلب انسان جای می‌گیرد.

همچنان با مطالعه سیرت جایگاه والای رسول ﷺ در نزد یاران گرانقدر واضح بیان می‌گردد که چقدر باوی محبت داشتند و در راستای دفاع از وی فدا کاری می‌کردند و چگونه محبتش در ریشه دل‌های شان جای گرفته بود. این حالات و داستان‌ها واقعاً محبت ایجاد می‌کند و محبت حضرت رسول اکرم ﷺ با توجه به او صاف و شمایل والایش در دل هر کس که سیرتش را مطالعه می‌کند قرار می‌گیرد.

۵. **آشنایی با اعمال فردی و اجتماعی پیامبر اکرم** ﷺ: کسی که سیرت رسول اکرم ﷺ را مطالعه نماید حالات گوناگون وی را در زمینه عبادت‌ها، اخلاق، تعامل با موافقان و مخالفان و شیوه‌های دعوت به سوی الله متعال را در می‌یابد و می‌تواند در زندگی از این سیرت پاک و کریمانه اتباع و پیروی نماید. اصحاب کرام ﷺ کسانی بودند که حالات ایشان را با دقت مورد بررسی قرار داده سعی می‌داشتند قدم به قدم بر روش وی عمل کرده از زنده‌گی ایشان الگو بگیرند و به وی اقتدا نمایند. پس هر مسلمان که سیرت مطهر حضرت رسول اکرم ﷺ را مطالعه نماید می‌تواند آن را مشعل راه خویش قرار داده به سعادت برسد.

۶. **آشنایی با شیوه‌های تربیتی رسول اکرم** ﷺ: مطالعه سیرت رسول اکرم ﷺ در کنار فواید بی‌شمار دیگر، شیوه‌های درست اخلاقی را در راستای تربیت افراد تبیین می‌کند و خواننده سیرت با این منهج مبارکی که توانست سرسخت‌ترین دشمنان را به دوستانی فدا کار و حامیانی جان بر کف تبدیل کند آشنایی حاصل می‌نماید.

رسول اکرم ﷺ با اخلاق والا و تعامل کریمانه خویش درخت دوستی و مؤدت کاشت و نهال دشمنی و کینه تیزی را بر کند و راه عطوفت و مهربانی را با اخلاق عظیم خویش برگشود تا جایی که دوست و دشمن به این واقعیت اذعان کردند.

برخورد رسول اکرم ﷺ اصلاح گرانه و تعاملش انسان ساز بود در این مدرسه برنامه تربیتی و اصلاحی مردان نام آوری ساخته شدند که هر یک به مثابه شمع فروزانی برای بشریت قرار گرفتند و ردای علم و معنویت بر تن کرده با تکامل اخلاقی و انسانی رسیدند.

شیوه تربیتی رسول ﷺ مبتنی بر حکمت و اخلاص بود؛ به هر چیزی که مردم را دستور می‌داد خودش نخستین کسی بود که به آن عمل می‌کرد و از هر چیزی که آنان را باز می‌داشت خود نخستین کسی بود که از آن دوری می‌کرد و با چنین رویه ای توانست در وازه دلها را بگشاید؛ گاهی با گفتار نیکو و کردار پسندیده و گاهی بانگاهی عتاب آمیز و اشاره مهر ورزی به تربیت و اصلاح گری می‌پرداخت.

ب - نقش سیرت در اعتلای اخلاق

مطالعه سیرت پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ برای هر فرد مسلمان لازمی و ضروری می‌باشد، زیرا پیروی از اخلاق، کردار و رفتار پیامبر اکرم ﷺ بر ما مسلمانانها لازمی است، و بدون مطالعه سیرت آن حضرت ﷺ پیروی ایشان صورت گرفته نمی‌تواند.

تمام زندهگی پیامبر بزرگوار ﷺ بر از هدایات و ارشادات است که اگر یک مسلمان آنرا به صورت درست و واقعی عملی نماید، از یک طرف خود آن شخص در دنیا و آخرت کامیاب و رستگار است از طرف دیگر تمام جامعه انسانی نه تنها که از ضرر او در امان است، بلکه فایده او به تمام جامعه بشری می‌رسد.

نبی کریم ﷺ یک مربی بسیار موفق بود، از همین لحاظ توانیست که در وقت بسیار کوتاه جامعه که در آن خرافات و بی بند باری‌های بی شمار نهادینه شده بود، اصلاح و به یک جامعه مرفه، با اخلاق و مذهب تبدیل نماید.

همچنان آن حضرت ﷺ یک رهبر و فرمانده بسیار عالی و کامیاب بود، از همین لحاظ توانست که در تمام غزوات با و جودیکه در هر غزوه تعداد مجاهدین نسبت با کفار و مشرکین به مراتب کم بود، کامیاب و نقشه جنگ را به نفع خود تغییر می‌دادند.

رسول الله اکرم ﷺ در صبر یک مثال بی‌نظیر بود، در هر مصیبت و مشکل که پیش می‌شد، از صبر کار می‌گرفت، که در نتیجه آن بر هر مشکل کامیاب و پیروز می‌شد. به همین شکل هر بعد زندهگی آن حضرت ﷺ که مطالعه شود، برای بشریت در آن کامیابی و رستگاری نهفته است.

چنانچه الله متعال در این باره می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^(۱).

ترجمه: قطعاً برای شما در اقتدا به رسول اکرم ﷺ سرمشقی نیکوست برای آن کس که به الله متعال و
روز باز پسین امید دارد و الله متعال را فراوان یاد می‌کند.

در روشنی مطالعه سیرت پیامبر اکرم ﷺ به صورت واضح گفته می‌توانیم که مطالعه سیرت پیامبر
بزرگوار اسلام ﷺ در اعتلای اخلاق فرد مسلمان نقش بسزای دارد، لذا باید هر مسلمان سیرت آن
حضرت ﷺ مطالعه و از آن استفاده نماید.

همچنان از شخصیت‌های صحابه کرام و تابعین پیروی نمایند یعنی کسانی که در شجاعت و
بزرگواریشان در زنده‌گی ضرب المثل و زبان زد دوست و دشمن بودند. ما باید به آنها اقتدا کنیم و
اخبار و داستان زنده‌گی آنان را بدانیم تا به کردار نیک آنها تأسی و اقتدا کنیم و صفاتی مانند
شجاعت، فدا کاری، صداقت صبر، پایداری، عزت، استقامت، سربلندی و صفات دیگر را در خود
پیدا و مستحکم کنیم^(۲).

ج - نقش قرآن کریم در تغییر رفتارهای بشریت

قرآن کریم در باره رفتارهای بشریت نقش بارز و ارزنده دارند، که از آن هیچ صاحب نظر چشم
پوشی کرده نمی‌تواند، الله متعال بنده گان خود را به انجام کارهای نیک مأمور و از کارهای ناپسند و
نامشروع برهزر کرده اند.

الله متعال برای قناعت آنها مثال های از گذشته‌گان ذکر کرده، که با چه سرنوشت روبرو شدند،
کسانی که کارهای نیک را انجام داده عاقبت آنها خوب و کسانی که کارهای ناپسند و نامشروع را
انجام داده عاقبت آنها خراب و با ذلت و خواری مواجه شدند.

الله متعال از ذکر کردن قصه‌های آنها می‌خواهد مردم مخاطب به آسانی قناعت کند، و به انجام دادن
کارهای نیک خود را آراسته و از کارهای بد و ناپسند پرهیز کنند، و برای آنها یاد آوری می‌کند، که
کسانی که در راه ما برای نجات و سعادت زحمت می‌کنند و کوشش می‌کند، ما با آنها کمک می‌کنیم
الله متعال در این باره می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۳).

ترجمه: و کسانی که در راه ما کوشیده اند به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نمایانیم و در حقیقت الله
متعال با نیکو کاران است.

۱- سورة الأحزاب: آية: ۲۱.

۲- يوسف محمد الحسن، گذری بر تربیت فرزندان در اسلام: ص، ۳۰.

۳- سورة العنكبوت: آية: ۶۹.

امام ابن قیم رحمه الله^(۱) می‌گوید: ^(۲) «الله سبحانه و تعالی هدایت را به جهاد پیوند می‌دهد. بنا بر این کاملترین انسانها در هدایت موفق‌ترین آنان در جهاد می‌باشند. و واجب‌ترین جهاد، جهاد با نفس، جهاد با هوی و هوس، جهاد با شیطان و جهاد با دنیا است، پس هر کس این چهارنوع جهاد را در راه الله متعال انجام دهد، الله متعال به پاس این جهاد و تلاش مبارک او را به سوی راه‌های خود هدایت می‌کند؛ راه‌هایی که او را به رضای حق و بهشت جاویدان نایل خواهد ساخت. هرکس جهاد را ترک کند به همان مقدار هدایت پروردگار را از دست خواهد داد.

پس از مبارزه سخت با نفس و به دست آوردن درمان‌هایی که امراض قلبی را از بین می‌برند، آثار بهبودی قلب ظاهر نمی‌شود، مگر این که انسان در نهان و آشکار صادق و راستگو باشد.

همچنان از برکت قرآن کریم است که در قلب انسان ترس از الله متعال پیدا می‌شود، که سبب سعادت دنیا و آخرت انسان می‌گردد، الله متعال می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾^(۳).

ترجمه: و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوی و هوس باز داشت، پس جایگاه او همان بهشت است. قرطبی رحمه الله در تفسیر این آیه فرموده اند: (خوف از مقام الله متعال یعنی ترس از الله متعال به هنگام ارتکاب معصیت و ترک فوری آن. و نهی نفس از هوی و هوس: به معنی زجر و توبیخ آن بر ارتکاب محارم است)^(۴).

همچنان از برکت قرآن کریم است که مسلمانها بر تکالیف، غم و اندوه صبر می‌کند زیرا الله متعال در برابر آن ثواب فراوان نصیب می‌کند^(۵). چنانچه در مورد فرموده اند: ﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾^(۶).

ترجمه: و با کسانی که پروردگارش را صبح و شام می‌خوانند و خشنودی او را می‌خواهند شکیبایی پیشه کن و دو دیده ات را از آنان برمگیر.

پس از مطالعه تمام آیت‌های قرآن کریم ظاهر می‌گردد، که قرآن کریم در تحسین تمام ابعاد سیرت بشریت نقش ارزنده دارد، لذا بر ما مسلمانان لازم است که هر روز قرآن کریم را تلاوت و از ارشادات آن بهره مند شویم.

۱- محمد بن ابی بکر ابو عبدالله ابن قیم جوزی در سال ۶۹۱ ق در منطقه زُرع دمشق متولد شد، وی فقیه، محدث، مفسر و عالم اسلام بود وی شاگرد ابن تیمیه، ابن ابی الفتح البعلبکی، محی الدین تونسلی، ابن قدامه مقدسی، بود، بیش از ۹۸ آثار دارد و مشهورترین آن عبارت اند: الشافیة فی النحو، اعلام الموقعین عن رب العالمین، زاد المعاد، الروح، الصراط المستقیم فی احکام اهل الجحیم، الطرق الحکمیة، الطب النبوی، الإجتهد والتقلید، اسماء مؤلفات ابن تیمیه، التبیان فی اقسام القرآن، مدارج السالکین و غیره بوده، وی در سال ۷۵۱ ق وفات شد. / رزکلی، الإعلام للرزکلی: ۵۶/۶.

۲- ابن قیم، محمد بن ابی بکر ابن قیم جوزیه، ۱۴۱۰ هـ. ق. تفسیر القرآن الکریم - ابن قیم: بیروت - دار و مکتبه الهلال. ۱ / ۴۵۰.

۳- سورة النازعات: آیه: ۴۰ - ۴۱.

۴- قرطبی، تفسیر القرطبی: ۲۰۸۸ / ۱۹.

۵- بلالی، عبدالحمید بلالی، ۱۳۹۴ ش. ۱۴۳۷ هـ. ق. آیین تابعین: مترجم: عبدالله عبداللهی. دیجیتال- از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است. ص، ۴۳- ۴۷.

۶- سورة الکهف: آیه: ۲۸.

مبحث چهارم - تربیت عاطفی از دیدگاه قرآن کریم

در این مبحث معنا و مفهوم تربیت عاطفی، اهمیت تربیت عاطفی، روش‌ها و راه کارهای تربیت عاطفی از دیدگاه قرآن کریم بیان می‌گردد.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت عاطفی در قرآن کریم

منظور از تربیت عاطفی تقویت جنبه‌های انسانی مانند: احساس لذت و احساس درد، شادمانی، اندوه ایثار حب نیکی و تنفر از بدی است.

قرآن کریم به برخی از این عواطف و احساسات مانند: محبت متبادل میان الله متعال و بندگانش اشاره نموده و می‌فرماید: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾^(۱).

ترجمه: و برخی از مردم هستند که غیر از الله متعال، خدا گونه‌یی را بر می‌گزینند، و آنها را همچون الله متعال دوست می‌دارند، اما کسانی که ایمان آورده اند، الله متعال را بسیار و بیشتر دوست دارند.

در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^(۲).

ترجمه: الله متعال مردمی را به جای ایشان خواهد آورد که الله متعال دوست شان می‌دارد و آنان نیز الله متعال را دوست می‌دارند، نسبت به مؤمنان نرم و فروتن بوده و در برابر کافران قاطع و نیرومند هستند.

مطلب دوم: اهمیت تربیت عاطفی در قرآن کریم

جنبه تربیت عاطفی بسیار پیچیده تر و عمیق تر است، و همچنان تأثیر آن نسبت به دیگر جوانب تربیت عمیق تر است، لذا قرآن کریم در باره تربیت عاطفی بسیار تأکید کرده و در این باره آیات متعدد را نازل شده، و در این مورد الله متعال فرموده اند: ﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا﴾^(۳) وَأَخْفِضْ لَهُمَا حَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا^(۳).

ترجمه: و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید اگر یکی از آن دو یا هر دو در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها حتی اوف مگو و به آنان پر خاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی، و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگار! آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.

۱- سورة البقره: آیه: ۱۶۵.

۲- سورة المائده: آیه: ۵۴.

۳- سورة الإسراء: آیه: ۲۳ - ۲۴.

در آیه قرآن کریم مسلمانها به عواطف راهنمایی شده، که با پدر و مادر در حالت ضعیفی آنها انجام نمایند، و با آنان از مهربانی، عطوفت و دلسوزی رفتار کنند^(۱).

در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۲).

ترجمه: و نیز کسانی که قبل از مهاجران در مدینه منوره جای گرفته و ایمان آورده اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌های شان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد آنها را بر خود شان مقدم می‌دارند و هر کس از بخل نفس خود مصئون ماند ایشانند که رستگار اند.

در این آیه الله متعال بنده گان خود را به ایثار دعوت نموده، زیرا ایثار از جمله درجه عالی سخاوت به شمار می‌رود.

ایثار هم در نتیجه عاطفه بوجود می‌آید، اگر عاطفه نباشد، وجود ایثار از فرد متصور نیست، بلکه اول باید عاطفه داشته باشد و بعداً ایثار کند.

از این آیه‌ها و دیگر آیت‌های قرآنی ثابت می‌شود، که قرآن کریم برای تربیت عاطفی توجه خاص نموده و پیروان خویش را به آن دعوت نموده، اگر کسی مطابق این رهنمودهای قرآنی عمل انجام داد، مورد ثواب می‌گردد، و جامعه هم بطرف پیشرفت اخلاقی سوق می‌شود و اگر کسی از آن صرف نظر و نافرمانی کند، مورد عذاب الله متعال قرار گرفته و نظم جامعه را نیز از بین می‌برد^(۳). لذا باید به تربیت عاطفی توجه خاص خود را معطوف کنیم.

مطلب سوم: روشها و راهکارهای تربیت عاطفی در قرآن کریم

نظر به نصوص و آیات قرآن کریم معلوم می‌شود، که تربیت عاطفی روشها و راهکارهای مختلف دارند که می‌توانیم از آن در تربیت عاطفی استفاده نماییم، که بعضی از آن قرار زیر توضیح می‌شود:

تقرب به الله متعال و شکر گزاری از آن: الله متعال در این باره می‌فرماید: ﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون﴾^(۴).

ترجمه: اینها آیات الهی است که ما آن را بحق بر تو می‌خوانیم و به راستی تو از جمله پیامبرانی.

۱- زحیلی، فقه خانواده: ص، ۵۱.

۲- سورة الحشر: آیه: ۹.

۳- الزحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده و المنهج و الشریعة: ۲۸ / ۸۴.

۴- سورة البقره: آیه: ۱۵۲.

۱- دعا کردن: **الله متعال می‌فرماید:** ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾ (۱).

ترجمه: و پروردگار تان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار در دوزخ در می‌آیند.

در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾ (۲).

ترجمه: و به یقین من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کارشایسته نماید و به راه راست راهسپرشود.

۲- **صله رحم و فرمان برداری از پدر و مادر:** **الله متعال می‌فرماید:** ﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ﴾ (۳).

ترجمه: و الله متعال را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان خود نیکی کنید.

۳- **احسان کردن:** **الله متعال می‌فرماید:** ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾ (۴).

ترجمه: در حقیقت الله متعال به دادگری و نیکو کاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد.

۴- **تعاون و همکاری با یکدیگر:** **الله متعال می‌فرماید:** ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (۵).

ترجمه: و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید. غیر از این دیگر راهها و روشها هم وجود دارند که در تربیت عاطفی مؤثر واقع می‌گردد.

۱- سورة غافر: آیه: ۶۰.

۲- سورة طه: آیه: ۸۲.

۳- سورة النساء: آیه: ۳۶.

۴- سورة النحل: آیه: ۹۰.

۵- سورة المائدة: آیه: ۲.

فصل چهارم

انواع تربیت ظاهری

این فصل شامل سه مبحث و هر مبحث حاوی مطالب، جزئیات و همچنان نتیجه گیری، پیشنهادات و فهارس را نیز شامل می‌باشد.

مبحث اول: تربیت بدنی در قرآن کریم.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت بدنی در قرآن کریم.

مطلب دوم: نقش قرآن کریم در تربیت بدنی.

مطلب سوم: روشهای سالم و درست تربیت بدنی در قرآن کریم.

مبحث دوم: تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اجتماعی در قرآن کریم.

مطلب دوم: ویژگی‌های تربیت اجتماعی در قرآن کریم.

مطلب سوم: راهکارها و وسایل تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم.

مبحث سوم: تربیت اقتصادی در قرآن کریم.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اقتصادی در قرآن کریم.

مطلب دوم: اهمیت تربیت اقتصادی در قرآن کریم.

مطلب سوم: روشهای تربیت اقتصادی در قرآن کریم.

مطلب چهارم: نقش تربیت اقتصادی در نجات جامعه در پرتو قرآن کریم.

نتیجه گیری.

پیشنهادات.

فهرست آیات قرآن کریم.

فهرست احادیث نبوی ﷺ.

فهرست اعلام.

مراجع و مصادر.

Research Abstract.

مبحث اول - تربیت بدنی در قرآن کریم

در این مبحث معنا و مفهوم تربیت بدنی، نقش قرآن کریم در تربیت بدنی و همچنان روش‌های سالم و درست در تربیت بدنی در روشنی آیات قرآن کریم بیان می‌گردد.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت بدنی در قرآن کریم

مقصود ما از بدن در بحث تربیت، تنها عضلات و اندام‌ها و حواس و رگ‌های آن نیست، بلکه هدف ما از جسم، آن نیروی زنده حیوانی است که از بدن سر چشمه می‌گیرد و در ادراک نفسانی نمودار می‌شود.

بدون درگیری با روانشناسی تجربی که می‌گوید: (نفس با همه احساس‌ها و اندیشه و رفتار وابسته بدان چیزی نیست جز واکنش‌های شیمیایی و فیزیکی جسم) و بدون این که با نظریه‌های فلسفی که بیان می‌کنند: (چشم صرفاً ظرفی برای نفس است) مخالفتی ابزار داریم؛ می‌گوییم میان جسم و جان، پیوندی محکم و فعل و انفعال مشترک وجود دارد، نفس بر بدن اثر می‌گذارد، و بدن بر نفس، و هیچ جدایی و تفاوتی میان آن دو نیست.

الله متعال می‌فرماید: ﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾^(۱).

ترجمه: دل‌هایی دارند که با آن حقایق را دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند آنان همانند چهار پایان بلکه گمراه‌ترند.

یعنی حواسی دارند که اگر چه از نظر ترکیب ظاهری، سالم، اما وظایف نفسانی خود را انجام نمی‌دهد. همچنان اندام‌های بدن، روده‌ها، رگ‌ها و اعصاب همه، ترکیبات جسمی هستند، اما سر انجام همه اینها نیروی حیوانی متحرکی هستند، که برای تحقق اثری نفسانی، شدیداً با هم ارتباط و همکاری دارند^(۲).

مطلب دوم: نقش قرآن کریم در تربیت بدنی

قرآن کریم در تربیت بدنی انسان نقش مهم را افاده می‌کند و برای تربیت جسم و این نیروی حیوانی، دو مطلب را با هم رعایت می‌کند. جسم را به دلیل آنکه جسم است، برای دستیابی به هدف نفسانی مربوط بدان، تربیت می‌کند و می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذٰلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ﴾^(۳).

۱- سورة الأعراف: آية: ۱۷۹.

۲- محمد قطب، روش تربیتی اسلام: ص، ۱۸۳ - ۱۸۴.

۳- سورة الأعراف: آية: ۳۲.

ترجمه: (ای پیامبر ﷺ) بگو زیورهایی را که الله متعال برای بندگانش پدید آورده و نیز روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده بگو این نعمتها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و قیامت نیز روز خاص آنان می باشد این گونه آیات خود را برای گروهی که می دانند روشن بیان می کنیم.

راهنمایی های اسلام در این باره زیاد است. تیر اندازی و اسب سواری و یا همه ورزش های بدنی که از احادیث منصوص رسول اکرم ﷺ است، جزئی از روش های تربیت اسلامی است که منظور از آنها تقویت و پرورش جسم برای تحمیل سختی ها و بذل کوشش است، نه تنها برای بذل جهد و تحمل سختی، بلکه برای برداشتن نیروی کافی، بهره برداری انسان از زندگی و لذت بردن و تمتع از آن نیرو هست. یک بدن ناتوان مریض، نه می تواند بهره شایان و کافی از زندگی ببرد و نه توانا است به طور درست، توشه حیات را به نفس برساند تا در انجام وظایف مهم خود دچار سستی نشود؛ افزون بر این ها، در پیکار زندگی (که سرتاسر زندگی پیکار است) احتیاج به جسمی است که دارای بنیانی استوار و قابل اطمینان باشد^(۱).

مدارس، توجه خاصی به تربیت بدنی دارند و معلمان ویژه، عهده دار این کار شده اند. بنا بر این، معلم ورزش چه زن باشد یا مرد باید برای شاگردان تبیین نماید که اسلام همان طور که به تربیت دینی می پردازد، به تربیت بدنی نیز، توجه دارد، تا انسان مسلمان هم ایمان قوی داشته باشد و هم بدن نیرومند^(۲).

در این مورد رسول ﷺ چنین فرموده اند: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ»^(۳).

ترجمه: مؤمن قوی و توانا نزد الله متعال بسیار محبوبتر و بهتر است از مؤمن ضعیف و ناتوان و در هر یک (به درجاتی) خیر و منفعت وجود دارد.

اسلام تنها به نیروی فیزیولوژی بدن توجه نه نموده، بلکه به روشنی و اصرار کامل، از نیروی حیوانی که از جسم سرچشمه گرفته نه به طور گنگ و مبهم آن را به رسمیت می شناسد و برای آن اهمیت قائل است، حتی با تابش نور افگنی آن را روشن ساخته در معرض دید همه قرار می دهد.

اما همچنان که خرد و روان را تربیت می کند، جسم را نیز در معرض (پرورش) قرار می دهد. آنرا با پاکیزه کردن و تهذیب، تربیت می کند نه با سرکوبی و نابودی.

اسلام، نه بدن را تحقیر کرده و نه از آن بدش می آید و نه آن را پلید می داند. بزرگترین دلیل بر این ادعا، شرکت دادن جسم است در عبادات و نه انداختن آن از حساب. این ارتباط و شریک ساختن جسم در عبادات، به ویژه در نماز دیده می شود. وضوء گرفتن (گرچه دارای معانی روحی است) یک کار بدنی نیز است و مقصود از آن تطهیر بدن پیش از ورود در نماز است. نماز، در عین این که زمان

۱- محمد قطب، روش تربیتی اسلام: ص، ۱۸۶ - ۱۹۰.

۲- زینو، راهنمای مربیان برای تربیت دختران و پسران: مترجم: عبدالله عبدالمهدی: ص، ۷۳.

۳- مسلم، ابن الحجاج أبو الحسن القشیری النیسابوری، صحیح مسلم. تحقیق: محمد فواد عبدالباقی، بیروت: دار إحياء التراث العربی. ۴/ ۲۰۵۲.

بیداری فکر و آزادی روان است، در همان لحظه حرکت جسمانی نیز هست و در هنگام نماز، جسم نیز پیوسته در عمل، با عقل و روح همکاری دارد. با حرکت، خشوع و نگهداری طهارت در این امر مهم شرکت می‌کند و گرنه نماز باطل است.

اسلام که نیروی جسمی را کاملاً محترم می‌شمارد، آن را به حال خود رها نمی‌کند تا با افسارگسیخته‌گی به هر سو برود! بلکه آن را به نظم در آورده، رفتار آن را بر اساس اصل و قانونی در می‌آورد. زیرا این نیرو اگر به حال خود گذاشته شود به طور طبیعی از حد خود تجاوز کرده سرشت و طبیعت انسان را نابود می‌کند^(۱).

خلاصه‌مطلب این است که معلم موفق، مخصوصاً معلم ورزش باید انواع ورزش‌هایی را که از نظر اسلام پسندیده هستند برای دانش آموزان تبیین کند و اجازه ندهد اوقات شان را صرف فوتبال کنند مخصوصاً زمانی که باعث فوت نماز و ایجاد کینه و دشمنی میان آنان گردد. در بیمارستان (نور) در مکه مکرمه جوانی را دیدم که ساق پایش دچار شکستگی لاعلاجی شده بود، هنگامی که علت را از او پرسیدم، در پاسخ گفت: یکی از بازی‌کنان هنگامی که دید در بازی شکست خورده است خود را روی ساق پایش انداخت؛ در نتیجه پایش شکست و روانه بیمارستان شدم و اکنون معالجه آن دشوار شده است. چون انسان مؤمنی که دارای بدن نیرومند است در ادای عبادات بدنی مانند نماز، روزه، حج و غیره از دیگران قوی‌تر و فعال‌تر است؛ لذا معلم ورزش باید فواید عبادت‌های بدنی را برای شاگردان تبیین کند و آن‌ها را به تقویت بدن تشویق کند^(۲).

مطلب سوم: روش‌های سالم و درست تربیت بدنی در قرآن کریم

در قرآن کریم برای تربیت بدن روش‌های سالم و درست بیان شده است که بعضی از آن را قرار زیر به تفصیل بیان می‌نمایم.

الف - تغذیه سالم و صحی

قرآن کریم در باره تغذیه بدن به غذاهای پاک و حلال اصرار دارد و پیروان خویش را به خوردن و نوشیدن چیزهای پاک و حلال تشویق نموده و از خوردن چیزهای ناپاک و حرام منع کرده، چنانچه فرموده اند: ﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾^(۳).

ترجمه: از خوراکی‌های پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید.

در آیه دیگری می‌فرماید: ﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا﴾^(۴).

ترجمه: و از آنچه الله متعال روزی شما گردانیده حلال و پاکیزه را بخورید^(۵).

۱- محمد قطب، روش تربیتی اسلام: ص، ۱۸۶ - ۱۹۰.

۲- زینو، راهنمای مربیان برای تربیت دختران و پسران: مترجم: عبدالله عبدالمهی: ص، ۷۶.

۳- سورة البقره: آیه: ۵۷.

۴- سورة المائده: آیه: ۸۸.

۵- مصباح، پوهنمل قاری عبدالخالق مصباح، ۱۳۹۲ش. ثقافت اسلامی: کابل - مطبعة ویژه. ص، ۷۳.

ب - عدم اسراف

انسان باید در خوردن و نوشیدن از اعتدال کار گیرد، زیرا قرآن کریم پیروان خویش را از اسراف در خوردن و نوشیدن منع کرده و می‌فرماید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾^(۱).
ترجمه: و بخورید و بیاشامید مگر زیاده روی نکنید که او اسراف کاران را دوست نمی‌دارد^(۲).

ج - توجه به مراعات ترتیب خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها

یعنی غذا باید شامل مواد پروتئینی، ویتامین‌ها و مینرال‌ها باشد، که تمام ضروریات بدن را مرفوع سازد. چنانچه الله متعال فرموده اند: ﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾^(۳).
ترجمه: و چارپایان را برای شما آفرید در آنها برای شما وسیله گرمی و سودهایی است و از آنها می‌خورید. و نیز فرموده اند: ﴿يُنَبِّئُكُمْ بِهِ الزَّרْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^(۴).
ترجمه: به وسیله آن کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هرگونه محصولات دیگر برای شما می‌رویند قطعاً در این‌ها برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه ای است^(۵).

۱- سورة الأعراف: آية: ۳۱.

۲- محمد قطب، روش تربیتی اسلام: ص، ۱۹۱ - ۱۹۰.

۳- سورة النحل: آية: ۵.

۴- سورة النحل: آية: ۱۱.

۵- مصباح، ثقافت اسلامی: ص، ۷۴.

مبحث دوم - تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم

در این مبحث معنا و مفهوم تربیت اجتماعی، ویژه‌گی های تربیت اجتماعی و همچنان راهکارها و وسایل تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم به تفصیل بیان می‌گردد.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اجتماعی در قرآن کریم

تربیت اجتماعی به معنای روابط صحیح و سنجیده با همه قشرهای جامعه اعم از خورد، بزرگ، بیگانگان، خویشاوندان و همسایه‌هاست.

کودک باید از جرأت همراه با ادب و احترام لازم برای اثبات شخصیت خود بر خوردار گردد و دو دلی و خجالت باعث منزوی گردیدن او نشود.

در جهت تحقق این منظور لازم است کودکان همراه با پدر و مادر یا مربی در مجالس و محافل حضور پیدا کنند. برای مثال زمانی که ابن عباس رضی الله عنه در شرایطی که کودکی بیش نبود حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه او را به مجلس بزرگان اصحاب می‌برد، لازم است کارهایی مانند کارهایی که در حد توان کودکان است مانند: امانت دادن، امانت گرفتن و خرید و فروش اندک به آنان سپرده شود و به آنها و آموزش داده شود که آغازگر سلام و احوال پرسی باشند و درست پاسخ سلام دیگران را بدهند. هرگاه کودکی بیمار شد پدر و مادر از او مراقبت کنند و خویشاوندان، دوستان و همسایه‌گان از او عیادت نمایند و او را در مورد انتخاب دوست و رفیق راهنمایی کنند. دوستی و یاری، دست دادن و کمک به آنها را برای انجام دادن کارهای درسی و درست فراموش نکنند آنها را با بدیها آشنا نموده و زشتی و عواقب زیان آورشان را به آنها یاد آوری کنند و همچنین آنان را با امور خیر و نیکی آشنا سازند و فوائد و دستاورد هایش را به آنها بیاموزند و از گناه و معصیت آنها را دور بدارند. در واقع این نوع از تربیت زمینه ساز محبت، دوستی، نیکی و مهربانی با مردم و همکاری با آنها و نهایتاً پرهیزگار می‌شود این روایت بیانگر نمونه‌های از روش زیبای رسول الله صلی الله علیه و آله است.

حضرت انس رضی الله عنه روایت نموده که: «كَانَ النَّبِيُّ؟ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا وَكَانَ لِي أَخٌ يُقَالُ لَهُ أَبُو عُمَيْرٍ قَالَ أَحْسَبُهُ فَطِيمٌ (فَطِيمًا) وَكَانَ إِذَا جَاءَ قَالَ يَا أَبَا عُمَيْرٍ مَا فَعَلَ الْغُيَيْرُ نَعْرُ...»^(۱)

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه و آله بهترین مردم در حسن اخلاق بود. من برادر کوچکی داشتم که به شوخی او را ابوعمیر ندا می‌کردیم. هرگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله به منزل ما می‌آمد، خطاب به برادر کوچک ما می‌فرمود: ابوعمیر! با گنشجک کوچکت چه کار میکنی؟^(۲)

۱- بخاری، صحیح البخاری: ۹۰ / ۱.

۲- زحلی، فقه خانواده: ص، ۴۹.

مطلب دوم: ویژه‌گی‌های تربیت اجتماعی در قرآن کریم

قرآن کریم برای تربیت اجتماعی راه‌های را انتخاب نموده که در دیگر کتب و ادیان به نظر نمی‌رسد و با استفاده از آن فرد مسلمان می‌تواند که در جامعه خویش به صفت یک فرد مصلح، مفید و با ارزش زندگی کند.

الف - تربیت خانواده

خانواده مدرسه ای تربیت انسانی و ضرورت اساسی برای پرورش نفس و ادامه زندگی آرام و کمک به انتظام جامعه و تقویت آن به عواملی سازنده، ابقاء و ماندگاری نوع بشری است.

اما پرورش نفس انسانی متکامل که مُتبلور رشد جسمی و عاطفی انسان اعم از مرد و زن باشد، از طریق ازدواج تحقق می‌یابد، ازدواجی که به کشش‌های فطری پاسخ مثبت می‌دهد و نیازهای غریزی را برآورده می‌نماید و خواسته‌های روحی، عاطفی و جسمی را تأمین می‌نماید و همه این‌ها در راستای تحقق اعتدال و توازن است که از محرومیت انسان از مسائل غریزی از يك طرف و از طرف دیگر از بی بند و باری و زیرپا نهادن فضیلت و اختلاف و ناهنجاری‌ها پیشگیری می‌نماید.

اما در پیش گرفتن زندگی سالم و آرام از خلال خانواده است که تحقق پیدا می‌نماید؛ زیرا خانواده کانونی گرم و تجمعی کوچک است که پایه‌های معیشت و زندگی آرام و سالم را استوار می‌گرداند و همکاری سازنده و نیرومندی برای چیره شدن بر مشکلات زندگی به وجود می‌آورد و فضای پر از محبت، الفت آرامش و سلامت را فراهم می‌گرداند و در مقابل دشمنان پیدا و پنهان می‌ایستد و در برابر همه لغزش‌ها و ضعف‌ها و بیماری‌ها مقاومت می‌نماید و مهربانانه دست کودکان را می‌گیرد و آنان را به سوی رشد و تکامل پیش می‌برد و سالمندان را از تنهایی، اهمال، بی‌پناهی و بی‌سرپناهی نجات می‌دهد تا در زمان ضعف، ناتوانی و نیازشان به مساعدت و محبت، مورد بی‌توجهی قرار نگیرند از این نظر خانواده پشتیبان نظام اجتماعی و ادامه نسل بشری است که از خلال پا به صحنه زندگی گذاشتن فرزندان سالم و پاک از نسل، نسب و وجود بشری پاسداری می‌کند و جامعه را در مقابل بیماری‌های ناشی از روابط نامشروع مصون می‌نماید.

در زیر چتر خانواده می‌باشند که در انسان روح فرمان‌برداری و احساس مسئولیت برای اثبات ذات و شخصیت و آباد نمودن عرصه‌های زندگی و آموختن ارزشهایی مانند: ایثار، فداکاری، صبر، تحمل سخاوت، بخشندگی و امانتداری رشد می‌نماید و نهال اخلاق، فضیلت و معنی زندگی حقیقی در جامعه‌های کوچک رشد و نمو می‌نماید. جامعه کوچکی که یار و پشتیبان جامعه انسانی بزرگتر و میدانی برای تربیت مستقیم و عملی در جهت تحقق معنی همبستگی اجتماعی مادی و معنوی آن چنانی است که برای هر جامعه ضرورتی اساسی به شمار می‌آید؛ زیرا همه جامعه را به صورت پیکر واحدی در

میدان زندگی مشترك، محبت متقابل، دلسوزی متبادل و اشاعه روح، دلسوزی، احساس مسئولیت و گسترش همکاری برای پیشرفت در همه عرصه‌های زندگی اجتماعی است و سدی را در برابر اندیشه‌ها و گروه‌های مخالف و ناهنجاری‌ها ایجاد می‌نماید و از همه انواع عقب ماندگی، لغزش و شیوع بیماری‌های سه گانه خطرناک فقر، نادانی و بیماری جلوگیری می‌نماید^(۱).

ب - تربیت کودک

تربیت اجتماعی در اسلام ابتدا در خانواده، سپس مدرسه و نهایتاً در جامعه انجام می‌گیرد. خانواده همان نهادی است که ارزش‌های اخلاقی را به کودک انتقال می‌دهد تا با آن حق و باطل، خیر و شر را بشناسد کودک هم این تعلیمات را در سنین پایین بدون مخالفت و تقابل می‌پذیرد و کم کم عناصر شخصیتی او شکل می‌گیرد و نمودارهای هویت در او برجسته می‌شود؛ اسلام بدین خاطر پدر خانواده را ملزم می‌کند که به طور جدی به آموزش خانواده و تربیت افراد آن اهتمام ورزد و در تأمین معاش آنان هیچ کوتاهی نکند. پیامبر ﷺ به صحابه کرام ﷺ امر می‌کردند: «ارْجِعُوا إِلَىٰ أَهْلِكُمْ فَأَيِّمُوا فِيهِمْ وَعَلِّمُوهُمْ»^(۲).

ترجمه: نزد خانواده‌های خود باز گردید، در میان آنان بمانید و به آموزش آنها اقدام نمایید.

اهتمام ورزیدن به امور دینی تربیت کودکان این است؛ که الله متعال فرموده اند: «يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَيَّ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ»^(۳).

ترجمه: ای پسرک من نماز را بر پا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکیبا باش این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است.

و همچنان یعقوب عليه السلام حتی در بستر بیماری و در آخرین روزهای عمر، از هدایت اعتقادی و نظارت بر باورهای فرزندان غفلت نکرده است. الله متعال از حالت بیداری آن چنین تعریف نموده اند: «أُمُّ

كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ»^(۴).

ترجمه: آیا وقتی که برای یعقوب عليه السلام مرگ فرا رسید حاضر بودید(و به یاد دارید) هنگامی که یعقوب به پسران خود گفت: ای پسران من بعد از من چه کسی را می‌پرستید؟ گفتند: معبود تو و معبود پدرانت ابراهیم، اسماعیل و اسحاق را یعنی معبودی یگانه را می‌پرستیم و در برابر او تسلیم هستیم. با این که کودکان قبل از بلوغ، مکلف به چیزی نیستند؛ اما پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت عادت دادن کودکان به

۱- زحیلی، فقه خانواده: ص، ۳۲. العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۰۷.

۲- بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۲۶۵. شماره حدیث: ۶۳۱.

۳- سورة لقمان: آیه: ۱۷.

۴- سورة البقره: آیه: ۱۳۳.

عبادت این چنین امرکرده: «فرزندان خود را در هفت سالگی به ادای نماز فرمان بدهید و اگر سر پیچی کرده و نماز را ترک کردند، در ده سالگی آنها را تنبیه بدنی کنید»^(۱).

اسلام به همین جهت پیروان خود را به مراعات نمودن حقوق مادی و معنوی امر کرده و دستور داده که دختران را همانند پسران بدانند و هیچ رابطه تبعیض آمیزی با دختران نداشته باشند. این که اسلام از به کارگیری خشونت و آزار رسانی به دیگران منع کرده با هدف ایجاد فضایی مستحکم است تا فرزندان بتوانند به دور از عقده‌های روانی و فشارهای اجتماعی رشد کنند. پیامبر ﷺ فرمود: «خیرکم خیرکم لأهله و أنا خیرکم لأهلی و إذا مات صاحبکم فدعوه»^(۲).

ترجمه: بهترین شما کسی است که به نسبت خانواده بهترین رفتار را داشته باشد و من نسبت به خانواده ام از همه شما بهترم هنگامی که فوت شد همسر شما پس برایش دعای خیر کنید. کودک باید احساس کند که خانواده اش او را دوست دارند و او را بر خود ترجیح می‌دهند. ایجاد چنین باوری برای کودک ضروری است تا شخصیت او کامل گردد و فطرتش از انحراف مصون بماند. رفتار اسلامی درست، روابط اجتماعی را این گونه تنظیم می‌کند که نونهالان مورد مهربانی و بزرگ سالان مورد احترام قرار گیرند. در این مورد حدیث آمده است که: «لیس منا من لم یرحم صغیرنا و یوقر کبیرنا»^(۳).

ترجمه: هرکس به افراد کوچک و خورد سال ما رحم نکند و به بزرگان ما احترام نگذارد، از ما نیست. در اموری که برای کودک قابل بررسی است باید نظر او را خواست تا عادت کند که به هنگام مشکلات فکر خود را به کار بیندازد و نظرش را ارائه کند. این مسئله نوعی احترام به اراده کودک و تقویت شخصیت او است و احساس رابطه با دیگران و همکاری با آنان را در او ایجاد می‌نماید. این اقدام با راهنمایی رسول ﷺ هماهنگ است که فرمود: «من کان معه فضل ظهر فلیعد به علی من لا ظهر له و من کان له فضل من زاد فلیعد به علی من لا زاد له قال فذکر من أصناف المال ما ذکر حتی رأینا أنه لا حق لأحد منا فی فضل»^(۴).

ترجمه: هرکس که اسب یا شتری اضافی دارد باید آن را به دیگران ببخشد. و هرکس درسفر توشه و غذایی اضافی دارد باید از آن به دیگران ببخشد. راوی می‌گوید: آنگاه پیامبر ﷺ چند نمونه ای دیگر از اموال را ذکر کرد تا جایی که گمان بردیم هیچ یک از ما نسبت به دارائی های اضافی خود، حقی نداریم.

۱- اخرجه ابوداود.
۲- ترمذی، سنن الترمذی: ۷۰۹/۵، شماره حدیث ۳۸۹۵ و امام ترمذی گفته: که حسن، غریب و صحیح است و امام البانی رحمه الله این حدیث را صحیح دانسته است. / الالبانی، الجامع الصغیر و زیاده: ۵۶۳ / ۱.
۳- ترمذی، سنن الترمذی: ۳۲۱/۴، شماره حدیث ۱۹۱۹. امام ترمذی می‌فرماید: که این حدیث غریب است و امام البانی رحمه الله صحیح دانسته است. / الالبانی، الجامع الصغیر و زیاده: ۹۵۸ / ۱.
۴- مسلم، صحیح مسلم: ۱۳۵۴/۳، شماره حدیث ۱۷۲۸.

اگر شخصی نسبت به دیگران برتری مالی ندارد، امکان دارد که برتری عقلانی و نظری داشته باشد. در حدیث آمده است که پیامبر ﷺ فرموده اند: «الدين النصيحة قلنا لمن قال: لله و لكتابه و لرسوله و لائمة المسلمين و عامتهم»^(۱).

ترجمه: دین یعنی خیر خواهی. عرض کردند: خیر خواهی برای چه کسانی، ای رسول الله ﷺ؟ فرمود: خیر خواهی برای الله متعال، کتاب الله متعال، رسول الله متعال، پیشوایان مسلمان و عموم مردم^(۲).

مطلب سوم: راهکارها و وسایل تربیت اجتماعی از دیدگاه قرآن کریم

در این مطلب احترام به دیگران، شناخت مسؤولیت‌های فردی، حکایت از ارزش‌های جامعه و تلاش در پی آوردن نظام کار آمد برای مردم، همدیگر پذیری، تحکیم پایه‌های عدالت و داد گستری، جلوگیری از ظلم و استکبار و همچنان تلاش برای پاکسازی جامعه از منکرات بیان می‌گردد.

الف - احترام به دیگران

یکی از اهداف اسلام ایجاد جامعه ای پیوسته است که انسان در آن به کرامت و آزادی خود افتخار کند و روابط خود را با دیگران براساس احترام متقابل و اطمینان کامل بنیان نهد و به نسبت جان و مال و آبروی خود امنیت داشته باشد.

هدف اسلام این است که انسان بتواند درچنین جامعه ای با روحیه ای مثبت و سراسرخیر و بخشش و روابط اجتماعی ناشی از حسن ظن به تجربه زندگی بپردازد. به همین خاطر است که هر چه را که منجر به منفی نگری و انزوا و گوشه گیری در انسان می‌گردد حرام نموده و مردم را امر به تمسک و به عواملی فرا خوانده است که موجب تقویت روابط اجتماعی و تحکیم پایه‌های محبت و همکاری میان مردم می‌گردد. چنانچه الله متعال فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَحَسَّبُوا وَلَا يَعْتَبْ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيَحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾^(۳).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، که برخی از گمانها گناه است، و جاسوسی و پرده دُری نکنید، یکی از دیگری غیبت ننمایید؛ آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده خوری بدتان می‌آید(و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن بپرهیزید و) از الله متعال پروا کنید، بی گمان الله متعال بس توبه پذیر و مهربان است.

۱- مسلم، صحیح مسلم: ۱ / ۷۴. شماره حدیث: ۵۵.

۲- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۰۸ - ۲۱۲.

۳- سورة الحجرات: آیه: ۱۲.

این آیه کریمه به تحریم ظن و گمان بد و یا تهمت زدن به افراد دیگر بدون دلیل اشاره دارد. در حالی که ظن مثبت امری مطلوب است و در آیه ای زیر به چنین رفتاری فراخوانده شده است: ﴿لَوْ لَا إِذِ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ﴾^(۱).

ترجمه: چرا هنگامی که این (تهمت) را شنیدید، مردان و زنان مؤمن نسبت به خود گمان خیر نبردند، و نگفتند: این تهمتی (بزرگ و) آشکار است.

پس الله متعال هر نوع ظنی را حرام ننموده و فقط گمانه زنی هایی را تحریم کرده است که براساس آن مؤمنی به مؤمن دیگر، امری ناپسند را نسبت دهد.

دین مقدس اسلام از ریختاندن عزت و آبروی مسلمانان منع کرده و این کار را حرام دانسته، در این مورد الله متعال فرموده اند: ﴿وَلَا يَعْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾^(۲).

ترجمه: و یکی از دیگری غیبت ننماید؛ آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ به یقین همه شما از مرده خوری بدتان می آید (و از آن بیزارید، غیبت نیز چنین است و از آن بپرهیزید و) از الله متعال پروا کنید، بی گمان الله متعال بس توبه پذیر و مهربان است.

آیه قرآن کریم زشتی و ناپسندی غیبت را به خوردن گوشت مردگان تشبیه نموده و آن را همانند این کار تحریم نموده است، (طبق نظر ابن عباس رضی الله عنهما هدف از تشبیه غیبت به خوردن گوشت مردگان، حرمت این کار است نه فقط بیان زشتی آن)^(۳).

پس درمان نفس و پاک کردن آن از آفات غضب، حسد، تکبر و خود پسندی ضامن رهایی از بسیاری از انگیزه های غیبت است^(۴).

ب - شناخت مسؤلیت های فردی

در قوانین اسلام قاعده ای مهم وجود دارد و آن این است که هر فرد مسلمان فقط گناه خود را بر دوش می کشد و بار گناه دیگران بر او تحمیل نمی شود. در این باره الله متعال می فرماید: ﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾^(۵). ترجمه: هرکسی در گرو کاری است که کرده است.

در آیه دیگری می فرماید: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾^(۶).
ترجمه: و هیچ کسی گناه دیگری را بر دوش نمی کشد.

۱- سورة النور: آية: ۱۲.

۲- سورة الحجرات: آية: ۱۲.

۳- طبری، تفسیر الطبری: ۱۳۷/۲۶.

۴- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۲۴ - ۲۳۵.

۵- سورة المدثر: آية: ۳۸.

۶- سورة الأنعام: آية: ۱۶۴.

در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾^(۱).

ترجمه: هر که کار شایسته کند به سود خود اوست و هر که بدی کند به زیان خود اوست و پروردگار تو به بندگان [خود] ستمکار نیست.

پس به همین لحاظ به خاطر گناه فرزند، پدر گرفتار نمی‌گردد و فرزند نیز به خاطر گناه پدر گرفتار نمی‌شود، هرچند که رابطه میان این دو بسیار قوی است و پدر در تربیت فرزندش نقش داشته است. بر همین اساس دیدگاه اسلام به نسبت فرزندهای سر راهی و فرزندان نامشروع بسیار عادلانه و منصفانه است و گناه پدران شان را به آنان سرایت نمی‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَلَا يَظِلُّمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾^(۲).

ترجمه: و پروردگار تو به کسی ظلم نمی‌کند. (چراکه پاداش یا کیفر، محصول اعمال خود مردمان است). به همین صورت بار مسئولیت فقط بر کسانی تحمیل می‌گردد که مکلف باشد و در واقع مخاطبان الله متعال در آیات امر و نهی و ارشاد، همانان هستند. از دیدگاه شرع مکلف به کسی اطلاق می‌گردد که بالغ و عاقل و توانا بر دخل و تصرف باشد. و چنین شخصی است که حقوق واجب الله متعال، از جمله نماز، روزه، حج و حقوق مردم مانند نفقه و خیر خواهی، برای او تعیین می‌گردد.

قصد شریعت از تعیین این تکلیف و حقوق واجب برای افراد و پیشنهاد تمسک به سنت‌ها، خارج ساختن شخص مکلف از پیروی بی‌قید و بند هوی و هوس و الزام او به عبادت پروردگار و تسلیم شدن اختیاری در برابر نظام شریعت است، چرا که او در زمینه‌های دیگر به جبر، تسلیم نظام هستی شده است. با این برنامه است که هدف الله متعال از خلقت انسان محقق می‌گردد که هدفش را این‌گونه بیان فرمود: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^(۳).

ترجمه: و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.

پس بدون شک می‌توان گفت مکلف شدن انسان به عبادت و اطاعت پروردگار برای مصالح خود انسان و برای سنجش میزان وفاداری و شکرگذاری در برابر نعمت‌های متنوع و همه جانبه که الله متعال در مورد فرموده اند: ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾^(۴) لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا^(۴).

۱- سوره فصلت: آیه: ۴۶.

۲- سوره الکهف: آیه: ۴۹.

۳- سوره الذاریات: آیه: ۵۶.

۴- سوره الاحزاب: آیه: ۷۲ - ۷۳.

ترجمه: ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند و [لی] انسان آن را برداشت راستی او ستمگری نادان بود [آری چنین است] تا خدا مردان و زنان منافق و مردان و زنان مشرک را عذاب کند و توبه مردان و زنان با ایمان را بپذیرد و خدا همواره آمرزنده مهربان است.

طبق نظر جمهور علما منظور از امانت در این آیه همان تکلیف است.

امانت‌هایی که دین بر عهده انسانها گذاشته است، قبل از همه توحید و یکتا پرستی، اقرار به ربوبیت پروردگار و کمال صفات او و آن گاه پیروی اعتقادی و عملی از رسول اکرم ﷺ است. حمل این امانت باعث می‌شود که انسان از شریک قائل شدن برای الله متعال و پای بندی به سایر عقاید جاهلی و باطل و مخالفت با شریعت و دستورهای رسول الله ﷺ رهایی یابد^(۱).

ج - حمایت از ارزش‌های جامعه

اسلام پیروان خود را به ایجاد ارتباط پایدار میان یکدیگر فرا خوانده و از دوری گزیدن و انقطاع از همدیگر نهی نموده و نبود ارتباط میان دوشخص را بیش از سه شب حرام اعلام کرده است: «یلتقیان فیعرض هذا و یعرض هذا و خیرهما الذی یدأ بالسلام»^(۲).

ترجمه: که همدیگر را ببینند و از هم روی بگردانند، و بهترین آنها را کسی دانسته که آغازگر سلام باشد.

هر اندازه که مسلمانان بیشتر به هم نزدیک باشند به همان اندازه ارتباط آنان مستحکم تر خواهد بود. بر این اساس اسلام به نیک رفتاری با والدین، خویشاوندان، یتیمان و مساکین امر نموده و به همین ترتیب همسایه‌گان را به طور عموم مورد توجه خاص قرار داده، الله متعال فرموده اند: ﴿وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ﴾^(۳).

ترجمه: همسایه‌گان خویشاوند و همسایه‌گان بیگانه.

و همچنان رفا و همنشینانی که به نیت خیر با یکدیگر همنشین شده اند ﴿وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾ با همسر نیز باید به نیکی رفتار کرد، او کسی است که شریک زندگی و رفیق راه حیات است. به طور کلی این آیه همه همنشینان نزدیک را در بر می‌گیرد و بیان می‌دارد که رابطه‌ای که در اثر همنشینی میان افراد حاصل می‌شود همه حقوق را از جمله نیکو کاری، مراعات احوال، وفاداری، خیر خواهی، مهربانی، همکاری انس و الفت و مشارکت در سختی‌ها و آسانی‌ها را بر طرفین لازم و ضروری می‌سازد.

۱- طبری، تفسیر الطبری: ۲۲/۵۳ - ۵۴.

۲- مسلم، صحیح مسلم: ۱۹۸۴/۴، شماره حدیث ۲۵۶۰.

۳- سورة النساء: آیه: ۳۶.

از جمله آداب اجتماعی اسلام که به ارتباط میان مردم ترغیب می‌کند و عناصر مودت و عطوفت میان آنها را تقویت می‌نماید، همان مواردی است که براء بن عازب رضی الله عنه آن را این گونه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ؟ بِسَعِّ بَعِيَادَةِ الْمَرِيضِ وَاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ وَنَصْرِ الضَّعِيفِ وَعَوْنِ الْمَظْلُومِ وَإِفْشَاءِ السَّلَامِ وَإِبْرَارِ الْمُقْسَمِ وَنَهَى عَنِ الشُّرْبِ فِي الْفِضَّةِ وَنَهَانَا (وَنَهَى) عَنِ تَحْتُمِ الذَّهَبِ وَعَنْ رُكُوبِ الْمِيَاثِرِ وَعَنْ لُبْسِ الْحَرِيرِ وَالذِّيَابِجِ وَالْقَسِيِّ وَالْإِسْتَبْرَقِ»^(۱).

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که هفت کار را انجام دهیم: عیادت از مریض، شرکت در تشییح جنازه، گفتن (پر حرمک الله) در جواب کسی که پس از عطسه (الحمد لله) می‌گوید، یاری کردن ضعیفان، همکاری با مظلوم، شایع کردن سلام، بری ساختن از قسم، و منع کرده از نوشیدن در ظرف نقره، و از استعمال انگشتر ساخته شده از طلا و از رکوب مرکب که ابریشم دار باشد و از پوشیدن لباس‌های ابریشم سفید، عادی و غلیظ.

همه این رهنمودها و آداب باعث تحکیم روابط اجتماعی، تقویت بار معنوی عموم مردم و بالا رفتن روح جامعه و بیدار شدن آن است. یکی از قوی ترین دلایل فراخوانی اسلام به ایجاد ارتباط میان مردم و مؤثر ترین راهکار آن برای این کار، مطلبی است که در حدیث قدسی زیر بیان شده است: اسلام برای پیروان خود این مسأله را نیز نیکو جلو ه داده است که هنگام دیدار با یکدیگر با هم دست بدهند و چهره بشاش داشته باشند، پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده اند: «مَا مِنْ مُسْلِمَيْنِ يَلْتَقِيَانِ فَيَتَصَافَحَانِ إِلَّا غُفِرَ لَهُمَا قَبْلَ أَنْ يَفْتُرِقَا»^(۲).

ترجمه: هیچ دو نفر مسلمانی نیست که هنگام دیدار با یکدیگر دست بدهند، مگر این که قبل از جدا شدن از هم گناهانشان بخشیده می‌شود. ارتباط میان همسایگان نیز امری بسیار مورد تأکید است و هر اندازه که منزل آنان به یکدیگر نزدیک تر باشد حقوق شان به نسبت هم بیشتر می‌شود، تا جایی که گویا برای همسایگان حق ارث و میراث تعیین شده است؛ عائشه رضی الله عنها از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمودند: «مَا زَالَ يُوصِيَنِي جَبْرِيلُ بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَثُهُ»^(۳).

ترجمه: جبرائیل علیه السلام به حدی در مورد حقوق همسایه‌گان به من سفارش کرد که گمان بردم از یکدیگر ارث می‌برند. پیامبر صلی الله علیه و آله همان گونه که به پرهیز از آزار همسایه سفارش کرده، به تحمل آزارهای همسایه گان مودی و خود داری از مقابله به مثل با آنان هم توصیه فرموده اند و شخصی را که در مقابل

۱- بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۱۰۶. شماره حدیث: ۶۲۳۵.

۲- ابوداود، سنن ابی داود: ۴ / ۵۲۱. شماره حدیث: ۵۲۱۴. امام البانی این حدیث را صحیح دانسته است. / الالبانی، صحیح سنن ابن ماجه: ۲ / ۳۰۲.

۳- بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۱۸. شماره حدیث ۶۰۱۴ / مسلم، صحیح مسلم: ۴ / ۲۰۲۵، شماره حدیث ۲۶۲۴.

آزارهای همسایه تحمل می‌کند جزء سه نفری قرار داده است که الله متعال دوست شان دارد: «وَرَجُلٌ لَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ فَيَصْبِرُ عَلَىٰ أَذَاهُ وَيَحْتَسِبُهُ حَتَّىٰ يَكْفِيَهُ اللَّهُ إِيَّاهُ بِمَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ» (۱).

ترجمه: و مردی که همسایه اش آزارش می‌دهد، اما درمقابل او صبر پیشه می‌کند تا این که الله متعال یا با مرگ یا در حال زندگی او را از شرش خلاصه می‌کند.

بدین ترتیب بخشی از تعالیم اسلامی برای تأکید رابطه میان مردم و تحکیم آن و اشاعه مودت و دوستی و تعاون و دور گرداندن عوامل جدایی و تفرقه و جلوگیری از قطع ارتباط افراد جامعه نازل شده است. این تعالیم به حدی اهمیت دارد که جامعه بشری در هر زمان و مکانی به آن نیازمند است و با ظهور ماده گرایی و منفعت طلبی میان مردم و طغیان تمدن غربی، این نیاز شدید تر گشته است (۲).

د - همدیگر پذیری

مشکلاتی که عموماً دامن گیر مردم می‌شود به سبب گناهان آنهاست. البته الله متعال با فضل و رحمت خود بسیاری از گناهان را می‌بخشد و گناهکاران را مجازات نمی‌کند: ﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾ (۳).

ترجمه: آنچه از مصائب و بلاها به شما می‌رسد، به خاطر کارهایی است که خود کرده اید. تازه الله متعال از بسیاری (از کارهای شما) گذشت می‌کند (که شما از آنها توبه نموده اید و یا با کارهای نیک آنها را از نامه اعمال زوده و پاک کرده اید).

بنا بر این اساس، اسلام برای ایجاد شخصیت اسلامی متکامل و هماهنگ با سنت‌های جاری در زندگی و هستی، بسیار حریص است. مصائب و بلاها جزء مقدرات حاکم بر زندگی انسان است و تنها وظیفه او در مقابل آنها استقبال همراه با خشنودی است و باید صبر خود را در این باره برای الله متعال بیازماید.

اگر تقوی با صبر آمیخته شود صبر را به احتساب مبدل می‌گرداند و در غیر این صورت نوعی شکیبایی خالی از نیت خواهد بود. آنچه مطلوب است خشنودی و اطاعت در برابر پروردگار ﷻ و تسلیم شدن در برابر مقدرات حاکم اوست به این صورت که در نهایت به مغفرت پروردگار ﷻ دست یابد و گناهانش پاک شود. برده باری تنها حالتی است که بدون دخالت ایمان نیز برای انسانها حاصل می‌گردد، کافر و مسلمان در کسب آن یکسانند (اما اگر برای خدا باشد، اجر و پاداش می‌گیرد).

۱- احمد، مسند أحمد: ۴۲۲ / ۳۵. شماره حدیث: ۲۱۵۳۰. این حدیث را امام البانی رحمه الله بسیار ضعیف دانسته است. / الإلبانی، محمد

ناصر الدین الألبانی (ب - ت) السلسلة الضعيفة: ریاض - مكتبة المعارف. ۱۲۴ / ۷.

۲- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۸۵-۲۹۲.

۳- سورة الشوری: آیه: ۳۰.

انسان مسلمان به خاطر صفات ایمانی با روحیه ای مثبت و دور از خشم و شکایت و بی قراری با مسئولیت‌های زندگی مواجه می‌گردد. او برای این کار، مقاوم است و می‌تواند خود را منسجم کند. پیامبر ﷺ به انسان مؤمن توصیه نموده، که در چنین مواقعی خود را نگه دارد و از وارفتگی در برابر اتفاقات ناگهانی و گرد بادهای شدید زندگی منع کرده. پیامبر ﷺ در مورد فرموده اند: «قَالَ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ»^(۱).

ترجمه: زمین زدن دیگران در وقت زور از مایی نشانه قدرت نیست بلکه قدرتمند کسی است که هنگام عصبانیت خود را کنترل می‌نماید.

به همین خاطر دین اسلام به ایجاد قواعدی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی اقدام نموده که در جهت خدمت به انسان و فراهم سازی امنیت و آرامش برای اوست و این نعمت روحی را در کنار آن برنامه عقیدتی قرار می‌دهد که بیشتر در قلب فرد کاشته است؛ الله متعال فرموده اند: «وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^(۲).

ترجمه: اگر الله متعال زبانی به تو رساند، هیچ کس جز او نمی‌تواند آن را برطرف کند، و اگر بخواد چیزی بر تو برساند، هیچ کس نمی‌تواند فضل و لطف او را از تو بگرداند. الله متعال فضل و لطف خود را شامل هر کس از بندگانش که بخواد می‌کند و او دارای مغفرت و مهر فراوان است.

اسلام حتی در زمینه اجتماعی به حفاظت از حقوق فردی انسانها می‌پردازد و از طغیان جماعت بر او و ذوب شدن شخصیت او در آن ممانعت می‌کند و به همین صورت فرد را از تسلط بر جامعه یا غلبه مصالح او بر جامعه جلوگیری می‌نماید و بدین ترتیب امنیت اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. در زمینه اقتصادی نیز اسلام میان مصالح فردی و اجتماعی توازن برقرار نموده و هم برای افراد و هم برای جامعه حق تملک قائل است. از طرفی دیگر آزادی فعالیت اقتصادی و دخالت دولت در رشد اقتصادی را با یکدیگر هماهنگ کرده و از این طریق اقتصاد را در خدمت انسان در آورده است و آن را به سمت ایجاد جامعه‌ای شایسته و توانا، نه جامعه ای نیمه جان و محتاج سوق می‌دهد و بدین ترتیب امنیت اقتصادی را نیز به انسان هدیه می‌کند.

اما در زمینه سیاسی نیز اسلام برای افراد آزادی های عمومی را تأمین کرده و از آن حمایت می‌نماید. اسلام در این زمینه از ترور و استبداد نهی می‌کند و روابط میان دولت‌ها را بر اساس عدالت، نه دشمنی بر پا می‌دارد و این گونه است که امنیت سیاسی را هم ایجاد می‌کند^(۳).

۱- بخاری، صحیح البخاری: ۵۶/۱. حدیث شماره ۶۱۱۴ / مسلم، صحیح مسلم: ۲۰۱۴/۱۰. شماره حدیث: ۲۶۰۹.

۲- سوره یونس: آیه: ۱۰۷.

۳- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۴۸-۲۵۵.

هـ - تحکیم پایه‌های عدالت و داد گستری

دستور الهی و رهنمودهای نبوی برای التزام مسلمانان به عدالت مطلق صرفاً یک نظریه نیست، بلکه احکام مربوط به عدالت از همان عصر پیامبر ﷺ ابعاد علمی خود را در زندگی مسلمین پیدا کرد و هم در زمینه فردی و هم در زمینه اجتماعی و حکومتی کاملاً رشد یافت. الله متعال فرموده اند: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾^(۱).

ترجمه: و هنگامی که در میان مردم به داوری نشستید داد گرانه داوری کنید. در قرآن کریم ذکر شده که شرک ظلم بزرگی است، زیرا شخصی مشرک، مخلوقی را در جایگاه خالق قرار می‌دهد و او را تا مرتبه الوهیت بالا می‌برد. فردی هم که مرتکب گناهان می‌شود، حواس و اعضای خود را برای هدفی غیر از خدا به کار می‌گیرد، پس شایسته است چنین اشخاصی ظالم نامیده شوند^(۲).

عبدالله بن مسعود رضی الله عنه^(۳) گفته است: پس از نزول آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ﴾^(۴).

ترجمه: آنان که ایمان آوردند و ایمان خود را به شرک نیالودند، ایمنی (هدایت) از آنهاست و آنها هدایت شدگانند.

اصحاب رسول الله ﷺ گفتند: «أَيُّنَا لَمْ يَظْلَمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^(۵).

ترجمه: چه کسی هست که به خود ظلم نکرده باشد؟ (پس آیا جزء مؤمنان محسوب نمی‌شوند؟) در نتیجه این آیه را نازل شد: ﴿إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^(۶).

تثبیت عدالت و تحریم ظلم ضامن امنیت اجتماعی و ایجاد آرامش و خوشبختی برای انسان است. برای حفاظت از حق حیات فردی و حقوق اجتماعی، الله متعال حکم قصاص را تشریح کرده و فرموده اند: ﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^(۷).

ترجمه: ای صاحبان خرد! برای شما در قصاص، حیات و زندگی است (بنا بر مصلحت و حکمتی در آن دقائق و نکاتی که در همه احکام است این است که قانون قصاص را برای شما وضع کردیم تا از تجاوز و خون ریزی بپرهیزید) تا باشد که تقوا پیشه کنید.

۱- سورة النساء: آیه: ۵۸.

۲- ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی الدمشقی، ۱۴۲۰ هـ.ق. تفسیر القرآن العظیم: بیروت - دار طیبیة للنشر والتوزیع. (۳ / ۲۹۴)

۳- عبدالله بن مسعود رضی الله عنه، بن غافل حبیب الهذلی، ابو عبدالرحمن مدنی، صاحب رسول الله ﷺ صحابی جلیل القدر، بدری، مکی، از جمله سابقین الاولین، فقهی امت اسلامی، تعداد زیادی از وی روایت کرده اند، وی نیز از تعداد روایت کرده اند، ۶۴ حدیث وی را بخاری و مسلم روایت نموده است. که خود بزرگترین برهان بر عظمت وی می‌کند. / ذهبی، سیر اعلام النبلاء: ۳/ ۴۲۸ - ۴۲۹.

۴- سورة الأنعام: آیه: ۸۲.

۵- بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۲۲. حدیث شماره ۳۲.

۶- سورة لقمان: آیه: ۱۳.

۷- سورة البقره: آیه: ۱۷۹.

اجرای حدود و مجازات‌های اسلامی در قرون اولیه به ایجاد امنیت و کاهش جرائم انجامید و مجازات‌های باز دارنده و دستورالعمل‌های هدایت‌گر اسلام، جامعه را در برابر جرائم بیمه کرد زیرا انگیزه‌های جرم را از میان برد و به شریعت اسلامی قدرت داد و جامعه را به سمت عبادت الله متعال و اطاعت از او هدایت نمود و همبستگی‌های اجتماعی را میان مردم برقرار کرد. تشویق اسلام به کار و کسب روزی حلال و اشتیاق آن به پاک‌سازی روابط اجتماعی از لوث گناه با تدوین قوانین از دواج و تحریم فحشای درون و برون و فراهم نمودن فرصت‌های مناسب برای افراد در زمینه کار و در آمد و تأمین نیازها و آرزوهای نفسانی در حد مشروع، تضمین آزادی‌های عمومی که کرامت و بزرگی انسان را محقق می‌سازد، تضمین نیازهای ضروری هر فرد از جمله خوراک، پوشاک و مسکن، قدرت نقل و انتقال، همه اینها نیز به ایجاد امنیت و کاهش جرم در جامعه ای اولیه اسلام رنگ حقیقی بخشید.

اما در جوامع غربی باتخفیف مجازات جرائمی همچون قتل، غضب اموال و دزدی، سطح این ناهنجاری‌ها افزایش یافته به طوری که با گذشت هر ساعت یک قتل یا بیشتر روی می‌دهد علاوه بر سایر جرایم اجتماعی که همگی باعث از بین رفتن امنیت شده و مردم را واداشته که خواستار تشدید مجازات‌ها بر علیه مجرمان شوند. در حالی که بر خی از دانشگاهیان آن مرز و بوم مجازات قصاص قاتل و قطع دست دزد و رجم زنا کار را در اسلام مورد نقد قرار می‌دادند و آن را نتیجه وحشی‌گری و قساوت می‌دانستند. اما وقایع روزمره و اتفاقاتی که در جوامع غربی می‌افتد نشان از رویکرد درست اسلام در جلوگیری از جرم و ممانعت از عملکرد مجرمان دارد که پس از محقق ساختن ضمانت‌های اجتماعی و عادلانه این قوانین را به کار می‌بندد^(۱).

و - جلوگیری از ظلم و استکبار

رسالت آسمانی اسلام موضوع شناخت نفس، سرشت خیر و شر، عوامل اصلاح و فساد، راه‌های تواضع دلایل و تکبر، طرق اخذ و عطا، حسادت و راه کنترل آن، مکر و نیرنگ، پاکی و صفایی، پلیدی و خیانت نفس را به طور مفصل مورد بررسی قرار داده است. یکی از جمله صفات نفس آیات قرآن کریم و احادیث نبوی که آشکارا به آن پرداخته است، مسأله تکبر است.

اسلام بیان نموده است که این صفت با هیچ مقامی جز الله متعال سازگار نیست و اگر انسانی به آن موصوف شود در این صفت با الله متعال به جنگ پرداخته و مستحق خشم و مجازات او قرار گرفته است. از همین جهت که پیامبر ﷺ فرموده اند: «يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي، وَالْعِظْمَةُ إِزَارِي، فَمَنْ نَزَعَنِي وَاجِدًا مِنْهُمَا، أَلْفَيْتُهُ فِي النَّارِ»^(۲).

۱- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۲۹۲-۳۰۰.
۲- ابوداود، سنن ابی داود: ۴ / ۱۰۲. شماره حدیث: ۴۰۹۲. / قزوینی، سنن ابن ماجه: ۵ / ۲۷۳. شماره حدیث: ۴۱۷۵. امام البانی این حدیث را صحیح دانسته است. / الالبانی، صحیح ابن ماجه: ۲ / ۴۰۵.

ترجمه: الله متعال فرموده اند: که کبرياء و عظمت مانند لباس من است، پس هرکس که بخواهد در یکی از آنها با من شریک شود، او را در آتش خواهم انداخت.

مجازات‌های چنین انسانی از جنس عمل اوست و در مقابل استکباری که ورزیده با تحقیر و ذلت مجازات می‌شود. الله متعال فرموده اند: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾^(۱).

ترجمه: کسانی که خود را بزرگ تر از آن می‌دانند که مرا به فریاد خوانند، خوار و پست داخل دوزخ خواهند گشت.

متکبران انسان را از دست یابی به شناخت پروردگار و طریق عبادت او باز می‌دارند، زیرا می‌دانند که مردم با این کار حق و باطل را از هم تشخیص می‌دهند عقول شان نسبت به رسوایی‌ها و ظلم متکبران روشن می‌گردد و در نهایت از حقوق انسانی خود که الله متعال به آنان ارزانی داشته آگاهی می‌یابند و ظلم و تجاوز و طغیان را نمی‌پذیرند.

قرآن کریم نمونه‌های بسیاری از متکبران زمین را مثال آورده تا عاقبت کبر و آثار منفی آن زندگی بشر را برای مخاطبان خود عینی سازد. قرآن کریم بزرگ ترین آثار ذلت بار و مصیبت بار تکبر را در تلاش متکبران برای منع مردم از عبادت الله متعال و گمراه ساختن آنان به هر طریق ممکن دانسته تا از رسیدن نور ایمان به درون آنان و شفاف شدن قلوب شان با هدایت ممانعت کنند.

بدین ترتیب تکبر، اینان را به پستی و دیگران را که ندای داعی الله متعال را لبیک گفتند به والا مقامی رساند: «و ما تواضع أحد لله إلا رفعه الله»^(۲).

ترجمه: هر کس که برای الله متعال تواضع نماید، بلند و والايش می‌دارد.

اما مهم است بدانیم که انگیزه‌های استکبار در قدرت، ثروت، زیبایی، حسب و نسب، مقام و فراوانی تعدادی خلاصه نمی‌شود، بلکه دامنه آن به میان مردانی نیز نفوذ می‌کند که هم و غم آنها نشر روح تواضع و مساوات میان مردم و آموزش آداب دین و احکام شرع است. برخی از آنان به خاطر تکبر گمان می‌برند که برترین خلائق و مقرب ترین بندگان الله متعال اند، پس به تحقیر مردم و برتری جویی برآنان می‌پردازند، برخی از آنان به دنیا روی می‌آورند و نه به علم خود عمل می‌کنند و نه برای مردم خیر خواهی می‌نمایند بلکه به خاطر کوچک شمردن مردم از آنان گوشه گیری می‌کنند و به جمع آوری مال دنیا می‌پردازند.

پس شایسته نیست که انسان عالم به علم خود مغرور گردد و یا دیگران را حقیر داند. بلکه باید برای مردم بال رحمت و تواضع بگسترد، برای شان خیر خواهی کند و از علم الله متعال بهره به آنان بیاموزاند.

۱- سورة غافر: آية: ۶۰.

۲- مسلم، صحيح مسلم: ۲۰۰۱/۴، حديث شماره ۲۵۸۸.

گروهی دیگر از مستکبران زمین کسانی هستند که ظاهری اصلاح گر و زاهد دارند اما به شدت برای رسیدن به ستایش مردم و جلب نظر آنان به سوی عبادت و زهد نمایشی خود حریص اند. آنان به خاطر گم کردن نیت و هدف صحیح و حب ظهور با آن مظهر زاهدانه، دیگران را تحقیر می‌کنند و هنگام مراجعه مردم به آنان برای رفع نیازهای شان سعی می‌کنند اراده های شان را در اختیار گیرند و به تعظیم و بزرگ داشت خود و ادارشان سازند و آنان را به ذلت کشانند. پس انسان مؤمن باید از این بپرهیزد که جزء هیچ یک از گروه‌های مستکبران در زمین نباشد تا مستحق خشم و غضب و نفرین پروردگار و حریمیت از بهشت نگردد^(۱).

ز - تلاش برای پاکسازی جامعه از منکرات

برای ما مسلمانان لازم و ضروری است که برای پیشرفت واقعی و همه جانبه، آرامی و آسودگی، با کسب رضای پروردگار، باید جامعه خود را از هر نوع منکرات پاک و پاکیزه کنیم. لذا چون فحشا که در قیقت مادر منکرات حساب می‌شود از همه اول باید در جامعه خود از آن جلوگیری کنیم، زیرا الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^(۲).

ترجمه: بی گمان کسانی که دوست می‌دارند گناهان بزرگی (همچون زنا) در میان مؤمنان پخش گردد ایشان در دنیا و آخرت، شکنجه و عذاب دردناکی دارند. الله متعال می‌داند و شما نمی‌دانید.

این آیه در (سیاق) آیات افک نازل شده که منافقان آن را برای متهم نمودن مادر مؤمنان عائشة الصدیقه رضی الله عنها به فحشا بافته بودند^(۳). اما الله متعال او را تبرئه ای نمود و در عوض آن محنت، صبر و توکل وی را از تهمت منافقان، توسط آیاتی از قرآن کریم روشن و واضح نموده که مردم در طول زمان آن را می‌خوانند و از این طریق عبادت پروردگار خود را به جای می‌آورند. اما همان گونه که مشخص است، عمومیت آیه در نظر گرفته می‌شود و نمی‌توان آن را مخصوص سبب نزول آن آیه دانست؛ پس این آیه به طور عمومی از ترویج هر نوع فحشا در جامعه اسلامی نهی فرموده اند. زیرا جامعه اسلامی جامعه ای با ارزش و دارای الگو های والا، ارزش‌های اخلاقی و معیارهای شرعی خاص را دارا بوده و لازم است که از فحشا پاک و برای عبادت پروردگار ﷻ و ارتقای انسان به مدارج کمال درونی و اخلاقی و محقق ساختن انسانیت واقعی و احترام به کرامت، مهیا باشد. بدون شک متهم نمودن مردم به بی ناموسی، ترویج گفتارهای زشت و تجاوز به آبروی آنها و غیبت آنان اگر به سخن رایج مجالس تبدیل شود برشنوندگان تأثیر منفی می‌گذارد. زیرا نفس انسانی تمایل

۱- العمری، اکرم ضیاء، ۱۳۹۴ هـ.ش، التریبیه الروحیه و الاجتماعیه فی الاسلام: دیجیتالی، سایت کتابخانه عقیده. ص، ۱۹۸-۳۱۳.

۲- سورة النور: آیه: ۱۹.

۳- قرطبی، تفسیر القرطبی: ۱۲ / ۱۸۴.

بسیار زیادی به بدی دارد و چنین سخنانی نیز از عوامل فریب آن است. بیان این سخنان در جمع گاهی باعث می‌شود که شنوندگان به تقلید از این امر شر پرداخته و گاهی نیز موجب تمایل آنان به دست چنین نمودن رذائل می‌گردد، بطور خاص اگر اخبار و داستانهای آن رذائل در مجالس و محافل آنان، باب سخن گردد^(۱).

کسانی که عیوب و گناهان مسلمانان را می‌پوشانند، الله متعال نیز پاداشی از جنس عمل برایشان مهیا کرده و در قیامت عیوب شان را می‌پوشاند. پیامبر اکرم ﷺ در مورد فرموده اند: «لا یستر الله علی عبد فی الدنیا إلا یستره الله یوم القیامة»^(۲).

ترجمه: هر بنده ای که گناه بنده دیگری را در دنیا بپوشاند الله متعال نیز در قیامت گناهانش را می‌پوشاند. الله متعال برای حفاظت از نظافت جامعه، امر به معروف و نهی از منکر را تشریح نموده و فرموده اند: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ»^(۳).

ترجمه: شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها پدیدار شده اید (مادام که) امر به معروف و نهی از منکر می‌نمایید و به الله متعال ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است (از باور آئینی که برآند، ولی تنها عده کمی) از آنان با ایمانند و بیشتر ایشان فاسق (و خارج از حدود ایمان و وظایف آن) هستند.

این آیه بر فضیلت امت اسلامی دلالت دارد و بیان کرده که اگر امت به شروط امر به معروف و نهی از منکر عمل نماید و به الله متعال ایمان داشته باشد، حفظ کرامت آن بر عهده پروردگار خواهد بود. براین اساس امت اسلامی همواره به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در طول تاریخ، مخصوصاً در صدر اسلام اقدام نموده و افراد عامل در این صحنه به گروه‌های مختلفی تقسیم شده اند: گروهی از آنان براساس سنت پیشینیان و روش اصحاب و تابعین عمل نمودند و با نیت درست و نصیحت خالصانه و صبر و تواضع در برابر مخاطبان و گفتار نرم و پایبندی به روش‌های نیکو و مهر آمیز در بیان نیکویی‌های اسلام و انحرافات ادیان دیگر به دعوت مردم پرداختند.

گروهی نیز بالتزام قولی و عملی به اسلام به دعوت پرداختند اما با اخلاقی تند و خشن این کار را انجام دادند و باعث شد که نتوانند به قلوب مردم نفوذ کنند. اینان در درجه پایین تری نسبت به گروه اول قرار دارند.

۱- زینو، محمد بن جمیل زینو، ۱۴۲۴ هـ. ق. کیف تربی اولادنا و ما هو واجب الآباء والأبناء: ریاض - دار الصمیمی. ص، ۲۳.

۲- مسلم، صحیح مسلم: ۲۰۰۲/۴، شماره حدیث ۲۵۹۰.

۳- سورة آل عمران: آیه: ۱۱۰.

برخی نیز وصله ناموزون دعوت شده و بدون این که از قواعد امر به معروف و نهی از منکر مطلع باشند به انجام این کار می‌پردازند و ریا کارانه با هدف شهرت طلبی و تسلط بر مردم وارد این میدان می‌گردند، آنان از اخلاص دورند، پس در برابر ضعفا زبان می‌گشایند و هنگام رویا رویی با قدرتمندان سکوت می‌کنند. همچنان شریعت اسلامی مؤمنان را از این نهی کرده است که کافران و هوی پرستان را به عنوان دوست صمیمی و سر پرست خود بگیرند یا آنان را مشاور خود قرار دهند و امورات خود را به آنان بسپارند. الله متعال علت این منع را در این دانسته است که آنان برای تباه نمودن مؤمنان از هیچ تلاشی فروگذاری نمی‌کنند و هر نوع مکر و نیرنگی را در این راه به کار می‌گیرند. در این مورد الله متعال فرموده اند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ﴾^(۱).

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید، از غیر خود تان کافران را دوست و محرم اسرار نگیرید، آنها از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌کنند. آنها دوست دارند که شما در رنج و زحمت باشید. به راستی دشمنی از دهان و زبان شان آشکار شده است، و آنچه سینه‌های شان پنهان می‌دارد؛ بزرگتر است، بی شک ما آیات و نشانه‌های دشمنی آنان را برای شما بیان کردیم، اگر اندیشه کنید.

واقعیت این است که حکومت اسلامی، حکومت عقیده و فکر است، پس امکان ندارد که مسئولیت‌های حساس آن را افرادی برعهده گیرند که برای دین حاکم ارزشی قائل نیستند و عقاید آن دین را نمی‌پذیرند و تفکر آن را، باور فکری خود قرار نمی‌دهند. این به معنای ظلم به اشخاص نیست، زیرا سایر دولت‌های عقیدتی نیز اجازه نمی‌دهند که مسئولیت‌های حکومت را افرادی برعهده گیرند که به ایدئولوژی نظر حکومت عقیده ندارند آنان حتی وظایف عادی را هم به آنان نمی‌سپارند، در حالی که اسلام مسئولیت‌های جزئی را به مخالفان عقیدتی واگذار نمی‌کند^(۲).

الله متعال در مورد فرموده اند: ﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً﴾^(۳).

ترجمه: مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دوست و ولی خود بگیرند، و هر کس چنین کند، با الله متعال هیچ رابطه‌ای ندارد و (عهد و پیمان او با الله متعال گسسته شده است) مگر این که از آزار و اذیت آنها بترسید در ظاهر با آنان دوستی کنید.

امام بغوی رحمه الله در تفسیر این آیه گفته است: الله متعال، مؤمنان را از دوستی با کفار و نرمش در برابر آنان و بیان اسرار و روابط پنهانی با آنان نهی فرموده، مگر در حالتی که کافران بر مؤمنان

۱- سورة آل عمران: آیه: ۱۱۸.

۲- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۳۱۴ - ۳۳۶.

۳- سورة آل عمران: آیه: ۲۸.

غالب و چیره باشند. یا شخص مؤمن در میان قوم کافر زندگی کند و از این بترسد که او را دچار فتنه کنند، پس در ظاهر با آنان مدا را کند، اما قلبش به ایمان وابسته و مطمئن بماند، البته چنین شخصی برای دفاع از خود نباید مرتکب قتل یا خوردن مال حرام گردد و یا باعث شود که کافران بر ناموس مسلمانان دست یابند.

تقیه فقط زمانی درست است که شخص مسلمان از قتل بترسد و شرط دیگر در تقیه، نیت سالم است^(۱).

۱-بغوی، محیی السنة، أبو محمد الحسین بن مسعود البغوی، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۷ م. تفسیر البغوی: بیروت - دار طيبة للنشر والتوزیع. ۲ / ۲۵.

مبحث سوم - تربیت اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم

در این مبحث معنا و مفهوم تربیت اقتصادی، اهمیت تربیت اقتصادی، روش‌های تربیت اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم و نقش تربیت اقتصادی در نجات جامعه از بحران‌ها در پر تو قرآن کریم بیان می‌گردد.

مطلب اول: معنا و مفهوم تربیت اقتصادی در قرآن کریم

قرآن کریم، پیروان خود را به آخرت طلبی و تلاش و کوشش جدی برای دست یابی به رضای پروردگار و ورود به بهشتی رهنمون می‌کند که وسعت آن به اندازه وسعت آسمانها و زمین است و برای پرهیزگاران مهیا شده است. اما وسایل و اسباب رسیدن انسان به رضای الله متعال، چیزی جدا از دنیا نیست، آنچه مطلوب است، در اختیار گرفتن دنیاست برای رسیدن به آخرت و بدین شیوه است که انسان مسلمان، زمین را آباد و ثروت را افزایش می‌دهد و برای دست یابی به محصول، بذر می‌کارد و نهال پرورش می‌دهد و با در اختیار گرفتن وسایل، در زمین غور می‌کند تا روزی به دست آورد. او برای حفاظت خود، از دواج می‌کند و علم می‌آموزد و هر نوع فعالیت اقتصادی شایسته را انجام می‌دهد و همه این کارها را برای خوشبختی آخرت انجام می‌دهد^(۱). و رهنمود الله متعال را عملی می‌سازد؛ الله متعال در مورد می‌فرماید: ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾^(۲).

ترجمه: و با آنچه الله متعال برایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که الله متعال به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که الله متعال فساد کنندگان را دوست نمی‌دارد.

در اسلام هیچ گونه نگاه تحقیر آمیزی به مال و آباد کردن دنیا وجود ندارد. رسول اکرم ﷺ به حضرت سعد بن ابی وقاص ﷺ که قصد صدقه دادن داشت فرمود: «إِنَّكَ أَنْ تَدَعَ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَدْعَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ فِي أَيْدِيهِمْ»^(۳).

ترجمه: تو اگر وارثان خود را با ثروت و دارایی ترک نمایی، بهتر از این است که آنان را فقیر و تنگدست و چشم به راه مردم بگذاری.

زاهد مشهور، فضیل بن عیاض رحمه الله از عبدالله بن مبارک رحمه الله^(۴) که یکی از پیشوایان حدیث است پرسید: تو ما را به زهد، کفایت و قناعت امر می‌کنی، درحالی که می‌بینیم برای خود

۱- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۳۳۷ - ۳۳۸.

۲- سورة القصص، آیه: ۷۷.

۳- بخاری، صحیح البخاری: ۱ / ۳. شماره حدیث ۲۷۴۲ / مسلم، صحیح مسلم: ۱۲۵۱/۳. شماره حدیث: ۱۶۲۸.

۴- ابو عبد الرحمن عبدالله بن مبارک بن واضح مروزی در سال ۱۱۸ هـ. ق. در مرو به دنیا آمد. از بیست سالگی به دنبال علم رفت و از سلیمان اعمش، اوزاعی، شعبه، ابن عیینه، ابن جریج، ابوحنیفه کوفی، سفیان ثوری و مالک بن انس فقه و حدیث آموخت. عبدالله بن

کالاهای دنیوی تهیه می‌کنی، این چگونه است؟ عبدالله بن مبارک رحمه الله فرمود: ای ابوعلی (کنیه فضیل بود) من این کار را برای حفظ آبرو و کرامت شخصیت انجام می‌دهم و از این طریق برای اطاعت پروردگارم کمک می‌گیرم. فضیل گفت: ای ابن مبارک، این کار چه نیکوست اگر برای آن هدف نیکو باشد^(۱).

و بدین ترتیب، پیشوای زاهدان و پیشوای محدثان با یکدیگر توافق کردند که باید مال را از طریق تجارت افزایش داد، البته اگر از حلال به دست آید در مسیر حلال خرج گردد. و این مسأله منافاتی با زهد صحیح و دعوت مردم به رفتار زاهدانه ندارد.

مطلب دوم: اهمیت تربیت اقتصادی در قرآن کریم

الله متعال بنده گان خود را برای حفاظت از اموال شان امر کرده که باید در باره حفاظت اموال شان از سهل انگاری کارنگیرند و همچنان در تصرف اموال از اسراف بپرهیزند چنانچه الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾^(۲).

ترجمه: چرا که اسراف کاران برادران شیطانها اند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

اما مؤمن این را هم باید به خاطر داشته باشد که محبت مال دنیا بر او غالب نشود و برده دنیا نگرند وقت و فکرش را غرق جمع آوری پول و مال دنیا نگرداند. او نباید به خاطر دنیا پروردگارش را فراموش و عبادت را رها نماید و اوامر او تعالی را کنار گذارد و تجاوز از حدود و خود نمایی بر مردم را خوی خود قرار دهد. زیرا اگر چنین کند، مشمول تهدیدی قرار می‌گیرد که در این آیه بیان شده است: ﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ﴾^(۳).

ترجمه: و آن روزیکه آنهايي را که کفر ورزیده اند بر آتش عرضه می‌دارند به آنان می‌گویند نعمت های پاکیزه خود را در زندگی دنیای تان خود خواهانه صرف کردید و از آنها بر خوردار شدید پس امروز به سزای آنکه در زمین بناحق سرکشی می‌نمودید و به سبب آنکه نافرمانی می‌کردید به عذاب خفت آور کيفر می‌یابید.

مبارک در سال ۱۸۱ هـ. ق. در شهر درهیت که از شهرهای عراق است در سن ۶۰ سالگی در بازگشت از جنگ با رومیان فوت کرد. قیر او هم همانجاست و زیارتگاه مردم آنجا می‌باشد. / زرکلی، الأعلام للزرکلی: ۴ / ۱۱۵.

۱- ذهبی، سیر اعلام النبلاء: ۲۴۳/۸.

۲- سورة الإسراء: آیه: ۲۷.

۳- سورة الاحقاف: آیه: ۲۰.

قرآن کریم، هم از بخل نهی کرده و هم اسراف و اعتدال را به بشر توصیه نموده است و در رهنمود خود به پیامبر ﷺ چنین می‌فرماید: ﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا﴾^(۱). ترجمه: و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار هم گشاده دستی منما تا ملامت شده و حسرت زده بر جای مانی.

این آیه مبارکه صراحتاً بر اهمیت تربیت اقتصادی دلالت می‌کند، دیگر آیت‌های قرآن کریم هم در این باره وجود دارد که بر اهمیت تربیت اقتصادی دلالت واضح دارد اما در این جا به همین چند آیت اکتفا می‌کنیم^(۲).

مطلب سوم: روشهای تربیت اقتصادی در قرآن کریم

دین مبین اسلام مال و ثروت را وسیله ای می‌داند که پایداری زندگی انسانی به آن بستگی دارد و الله متعال برای حفظ و نمویی آن راه‌های متعددی را نشانی کرده که با استفاده از آن انسان می‌تواند زنده گی خویش را خوبتر به پیش ببرد، قرار زیر شرح می‌شود:

۱. **حفظ و نگه داشتن مال:** یکی از روش‌های تربیت اقتصادی حفظ و نگه داشتن مال است، که باید در دست کسانی که دانش حفظ آن را ندارد قرار نگیرد، چنانچه الله متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا﴾^(۳).

ترجمه: و اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده به سفیهان مدهید و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید و با آنان سخنی پسندیده بگویید.

۲. **استفاده از اسباب و لوازم زنده‌گی:** الله متعال یاد آوری نموده که برای بندگان اسباب و لوازم زندگی و معاش را در زمین فراهم نموده است، پس بر آنان است که با استفاده صحیح از این اسباب سپاس پروردگار خویش را بجا آورند، چنانچه می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾^(۴).

ترجمه: و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم اما چه کم سپاسگزاری می‌کنید.

۳. **کار کردن:** همچنان باید فرزندان را برای پذیرش خدمت و مسؤولیت اجتماعی آماده سازد و به او فهمانده شود که راه کسب استقلال، قدرت و عزت کارکردن و تلاش است. او باید در یابد که اگر

۱- سورة الإسراء: آیه: ۲۹.

۲- العمری، اکرم ضیاء، تربیت روحی و اجتماعی: ص، ۳۳۹.

۳- سورة النساء: آیه: ۵.

۴- سورة الأعراف: آیه: ۱۰.

کسی شغلی پیشه نسازد، طفیلی و سر بار دیگران است و باید برایش فهمانده شود، که هر چند پروردگار جهان رازق و روزی رسان است، ولی بدون تلاش و کوشش نمی‌توان روزی مقدر الله متعال را به دست آورد^(۱) چنانچه الله متعال در مورد فرموده اند: ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾^(۲).

ترجمه: و چون نماز گزارده شد در روی زمین پراکنده گردید و فضل الله متعال را جویا شوید و پروردگار را بسیار یاد کنید باشد که شما رستگار گردید.

۴. **زحمت و تلاش کردن:** زحمت و تلاش همان عمل صالحی است که با تقوا همراه باشد الله متعال مکرراً در قرآن کریم بدان اشاره فرموده و به جا آورندگان را چنین مژده داده اند: ﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ﴾^(۳).

ترجمه: و کسانی را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته انجام داده اند مژده ده که ایشان را باغ هایی خواهد بود که از زیر درختان آنها جویها روان است.

۵. **پرهیز از اسراف:** از طرف دیگر الله متعال بنده گان خود را از اسراف و تبذیر منع کرده و فرموده اند: ﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمَسْكِينِ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾^(۴).

ترجمه: و حق خویشاوندان را به او بده و مستمند و در راهمانده را دستگیری کن و اسراف مکن چرا که اسراف کاران برادران شیطان‌ها اند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است^(۵).

مطلب چهارم: نقش تربیت اقتصادی در نجات جامعه در پرتو قرآن کریم

قرآن کریم مال را به حیث وسیله آبادی، استمرار معیشت و سبب فلاح دنیوی و اخروی معرفی نموده است. دین مبین اسلام در باره اموال تأکید نموده که باید از راه پاک بدست آورده شود، و در مصرف آن هم باید از افراط و تفریط جلوگیری صورت گیرد.

قرآن کریم همچنان به بخشش اموال ترغیب نموده تا مایه پاک و تزکیه برای رشد اموال باشد و حب الله متعال و رسول اش و اشتیاق رسیدن به آخرت همواره بر قلب مؤمن غالب باشد و حب دنیا و

۱- حازمی، اصول التربیه الإسلامیه: ص، ۳۹.

۲- سورة الجمعه: آیه: ۱۰.

۳- سورة البقره: آیه: ۲۵.

۴- سورة الإسراء: آیه: ۲۶ - ۲۷.

۵- حازمی، اصول التربیه الإسلامیه: ص، ۳۸.

زندگی همیشگی را زیر نظر خود قرار داده الله متعال فرموده اند: ﴿وَلَا يَحْسِنَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ

فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾^(۱)

ترجمه: و کسانی که به آنچه الله متعال از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می‌ورزند هر گز تصور نکنند که آن بخل برای آنان خوب است بلکه برای شان بد است به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده اند روز قیامت طوق گردن شان می‌شود میراث آسمان‌ها و زمین از آن الله متعال است و الله متعال به آنچه می‌کنید دانا و آگاه است.

به همین خاطر است که قرآن کریم، با تبدیل اموال به گنج مخالفت کرده و آن را حرام نموده و عواملن چنین کاری را به عذاب تهدید نموده است. زیرا تبدیل اموال به گنج باعث می‌شود که در دسترس مردم قرار نگیرد و زکات آن پرداخت نشود^(۲).

اسلام برای کسب روزی و استفاده از اموال حلال، حدود و مقرراتی تعیین کرده است که بر اساس آن (ربا) حرام گشته و ربا خوار مورد خشم الله متعال قرار گرفته است. همچنان (احتکار) اموال جزء امور حرام و شخص محکوم جزء گناه کاران محسوب شده است: ﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾^(۳).

ترجمه: و حال آنکه الله متعال داد و ستد را حلال و ربا را حرام گردانیده است. ثروت پاکیزه، خواستگاه دعای مقبول و عامل رشد دارایی است و صدقه آن در راه الله متعال، کاملاً مورد پسند و رضایت پروردگار است. الله متعال فرموده اند: ﴿إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾^(۴).

ترجمه: الله متعال فقط از پرهیزگاران می‌پذیرد. قرآن کریم، تلاش برای کسب روزی را به همراه توکل، مورد توصیه قرار داده و فرموده اند: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾^(۵).
ترجمه: اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید پس در فراخنای آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست.

الله متعال، پاک است و فقط پاکیزه‌ها را می‌پذیرد، چنانچه حضرت رسول اکرم ﷺ فرموده اند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ»^(۶).

ترجمه: یعنی الله متعال پاک است و پاکیزه‌گی را دوست دارد.

۱- سوره آل عمران: آیه: ۱۸۰.

۲- زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده و المنهج الشرعیة: ۴ / ۱۸۰.

۳- سوره البقره: آیه: ۲۷۵.

۴- سوره المانده: آیه: ۲۷.

۵- سوره الملک: آیه: ۱۵.

۶- مسلم، صحیح مسلم: ۱ / ۹۳. شماره حدیث: ۹۱.

پس تنها صدقه‌هایی که نزد او مقبول است، صدقه از اموال پاک و حلال است و در پاداش چنین صدقه‌های است که بندگان خود را از بهشت و کرم خود بهره مند می‌سازد. شخصی که اموال پاک و نیک خود را در راه الله متعال انفاق می‌کند، در واقع، پروردگار را بر خود و خانواده‌اش ترجیح داده است. عملی که انصار رضی الله عنهم در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله انجام دادند از همین قبیل بود. به همین خاطر، الله متعال یاد آنان را در قرآن کریم جاودانه نمود و این گونه آنها را وصف کرد: ﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُجِزُونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْحَ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾^(۱).

ترجمه: آنانی که پیش از آمدن مهاجران خانه و کاشانه (آئین اسلام) را آماده کردند و ایمان را (در دل خود استوار داشتند) کسانی را دوست می‌دارند که به پیش ایشان مهاجرت کرده اند و در درون احساس و رغبت نیازی نمی‌کنند به چیزهایی که به مهاجران داده شده است، و ایشان را بر خود ترجیح می‌دهند هر چند که خود سخت نیاز مند باشند. کسانی که از بخلِ نفس خود، نگاه داری می‌کنند، مصوون و محفوظ گردند، ایشان قطعاً رستگاراند.

در برخی آیات دیگر به این مسأله اشاره شده است که بخشش اموال دوست داشتنی در راه الله متعال جزء بزرگ ترین عبادت‌هاست^(۲).

پس از تمامی این آیات و نصوص قرآن کریم معلوم می‌شود، که تربیت اقتصادی در حفظ و نمو اموال همچنان در رشد اقتصادی جامعه نقش بارز و ارزنده دارد که هیچ کس هم از آن چشم پوشی کرده نمی‌تواند.

۱- سورة الحشر: آية: ۹.

۲- ضياء، التربية الروحية والاجتماعية في الاسلام: ص، ۳۳۵- ۳۴۴.

نتیجه گیری

تربیت، در زندگی یکی از نکات بسیار مهمی است که پدران، مادران و مربیان باید از تمام مسائل و مشکلات رفتاری و روانی متریبان و فرزندان خود در سنین مختلف آگاه باشند و بدانند چطور با فرزندان و متریبان خود رفتار کنند تا آنها از هر لحاظ در سلامت کامل به سر ببرند و از طرف دیگر چون فرزندان غیر از محیط خانه با محیط خارج از خانه هم سروکار دارند، بامسائل و مشکلات متعددی رو به رو میشوند که نیازمند آگاهی روش برخورد صحیح والدین و متریبان شان اند. در قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ و دیگر نصوص شرعی در مورد تربیت نکات مهم و کلیدی هست که با کمی دقت و توجه می‌توان به آنها پی برد و در زندگی روز مره، باعمل کردن به آنها بتوانیم فرزندان و متریبان خود را طور تربیت و پرورش داده تا باشد که یک جامعه ای با فرهنگ را سروسامان دهیم.

در این رساله (تربیت در روشنی قرآن کریم) موضوعات مانند: اهداء، شکر و تقدیر، خلاصه بحث، فهرست موضوعات و مقدمه که شامل مسئله تحقیق، اهمیت تحقیق، اسباب اختیار موضوع، سوالهای اساسی تحقیق، پیشینه و ضرورت تحقیق، روش تحقیق، اهداف تحقیق، مشکلات تحقیق، خطه و پلان تحقیق مختصراً بیان گردیده است.

این رساله شامل چهار فصل بوده که هر فصل در خود مباحث، مطالب و جزئیات را مورد بحث قرار داده است.

در فصل اول ما توانستیم که معنا و مفهوم تربیت را معرفی کنیم مثلاً: تربیت در لغت: به معنای پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن و یا هم به معنای آموزش و پرورش نیز به کار رفته است.

و در اصطلاح چندین تعاریف ذکر شده من خواستم جامع ترین تعریف را از دکتور خالد بن حامد الحازمی به معرفی بگیرم که عبارت از: نشو نمودادن انسان است به طور تدریجی در همه امورات زندگی تا باشد که عمل کردن به آن سبب سعادت دنیا و آخرت گردد.

همچنان در مورد کلمات و واژه‌های مترادف تربیت اصطلاحات را ذکر نموده ایم.

و نیز در مورد مکلفیت‌ها، اشتباهات و لغزش‌های مربیان در قبال زیر دستان گفته آمدیم.

همچنان اشخاص که در تربیت برای متریبان الگو و نمونه بوده اند معرفی و بیان داشته ایم.

و فصل دوم در مورد اصول، راهکارها و وسائیل تربیت عناوین و نمونه‌های دلپذیر را گنجانیده ایم تا باشد که زندگی ما مطابق به اصول تربیت اسلامی و قرآنی رونق گیرد.

همچنان صحنه‌های از تربیت اخلاقی قرآن کریم را به طور مختصر و واضح بیان شده است.

و در مورد اهداف و خواسته‌های تربیت اسلامی و قرآنی بحث مختصر شده است.

همچنان چگونگی روشهای تربیت با پند و اندرز را در قرآن کریم بیان داشته و نیز تأثیر پند و اندرز را در گفته‌های پیامبر ﷺ، اصحاب کرام و دانشمندان شناسائی و به معرفی گرفته ایم.

و فصل سوم در مورد تربیت روحی و وسائیل آن مختصراً بیانات صورت گرفته است.

همچنان در مورد آثار تربیتی نماز، روزه، زکات، حج و نیز در مورد اثر بخشی تلاوت قرآن کریم در تربیت انسان وضاحت داده شده است.

همچنان معنا و مفهوم تربیت عقلی، نقش قرآن کریم در تربیت عقلی، راهکارها و وسائیل تربیت عقلی، اهمیت تربیت اخلاقی، روشهای تربیت اخلاقی از دید گاه قرآن کریم را به بحث گرفته شده است.

همچنان در مورد تربیت عاطفی، معنا و مفهوم آن، روشهای تربیت عاطفی و اهمیت تربیت عاطفی را از دیدگاه قرآن کریم بیان نموده ایم.

و فصل چهارم در مورد معنا و مفهوم تربیت بدنی، همچنان در مورد نقش قرآن کریم در تربیت بدنی و روشهای درست آن را ذکر کرده ایم.

و نیز در مورد معنا و مفهوم تربیت اجتماعی، ویژه‌گی های تربیت اجتماعی و وسائیل تربیت اجتماعی از دید گاه قرآن کریم بحث صورت گرفته است.

همچنان در مورد تربیت اقتصادی، معنا و مفهوم آن، روشهای تربیت اقتصادی، نقش تربیت اقتصادی در نجات جامعه را در پرتو قرآن کریم به تفصیل بیان شده است.

و در اخیر این رساله پیشنهادات، فهرست آیات قرآن کریم، فهرست احادیث نبوی ﷺ، فهرست اعلام و مراجع و مصادر را بر اساس حروف اجد ترتیب داده ایم.

تم بحمد الله و توفیقه.

مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ ه.ش

پیشنهادهات

رجوع صادقانه به کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ در همه جوانب زندگی برای مسلمانان یک امر مبرم و اساسی بوده؛ لذا می‌خواهم چند نکته را به مراجع ذیربط پیشنهاد نمایم امید که جامعه عمل بپوشد تا باشد که سبب سعادت دارین نصیب گوینده و شنونده‌ها گردد:

- اهتمام به مطالعات و تحقیقات به حدی صورت گیرد که تا به حقیقت علم نفسی اسلامی رسیده‌گی شود، و این از خلال آیات قرآن کریم، نصوص سنت نبوی و آثار علمای اسلام باشد. این اهتمام بخاطر حفظ بشریت بوده تا تربیت به شکل اساسی و درست صورت گیرد، و دیگر اینکه الگوهای شایسته و پیش قدمی مسلمانان را نسبت به دیگران از یاد نبرند.
- به ریاست پوهنتون سلام پیشنهاد می‌نمایم که تربیت اسلامی را به عنوان یک مضمون کلیدی و اساسی در نصاب درسی خود در تمام رشته‌ها جایگزین نموده تا این عمل نیک وسیله پیشرفت و ترقی خواهران و برادران ما در جامعه گردد.
- به اساتید محترم پوهنتون سلام پیشنهاد می‌نمایم که محصلین خویش را در پرتو قرآن کریم و سنت نبوی ﷺ طور تربیت نمایند تا بعد از فراغت بتوانند الگوهای خوب و دلسوز برای متریبیان و زیر دستان در جامعه باشند.
- از هیئت رهبری پوهنتون مذکور می‌خواهم تا به اساتید بخش شرعیات این مرکز تحصیلی وظیفه بدهند تا پروژه‌های تحقیقی را زیر نام تربیت در روشنی قرآن کریم به راه انداخته و سمینارهای آموزشی مؤثر را به محصلین تقدیم نمایند.
- از پوهنتون محترم سلام احترامانه تقاضا دارم که در رابطه به موضوع تربیت (فرد، خانواده، جامعه) و آثار آن از منظر اسلام، مقاله‌های را ترتیب نموده و در تیزس‌های بعدی محصلان جا دهد، تا برای جامعه مفید و قابل استفاده گردد.
- تدریس مضامین درسی دوره ماستری مکمل به لسان عربی باشد و این بهترین بهانه برای یاد گیری زبان عربی است.

فهارس عمومي

نخست: فهرست آیات قرآن کریم؛ بر اساس سوره‌ها، آیات و صفحات رسم الخط مصحف عثمانی ترتیب شده است.

سورة البقره

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
۱	﴿وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ...﴾	۲۵	۱۱۷
۲	﴿كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ﴾	۵۷	۹۴
۳	﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا...﴾	۱۵۱	۱۴
۴	﴿فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونَ﴾	۱۵۲	۸۹
۵	﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي﴾	۱۶۴	۷۸ - ۴۷
۶	﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ...﴾	۱۵۶	۸۸
۷	﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا...﴾	۱۷۰	۸۰
۸	﴿وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ يَتَّقُونَ﴾	۱۷۹	۱۰۷
۹	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ...﴾	۱۸۳	۷۱
۱۰	﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ﴾	۲۳۳	۱۳
۱۱	﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ...﴾	۲۴۷	۳۱
۱۲	﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ...﴾	۲۶۱	۵۵
۱۳	﴿الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً...﴾	۲۷۴	۵۶
۱۴	﴿وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا﴾	۲۷۵	۱۱۸
۱۵	﴿وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾	۱۶۸	۲۳
۱۶	﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ...﴾	۴۴	۲۱
۱۷	﴿أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ...﴾	۱۳۳	۹۸

سورة آل عمران

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
۱	﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾	۱۹	۶۲
۲	﴿لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ...﴾	۲۸	۱۱۲
۳	﴿وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ...﴾	۸۵	۶۲
۴	﴿وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ...﴾	۱۰۴	۴۶
۵	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ...﴾	۲۰۰	۴۶
۶	﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ...﴾	۱۱۰	۱۱۱
۷	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا...﴾	۱۱۸	۱۱۲
۸	﴿فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ﴾	۱۵۹	۳۵

١١٨-٧٠	١٨٠	﴿وَلَا يَحْسِنَنَّ الَّذِينَ يَتَّخِلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ...﴾	٩
٧٧	١٩١- ١٩٠	﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...﴾	١٠

سورة النساء

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا...﴾	٥	١١٦
٢	﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾	٣٦	٩٠-٥٠
٣	﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا...﴾	٥٨	٥٠
٤	﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ...﴾	٦٩	٥٢
٥	﴿وَالْحَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْحَارِ الْجُنُبِ﴾	٣٦	١٠٣
٦	﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾	٥٨	١٠٧

سورة المائدة

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَىٰ الْإِثْمِ...﴾	٢	٩٠
٢	﴿إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾	٢٧	١١٨
٣	﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ...﴾	٥٤	٨٨
٤	﴿وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا﴾	٨٨	٩٤

سورة الأنعام

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمْ...﴾	٨٢	١٠٧
٢	﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ﴾	١٦٤	١٠١
٣	﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا﴾	١٦٠	٢٥
	﴿هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ﴾	٤٧	٤٦

سورة الأعراف

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ...﴾	١٠	١١٦
٢	﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾	٣١	٩٥
٣	﴿لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا...﴾	١٧٩	٩٢
٤	﴿قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ...﴾	٣٢	٩٢
٥	﴿وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا﴾	٥٦	١٣
٦	﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾	٢٠٤	٧٤

سورة الأنفال

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ﴾	٢	٤٠-٤١
٢	﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾	٦٠	٣١

سورة التوبه

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ﴾	١١	٦٤
٢	﴿وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ...﴾	٣٤ - ٣٥	٦٩
٣	﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِكَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالنَّاصِرِينَ...﴾	١٠٠	٥٣
٤	﴿وَأخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ...﴾	١٠٢	١٣
٥	﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾	١٠٣	٦٨
٦	﴿وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا...﴾	١٢٤	٤١
٧	﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ...﴾	١٢٨	٥٢
	﴿إِنْ صَلَاتِكَ سَكَنَ لَهُمْ﴾	١٠٣	٦٩

سورة يونس

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ...﴾	٢٦	٥٧
٢	﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ...﴾	١٠٧	١٠٦

سورة هود

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ﴾	٤٦	٤٩
٢	﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾	٦١	٤٧
٣	﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ﴾	٧٥	٣٩

سورة نحل

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾	٥	٩٥
٢	﴿يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ...﴾	١١	٩٥
٣	﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ﴾	٩٠	٩٠
٤	﴿وَلِتَسْأَلَنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾	٩٣	١٣

سورة الإسراء

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ...﴾	٩	٣٠
٢	﴿وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلَّةِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ...﴾	٢٤	١٧
٣	﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا...﴾	٢٣-٢٤	٨٨
٤	﴿وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا...﴾	٢٦-٢٧	١١٧
٥	﴿إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا﴾	٢٧	١١٥
٦	﴿وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ...﴾	٢٩	١١٦
٧	﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا...﴾	٨٥	٦١
٨	﴿وَمَا أوتيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا﴾	٨٥	٧٩

سورة الكهف

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا...﴾	٩-١٠	٤٩
٢	﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾	٤٩	١٠٢
٣	﴿وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاةِ...﴾	٢٨	٨٧

سورة مريم

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا﴾	٤١	٣٨
٢	﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ...﴾	٤٢-٤٧	٣٧
٣	﴿يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾	٤٥	٣٩
٤	﴿لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا﴾	٤٦	٣٩
٥	﴿قَالَ أَرَأَيْتَ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ﴾	٤٦	٣٩
٦	﴿قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي﴾	٤٧	٣٩

سورة طه

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿وَإِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى﴾	٨٢	٩٠
٢	﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾	١٣٢	١٢-٢٣-٣٢-٦٦

سورة الحج

شماره	سر آغاز آیت	شماره آیات	صفحه
١	﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ...﴾	٢٦-٢٩	٧٣

سورة المؤمنون

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ...﴾	١ - ٤	٦٧
٢	﴿وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾	٤	٦٧

سورة النور

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ...﴾	١٢	١٠١
٢	﴿إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ...﴾	١٩	١١٠

سورة القصص

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ...﴾	٧٣	٤٧-١٦
٢	﴿وَأَبْنَعُ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيكَ...﴾	٧٧	١١٤
٣	﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾	٢٦	٣١

سورة العنكبوت

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾	٤٣	٧٩
٢	﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾	٤٥	٦٤
٣	﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾	٦٩	٨٦-٧٩

سورة لقمان

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ...﴾	١٣-١٩	٥٠
٢	﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾	١٣	١٠٧
٣	﴿وَلَا تُصْعِرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرْحًا...﴾	١٨-١٩	٣٦
٤	﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ...﴾	٢٠	١٥
٥	﴿يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾	١٧	٩٨

سورة السجده

شماره	سر آغاز آیت	شماره آیت	صفحه
١	﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا...﴾	١٦	٦٦

سورة الأحزاب

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ...﴾	٢١	٤٨ - ٨٣
٢	﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ...﴾	٣٦	٥٢
٣	﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ...﴾	٧٢-٧٣	١٠٢

سورة فاطر

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾	٣	١٥
٢	﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا...﴾	٢٩-٣٠	٥٥

سورة الزمر

شماره	سر آغاز آیت	شماره آیت	صفحه
١	﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ...﴾	١٨	٨٠

سورة غافر

شماره	سر آغاز آیت	شماره آیت	صفحات
١	﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ...﴾	٦٠	١٠٩-٩٠

سورة فصلت

شماره	سر آغاز آیت	شماره آیت	صفحه
١	﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ﴾	٤٦	١٠٢

سورة الشورى

شماره	سر آغاز آیت	شماره آیت	صفحه
١	﴿وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ﴾	٣٠	١٠٥

سورة الزخرف

شماره	سر آغاز آیت	شماره آیت	صفحه
١	﴿أَوْ مَنْ يَنْشَأُ فِي الْجِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾	١٨	١٤

سورة الأحقاف

شماره	سر آغاز آیت	شماره آیت	صفحه
١	﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَدَهَبْتُمْ طَبِيبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ فَأَلْيَوْمَ...﴾	٢٠	١١٥

سورة الحجرات

شماره	سر آغاز آیات	شماره آیات	صفحات
١	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا...﴾	٦	٧٨
٢	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ نِسَاءً عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ...﴾	١١	٢٦
٣	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ...﴾	١٢	١٠٠
٤	﴿وَلَا يَعْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ...﴾	١٢	١٠١

سورة الذاريات

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾	١٩	٦٧
٢	﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾	٥٦	١٠٢-٣٤

سورة الطور

شماره	سر آغاز آيت	شماره آيت	صفحه
١	﴿أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ﴾	٣٥	٤١

سورة الحديد

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿إِنَّ الْمَصْدَقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا...﴾	١٨	٥٦
٢	﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ...﴾	٢١	٥٨

سورة الحشر

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾	٧	٥٢
٢	﴿وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِن قَبْلِهِمْ يُحِجُّونَ ...﴾	٩	١١٩-٨٩

سورة الممتحنة

شماره	سر آغاز آيت	شماره آيت	صفحه
١	﴿وَلَا يَتَّبِعُنَّ أَوْلَادَهُنَّ﴾	١٢	١٣

سورة الصف

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا...﴾	٣-٢	٢١
٢	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ...﴾	١٣-١٠	٥٦

سورة الجمعة

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ...﴾	٢	٨٢
٢	﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ...﴾	١٠	١١٧

سورة التغابن

شماره	سر آغاز آيت	شماره آيت	صفحه
١	﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾	١٢	٥١

سورة التحريم

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾	٦	١٢
٢	﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ...﴾	٦	٤٥-٢
٣	﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ...﴾	١١ - ١٢	٤٩

سورة الملك

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا...﴾	١٥	١١٨
٢	﴿قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ...﴾	٢٣	٧٧

سورة القلم

شماره	سر آغاز آيت	شماره آيت	صفحات
١	﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾	٤	٨٢-٥٢-٣٥

سورة المعارج

شماره	سر آغاز آيت	شماره آيت	صفحه
١	﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ﴾	٢٤	٦٧

سورة المزمل

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿إِنَّا سُلِّقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا﴾	٥	٦٦
٢	﴿يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۖ نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا...﴾	١ - ٦	٦٥

سورة المدثر

شماره	سر آغاز آيت	شماره آيت	صفحه
١	﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ﴾	٣٨	١٠١

سورة الإنسان

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۗ إِنَّمَا تُطْعَمُونَ لُجُوهَ اللَّهِ لَا تُرْمَىٰ مِنْكُمْ جَزَاءٌ وَلَا شُكُورًا...﴾	٨ - ١٠	٥٦

سورة النازعات

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ﴾	٤٠ - ٤١	٨٧-٤٣

سورة الشمس

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ۗ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّاهَا ۗ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا...﴾	١٠ - ١	٢
٢	﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ۗ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ۗ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ۗ وَقَدْ خَابَ دَسَّاهَا﴾	٧ - ١٠	٨٢-٤٥

سورة التين

شماره	سر آغاز آيت	شماره آيت	صفحه
١	﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾	٤	٣١

سورة القدر

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ...﴾	١-٣	٧١

سورة العصر

شماره	سر آغاز آيات	شماره آيات	صفحات
١	﴿وَالْعَصْرِ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾	١-٣	٤٥

دوم: فهرست احاديث نبوي ﷺ بر اساس حروف ابجد ترتيب شده است.

شماره	سر آغاز متون احاديث	صفحات
۱.	«أَتَذَرُونَ مَا الْمُفْلِسُ؟» قَالُوا: الْمُفْلِسُ فِينَا مَنْ لَا دِرْهَمَ لَهُ وَلَا مَتَاعَ . قَالَ: " إِنَّ الْمُفْلِسَ ...»	۵۷
۲.	«ارْجِعُوا إِلَىٰ أَهْلِيكُمْ فَأَقِيمُوا فِيهِمْ وَعَلِّمُوهُمْ»	۹۸
۳.	«أكرموا أولادكم و أحسنوا أديهم»	۸۱
۴.	« الدين النصيحة قلنا لمن قال: لله و لكتابه و لرسوله و لائمة المسلمين و عامتهم »	۱۰۰
۵.	«الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ وَفِي كُلِّ خَيْرٍ»	۹۳-۳۱
۶.	«أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِسَبْعِ بَعِيَادَةِ الْمَرِيضِ وَأَتْبَاعِ الْجَنَائِزِ وَتَشْمِيتِ الْعَاطِسِ وَنَصْرِ الضَّعِيفِ...»	۱۰۴
۷.	«إن أحبكم إلي أحسنكم أخلاقا الموطؤون أكنافا الذين يألفون و يؤلفون و أبغضكم إلي الله ...»	۸۱
۸.	«إِنَّ الصَّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِي إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّىٰ يَكُونَ صِدْقًا...»	۵۷
۹.	«إن الله جميل يحب الجمال»	۱۱۸
۱۰.	«أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ؟ بَعَثَ مُعَاذًا ﷺ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ ادْعُهُمْ إِلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّي رَسُولُ...»	۶۴
۱۱.	«إِنَّكَ أَنْ تَدَعَ وَرَثَتَكَ أَغْنِيَاءَ خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَدْعَهُمْ عَالَةً يَتَكَفَّفُونَ النَّاسَ فِي أَيْدِيهِمْ»	۱۱۴
۱۲.	«أَنَّهُ كَانَ إِذَا سَمِعَ النَّدَاءَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ تَرَحَّمَ لِأَسْعَدَ بْنِ زُرَّارَةَ. فَقُلْتُ لَهُ إِذَا سَمِعْتَ النَّدَاءَ...»	۶۵
۱۳.	«أَيُّنَا لَمْ يَظْلَمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ ﷻ إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»	۱۰۷
۱۴.	«أبها الناس قد فرض الله عليكم الحج فحجوا فقال رجل أكل عام يا رسول الله فسكت ...»	۷۳
۱۵.	«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى آلِ فُلَانٍ...»	۶۸
۱۶.	«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسِ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ...»	۷۱
۱۷.	«الماهر بالقرآن مع السفارة الكرام البررة والذي يقرأ القرآن ويتتعتع فيه و هو عليه شاق...»	۷۵
۱۸.	«بينما نحن عند رسول الله ﷺ ذات يوم إذ طلع علينا رجل شديد بياض الثياب ...»	۶۲
۱۹.	«خيركم خيركم لأهله و أنا خيركم لأهلي و إذا مات صاحبكم فدعوه»	۹۹

٢٠.	«رَغِمَ أَنْفُهُ، رَغِمَ أَنْفُهُ، رَغِمَ أَنْفُهُ» قيل: مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: مَنْ أَدْرَكَ وَالِدِيهِ عِنْدَ الْكِبَرِ: ...»	١٧
٢١.	«سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ الْإِمَامُ الْعَادِلُ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ رَبِّهِ...»	٧٠
٢٢.	«عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي، وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ»	٥٣
٢٣.	«فضل العالم على العابد كفضلي على أدناكم ثم قال رسول الله ﷺ إن الله وملائكته وأهل...»	٥٤
٢٤.	«قَالَ لَيْسَ الشَّدِيدُ بِالصُّرْعَةِ إِنَّمَا الشَّدِيدُ الَّذِي يَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الْغَضَبِ»	١٠٦
٢٥.	«كَانَ النَّبِيُّ؟ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا وَكَانَ لِي أَخٌ يُقَالُ لَهُ أَبُو عُمَيْرٍ قَالَ أَحْسَبُهُ فَطِيمٌ...»	٩٦
٢٦.	«كان خلقه القرآن»	٤٩
٢٧.	«لا تجعلوا بيوتكم مقابر إن الشيطان ينفر من البيت الذي تقرأ فيه سورة البقرة»	٧٥
٢٨.	«لا يستر الله على عبد في الدنيا إلا ستره الله يوم القيامة»	١١١
٢٩.	«لَكِنَّ أَفْضَلَ (لَكِنَّ أَفْضَلَ) الْجِهَادِ حَجٌّ مَبْرُورٌ»	٧٤
٣٠.	«لَمَّا تُوْفِّي النَّبِيُّ ﷺ وَاسْتُخْلِيفَ أَبُو بَكْرٍ وَكَفَرَ مَنْ كَفَرَ مِنَ الْعَرَبِ قَالَ عُمَرُ يَا أَبَا بَكْرٍ كَيْفَ...»	٧٣
٣١.	«ليس منا من لم يرحم صغيرنا ويوقر كبيرنا»	٩٩
٣٢.	«مَا زَالَ يُوصِينِي جِبْرِيلُ بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورَّثُهُ»	١٠٤
٣٣.	«مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَلْتَقِيَانِ فَيَتَصَافَحَانِ إِلَّا غُفِرَ لَهُمَا قَبْلَ أَنْ يَفْتَرِقَا»	١٠٤
٣٤.	«مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ»	٨١
٣٥.	«مَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهُ مُثْلَ لَهُ (مِثْلَ لَهُ مَالُهُ) يَوْمَ الْقِيَامَةِ شُجَاعًا أَفْرَعُ لَهُ زَبِيَّانٍ...»	٦٩
٣٦.	«من أتى هذا البيت فلم يرفث و لم يفسق رجع كما ولدته أمه»	٧٤
٣٧.	«مَنْ سَلَكَ طَرِيقًا يَلْتَمِسُ فِيهِ عِلْمًا، سَهَّلَ اللَّهُ لَهُ طَرِيقًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَتَعَبُ...»	٥٤
٣٨.	«مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ»	٧١
٣٩.	«من كان معه فضل ظهر فليعد به على من لا ظهر له و من كان له فضل من زاد فليعد به...»	٩٩
٤٠.	«مَنْ كَتَرَهَا فَلَمْ يُؤَدِّ زَكَاتَهَا، فَوَيْلٌ لَهُ إِنَّهَا كَانَتْ هَذَا قَبْلَ أَنْ تُنَزَلَ الزَّكَاةُ...»	٦٩

٤١ .	«وَرَجُلٌ لَهُ جَارٌ يُؤْذِيهِ فَيَصْبِرُ عَلَىٰ أَذَاهُ وَيَحْتَسِبُهُ حَتَّىٰ يَكْفِيَهُ اللَّهُ إِيَّاهُ بِمَوْتٍ أَوْ حَيَاةٍ»	١٠٥
٤٢ .	«و ما اجتمع قوم في بيت من بيوت الله يتلون كتاب الله و يتدارسونه بينهم إلا نزلت...»	٧٥
٤٣ .	«و ما تواضع أحد لله إلا رفعه الله»	١٠٩
٤٤ .	«يَقُولُ اللَّهُ سُبْحَانَهُ: الْكِبْرِيَاءُ رِدَائِي، وَالْعَظَمَةُ إِزَارِي، فَمَنْ نَارَعَنِي وَاحِدًا مِنْهُمَا...»	١٠٨
٤٥ .	«يلتقيان فيعرض هذا و يعرض هذا و خيرهما الذي يبدأ بالسلام»	١٠٣
٤٦ .	«يَنْزِلُ رَبُّنَا تَبَارَكَ وَتَعَالَىٰ كُلَّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا حِينَ يَبْقَى ثُلُثُ اللَّيْلِ الْآخِرِ يَقُولُ...»	٦٧

سوم: فهرست اعلام؛ بر اساس حروف ابجد ترتیب شده است.

شماره	نامها	تاریخ وفات	صفحات	مکررات
۱.	ابن تیمیه رحمه الله	۷۲۸ هـ. ق.	۳۳	
۲.	ابن خلدون رحمه الله	۸۰۸ هـ. ق.	۵۹	
۳.	ابن عاشور رحمه الله	۱۹۷۳ م.	۳۶	✓
۴.	ابن قیم رحمه الله	۷۵۱ هـ. ق.	۸۷	
۵.	ابن کثیر رحمه الله	۷۷۴ هـ. ق.	۳۶	
۶.	ابوموسی اشعری <small>رضی الله عنه</small>	۵۲ هـ. ق.	۷۶	
۷.	ابوهیره <small>رضی الله عنه</small>	۵۷ هـ. ق.	۱۷	
۸.	اسامه بن زید <small>رضی الله عنه</small>	۵۴ هـ. ق.	۲۰	
۹.	بخاری رحمه الله	۲۵۶ هـ. ق.	۶۴	✓
۱۰.	بیضاوی رحمه الله	۶۸۶ هـ. ق.	۱۱	✓
۱۱.	حافظ بن عساکر رحمه الله	۵۷۱ هـ. ق.	۲۰	
۱۲.	حسن بصری رحمه الله	۱۱۰ هـ. ق.	۷۴	
۱۳.	راغب اصفهانی رحمه الله	۵۶۵ هـ. ق.	۱۱	✓
۱۴.	زمخشری رحمه الله	۵۳۸ هـ. ق.	۳۹	
۱۵.	سفیان الثوری رحمه الله	۱۶۱ هـ. ق.	۱۶	
۱۶.	سید قطب رحمه الله	۱۳۸۵ هـ. ق.	۴۲	
۱۷.	طنطاوی رحمه الله	۲۰۱۰ م.	۳۸	
۱۸.	عائیشه رضی الله عنها	۵۷ هـ. ق.	۷۴	✓
۱۹.	عبدالله بن زبیر <small>رضی الله عنه</small>	۷۳ هـ. ق.	۲۰	
۲۰.	عبدالله بن عمر <small>رضی الله عنهما</small>	۷۴ هـ. ق.	۶۹	
۲۱.	عبدالله بن مبارک رحمه الله	۱۸۱ هـ. ق.	۱۱۴	
۲۲.	عبدالله بن مسعود <small>رضی الله عنه</small>	۳۲ هـ. ق.	۱۰۷	
۲۳.	عمر بن الخطاب <small>رضی الله عنه</small>	۲۴ هـ. ق.	۲۰	

✓	۳۴	۵۰۵ هـ.ق.	غزالی رحمه الله	.۲۴
	۴۰	۶۰۶ هـ.ق.	فخرالدين رازى رحمه الله	.۲۵
✓	۴۳	۶۷۱ هـ.ق.	قرطبى رحمه الله	.۲۶
	۷۵	۱۷۵ هـ.ق.	ليث بن سعد <small>رضي الله عنه</small>	.۲۷
	۳۳	۲۰۱۴ م.	محمد قطب رحمه الله	.۲۸
	۷۳	۲۰۴ هـ.ق.	"مسلم" رحمه الله	.۲۹
	۱۹	۲۵ هـ.ق.	معاذ بن عمرو <small>رضي الله عنه</small>	.۳۰
	۱۷	۶۷۶ هـ.ق.	نووى رحمه الله	.۳۱
	۲۶	۱۲۵ هـ.ق.	هشام بن عبدالملك	.۳۲

فهرست مراجع و مصادر؛ بر اساس حروف ابجد ترتيب شده است.

۱. قرآن كريم.
۲. ابراهيم، محمد اسماعيل، ۱۹۶۸م. معجم الألفاظ و الأعلام القرآنية: مصر - قاهره - دار الفكر العربي.
۳. ابن القيم، محمد بن أبي بكر ابن قيم الجوزية، ۱۴۱۰ هـ. ق. تفسير القرآن الكريم - ابن القيم: بيروت - دار ومكتبة الهلال.
۴. ابن تيمية، احمد بن عبدالحليم، ۱۴۰۱ هـ. ق.، العبودية: بيروت - لبنان - دارالكتب العلمية.
۵. ابن حنبل، أبو عبد الله أحمد بن حنبل الشيباني، ۱۴۰۵ هـ. ق.، مسندالإمام أحمد بن حنبل: لبنان، بيروت، المكتب الاسلامي.
۶. ابن عاشور، محمد الطاهر بن عاشور التونسي، (ب - ت)التحرير و التنوير: بيروت - لبنان - تونس - دار التونسية للنشر و التوزيع.
۷. ابن عبدالبر، ابو عمر يوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن عاصم النمري القرطبي، ۱۹۹۲م. الاستيعاب في معرفة الأصحاب: بيروت - دار الجبل.
۸. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي، ۱۴۰۸ هـ - ۱۹۸۸م. البداية و النهاية: بيروت - دار إحياء التراث العربي.
۹. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي، ۱۴۲۰ هـ. ق. تفسير القرآن العظيم: بيروت - دار طيبة للنشر والتوزيع.
۱۰. ابن كثير، أبي الفداء اسماعيل بن كثير، ۱۴۲۳ هـ. ق. شمائل الرسول: تحقيق: عبدالقادر الارناؤوط: رياض - مكتبة العبيكان. ص: ۱۳۷ - ۱۳۸.
۱۱. ابن كثير، عماد الدين أبو الفداء إسماعيل بن كثير الدمشقي، ۱۴۲۰ هـ، ۲۰۰۰م. تفسير القرآن العظيم: بيروت - دار التراث العربي.
۱۲. ابن منظور، محمد بن مكرم بن علي، جمال الدين ابن منظور الأنصاري، ۱۴۱۴ هـ. ق. لسان العرب: بيروت - دار صادر.
۱۳. ابن هشام، عبد الملك بن هشام بن أيوب الحميري المعافري أبو محمد، ۱۴۱۱ هـ. ق. السيرة النبوية: بيروت - دار الجيل.
۱۴. أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني، ۱۴۳۰ هـ. ق. سنن ابي داود. تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد. دمشق - دار الفكر.
۱۵. أبو نعيم، أحمد بن عبد الله بن أحمد بن إسحاق بن موسى بن مهران الأصبهاني، ۱۴۱۹ هـ - ۱۹۹۸ م. معرفة الصحابة لأبي نعيم الاصبهاني: الرياض - دار الوطن للنشر. ۳ / ۱۵۲۷.

١٦. اصفهاني، أبو القاسم الحسين بن محمد المعروف بالراغب الأصفهاني، ١٤١٢هـ، المفردات في غريب القرآن، تحقيق: محمد سيد كيلاني: دمشق بيروت - دار القلم، الدار الشامية.
١٧. الاهدل، هاشم على، ١٤٠٦هـ. ق. التربية الذاتية من الكتاب و السنة: بيروت - لبنان - مكتبة العلم.
١٨. الباني، محمد ناصر الدين الألباني (ب - ت) السلسلة الضعيفة: رياض - مكتبة المعارف.
١٩. الباني، محمد ناصر الدين الألباني (ب - ت) صحيح الترغيب والترهيب: رياض - مكتبة المعارف.
٢٠. الباني، محمد ناصر الدين الألباني، (ب. ت) الجامع الصغير وزيادته: بيروت - المكتبة الإسلامي.
٢١. الباني، محمد ناصر الدين الألباني، ١٤١٧هـ. ق. صحيح سنن ابن ماجه: رياض - مكتبة المعارف.
٢٢. السعدى، عبدالرحمن بن ناصر، تفسير تيسير الكريم الرحمن: ترجمة محمد گل گمشاد زهى، ج، ٣، ص، ٢٧٠٥، نسخة الكترونيكى.
٢٣. بخاري، محمد بن إسماعيل، ١٤٠٧هـ. صحيح البخاري. تحقيق: مصطفى ديب البغا، بيروت - دار ابن كثير.
٢٤. بغوى، محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود البغوي، ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧م. تفسير البغوي: بيروت - دار طيبة للنشر والتوزيع.
٢٥. بلالى، عبدالحميد بلالى، ١٣٩٤ش. ١٤٣٧هـ. ق. آيين تربيتى تابعين: مترجم: عبدالله عبداللهي. ديجيتال - از سايت كتابخانه عقيدة دانلود شده است.
٢٦. بلالى، عبدالحميد، ١٤٣٢هـ. ق. منهج التابعين فى تربية النفوس: بيروت - دار القلم للنشر والتوزيع.
٢٧. بيضاوى، عبدالله بن عمر بن محمد الشيرازى، ناصر الدين، ١٤١٨ هـ. ق.، انوار التنزيل و اسرار التأويل: تحقيق: محمد عبدالرحمن المرعشلى: لبنان - بيروت - دار إحياء التراث العربى.
٢٨. ترمذى، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة، ١٤٠٣ هـ. ق. سنن الترمذى: تحقيق: عبدالرحمن محمد عثمان: بيروت - دار الفكر.
٢٩. جلال، عائشة عبد الرحمن سعيد الجلال، ١٩٨٥م. المؤثرات السلبية فى تربية الطفل المسلم وطرق علاجها: سعودى - جدة - دار المجتمع.
٣٠. حازمى، دوكتور خالد بن حامد الحازمى، ١٤٢٠ هـ. ق. ٢٠٠٠م. اصول التربية الإسلامية: مصر - قاهره - دار عالم الكتب.
٣١. حرانى، أحمد بن حمدان النمري الحراني أبو عبد الله، ١٣٩٧هـ. ق. صفة الفتوى والمفتي والمستفتي: تحقيق: الباني: بيروت - لمكتب الإسلامى.
٣٢. حموى، الدكتور عدنان الحموى العلبى، (ب - ت) الاساليب التربويه فى القرآن الكريم: قطر - جامعه قطر - كليه الدراسات الإسلاميه.
٣٣. خرم دل، دوكتور محمد مصطفى، ١٣٩١هـ. ش. ١٣٣٦هـ. ق.، تفسير نور: تهران - نشر احسان.

٣٤. دكتور عثمان قدرى مكانيس، ٢٠٠١م. من اساليب التربيه فى القرآن الكريم: بيروت - لبنان - دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزيع.
٣٥. دمشقى، ابو عبدالله محمد بن احمد بن الهادى دمشقى، ١٤١٧هـ، طبقات علماء الحديث: بيروت - مؤسسة الرساله.
٣٦. ذهبى، الامام شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبى، ١٤١٣هـ. ١٩٩٣ م. نزهة الفضلاء، تهذيب سير اعلام النبلاء: محقق: محمد بن حسن بن عقيل موسى الشريف: بيروت - مؤسسة الرساله.
٣٧. رازى، محمد بن عمر بن حسين الرقرشى الطبرستانى الشافعى الرازى، ١٤٢٠هـ. ق، تفسير مفاتيح الغيب: لبنان - بيروت - دار إحياء التراث العربى.
٣٨. زحيلى، و هبة بن مصطفى، ٢٠١٤م. التفسير المنير فى العقيدة و المنهج و الشريعة: سورية - دمشق - دار الفكر للنشر والتوزيع.
٣٩. زحيلى، و هبة بن مصطفى الزحيلي دمشقى، ١٣٨٦ هـ. ش، فقه خانواده در جهان معاصر: مترجم: عبدالعزيز سليمى: تهران - نشر احسان.
٤٠. زرکلى، خيرالدين بن محمود بن محمد بن علي بن فارس، ١٩٨٤م. الأعلام للزركلى: بيروت - دار العلم للملايين.
٤١. زمخشري، ابوالقاسم، محمود بن عمر، ١٤٢٣ هـ. ق. تفسير الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل: لبنان - بيروت - دار إحياء التراث العربى.
٤٢. زينو، محمد بن جميل زينو، ١٣٨٨هـ. ش. راهنماى مربيان براى تربيت دختران و پسران: مترجم: عبدالله عبدالهى: ١٦ تهران - نشر احسان.
٤٣. زينو، محمد بن جميل زينو، ١٤٢٤ هـ. ق. كيف نربى اولادنا و ما هو واجب الآباء والأبناء: رياض - دار الصميمى.
٤٤. سيد قطب، ١٤٢٥ هـ. ق، تفسير فى ظلال القرآن: لبنان - بيروت.
٤٥. سيوطى: الامام جلال الدين عبدالرحمن بن ابى بكر السيوطى، (ب - ت) تاريخ الخلفاء الراشدين: بيروت - دار الصادر.
٤٦. سيوطى، أبو الفضل جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر السيوطى، (ب - ت) الاتقان فى علوم القرآن: سعودى، مجمع الملك فهد.
٤٧. شائع، محمد بن عبدالرحمن، (ب.ت). الحوار فى قصص ابراهيم فى القرآن الكريم دروس و دلالات: نشر جامعة الشارقة.
٤٨. صابونى، محمد علي الصابونى، ١٤٠٢هـ - ١٩٨١م. مختصر تفسير ابن كثير: بيروت - لبنان - دار القرآن الكريم.

٤٩. صالح عبدالعزيز، عبدالعزيز عبدالمجيد، ١٤٠٥هـ. ق. التربية و طرق التدريس، مصر - القاهرة - دارالنصر للطباعة الاسلامية.
٥٠. صلابي، دكتور على صلابي، ١٣٨٨هـ.ش. ١٤٣١هـ.ق. عمر فاروق رضي الله عنه (بررسی وتحليل زندگانی خليفه دوم): بيروت - لبنان - دار المعرفة.
٥١. العمرى، دكتور اكرم ضياء، ١٣٩٤هـ.ش. ١٤٣٧هـ. ق. التربية الروحية والاجتماعية في الاسلام: ديجيتال، سايت كتابخانه عقیده.
٥٢. طبرانى، أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، ١٤١٥هـ.ق. المعجم الأوسط: مصر - القاهرة - دار الحرمين.
٥٣. طبرانى، سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني، ١٤٠٥هـ.ق. ١٩٨٥م. المعجم الصغير - الطبراني: بيروت - عمان - دار عمار - المكتب الإسلامي.
٥٤. طبرى، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، ١٤٢٠هـ، ق - ٢٠٠٠م. تفسير الطبرى: بيروت - مؤسسة الرسالة.
٥٥. طحاوى، أحمد بن محمد بن سلامة بن عبدالمك بن سلمة أبو جعفر الطحاوي، ١٣٩٩هـ. ق. شرح معاني الآثار: تحقيق: محمد زهري النجار.
٥٦. طنطاوى، محمد سيد الطنطاوى، ١١٩٧م.، التفسير الوسيط: مصر - القاهرة - دار نهضة مصر للطباعة و النشر والتوزيع.
٥٧. عدنان حسن صالح، ٢٠١١م. مسؤولية الأب المسلم في تربية الولد في مرحلة الطفولة: سعودى - جدة - دار المجتمع.
٥٨. عزي، عبدالمنعم صالح العي العزي، ١٤٣١هـ. ٢٠١٠م. تهذيب المدارج السالكين: مصر - دار النشر للجماعات.
٥٩. علوان، عبدالله ناصح علوان، (١٣٩هـ. ش.، ١٤٣٦هـ. ق.، چگونه فرزندان خود را تربيت كنيم؟ مترجم: عبدالله احمدى: نشر ديجيتال.
٦٠. علوان، عبدالله ناصح علوان، ١٤١٢هـ. ق. ١٩٩٢م. تربية الأولاد في الإسلام: مصر- دارالسلام للنشر والتوزيع.
٦١. العمرى، اكرم ضياء، ١٣٩٤هـ.ش، تربيت روحى وا اجتماعى: مترجم: محد آزاد شافعى: ديجيتال، سايت كتابخانه عقیده.
٦٢. غزالى، محمد بن محمد ابوحامد الغزالى، ١٤٢١هـ. ق. إحياء علوم الدين:لبنان-بيروت دارالمعرفة.
٦٣. فيومى، أحمد بن محمد بن علي الفيومي المقري(ب-ت)المصباح المنير: بيروت - المكتبة العلمية.
٦٤. قرطبي، محمد بن أحمد الأنصاري القرطبي أبو عبد الله، ١٤٢٧هـ.ق. ٢٠٠٦م. الجامع لاحكام القرآن: بيروت - مؤسسة الرسالة.

٦٥. قرطبي، محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح القرطبي أبو عبد الله، (ب-ت) تفسير قرطبي: بيروت - دار الفكر.

٦٦. قزويني، محمد بن يزيد أبو عبدالله القزويني، (ب.ت) سنن ابن ماجة: بيروت - دار الفكر.

٦٧. متقى، على بن حسام الدين هندی، ١٤١٣ق. كنز العمال: بيروت - مؤسسه الرساله.

٦٨. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة الميسره في الاديان والمذاهب المعاصر.

٦٩. محمد عبدالرحيم(ب-ت) أطفال نجباء في ظل الإسلام: سوريه - دار اليمامة للطباعة و النشر سلسله.

٧٠. محمد قطب، روش تربيتی اسلام: مترجم: محمد مهدي جعفری: تهران - پیام - بی تا.

٧١. مدكور، دوكتور على احمد، ١٤٢١ هـ.ق. مناهج التربية اسسها وتطبيقاتها: بيروت - دار الفكر العربي.

٧٢. مسلم، ابن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري، صحيح مسلم. تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، بيروت: دار إحياء التراث العربي.

٧٣. مسلم، پوهاند عبدالاحد مسلم، ١٣٩٦ هـ.ش. تعليم و تربيت دينی: افغانستان-كابل-انتشارات تمدن شرق.

٧٤. مصباح، پو هنمل قارى عبدالخالق مصباح، ١٣٩٢ هـ.ش. ثقافت اسلامی: كابل - مطبعة ویژه.

٧٥. نخبة من علماء التفسير وعلوم القرآن، ١٤٣١ هـ.ق. التفسير الموضوعی لسور القرآن الكريم: الإمارات العربية المتحدة - جامعه الشارقة.

٧٦. يك تعداد از علمای جيد وزارت ارشاد، حج و اوقاف. ١٣٩١ هـ.ش. اسلام و خانواده: افغانستان - كابل - د آئينه مطبوعاتي او فرهنگي مركز.

٧٧. يوسف محمد الحسن، ١٤٣٦ هـ.ش. گذری بر تربيت فرزندان در اسلام: مترجم: عبدالله دارابی: تهران- احسان.

٧٨. <https://ar.wikipedia.org/wiki> ويكيبيديا- الموسوعة الحرة.

٧٩. <https://hawzah.net/fa/Magazine/View/3674/6071/64073/%D8%AA%D8%B>

١-%D8%A8-%D8%A7-%D8%B2-

%D8%AF%DB%8C%D8%AF%DA%AF%D8%A7%D9%87-

%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85

Research Abstract

This article is entitled “Education (Training) via Quranic virtues” which is of great importance in the society; lots of people believe that Holy religion of Islam has not taken Education (Training) programs into consideration.

In addition, a big portion of these people think that Islam is only concerned about Halal and Haram, and issues of faith. This false belief towards Islam has led a big portion of our young generation towards atheism, and choosing non-Muslims as their role models. Therefore, all aspects of life including education (training) via Quranic virtues should be considered; in order to get the real happiness of both this world and hereafter.

This article contains an introduction and four chapters which includes: lexical meaning and explanation of education (training); importance of education; responsibilities, mistakes, and faults of educators towards subordinates; principles of methods and instruments of education; kinds of intrinsic education (spiritual education, intellectual education, ethical education, and emotional education); kinds of external education (physical education, social education, economical education). Also, experiments have shown that Education is one the most important and necessary points to be considered by parents and educators, and they should be aware of their children’s and students’ behavioral and psychological problems at different ages. Also, in the suggestion for supplementing this dissertation, I have mentioned some important and necessary reminders that we went through during our studies.

The introduction contains the research problem, the importance of research, the reasons for choosing the subject, the research questions, the literature and necessity of research, methods, research objectives, problems in the research, including research area and plan.

The brief form of the four chapters is as follows.

First Chapter

Education, its concept, importance and methods.

Second Chapter

The demands and means of Education from the perspective of the Holy Quran.

Third Chapter

Types of external education (training).

Fourth Chapter

Types of physical education.

Conclusion.

Suggestions

List of verses of the Holy Quran.

List of Prophetic Hadiths.

List of announcements.

References and sources.

Summary of Discussion.



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master program of

Taphseer and Hadith



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM Of Academic Affairs

Upbringing in the light of Holy Quran

(Thematic Interpretation)
(Master Thesis)

Student: Naseer Ahmad Omari

Instructor: Dr. Fasihullah Abdulbaqi

Year:

۲۰۲۰م / ۱۴۴۱هـ.ق / ۱۳۹۸هـ.ش



Salam University

Faculty of Sharia and Law

Master program of

Taphseer and Hadith



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

DM Of Academic Affairs

Upbringing in the light of

Holy Quran

(Thematic Interpretation)

(Master Thesis)

Student: Naseer Ahmad Omari

Instructor: Dr. Fasihullah Abdulbaqi

Year:

2020 م / 1441 هـ.ق / 1398 هـ.ش